

اصل عجب باید بجز اصدی را انکار نمایند
و ارباب هنر را محترم دارند .
حضرت بهمانه

خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر

۱۱

دوره ولایت

ناشر



عصر جدید

نویسنده چاپ و نشر کتاب

دارشانت - آلمان

نشریه سالانه

مجله هنر و ادب
آنگاه در لندن
سپهر

«انجمن ادب و هنر» در سال ۱۳۶۸ شمسی در آکادمی لندگ (سویس) تأسیس شده و برای توسعه، ترویج و اعتلاء زبان پارسی و شناسائی و تقدیر از موارث فرهنگی و هنرهای اصیل ایرانی می‌کوشد.

انجمن سعی دارد نقش مؤثر جامعه بهائی ایران را در پیشبرد و توسعه و تعالی ادب و فرهنگ آن سرزمین و نیز قدر و منزلت آثار ادبی و هنری بهائیان ایرانی را که تاکنون ناشناخته مانده است، به جامعه غیربهائی ایرانی بشناساند.

«انجمن ادب و هنر» برای نشر آثار ادبا، شعرا و هنرمندان بهائی تلاش می‌کند و به خلاقیت و نوآوری و پرورش و شکوفائی قریحه‌ها و استعدادهای ادبی و هنری آنان در حدّ مقدور کمک می‌نماید.

خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر شامل متن سخنرانی‌هایی است که توسط ادبا و محققان بهائی در مجامع سالانه انجمن در لندگ ارائه می‌شود. به این مجموعه به تناسب، آثار دیگری از سخنوران و نویسندگان بهائی اضافه می‌گردد.

* نقل مطالب این مجموعه با ذکر مأخذ آزاد است.

* مطالب و نظریات مندرج در مقالات معرّف آراء نویسندگان آنها است.

خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (۱۱)

«دوره ولایت»

نشریه سالانه انجمن ادب و هنر - آکادمی لندگ (سویس)

ناشر: مؤسسه عصر جدید - دارمشتات - آلمان

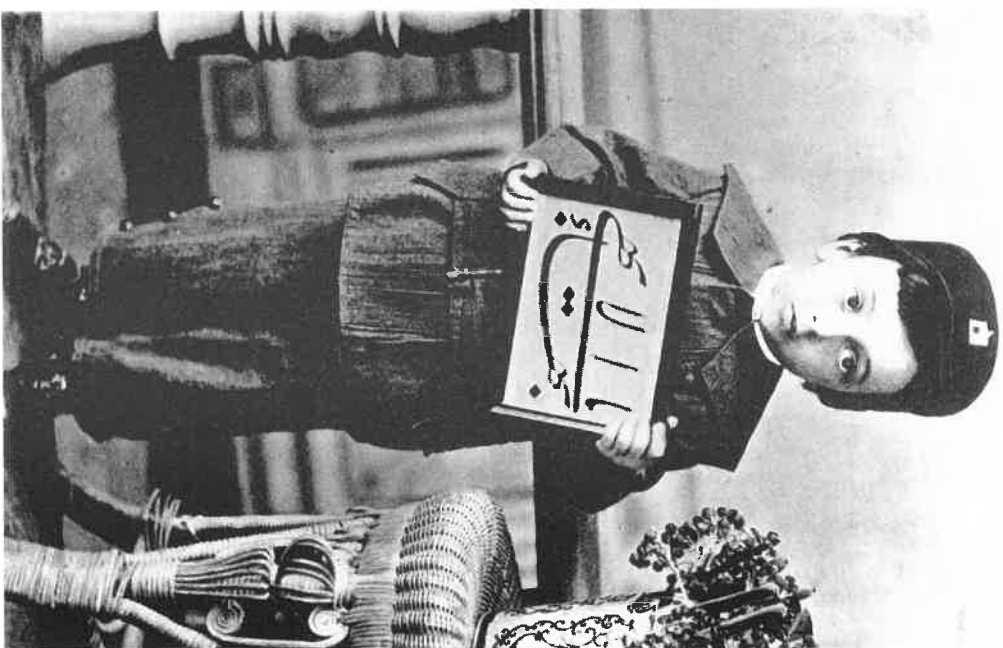
خوشنویسی الراح صدر مجموعه: امان‌الله موقن

چاپ اول

۱۵۷ بدیع - ۱۳۷۹ شمسی - ۲۰۰۰ میلادی

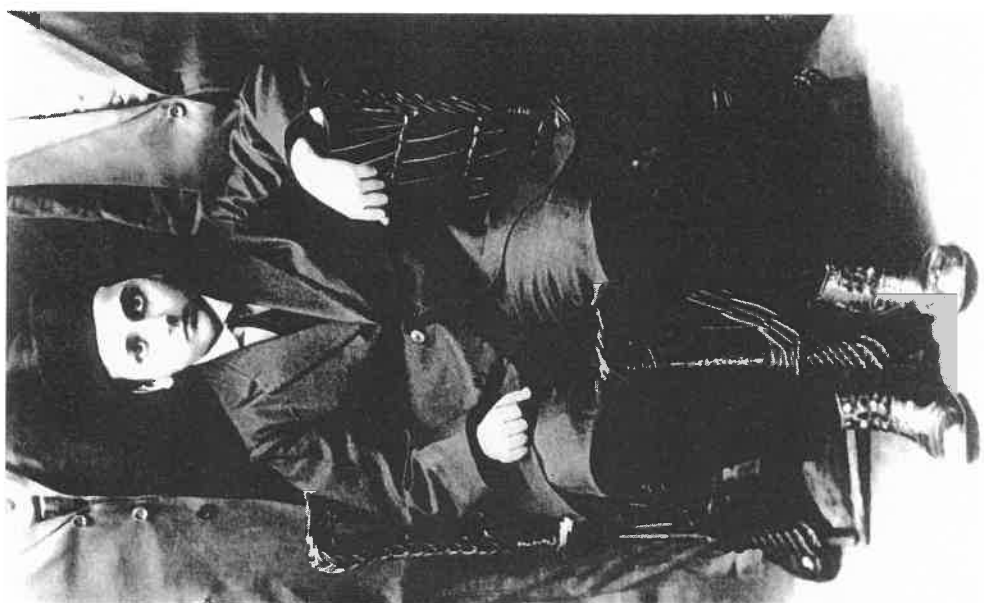


دو تصویر از دوران کودکی حضرت شرفی افندی





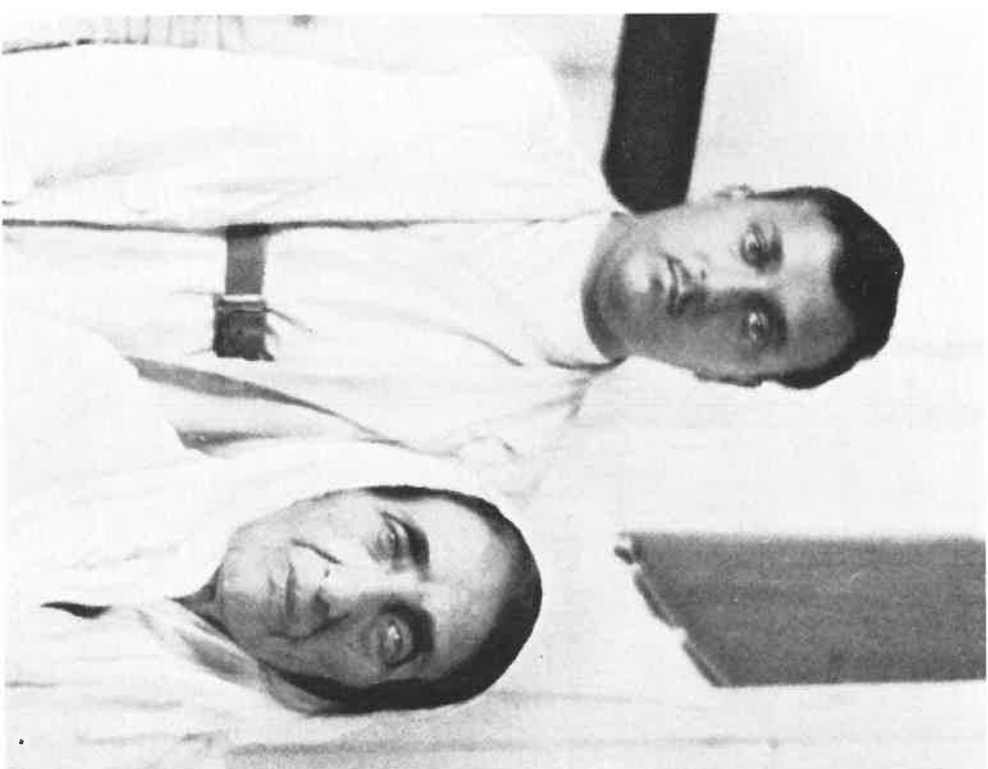
حضرت ولیّ امرالله در سن بیست و سه سالگی



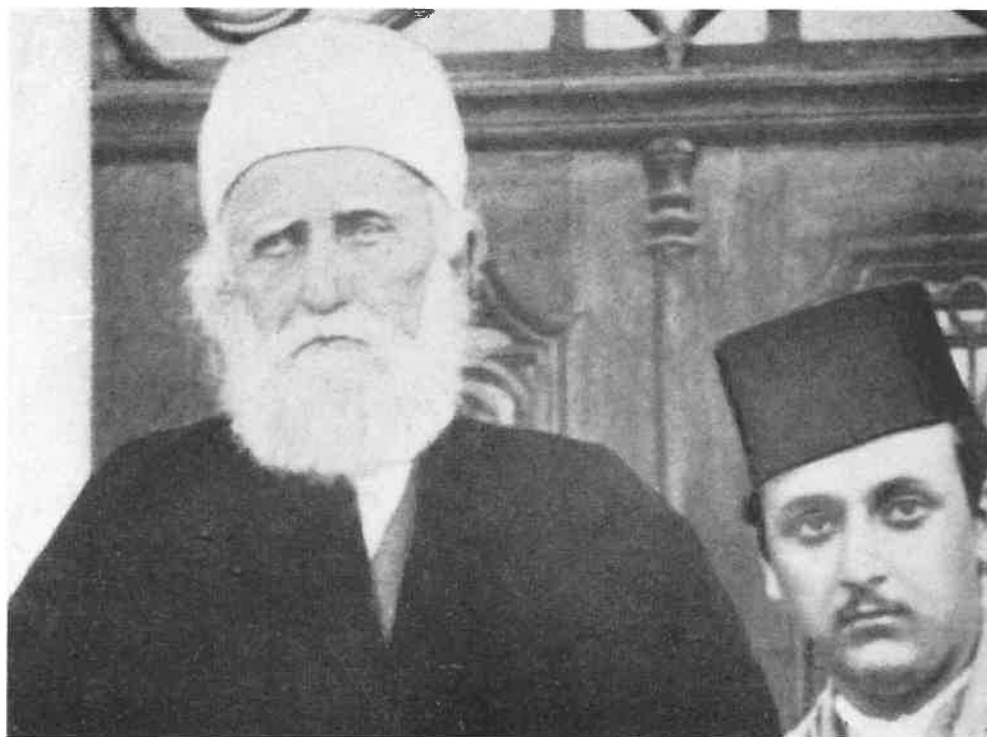
حضرت شوقی ربّانی در سن پانزده سالگی



حضرت ولی امرالله در حین ۱-۲۷-۱۹۲۲ هنگامی که
مسئولیت اداره جامعه بهائی را شددند



در حضور حضرت ورق مبارک علیا در سال ۱۹۱۹ قبل از
صریحت به انگلستان برای تحصیل



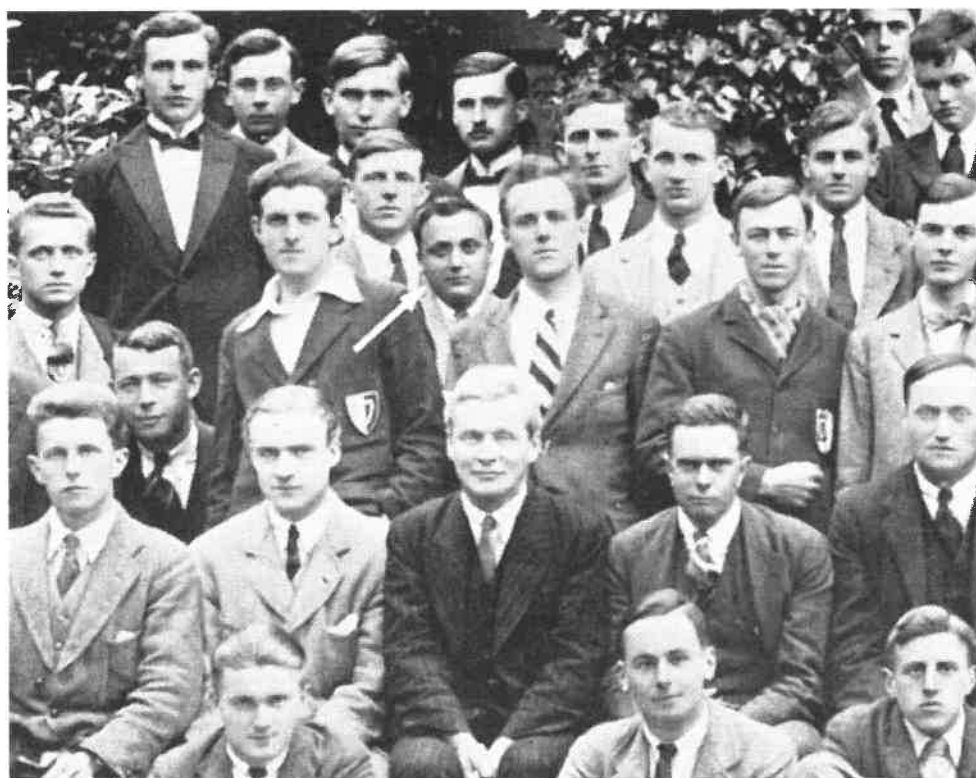
شوقی ربانی در حضور حضرت عبدالبهاء پدر بزرگ خود



عکسی است که در حيفا ۲ اکتبر ۱۹۱۹ در محضر انور حضرت عبدالبهاء برداشته شده.
حضرت شوقی ربانی پشت سر هیکل مبارك طرف چپ قرار دارند



هنکام تحصیل در مدرسه امریکائی بیروت همراه با ۱۰ نفر دیگر از شاگردان بهائی



حضرت شوقی ربّانی ایستاده در وسط، در میان دانشجویان کالج بالیول



آخرین عکس هیکل مبارک حضرت شوقی ربّانی ولی امرالله
که در سال ۱۹۵۷ چند ماه قبل از صعودشان گرفته شده است.

فهرست مندرجات

- ۱- سرآغاز
- ۲- بخش‌هایی از الواح وصایا
- ۳- نمونه‌هایی از آثار حضرت شوقی ربّانی ولیّ امرالله
- الف - حیات و آثار حضرت ولیّ امرالله**
- ۴- ولایت امرالله در عصر تکوین
- ۵- ولیّ امر
- ۶- آینده‌نگری در آثار حضرت ولیّ امرالله
- ۷- نگاهی به مضامین و سبک آثار حضرت ولیّ امرالله
- ۸- آثار و ترجمه‌های حضرت ولیّ امرالله به زبان انگلیسی
- ۹- نظری به توقعات انگلیسی
- ۱۰- آثار حضرت شوقی ربّانی و ترجمه‌های فارسی آنها
- ۱۱- نگاهی به تاریخ امر در دوره ولایت (۱۹۲۱-۱۹۵۷)
- ۱۲- آثار حضرت ولیّ امرالله
- ۱۳- مقایسه معماری هخامنشی و معماری یونان قدیم
- ب - هنر**
- ۱۴- سخن پایانی
- ۱۵- آشنائی با نویسندگان
- ۱۶- نشریات انجمن ادب و هنر
- | | | |
|-----|------------------|---|
| ۲۳ | علی نخجوانی | ۴- ولایت امرالله در عصر تکوین |
| ۳۹ | وحید رأفی | ۵- ولیّ امر |
| ۴۹ | شاپور راسخ | ۶- آینده‌نگری در آثار حضرت ولیّ امرالله |
| ۶۳ | وحید رأفی | ۷- نگاهی به مضامین و سبک آثار حضرت ولیّ امرالله |
| ۷۷ | الهام افنان | ۸- آثار و ترجمه‌های حضرت ولیّ امرالله به زبان انگلیسی |
| ۱۰۳ | سیروس علائی | ۹- نظری به توقعات انگلیسی |
| ۱۴۳ | بهرز ثابت | ۱۰- آثار حضرت شوقی ربّانی و ترجمه‌های فارسی آنها |
| ۱۵۱ | سیامک ذبیحی مقدم | ۱۱- نگاهی به تاریخ امر در دوره ولایت (۱۹۲۱-۱۹۵۷) |
| ۱۸۷ | حبیب ریاضتی | ۱۲- آثار حضرت ولیّ امرالله |

روی جلد: آرامگاه حضرت ولی امرالله، لندن - انگلستان.
پشت جلد: تخت جمشید.

به نام دوست یگانه

سپاس درگاه والای جمال اقدس ابهتی را که هیئت اجرائی انجمن ادب و هنر را به تشکیل یازدهمین دوره این انجمن که خود را به ترویج فرهنگ ایران و زبان فارسی و انواع هنرهای این سرزمین خجسته آئین و آشنایی به هنر و ادبیات بهائی به معنای عام کلمه موظف می‌داند موفق فرمود، دوره‌ای که به نام حضرت شوقی ربّانی ولیّ امر بهائی به تحقیق و تمعّن در توقیعات و آثار جاودانی حضرتش مطررز و مزین بود. استقبال دوستان از ممالک مختلف جهان از این محفل ادبی و هنری مانند همه سال شادی انگیز و امیدبخش بود و اینک متباهی و مفتخریم که حاصل مطالعات و خطابات ارزنده‌ای را که در آن دوره عرضه شد به نظر جمع وسیع‌تری از یاران بهائی و پژوهندگان علاقمند به فرهنگ بهائی می‌رسانیم.

انجمن ادب و هنر لندگ بی‌گمان منشأ جنبش و حرکت تازه‌ای در جهت مطالعه فرهنگ ایران در نقاط مختلف جهان بوده کما آنکه انجمن دوستانان فرهنگ ایران همه سال با شرکت صدها نفر دوستان بهائی جلسات پرشکوه خود را در شیکاگو برگزار می‌کند و برای بار نخست انجمنی از جوانان بهائی در پایان ماه اوت (اگست) سال گذشته (۱۹۹۹) در دوپورت-هلند گردهم آمدند و درباره هنر و ادب پارسی به مطالعه و گفت و گو پرداختند و از محضر سخنرانان دانشمند بهره بردند. در پایان سال نیز اجتماعی عظیم از علاقمندان به ادبیات و هنرهای این گرامی سرزمین در شهر لندن فراهم آمد و از جمله درباره آثار ارزشمند فاضل جلیل جناب اسدالله فاضل مازندرانی و دیگر مباحث دلچسب غور و تعمق شد.

انتشار کتابی از داستان‌های دلپذیر بهائی برای نوجوانان فعالیت دیگر انجمن در سال پیشین بود که مانند سایر انتشارات و از جمله مجلد نخست دانش و بینش (مجموعه سخنرانی‌های انجمن لندن در سال اول) و "خوشه‌های خرمن ادب و هنر" با حسن نظر و التفات خاص احباء مواجه گردید.

اکنون خوشوقت و سربلندیم که شماره ۱۱ خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر را تقدیم خوانندگان وفادار و مشتاق آن می‌کنیم، شماره‌ای که به یاد حضرت ولی امر رحمن، غصن ممتاز سدره الهی آراسته است و بی‌تردید با همه تفصیل، از بیان عظمت مقام و جلالت آثار آن حضرت ناتوان و درمانده. از پیشگاه قدس حضرتش ملتسمیم که به این انجمن و مسئولان آن توفیق ادامه خدمت در این مسیر پرچالش مرحمت فرماید زیرا شناساندن زبان شیوای فارسی و آثار نظم و نثر گرانقدر ادبی آن که محمل و مرکب وحی رحمن بوده است و وظیفه مقدسی است که نسل‌های پیاپی ایرانی تباران باید در ایفای آن کمر همّت استوار بندند و قدم استقامت فرانهند.

همّت بدرقه راه کن ای طائر قدس
که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

هیئت اجرایی انجمن ادب و هنر

قسمت هائی از الواح وصایای حضرت عبدالبہاء

ہوئے

حدائق صمان ہیکل امرہ بدیع المیشاق عن سهام اشہات وحمی حمی شریعتہ السعواء
ودوقی محبت البیضا بجنود عمودہ من هجوم عصبتہ ناقضتہ وثلثہ تہادمتہ لبنیان وحرص احسن
الحیین و دینہ البین برجال لا تاخذہم لومتہ لائم ولا تلہیہم تجارۃ ولا عترۃ ولا سلطۃ عن عمدتہ
ومیشاقہ اثبات بآیات بیانات من اثر لعلہم الاعلیٰ فی لوح حفیظ . والتحیۃ واتشنا
والصلوۃ والبعثاء علی اول غصن مبارک فخل نضریان من اسدرۃ المقدسۃ الرحمانیۃ ^{فشعب}
من کلتی الشجرین الربانیین - وابدع جوہر فریدۃ عصماء تملأ لأم من خلل لبحرین ^{المتلذذین}
وعلی فروج دوحۃ القدس اقمان سدرۃ الحق الذین ثبتوا علی البیاق فی یوم التلاق
وعلی ایدی امر اللہ الذین شرروا نجات اللہ ونطقوا بکج اللہ وبلغوا دینہم وروجوا شریعتہ
والنطقوا عن غیر اللہ وزہدوا فی الدنیا واجتہوا نیران محبتہ اللہ بن الضلوع والاشخاص من عبادہ
وعلی الذین آمنوا واطمأنوا وثبتوا علی بیاق اللہ واتبوا النور الذی یلوح ورضی من فحس اللہ
من بعدی الا وہو فرع مقدس مبارک فشح من الشجرین المبارکین طوبیٰ تنطل فی ظلہ الممدود علی العالمین...

ای ثابتان بر میان این طیر بان و پر شکسته و مظلوم چون آهنگ ملا اعلی نماید و به چنان
پنهان شتابد چشمت تحت اطباق قرار یابد یا منفقو و گردد باید افغان ثابته را سخن بر بیت شاق
که از سدره تقدیس روئیده اند با حضرات یادی امر الله علیم بحب الله و جمع یاران دوستان
بالاتفاق به شرف نجات تهر و تبلیغ امره و ترویج دین تهر به دل و جان میام نمایند دقیقه آرام نگیند
و آنی تهر راحت نکنند در ممالک و دیار منتشر شوند و آواره هر بلاد و سرگشته هر تلمیم کردند دقیقه
نیاسایند و آنی آسوده نگردد و نفسی راحت نجویند دهس کشوری نعره یا بهاء الابهی زنند
در هر شهری شهره آفاق شوند و در هر نخبه ای چون شمع بر افروزند و در هر محفلی نار عشق بر افروزند
تا در قطب آفاق انوار حق اشراق نماید و در شرق و غرب جم غفیری در ظل کلمه الله آید و نجات
قدس بوزد و وجوه نورانی گردد و قلوب ربانی شود و نفوس رحمانی گردد در این ایام هم امور
هدایت ملل و عمم است باید امر تبلیغ را مهم شمرد زیرا اس اساس است این عبد مظلوم شرب و روز
ب ترویج و تشویق مشغول گردید دقیقه آرام نیافت تا آنکه صیت امره آفاق را احاطه نمود و آوازه
ملکوت ابهی خاور و باختر را بیدار کرد یاران الهی نیز چنین باید بفرمایند نیست شرط وفا
و اینست مقتضای عبودیت آستان بجا حواریون حضرت روح بکلی خود را و جمیع شئون را فراموش نمودند
و ترک سر و سامان کردند و مقدس مونس از بهوی و هوس گشتند و از هر تعلقی بیزار شدند

و در محاکم و دیار منتشر شدند و به هدایت من علی الارض پرداختند تا جهان را جان بگیرند
و عالم خاک را تابناک نمودند و به پایان زندگی در ره آن لبس رحمانی جانفشانی کردند و هر یک
در دیاری شهباشدند پیش بذا فیعمل العالمون .

ای یاران مهربان بعد از مفقودی این مظلوم باید انصاف افغان سدره مبارکه و
ایادی امرالله و اجبای جمال الهی توجه به فرع دوسدره که از دو شجره مقدسه مبارکه اثبات شده
و از اقتران دو فرع دو حوضه رحمانیه به وجود آمده یعنی (شوقی افندی) نمایند زیرا آیت الله و سخنمان
و ولی امرالله و مرجع جمیع انصاف افغان ایادی امرالله و اجباء الله است و همین آیت الله من
بعده بکر بعد بکر یعنی در ساله او فرع مقدس ولی امرالله و بیت عدل عمومی که به انتخاب عموم پیش
و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال الهی و حر است و عصمت فاضل آنحضرت اعلی روحی لهم لفظ است
آنچه قرار دهند من عن الله است من خالفه و خالفهم فقد خالف الله و من عصاهم فقد عصی الله و من عارضه
عارض الله و من بازم فقد بازع الله و من جادله فقد جادل الله و من جده فقد جدد الله من انکره فقد
انکر الله و من انحاز و افرق و اعزل عن فقد اعزل و جنب و ابتعد عن الله علیه غضب الله علیه
و علیه نعمة الله حصین امرالله به اطاعت من هکذا ولی امرالله محفوظ و مصون باند و اعضای عدل
جمیع انصاف افغان ایادی امرالله باید کمال اطاعت و تکلیف و انقیاد و توجه و خضوع و خشوع را به ولی الله

داشته باشند اگر چنانچه نفسی مخالفت نمود مخالفت به حق کرده و سبب تثبیت امر الله شود
 علت تفریق کلمه الله گردد و مظهری از مظاهر مرکز نقض شود زنه از زنه از مثل بعد از صعود نشود
 که مرکز نقض آبی است کبار کرد ولی بهانه توحید جعلی نمود و خود را محرم نفوس را مشوش و مسموم
 البته به مغرور اراده فساد و تفریق نماید صراحتاً نمیکوید که غرض دارم لا بد به و سانی چند
 بهانه چون از مغشوش تثبیت نماید و سبب تفریق جمع اهل بیت گردد مقصود این است که ایادی
 باید بیدار باشند به محض اینکه نفسی بنامی اعتراض و مخالفت با ولی امر الله گذاشت فوراً آن
 شخص را اخرج از جمع اهل بیت نمایند و ابداً بهانه ای از او قبول نمایند چه بسیار که باطل محض
 به صورت خیر در آید تا القای شبهات کند ...

ای یاران با وفای عبدالبهاء باید فرج دو شجره مبارک و ثمره دوسره رحمانیه شتوی کنند
 را نهایت موعظت نمایند که بخار کرد و صحنی بر خاطر نورانی نشیند و روز به روز فرج و سرور
 و روحانیتش زیاده گردد تا شجره بارور شود - زیرا اوست ولی امر الله بعد از عبدالبهاء
 و جمیع افتان ایادی و اجبای الهی باید اطاعت او نمایند و توجه به او کنند من عصا امره
 فقد عصی الله و من اعرض عنه فقد اعرض عن الله و من انکره فقد انکر الحق این کلمات را مبادا
 کسی تاویل نماید و مانند بعد از صعود به ناقص ناکشی بهانه ای کند و علم مخالفت برافسازد
 و خود را بی گند و باب اجتهاد باز نماید نفسی را حق رانی و اعتقاد مخصوصی نه باید گلت
 اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ماعدا هم کل مخالف فی ضلال سبین و علیکم البها باله
 عبدالبهاء عجلت

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على
 سيدنا محمد وآله الطيبين
 الطاهرين
 أما بعد
 فإني أوصيكم بحسن الخلق
 وحسن العشرة
 وحسن الجوارح
 وحسن العمل
 وحسن النية
 وحسن الظن
 وحسن القول
 وحسن الفعل
 وحسن السر
 وحسن النجوى
 وحسن الخلق
 وحسن العشرة
 وحسن الجوارح
 وحسن العمل
 وحسن النية
 وحسن الظن
 وحسن القول
 وحسن الفعل
 وحسن السر
 وحسن النجوى

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على
 سيدنا محمد وآله الطيبين
 الطاهرين
 أما بعد
 فإني أوصيكم بحسن الخلق
 وحسن العشرة
 وحسن الجوارح
 وحسن العمل
 وحسن النية
 وحسن الظن
 وحسن القول
 وحسن الفعل
 وحسن السر
 وحسن النجوى
 وحسن الخلق
 وحسن العشرة
 وحسن الجوارح
 وحسن العمل
 وحسن النية
 وحسن الظن
 وحسن القول
 وحسن الفعل
 وحسن السر
 وحسن النجوى

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على
 سيدنا محمد وآله الطيبين
 الطاهرين
 أما بعد
 فإني أوصيكم بحسن الخلق
 وحسن العشرة
 وحسن الجوارح
 وحسن العمل
 وحسن النية
 وحسن الظن
 وحسن القول
 وحسن الفعل
 وحسن السر
 وحسن النجوى

مرقومه حضرت ولی امرالله به جناب میرزا جعفر رحمانی

نمونه‌هایی از آثار حضرت شوقی ربّانی ولیّ امرالله

• یکی از مناجات‌های حضرت ولیّ امرالله

هو الله

ای قویّ قدیر و حافظ امین، اغنام تو هستیم محافظه نما، منادیان امر توئیم، تأیید و توفیق بخش، ناشرین نفعه طیبه مسکيه الهيّه هستیم ما را از مادونت فارغ کن و پاک و مقدّس نما حامل پیام نجاتیم به اعمال و اخلاق ملکوتی در انجمن عالم مبعوث فرما منتظر ظهور بشارات توئیم و دل به وعده‌های محکمت بسته قوه‌ات را نمایان نما و به تحقّق آمال این قلوب محترقه را شاد و مستبشر کن این فئه مظلومه را از بدو ظهور در کھف منیع و ملاذ رفیعت محافظه فرمودی و در تحت سلاسل و اغلال آئین مُسینت را اعلان فرمودی و در آتش بلا رُخ حبیبانت را برافروختی و به دماء شهیدانت شجره امرت را سقایت کردی هیکل زیبای مقدّس امرت را از ظلم و جفای دول و ملوک عالم و لعن و طعن اعداء و دسائس ناقضان اهریمنان سُست عنصر حمایت و وقایت فرمودی و به انواع محن و بلایا و اسرت و غربت و نفی و زندان رافعین لوایت را مُمتحن و مخصّص فرمودی حال وقت نصرت و عزّت است ابواب آسایش و جلال را بر وجه این ستمدیدگان مفتوح کن و عظمت و سطوت قدیمه‌ات را نمایان نما بهائیان مظلوم را قوت عنایت کن و مفتخر و مشتهر نما و عالم ملک را در ظلّ ظلیل شریعت مقدّسه‌ات درآور آنچه را به ایرانیان که یاران عزیز تواند وعده فرمودی ظاهر کن و وعود الهيّه که در کتاب اقدسست مسطور اکمال و اتمام فرما توئی مقلّب قلوب و کاشف کروب توئی سمیع و مجیب و توئی قادر و توانا.

بنده آستانش شوقی

مرقومه‌ای از حضرت ولیّ امرالله متعلّق به دوران قبل از ولایت

مرقومه ذیل را حضرت ولیّ امرالله در زمان حیات حضرت عبدالبهاء در تاریخ ۱۸ رمضان ۱۳۳۱ (مطابق ۲۱ اگست ۱۹۱۳ م) از حیفّا خطاب به جناب میرزا جعفر رحمانی شیرازی (بانی مسافرخانه حیفّا) که در آن اوقات در عشق‌آباد سکونت داشته‌اند به خطّ شکسته نستعلیق مرقوم فرموده‌اند و به هنگام تحریر آن ۱۶ سال داشته‌اند. عطیه خانم مذکور در این مرقومه همسر جناب میرزا جعفر رحمانی شیرازی بوده‌اند.*

هوالبهی

دوست و انیس عزیزم و یار مهربانم را از این بقعه مبارکه نورا به تکبیرات ابدع ابهائی ذاکر و مکبرّم و در جمیع احوال از درگاه غنی ملیک علام طالب و سائلّم که آن محبوب را در ظلّ حمایت و رعایتش محفوظ دارد و موفق به رضایش نماید. باری پس از چند وقتی که در آتش هجر و فراق این عبد می سوخت ایّام وصال آمد و نیران شوق و اشتیاق که به فوران آمده بود ساکن و آرام گردید. به درجه‌ای قلب مسرور و خوش حال گردید که نزدیک بود که یاران مهجور را فراموش نمایم لکن فرط حبّ و دوستی شما مرا از فراموشی منع نمود حقّ علیم شاهد و گواهد است که همیشه در یادی و از صفحه قلب پاک نشده و نخواهید شد لا زال در اوقات تشرف یاد آن عزیز را می نمایم و طلب تأیید و توفیق می طلبم. باری الحمدلله در رمله اسکندریه وجود اطهر بسیار خوب و خوش است و ضعف و ناتوانی که استیلای کلی یافته بود خفیف و طفیف گشته حمد خدا را که حضرت عبدالبهاء مسرور و در جمیع احوال متبسم. باری امروز عرض کردم که مکتوبی از برای جناب آقا میرزا جعفر نگاشته‌ام چیزی نمی فرمائید در جواب فرمودند تحیت مرا به او ابلاغ دار باری امیدوارم که به سلامتی رسیده‌اید و همیشه مسرور و خوشوقت هستید احباءالله و اماءالرحمن را از قبل این عبد تحیت ابدع ابهائی ابلاغ دارید.

باقی، شوقی ربّانی

۱۸ رمضان ۱۳۳۱

(در حاشیه) حضرت ورقه مبارکه علیا روحی اللطافها الفداء به امه‌الله عطیه خانم و شما اظهار الثفات می فرمایند و تحیت ابدع ابهائی ابلاغ می دارند.

* فتوکبّی این مرقومه را جناب هادی رحمانی فرزند میرزا جعفر رحمانی به لطف برای خوشه‌ها ارسال داشتند.

● قسمتی از توفیق مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۳۲

«یا حزب الله فی المدن و الدیار. همّت لازم است همّت. البدار البدار وقت تنگ است درنگ منمائید. میدان خدمت مهیا فرصت گرانبها را غنیمت شمیرید. کتائب تأیید و فیالق توفیق به امر سلیمان سریر ملکوت حول عرش کبریا صف بسته کلّ مستعدّ خروج و نزول و هجومند. حیف است آنی تأمل و تردّد را جائز شمیریم. واقعه‌ها در پیش است و دشمنان پرکین امر بهاء از پس. مسامحه و مساهله مخّل در نظم امرالله و عدّت ازدیاد بطش و صولت و جرأت و جسارت اعدای دین الله. یوم یوم قیام است و زمان زمان استقامت بر امر مالک انام. دور دور بهائیان ایران است و کور کور ظهور غلبه امر حی لا یموت در آن سامان. این کلمات عالیات را که از کلک گهربار مبین آیات بینات صادر به یاد آرید. قوله الاحلی: «لعمرالله روح القدس ینفث فی فمکم و روح الامین یلهمکم فی قلبکم و شدید القوی عن یمینکم و جنود التّأیید تسعی عن شمالکم.»

ای برادران و خواهران روحانی ایام در گذر است تا وقت باقی جهدی باید که به آنچه شایسته و سزاوار این قرن افخم اعزّ امنع مشعشع الهی است موفق و مفتخر گردیم. حضرت عبدالبهاء می فرماید: «الیوم حقائق مقدّسه ملاً اعلیٰ در جنّت علیا آرزوی رجوع به این عالم می نمایند تا موفق به خدمتی به آستان جمال ابهی گردند و به عبودیت عبته مقدّسه قیام کنند.» هلموا بنا یا ملاً البهاء علی نشر هذه الانوار و خرق الاحجاب و الاستار و كشف الرموز و الاسرار و جذب افئدة اولی السطوة و الاقتدار و رفع الویة الاستقلال فی المدن و الدیار و اظهار خفیّات شریعة ربّنا البهیّ المختار بسطوة و شجاعة و وقار تتحریر منها طلعات الفردوس فی اعلیٰ الغرفات و عن ورائهن تلك الورقة البهیّة المحبوبة العلیا ثمرة دوحه البهاء و عرف قمیصه للعالمین..»

● قسمتی از توفیق مورخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۹

«ای ستاینندگان غصن اطهر الهی و علیا ورقة سدره عزّ صمدانی لسان و قلم این عبد ضعیف قاصر و عاجز است از تقدیر مقامات ممتنعه عالیّه آن دو ودیعه الهیه و ذکر مراتب تقدیس و تنزیه و بیان محامد و نعوت آن دو لطیفه ربّانیّه. طوفان بلایا و زوبعه رزایا که از بدو طلوع فجر هدی در موطن اقدس جمال ابهی غصن شهید دوحه بقا و امّ ملکوتی اهل

بهاء را احاطه نمود وصف توانم و از عهده ذکر مراتب صبر و سکون و مظلومیت و شفقت و سموّ منقبت آن دو نفس نفیس برنمایم. در فتنه سنه حین در اثر واقعه رمی شاه در ارض طاء علقم بلا را بپشیدند و در اسرت و غربت جمال ذوالجلال و نفی و سرگونی آن محبوب متعال به دارالسلام بغداد شریک و سهم گشتند. در سنین اولیه ورود به زوراء در ایامی که شمس جمال ابهی در کسوف حسد اولو البغضاء مکسوف و مقنوع بود مدت دو سال در آتش هجرش بگداختند و از اهل عناد نفوس واهیه سافله لاهیه ملامت و قدح و ذمّ بی منتهی تحمّل نمودند و در مدت اقامت نیر آفاق در عراق از تخویفات و انذارات و تعدّیات و تجاوزات اهل نفاق شب و روز آرام نداشتند و از صدمات وارده و انقلابات متزایده که از اعمال سیئه مرکز شقاق منبث دقیقه ای راحت نیافتند تا آنکه به تحریک رئیس عجم آن ظالم غدار و امر سلطان جبار آل عثمان و خلیفه اسلامیان از دارالسلام بغداد به مدینه کبیره و از آن مدینه به ارض سرّ در معیت آن مظلوم آفاق هجرت نمودند و به عذابی جدید و محنتی شدید گرفتار گشتند. رجفه کبری و طامه عظمی در آن اقلیم پرابتلا رخ بنمود و اریاح عقیم بوزید و طیور لیل به حرکت آمد و ندای سامری بلند شد و ایام شداد ظاهر گشت. زلزله به ارکان مؤمنین بیفتاد. طور یون منصع گشتند و مقرّبین به هلاکت عظیم افتادند و معدوم گشتند. آن غصن زیبا و ورقه علیا در بحبوحه بلا رخ برافروختند و چون پروانه حول شمع بهاء بسوختند و بساختند. ساغر کدر اشام را اسوه به و حباً لجمال و طلباً لرضائه مالامال نوشیدند و سود بیکران بردند و اکلیل موهبت کبری بر سر نهادند، الی ان تمّ المیقات و ظهر ما کان مذکوراً فی کتب الانبیاء و مسطوراً من القلم الاعلی فی صحائف عزّ بدیع. آن غصن رعنا و ورقه مظلومه منبته از سدره وفا و اهل حریم کبریاء در رکاب جمال ابهی به حصن عکا رهسپار گشتند و در منفای قاتلین و سارقین در اخر ب مدن دنیا مقرّگزیدند و در قشله عسکریه مدت دو سال محبوس و مسجون گشتند. غصن جلال حنظل جفا را چون غسل مصفاً بنوشید و از سدّ باب لقا بر وجه اهل بهاء بنالید و بزارید. شب و روز بر خدمت ابّ آسمانی قیام نمود و راقم آیات وحی الهی گشت. از عالم و عالمیان چشم بر بست و در بحر بیناتش مستغرق شد. از هستی خود بیزار شد و به جمالش دل بست رنجور و علیل گشت و عاقبه الامر در عنفوان شباب متوجّهاً الیه منقطعاً عن دونه مستغرقاً فی بحر کلماته

متمنياً بکلیته الفداء انجذاباً الی ملکوتہ بہ مظلومیت بی منتهی خود را فدای جمال ابھی نمود و تاج شہادت کبری بر سر نهاد...»

● قسمتی از توفیق مورخ نوروز ۱۰۱ بدیع (لوح قرن احتای شرق)

«ای اهل بهاء ملاحظه نمایند چگونه ید قدرت الهیہ مشتی از مستضعفین عباد را که به طایفه شیخیہ متشعبه از فرقه شیعه اثنا عشریہ منسوب و در سلک طلاب محشور و در انظار جمهور هم وطنان از علماء و فقهاء و ادبا و فضلا و متشرعین و ارباب مناصب عالیہ به نظر حقارت منظور و از مضلین و منحرفین از صراط سید المرسلین محسوب و در چنگ ملتی جاہل و متعصب و متوحش گرفتار و بہ قهر و سخط سلطانی معذب و از اسباب ملکیت و زخارف دنیویہ و شوکت و عزت و مکت و ثروت ظاہرہ بی بہرہ و نصیب مبعوث و مؤید فرمود و نصرت و برکتی عنایت کرد و عزت و سطوتی بخشید کہ در اندک زمانی متدرجاً با وجود ہجرات عنیفہ سلاطین و امرای سلسلہ قاجاریہ و تعرضات شدیدہ ملوک و خلفای اسلام و لطمات وارده از علماء و فقہای ملت فرقان و دسائس و مفتریات حزب شیطان و رؤسای بیان و تحریکات و وساوس ناقضان و ناکثان عہد و پیمان و تزویر و تدلیس متمردان و بی وفایان و اعتراضات و دسائس مبشرین ملت روح این فتنہ قلیلہ آوازہ اش در سبع طباق منتشر گردید و صیت عظمتش جہانگیر گشت امتی قوی البیان ثابت الارکان ممتدہ الفروع در ہشتاد اقلیم از اقالیم جہان ایجاد نمود و بہ تاسیس آئینی جدید و نظمی بدیع و جامعہ ای مستقل مؤید و موفق گردید در آغاز انتشارش این امر مبین از خطہ فارس مہد آئین نازنین بہ ممالک مجاورہ عراق و ہندوستان سرایت نمودہ در ممالک عثمانیان خیمہ و خرگاہ برافراخت در مدینہ کبیرہ مرکز خلافت عظمی و ارض سیر رنہ ملکوتیش مرتفع شد و زلزله بہ ارکان دولت جائرہ بینداخت سپس در ارض میعاد لائہ انبیاء و مرسلین مقر و مأوی جست و در مرج عکا ملحمہ کبری وادی النبیل مآدبہ اللہ مدینہ محصنہ بقعہ مبارکہ بیضاء استقرار یافت از سجن اعظم ندای مہیمنش گوشزد ملوک و سلاطین گشت و پرچم ہدایت کبرایش در بریہ الشام و اقلیم مصر و قفقازیا و ترکستان منصوب گردید سرپرده عظمتش در جبل کرمل در قرب مقام حضرت ایلیا مرتفع گشت و شریعت غرایش از صہیون جاری شد

صیحه‌اش از مکان قریب بلند شد و هیکل موعود به ایادی قدرت حضرت قیوم بنا گشت اندک اندک انوار الهیه‌اش در ممالک فرنگ سطوع یافت و در قطب امریک مهد مدنیّت الهیه جلوه‌ای حیرت‌انگیز نمود و در عواصم قارهٔ اروپ قلوب شیخ و شاب و وضع و شریف را به اهتزاز آورد و قبائل بعیدهٔ متباغضه را به وحدت اصلیهٔ دعوت نمود و در ظلّ سراپردهٔ میثاق مجتمع ساخت چین را به حرکت آورد و در اقلیم ژاپان و اقصی جنوب قارهٔ افریک و بلاد شاسعهٔ استرالیا و جزائر نائیهٔ محیط اعظم نغمهٔ جان‌افزایش را به گوش خاصّ و عامّ برسانید در آفاق غریبه و اقالیم شمالیه و ممالک جنوبیه بساطی جدید بگسترانید و قلوب جمعی را از امیر و حقیر به مغناطیس حبّش بر بود بر خصم لدود عاقبه الامر غالب گشت و از قیود اسارت و ذلّت برمید و صفوف دشمنان داخل و خارج و قدیم و جدید و دینی و سیاسی را متفرّق و متشتت ساخت چندی نگذشت عرش مطهر مبشر فریدش در دامنهٔ کرم الهی استقرار یافت و دو معبد عظیم الشانش در قلب قارهٔ آسیا و امریک به همّت فدائیان بی‌نظیرش به احسن وجه و اتقن وضع تأسیس شد علم هدایت کبرایش رفته رفته در شصت مملکت از ممالک مستقلّهٔ عالم در خاور و باختر مرتفع شد و کتب نفیسه و زبر قیمه‌اش به چهل لغت از لغات شرقیه و غربیه ترجمه و طبع و منتشر گشت دشمنان دیرینش از اهل سنت و جماعت در اقلیم مصر به حکم رؤسای شرع حجاب ستر را به دست خویش بدریدند و حقایق خفیه و اسرار مکنونهٔ شریعت مقدسهٔ الهیه را علی رؤوس الاشهاد اعلان نمودند و به انفصال و اصالت و استقلال شرع مبین خود بنفسه شهادت دادند و حکم صارم قاطع صادر نمودند متعاقب این قضیهٔ نظم بدیع جهان‌آرایش نقاب از رخ برانداخت و دعائم قصر مشیدش به ید حامیان دلیرش در نهایت استحکام برحسب وصایای محکمهٔ متقنهٔ مرکز عهد اقومش مرتفع و منصوب گردید در خلال این احوال مروّجین مبادی سامیه‌اش در بسط غیرا به عزمی آهنین و انقطاعی بی‌نظیر متشتت گشتند و به ابعد مدن عالم مهاجرت نمودند و در جزایر بعیدهٔ دو محیط اعظم متوکلاً علی الله متوطن گشتند قلب ممرّد اصفای علیاحضرت ملکهٔ معظمه را به مغناطیس محبهٔ الله بر بودند و در اعلیٰ المقامات کوس استقلال شرع بهاء را بکوفتند و در تشریح و تبیین اصول مدنیّت الهیه و اقامهٔ شعائر دینیّه و تنفیذ احکام الهیه و اعلان انفصال جامعه و اثبات اصالت شریعت سماویّه و تشکیل و تسجیل و تزئید

عدد محافل روحانیّه و وضع دساتیر و قوانین و انظمه محکمه متینه و تشیید حظائر قدس و معاهد دینیّه و توسعه دایره مشروعات متنوعه مفیده و تألیف و ترجمه و طبع کتب و رسائل نفیسه و تعیین و ابتیاع بقاع متبرکه و مشاهد مقدسه و اماکن تاریخیّه و تأسیس اوقاف امریّه در مُدن و قریّ در ممالک مختلفه چنان همّتی بگماشتند و شہامت و بسالت و تعاون و تعاضد و ثبات و استقامتی بنمودند کہ عاقبه الامر سراج الہی مشتعل گشت و حبه صغیره خرمی عظیم تشکیل نمود و حزب مظلوم بزرگوار شد و فتنه مقهوره قلیله مبدل به ہیئت جامعہ و موفق و مفتخر به وضع نظمی بدیع و اعلان آئینی مستقل و تشریح شرعی مبین و تأسیس مدنیّتی جدید گشت...»

● قسمتی از توقیع مورخ نوروز ۱۰۸ بدیع

«... این جاڈہ مجلل و زیبا کہ امتدادش از مقام اعلیٰ تا شہر حیفا و محاذی اعظم خیابان آن مدینہ مکرمہ است و بہ اشجار و ریاحین مختلفه مزین و بہ سرج مُضیئہ لامعہ منور و منظور نظر اہالی این سامان است و مایہ ابتہاج و افتخار ولایہ امور در این ارض من بعد حسب الاشارہ مرکز عہد الہی بہ شاہراہ ملوک و سلاطین ارض مبدل گردد و این تاجداران عظام و مُحرمان کعبہ رحمن پس از وصول بہ ساحل ارض مقصود و زیارت و طواف قبلہ اہل بہاء مطاف ملا اعلیٰ در مرج عکا بہ این مدینہ مکرمہ مشرفہ توجہ نمایند و بہ جبل کرمل صعود نمایند و بہ کمال شوق و ولہ و انجذاب بہ سوی این مقام محمود شتابند و از راہ این طبقات خاضعاً خاشعاً متذللاً منکسراً تقرّب بہ آن مرقد منور مطہر جویند و در باب حرم کبریا تاج را بر خاک اندازند و سجده کنان تراب مشکبیزش را تقبیل نمایند و لَبیک لَبیک یا علیّ الاعلیٰ گویان در رواق مقدّسش طواف نمایند و بہ کمال عجز و ابتہال آیات باہرات لوح کرمل را تلاوت نمایند و در حدائق و چمنستان‌های وسیعہ بدیعہ این مقرّاسنی و حظیرہ غنا و جنّہ علیا مشی و سیر نمایند و روائح معطرہ اش را استنشاق کنند و از اثمار طیبہ جنیّہ بدیعہ اش مرزوق گردند و آلام و محن و بلایا و رزایا و اسارت و مسجونیت و شہادت آن مظلوم عالم را با چشمی اشکبار و قلبی سوزان یک‌یک بہ یاد آرند و بہاء کرمل و آثار عظمت و قہاریّت و غلبہ و سیطرہ محیطہ قہار العالمین را در اطراف و اکناف این بقعہ مرتفعہ بہ رأی العین مشاهده نمایند

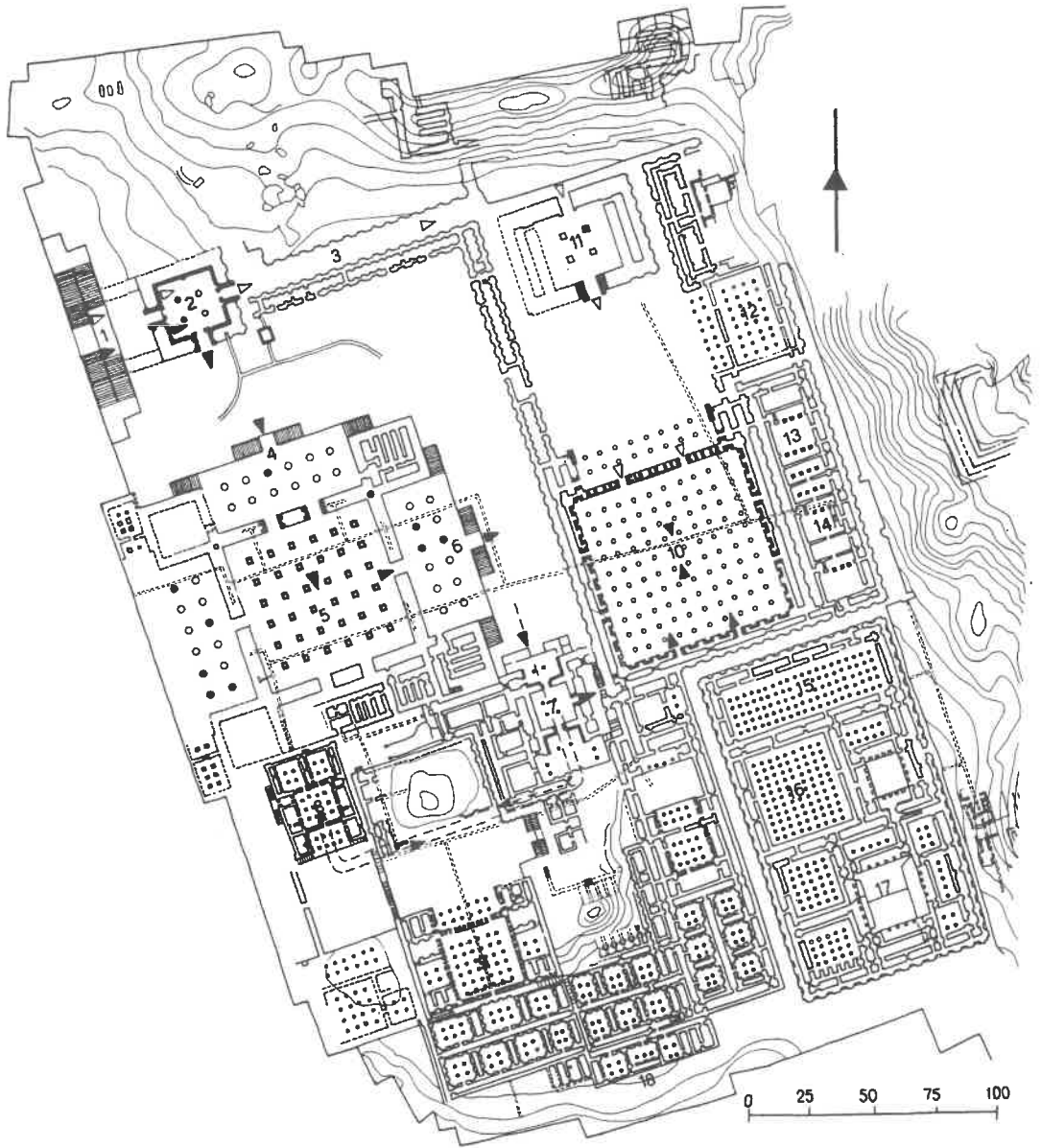
و به تسبیح و تمجید اله کرمل پردازند و پس از ادای فرائض زیارت و طواف مراقد مطهره در جوار مقام اعلیٰ و اشتراک در صلوة و تلاوت آیات ینّات در مشرق الاذکار آن جبل مقدّس و استفاضه و کسب دستور از مرکز اداری بین‌المللی آئین بهائی در آن جوار پرانوار و زیارت اماکن متبرّکه تاریخیّه و ادیان مختلفه در آن ارض به اقلیم مجاور عراق توجّه نمایند و به سوی مدینه‌الله بشتابند و فرائض حجّ بیت‌الله الاعظم را بتمامها ادا نمایند و از آن کشور مقدّس به مهد امرالله موطن اصلی شارع امر اعظم رهسپار گردند و به زیارت بیت مکرم در مدینه شیراز و اماکن متبرّکه در ارض طاء و ارض خاء و نقاط اخری که به قدوم مبارک جمال قدم و مبشر آن تیر اعظم مشرف و از دم عاشقان و شهیدان و فدائیان امرش ریّان پردازند و از آن دیار به ممالک و اوطان خویش هریک چون کُره نار مراجعت نمایند و با قلب مستبشر و روحی پرفتح به شکرانه عنایات مبذوله حضرت خفی الالطاف و ستایش و نیایش حضرت بدیع الاوصاف زبان گشایند و بر آنچه لازمه عبودیت صرفه محضه حقیقیّه آستان جمال بی‌مثال حضرت ذوالجلال است به عزمی متین قیام نمایند...»

● قسمتی از توفیق مورّخ نوروز ۱۱۰ بدیع

«... ای یاران عزیزتر از دل و جان تصوّر منمائید که تنفیذ و اجرای این نقشه و وصول به اهداف این جهاد خطیر جهانی روحانی در این ایّام پراغتشاش و انقلاب صعب و یا آنکه ممتنع و محال است اگر یاران باوفا چنانچه لایق و شایسته عبودیت آستان بهاست منقطعاً عن الجهات قیام نمایند و استقامت کنند این انقطاع و قیام و استقامت چنان نفوذی در هویت عالم امکان نماید و تأثیر در آفاق و انفس نماید که خود حیران گردند ان اذکروا فی هذا المقام ما صدر من قلم الميثاق «حضرت اعلیٰ روحی له الفداء می‌فرماید لو ارادت نملّة ان یفسّر القرآن من ذکر باطنه و باطن باطنه لتقدر لانّ السرّ الصمدانیّه قد تلجلج فی حقیقه الکائنات چون مور ضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل دیگر معلوم است که در ظلّ فیوضات جمال قدم روحی لاحبّانه الفداء چه عون و عنایت حاصل گردد و چه تأیید و الهام متواصل شود.»

ای یاران جان‌نثار به یقین بدانید که در نتیجه وقایع خطیره جسیمه که در پیش

است و انتصارات باهره که آثار اولیه‌اش در جامعه بهائی حال نمایان گشته و در اثر تأییدات لا ریبّه الهیه و انقلابات جهان که متتابعاً متزاید از پس پرده قضا ظاهر و پدیدار می‌گردد امر عزیز الهی در عهد آتیه عصر تکوین که عصر ثانی دور بهائی است و در عصر ذهبی که عصر ثالث و اخیر نخستین دور کور مقدّس است مراحل باقیه را در کافه ممالک و دیار که به انوار ساطعه‌اش در این قرن پر انوار منور گشته طی نماید و عود الهیه که در خزائن صحف قیمه مخزون است کلّ تحقّق یابد دوره مجهولیت که اولین مرحله در نشو و نمای جامعه اهل بهاست و مرحله ثانیه مظلومیت و مقهوریت که در وقت حاضر در کشور ایران امر مبارک جمال ابهی آن را طی می‌نماید هر دو منقضی گردد و دوره ثالث که مرحله انفصال شریعت الله از ادیان منسوخه عتیقه است چهره بگشاید و این انفصال بنفسه مقدمه ارتفاع علم استقلال دین الله و اقرار و اعتراف به حقوق مسلوبه اهل بهاء و مساوات پیروان امر جمال ابهی با تابعان ادیان معتبره در انظار رؤسای جهان و این استقلال مُمهّد سبیل از برای رسمیت آئین الهی و ظهور نصرتی عظیم شبیه و نظیر فتح و فیروزی که در قرن رابع از میلاد حضرت روح در عهد قسطنطین کبیر نصیب امت مسیحیه گشت و این رسمیت به مرور ایام مبدّل و منجر به تأسیس سلطنت الهیه و ظهور سلطه زمنیه شارح این امر عظیم گردد و این سلطنت الهیه مآلاً به تأسیس و استقرار سلطنت جهانی و جلوه سیطره محیطه ظاهری و روحانی مؤسس آئین بهائی و تشکیل محکمه کبری و اعلان صلح عمومی که مرحله سابع و اخیر است منتهی گردد اینست که می‌فرماید: «این ظلم‌های وارده عظیمه تدارک عدل اعظم الهی می‌نماید.» و این عدل اعظم یگانه اساس صلح اعظم و صلح اعظم کافل و ضامن استقرار وحدت اصلیه ملل و امم و این وحدت اصلیه کاشف سلطنت اسم اعظم در سراسر عالم خواهد بود. و این مرحله اخیر بنفسه مقدمه ظهور و جلوه مدنیّت حقیقیه الهیه و بلوغ عالم به رتبه کمال که اعلى المراتب است و تبدیل ارض به قطعه‌ای از فردوس اعظم «اذا ترى جنة الابهی» فسبحان ربنا البهی الابهی و سبحان ربنا العلی الاعلی...»



نقشه کاخ های شاهنشاهی هکامنشی - تخت جمشید

ولایت امرالله در عصر تکوین

علی نخجوانی

حضرت بهاءالله در کتاب وصیت خود که به کتاب عهد معروف است مقرر فرمودند که بعد از ایشان حضرت عبدالبهاء یعنی غصن اعظم جانشین باشند و بعد از غصن اعظم غصن اکبر. عبارت نازله در این باره این است: «قد اصطفینا الاکبر بعد الاعظم.»^۱ غصن اکبر تقریباً بلا فاصله بعد از صعود جمال مبارک بر علیه حضرت عبدالبهاء و عهد و میثاق آن حضرت قیام کرد و مآلاً جمعی از منتسبین و سایر اغصان را نیز دور خود جمع نمود و همه بر علیه عهد و میثاق الهی قیام کردند. به اعتبار بیان جمال مبارک در یکی از الواح که در ایران هم منتشر شده بود و درباره میرزا محمد علی چنین می فرمایند: «اگر آتی از ظل امر منحرف شود معدوم خواهد بود»^۲ احباء در ارض اقدس در بدایت و به تدریج در ایران و سایر نقاط ملتفت شدند که میرزا محمد علی غصن اکبر واقعاً ناقض اکبر است و بر علیه حضرت عبدالبهاء قیام کرده است. این خبر وقتی که در ایران شیوع پیدا کرد احباء بسیار مضطرب بودند که تکلیف وصیت جمال اقدس ابهی چه خواهد شد. البته بعدها در الواح وصایا این موضوع را حضرت عبدالبهاء توضیح دادند اما در ایام خود حضرت عبدالبهاء این سؤال مطرح بود. جناب وحید کشفی (لسان حضور) این مطلب را در عریضه ای حضور مبارک عرض می کند و حضرت عبدالبهاء این جواب را به او عنایت می فرمایند: «... چه انحرافی اعظم از نقض میثاق است... دیگر بعد الاعظم چه حکمی دارد و اغصان محصور در اشخاص نه، تسلسل دارد هر یک ثابت، مقبول و هریک متزلزل ساقط، چنانکه در الواح و زبر منصوص است...»^۳ این لوح مبارک در بین احباء در ایران به خط جناب محب السلطان منتشر شد. احباء در آن ایام نگران این قضیه بودند که چه خواهد شد و البته همه به بیانات حضرت عبدالبهاء ناظر بودند. مثلاً حضرت عبدالبهاء در یکی از بیانات خود در امریکا که ترجمه انگلیسی آن در مجله نجم باختر منتشر شد می فرمایند: «الیوم اهم امور ثبوت و رسوخ بر عهد و میثاق است که سبب رفع هر اختلاف است

عهدی که جمال مبارک گرفتند آن نیست که عبدالبهاء مظهر موعود است بلکه عبدالبهاء مبین کتاب و مرکز میثاق است و موعود حضرت بهاء الله بعد از هزار یا چند هزار سال ظاهر شود...» بعد در دنباله مطلب می فرماید: «این است عهد و میثاق حضرت بهاء الله هرکس از آن انحراف جوید در آستان مبارک مقبول نباشد اگر اختلافی در میان آید باید به عبدالبهاء رجوع نمایند و کلّ طائف حول رضای او باشند...» و در پایان مطلب به صراحت می فرماید: «بعد از عبدالبهاء چون بیت العدل اعظم تشکیل یابد او به رفع اختلاف پردازد.»^۴ (ترجمه)

در بیان دیگری درباره همین مسئله که آنهم به خطّ محبّ السلطان در ایران به چاپ ژلاتین بین احبّاء منتشر شد چنین می فرماید: «... عبدالبهاء مبین کتاب اوست و مرکز عهد او که عند الاختلاف باید رجوع به او شود اگر کسی تجاوز نماید مقبول درگاه بهاء الله نه.» و بلافاصله تصریح می فرماید: «بعد از عبدالبهاء هر وقت بیت العدل عمومی تشکیل شود دافع اختلاف خواهد بود.»^۵ نظر به این قبیل بیانات احبّاء به این نتیجه رسیدند که حال که میرزا محمد علی نقض عهد کرده بلافاصله یا در موقع مقتضی باید بیت العدل اعظم تشکیل شود و آن هیئت مرجع اهل بهاء خواهد بود. این نتیجه ای بود که اهل بهاء در تمام نقاط شرق و غرب عالم بهائی به آن رسیده بودند. موقعی که خبر صعود حضرت عبدالبهاء به امریکا رسید در نوامبر ۱۹۲۱ یک شماره از مجله نجم باختر در جریان چاپ بود. یکی از احبّای مقیم حیفاکه در حضور مبارک مشرف بوده نامه ای به سردبیر مجله نجم باختر که در آن ایام دکتر ضیاء بغدادی بود می نویسد که در این اواخر حضرت عبدالبهاء مکرراً به احبّاء می فرمودند که بعد از من بیت العدل اعظم است. به درجه ای این مسئله شیوع داشت که روزنامه تایمز لندن بعد از روز صعود (صعود مبارک ۲۹ نوامبر بود) یعنی در شماره چهارشنبه ۳۰ نوامبر ۱۹۲۱ مقاله ای مفصل درباره امر مبارک و حضرت عبدالبهاء و صعود آن حضرت و تعالیم حضرت بهاء الله درج نمود و در آخر مقاله نوشت که «حضرت عبدالبهاء جانشینی ندارد و امور جامعه بوسیله یک هیئت دوازده نفری اداره خواهد شد.» روشن نیست که نویسنده مقاله این رقم دوازده را از کجا آورده است، اما لابد فکر کرده است که چون حواریون حضرت مسیح دوازده نفر بوده اند هیئت مزبور هم دوازده عضو خواهد داشت. مقصود از این مقدمه آن است که بطور کلی چه یار و چه اغیار تصوّرشان این بود که بلافاصله بعد از صعود حضرت عبدالبهاء بیت العدل اعظم بوجود خواهد آمد.

حضرت عبدالبهاء در عین حال که این نوع بیانات را می فرمودند به حکمت کبری بیانات دیگری هم می فرمودند که با مسئله تشکیل بیت العدل فرق داشت. مثلاً به یکی از احبّای امریکا که راجع به وقایع بعد از صعود سؤال کرده این جواب را عنایت فرمودند: «لا تخافی اذا قطع هذا الغصن من ارض الناسوت... لان هذا الغصن ينمو بعد القطع من الارض و يعلو حتى يظلل على الآفاق.»^۶ این بیان حضرت عبدالبهاء البتّه با بیانات مبارکه راجع به تأسیس بیت العدل اعظم فرق دارد. در عبارت حضرت عبدالبهاء خطاب به جناب وحید کشفی اشاره لطیفی هست که می فرماید:

«اغصان محصور در اشخاص نه، تسلسل دارد.»^۷ یعنی فکر نکنید که چون من از این عالم رفتم و یا همه اغصان ایام الله ناقض شدند این سلسله به اتمام خواهد رسید بلکه تسلسل پیدا خواهد کرد و نیز تلویحاً اینکه این تسلسل در سلاله من خواهد بود.

سه نفر از احبای ایران بعد از نقض اغصان عریضه ای حضور حضرت عبدالبهاء عرض می کنند که تکلیف چیست؟ به این سه نفر جواب داده می فرمایند: «انّ هذا لسرّ مصون فی صدف الامر المختوم کالؤلؤ المکنون و سیلوح انواره و یشرق آثاره و یظهر اسراره.»^۸ برحسب ظاهر تباینی بلکه تناقضی در بیانات مبارکه موجود است زیرا هم ذکر بیت العدل از یک طرف در میان است و هم اشاره به نفس مقدّسی شده که بناست ظاهر شود و از سلاله مرکز میثاق باشد.

برای فهم این مطلب به آیات کتاب مستطاب اقدس رجوع می کنیم. در کتاب مستطاب اقدس درباره اوقاف آیه ای هست که می فرمایند:

«قد رجعت الاوقاف المختصة للخیرات الی الله مظهر الایات لیس لاحد ان یتصرّف فیها الا بعد اذن مطلع الوحی و من بعده یرجع الحکم الی الاغصان و من بعدهم الی بیت العدل ان تحقّق امره فی البلاد لیصرفوها فی البقاع المرتفعة فی هذا الامر و فیما امروا به من لدن مقتدر قدیر...»^۹

مطابق این آیه مرجعیت امر مبارک سه مرحله دارد: اول نفس جمال اقدس ابهیی، یعنی در ایام حیات جمال مبارک مرجعیت به خود ایشان راجع است. دوم اغصان که کلمه جمع است و سوم بیت العدل. چون کلمه اغصان جمع است پس بعد از صعود غصن اعظم می بایست اقلاً یک غصن دیگر موجود باشد تا این بیان حضرت بهاء الله مصداق پیدا کند. خیلی جالب توجه است که جمال اقدس ابهیی در لوحی خطاب به حضرت ورقای شهید در شرح مرجعیت امرالله پس از صعود حضرتشان بلکه بطور اخص در شرح مقام تبیین آیات الهی (زیرا در این قسمت لوح ذکر "ما لا عرفتموه من الكتاب" و فرع منشعب از اصل قویم شده) به کمال صراحت کلمه "غصنین" را به کار برده اند که اشاره ای به وجود دو مبین است.^{۱۰}

با تفکر در آیه کتاب مستطاب اقدس می توان به این نتیجه رسید که اگر ذکر بیت العدل را می فرمایند به ظن قوی به این جهت است که اغصان دیگر غیر از میرزا محمد علی که البته نقض عهد کرده بود مایوس شوند زیرا دیگر برای آنان امکان نخواهد داشت که مرکز امر شوند زیرا مرکز و مرجع امر بیت العدل خواهد بود. از طرف دیگر ممکن است به این منظور باشد که حضرت شوقی افندی که در آن ایام جوان بودند از تجاوز دشمنان و اهل عدوان محفوظ بمانند. اما در پرتو آنچه عملاً در امر مبارک واقع شد و شاهد آن بودیم هر دو بیان مبارک در واقع تحقق پیدا کرد. یعنی هم حضرت ولی امرالله مرکز و مرجع امر شدند و آن سر آشکار شد و هم مآلاً هیئت بیت العدل اعظم مرجع امور گردید. هیچ استبعاد ندارد که به همین سبب حضرت ولی امرالله ولایت الهیه را رکن اول نظم بدیع الهی و بیت العدل اعظم را رکن ثانی آن نظم شمرده اند^{۱۱} و در وصف این دو رکن آنان را جانشینان توأمان جمال اقدس ابهیی و طلعت میثاق محسوب

یک نکته لطیف دیگر آن است که بینیم از کلمه "بعد" چطور در آیه کتاب مستطاب اقدس استفاده شده است. می‌فرمایند: مرجعیت امر مبارک اول با مظهر حق یعنی خود جمال مبارک است بعد از ایشان، یعنی بعد از خاتمه دوره ایام الله، اغصان مرجعند و بعد از اغصان بیت العدل مرجع است. کلمه "بعد" که حد فاصل بین جمال مبارک و اغصان بود همان کلمه "بعد" در حد فاصل بین دوره اغصان و دوره بیت العدل قرار گرفته است. پس بیان مبارک حضرت عبدالبهاء که بیت العدل بعد از من است را باید اینطور فهمید که هنگامی که صعود مبارک واقع شود و بیت العدل بنا است تشکیل شود و حضرت عبدالبهاء در قید حیات نباشند راه باز است تا بیت العدل انتخاب و دایر شود و وظائف خود را بدون عضویت غصن انجام بدهد. البته عملاً هم اینطور واقع شد. به علاوه مطابق قسمت دوم الواح وصایا پس از صعود حضرت عبدالبهاء جامعه بهائی می‌توانست بیت العدل را تشکیل بدهد گو اینکه حضرت ولی امرالله هنوز در سنین طفولیت بودند و برحسب ظاهر قادر به اداره جلسات شور نبودند. پس مقصود مرکز میثاق را باید اینطور تلقی کنیم که چون در خطر عظیم بودند و امید ساعتی از حیات مفقود بود لذا وصیتهایشان در قسمت دوم الواح وصایا این بود که بیت العدل تشکیل شود و در همین مقام می‌فرمایند که این بیت العدل مصون است، ملهم است، این بیت العدل را باید همه اطاعت کنند و آنچه دستور بدهند مانند نص است. حضرت ولی امرالله در کتاب "دور بهاء الله" (*Dispensation of Bahá'u'lláh*) که به زائرین می‌فرمودند به منزله وصیت من است نیز مرقوم فرموده‌اند که هیئت منتخبه بیت العدل اعظم مهبط الهامات غیبیه الهیه است. پس این مطلب هم در Dispensation مذکور است و هم در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء. در این مقام لازم است بخاطر آریم که طبق توضیح حضرت ولی امرالله الواح وصایای حضرت عبدالبهاء هم متمم کتاب اقدس است و هم مندرجات اساسی و مواد اصولی آن کتاب مستطاب را بهم مرتبط می‌سازد.^{۱۳}

پیش‌بینی عصر تکوین

واضح است که حضرت عبدالبهاء در ایام خود می‌خواستند احباء را برای مرحله جدیدی که در تحولات امر آغاز خواهد شد آماده نمایند. در یکی از الواح خطاب به یکی از احبای امریکا نیز این مطلب را به لطافتی بی‌نظیر چنین بیان می‌فرمایند: «... ما حال در بدایت تابش شمس حقیقتیم، زمانی است که حضرت مسیح آن را ایام عروسی نامیده‌اند، بی‌شک امور خانه نامرتب است اما زمان نظم و ترتیب فرا خواهد رسید.»^{۱۴} (ترجمه)

در کتاب خاطرات نه ساله مذکور است که دکتر یونس خان افروخته به حضرت عبدالبهاء عرض می‌کند که شنیده شده که طفلی متولد شده است که زمام امور را در آینده به دست خواهد گرفت، آیا مقصود هیکل مبارک یک طفل حقیقی است؟ می‌فرمایند: «بلی صحیح است.»^{۱۵} بعد درباره وظائف و خدمات و موقیتهای این طفل سؤال می‌کند، در جواب می‌فرمایند: «ارتفاع امر در دست اوست.»^{۱۶} از

این اشارات چنین معلوم است که مرحله جدیدی در تاریخ تحولات امر مبارک منظور نظر حضرت عبدالبهاء بوده است.

یادی امرالله جناب ویلیام سیرز William Sears رساله‌ای درباره تشرّف خود نوشته‌اند و ذکر می‌نمایند که بین احبّای امریکا کاملاً مشهور و متداول بوده و هست که حضرت عبدالبهاء مکرراً به احبّای امریکا می‌فرمودند که «حال شاهد فضل من هستید اما روزی خواهد آمد که عدل مرا خواهید دید.»^{۱۷} (ترجمه) در رساله شرح صعود حضرت عبدالبهاء چنین مذکور است که:

«قریب به هشت هفته قبل از صعود حضرت مولی الوری به اهل بیت مبارک این حکایت را فرمودند، دیدم که در محراب جامع عظیمی رو به قبله در محلّ شخص امام ایستاده‌ام در این اثنا ملتفت شدم که عدّه کثیری از ناس دسته دسته داخل مسجد می‌شوند دائماً بر عدد نفوس می‌افزود تا آنکه جمّ غفیری شدند و همه در عقب من صف بستند همانطور که ایستاده بودم با صدای رسا صدای اذان را بلند نمودم بغتّه به فکرم رسید که از مسجد خارج شوم در خارج متذکّر شدم که چرا قبل از انجام نماز بیرون آمدم ولی به خود می‌گفتم اهمّیتی ندارد چون من ندای اذان را بلند نموده‌ام این جمّ غفیر به خودی خودشان نماز خواهند نمود...»^{۱۸}

در اینجا هم اشاره‌ای هست که مرحله دیگری در پیش خواهد بود.

حضرت ولیّ امرالله زمانی که در آکسفورد تشریف داشتند و سنّ ایشان بیست و سه سال بود در نامه‌ای که یک سال قبل از صعود حضرت عبدالبهاء مرقوم فرموده‌اند چنین نوشته‌اند:

«حیب روحانی و مقرب درگاه کبیرا را به جان و دل مشتاقم... الحمدلله در نهایت صحّت و امیدواری و سعی و اعتدال مشغول تحصیل لوازم و تهیّه اسباب خدمت این امر در مستقبل ایام هستم... امیدم چنان است که آنچه جوهر محاسن این بلاد و این جامعه است بزودی کسب نموده بسر منزل خود مراجعت نمایم و حقایق امریّه را در قالبی جدید نهاده خدمتی به آستان مقدّس نمایم.»^{۱۹}

ملاحظه فرمائید که این جوان بیست و سه ساله چه می‌گوید. می‌خواهد تعالیم حضرت بهاء‌الله را در قالبی جدید بگذارد و ارائه دهد. آیا این جوان یک جوان معمولی و عادی و متعارف است؟ حضرت ولیّ امرالله با حزن مفرط از صعود حضرت عبدالبهاء در سنّ بیست و چهار سالگی وارد حیفا شدند بطوری که وقتی اتومبیل ایشان به بیت مبارک رسید نمی‌توانستند خود داخل بیت شوند. دو نفر از دو طرف زیر بازوی آن حضرت را گرفتند تا بتوانند وارد بیت مبارک شوند. با این ضعف و غرق در احزان بعد از اینکه الواح وصایا زیارت شد دستور دادند که اصل سند عکسبرداری شود و به تمام مراکز فرستاده شود و بعد در همین احوال الواح وصایا را به زبان انگلیسی ترجمه فرمودند. ترجمه‌ای که امروز در دست احبّاء است همان ترجمه‌ای است که حضرت ولیّ امرالله در آن سال چند هفته بعد از ورود به

حیفاً تهیّه فرمودند. نفس ترجمه و ارسال الواح وصایا به جهات مختلفه به منابه اعلان آغاز دوره ولایت بود اما احدی شاید متوجه نبود که این شروع عصر تازه و مرحله جدیدی در تحولات امر مبارک خواهد بود. احبّاء همینقدر دانستند که مقصود از الواح وصایا تعیین جانشین است تا حضرت ولیّ امرالله مرجع کلّ امور بشوند.

تفاوت بین مقام سرّالّهی و مقام ولایت

یکی از کارهای حضرت ولیّ امرالله بلا فاصله بعد از صعود حضرت عبدالبهاء این بود که می‌خواستند برای احبّاء و اغیار ثابت کنند که من مانند عبدالبهاء سرّالله نیستم و دارای همان مقام نمی‌باشم. مثلاً حضرت عبدالبهاء به مسجد تشریف می‌بردند حضرت ولیّ امرالله از رفتن به مسجد خودداری فرمودند، هیچوقت در حین ملاقات دیگران در بیت مبارک در محلّ جلوس حضرت عبدالبهاء در اطاق پذیرایی بیت مبارک جالس نمی‌شدند، در لباس پوشیدن کت و شلوار معمولی غربی را می‌پوشیدند و بجای عمامه کلاه سیاه می‌گذاشتند. به احبّای شرق و غرب اعلان کردند که من شوقی افندی هستم القاب دیگر ابدأ شایسته و سزاور نیست. اگر در محفلی احبّاء مشغول تلاوت آیات یا مناجات بودند و ایشان وارد می‌شدند احبّاء به احترام ورود حضرت ولیّ امرالله بر می‌خاستند اما قیام احبّاء و توقّف در تلاوت مناجات را نمی‌پسندیدند (البته این رسم در ایام حضرت عبدالبهاء و جمال مبارک معمول بود). اگر یکی از یاران در مجلسی می‌خواست که در مدح حضرت ولیّ امرالله قصیده‌ای بخواند به محض اینکه ملاحظه می‌فرمودند که قصیده درباره ایشان است می‌فرمودند کافی است و تذکّر می‌دادند که این قصائد و مدائح باید منحصر به حضرت اعلیٰ، حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء باشد. اگر یکی از یاران عکس ایشان را طلب می‌کرد هرگز عکس خود را نمی‌فرستادند و بجای آن یکی از شمایل حضرت عبدالبهاء را ارسال می‌فرمودند.

در دوره حضرت عبدالبهاء و جمال مبارک احبّای محلی و حتّی غیر محلی رسمشان این بود که اگر ازدواجی قرار بود واقع شود به عرض مبارک می‌رساندند و طلب عنایت می‌نمودند و یا اگر طفلی متولّد می‌شد از هیکل اطهر می‌خواستند که اسمی برای طفل عنایت فرمایند. حضرت ولیّ امرالله این تقاضاها را به حضرت ورقه علیا رجوع می‌دادند و بعد از صعود حضرت ورقه علیا هم این رسم از بین رفت زیرا می‌فرمودند رضایت، رضایت والدین است و اسم فرزندان را هم خود انتخاب کنید.

در رساله Dispensation عبارتی موجود است که مضمون آن از این قرار است: با آنکه بین مقام حضرت عبدالبهاء و مظهر کلیّ الهی فاصله عظیم است ولیکن بین مرکز میثاق و ولیّ امر این فاصله به مراتب اعظم است.^{۲۰}

بشارت تولد نظم بدیع الهی

با وجود اینکه الواح وصایا زیارت و ترجمه و منتشر شد معدلک دو امر برای احبّاء هنوز پوشیده بود و حضرت ولیّ امرالله در نهایت حکمت و محبّت این مسائل را به تدریج برای احبّاء توضیح می‌دادند. یکی اینکه اعلان این وصایا عصر جدیدی را در تحولات امر مبارک افتتاح کرده است، دوّم اینکه این عصر جدید مقدر بوده است که شاهد تولد مولودی جدید بشود که آن نظم بدیع جهان آرای الهی است، نظم بدیعی که ولید میثاق است و در عصر اول دور بهائی مرحله جنینی خود را طی می‌کرده است.

حضرت ولیّ امرالله در اوایل دوره ولایت خطاب به احبّای ایران می‌فرمایند: «... تکلیف شدیدم آن است که افکار را حصر نموده به تمام قوی و به مشورت احبّاء متوجّه‌ا‌لیه و معتمداً علیه تمهیدات مهمّه لازمه از برای تشکیل آن مرجعی که در مستقبل حلال مشکلات و واضع احکام و شرایع غیر منصوصه و مبین امور مبهمه است حتّی المقدور فراهم آرم...»^{۲۱} و نیز درباره هدف اصلی رسالت خود در توقیعی دیگر چنین می‌فرمایند:

«... اما آنچه راجع به ترتیب و تمشیت امور روحانیّه احبّاء است همانا تقویّت اساس محافل مقدّس روحانی است در تمام نقاط چه که بر این اساس محکم متین در مستقبل ایام بیت عدل اعظم الهی استوار و برقرار گردد و چون این بنیان اعظم بر این اساس اقوم مرتفع شود نوایای مقدّسه الهیه و حکم و معانی کلیّه و رموز و حقائق ملکوتیه که در وصایای مبارکه الهامات غیبی حضرت بهاءالله ودیعه گذاشته به تدریج ظاهر و آشکار گردد و جلوه نماید.»^{۲۲}

کلمه "رموز" در این مقام شایسته توجه است. اغلب احبّاء الواح وصایا را می‌خواندند اما رموزی در آن نمی‌دیدند و چنانکه ذکر شد فکر می‌کردند که جانشینی معین شده است اما بیش از این چه رموزی قابل تصوّر بود؟

ذکر نظم بدیع الهی در کتاب مستطاب بیان و هم در کتاب مستطاب اقدس است ولی ما اهل بهاء چه در شرق و چه در غرب متوجّه معنی آن نشده بودیم. در کتاب مستطاب بیان می‌فرمایند: «طوبی لمن ینظر الی نظم بهاءالله و یشکر ربّه.»^{۲۳} فضلاّی امر آیه کتاب مستطاب اقدس را که اشاره به آیه کتاب مستطاب بیان دارد یعنی آنجا که می‌فرمایند: «قد اضطرب النّظم من هذا النّظم الاعظم و اختلف التّرتیب بهذا البدیع الّذی ما شهدت عین الابداع شبهه»^{۲۴} این نظم را تعبیر به نظم و ترتیب آیات نازله در کتاب مستطاب اقدس می‌کردند، در صورتی که جمال مبارک در یکی از الواح راجع به این نظم این بیان مبارک را می‌فرمایند: «هذا النّظم الّذی به انتظم العالم بعد الّذی کان فی تشتّب و انقلاب عظیم.»^{۲۵}

تأکید حضرت ولیّ امرالله در سنین اولیّه ولایتشان بر این بود که محافل روحانی تشکیل شود بعد به تدریج محافل ملی تشکیل گردد. در توقیع مبارک حضرت ولیّ امرالله مورّخه شهرالعلاء ۱۰۱

می‌فرمایند:

«... پله‌های مرقد مبارک [حضرت ورقه علیا] به منزله محافل محلّیه است نه افراد و اعمده یعنی ارکان و ستون‌های مرقد به منزله محافل مرکزی روحانی و قبّه مرقد که بعد از نصب ارکان مرتفع می‌گردد به منزله بیت عدل اعظم است که برحسب وصایای مبارکه باید بیوت عدل خصوصی یعنی محافل مرکزی در شرق و غرب انتخاب نمایند.»^{۲۶}

در اوائل دوره ولایت حضرت ولیّ امرالله در آثار خود کلمه "نظم" را استعمال نمی‌فرمودند و در انگلیسی بجای Administrative Order و یا World Order عبارت Bahá'í Administration را به کار می‌بردند. در فارسی هم عبارت تشکیلات بهائی استعمال می‌شد. تا آنجایی که معلوم است اولین دفعه‌ای که حضرت ولیّ امرالله بجای کلمه تشکیلات بهائی در آثار فارسی کلمه "نظم بدیع الهی" را به کار برده‌اند در سال ۱۹۴۱ یعنی بیست سال بعد از صعود حضرت عبدالبهاء بود. اما در آثار انگلیسی طور دیگری با احتیای غرب رفتار کردند. اولین دفعه‌ای که کلمه "نظم بدیع الهی" در تویعات مبارکه به انگلیسی ذکر شده در فوریه ۱۹۲۴ یعنی تقریباً دو سال و چند ماه بعد از صعود حضرت عبدالبهاء است. در این تویع به صراحت می‌فرمایند که نظم بدیع موضوع اساسی الواح وصایا است و این الواح حاوی رموز و اشارات مکنونه‌ای است که حقایق و معانی آنها پس از تشکیل بیت العدل اعظم ظاهر و آشکار خواهد شد.^{۲۷}

حضرت ولیّ امرالله از سال ۱۹۲۴ به بعد به تدریج کلمه Administration را در آثار انگلیسی خود کنار گذاشتند و اصطلاح The System of Bahá'u'lláh و بالاخره کلمه Administrative Order را به کار بردند. مطابق توضیحات هیکل اطهر برای احتیای غرب این کلمه Order یعنی این نظم که در کتاب مستطاب اقدس آمده است دو مرحله دارد: مرحله اول نظم اداری یعنی Administrative Order است و بعد از اینکه این نظم اداری بالغ شد به مرحله دوم می‌رسد که آن نظم بدیع حضرت بهاءالله یا World Order of Bahá'u'lláh است. اما در آثار فارسی شرح نظم بدیع الهی موكول به صدور لوح قرن یعنی تویع مبارک نوروز ۱۰۱ بدیع گردید و در آن تویع بیان فرمودند که این اصطلاح "نظم بدیع جهان‌آرای الهی" چیست و چه مشخصاتی دارد ولی مطلب را به اختصار بیان فرمودند و دو مرحله را در یک مرحله محسوب کردند و نظم اداری و نظم بدیع الهی در یک عبارت "نظم بدیع جهان‌آرای الهی" مندمج گردید.

همچنین حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند که نظم بدیع به منزله نوزادی است که بعد از صعود حضرت عبدالبهاء تولّد یافت. بنا به فرموده مبارک این طفل «از اقتران معنوی بین قوه فاعله فائضه دافعه شریعت‌الله که از شارع قدیر مندفع و مندفع گشته و لطیفه میثاق که در حقیقت مرکز عهدالله و میثاق آیات‌الله مستور و مخزون و مندمج بوده ظاهر گشته و بوجود آمده...»^{۲۸} اما از همه مهم‌تر این نکته است که نظم بدیع فقط یک سازمان یا تشکیلات نیست بلکه این نظم حکم جسمی را دارد که صورت ظاهری

و محلّ تجلّی روح نباض الهی است. یعنی آن قوّه قدسیّه دافعۀ فعّالۀ جمال اقدس ابهت و شریعت جمال مبارک که در عصر رسولی مرکزش جمال مبارک بودند و بعد در هیکل و رسالت حضرت عبدالبهاء تجلّی نمود همین قوّه بعد از صعود حضرت عبدالبهاء در مؤسّسات امریّه حلول کرد و تجسّم یافت یعنی نظم بدیع تجسّم این روح و این فیض الهی است و مؤسّسات بهائی به منزله مجاری و قنواتی هستند که وسیله ایصال فیض نامتناهی الهی به جهان بشری می‌باشند.

شیوه کار و شخصیت حضرت ولیّ امرالله

ذکر چند کلمه راجع به شیوه کار و شخصیت حضرت ولیّ امرالله در این مقام بسیار مناسب است. از شیرین‌ترین و لطیف‌ترین توصیف‌هایی که از حضرت ولیّ امرالله می‌توان کرد همان مقاله حضرت روحیه خانم است که در موقع انقضای بیست و پنج سال بعد از ولایت امر آن را تحت عنوان *Twenty Five Years of the Guardianship* مرقوم فرمودند و چاپ شد. متأسفانه این مقاله هیچوقت به فارسی ترجمه نشده است. در این مقاله حضرت حرم شرح حالات و نحوه کار و اقدامات حضرت ولیّ امرالله را به رشته تحریر کشیده‌اند. در ۱۹۳۷ از دواج حضرت ولیّ امرالله با روحیه خانم واقع شد و موقع نوشتن این مقاله بیست و پنج سال بعد از صعود حضرت عبدالبهاء یعنی سال ۱۹۴۶ بود یعنی نه سال از اقتران هیکل مبارک گذشته بود. بنا بر این مدّت نه سال حضرت حرم شاهد و ناظر نحوه کار حضرت ولیّ امرالله و اقدامات ایشان بوده‌اند. یک فقره آن مقاله که به فارسی ترجمه شده به این شرح است:

«... ما به سهم خود مرد جوانی را مشاهده می‌نمودیم که سگان امر الهی را به دست گرفته و بعضی از دوستان احساس وظیفه می‌کردند که باید او را نسبت به آنچه باید انجام دهد نصیحت نمایند. ولی به سرعت همه دریافتیم که مقام حضرت شوقی افندی بسیار متعالی تر از آن است که قابل احاطه و ادراک باشد. نه منسوبین هیکل اطهر نه متقدّمین جامعه امر نه کسانی که تازه بهائی شده بودند نه کسانی که خیر امر را می‌خواستند و نه کسانی که افکاری سوء در سر می‌پروراندند هیچیک نتوانستند جریان و مسیر قضاوت یا تصمیمات حضرت ولیّ امرالله را تحت تأثیر خود قرار دهند. ما سریعاً دریافتیم که آن حضرت نه تنها مهتدی به هدایت الهیه‌اند بلکه به اراده الهی در حضرتش دقیقاً صفات و کمالاتی به ودیعه گذاشته شده که لازمه بنای نظم اداری بهائی است، آن حضرت متحدکننده یاران در مساعی عمومی آنان و هم‌آهنگ کننده فعالیت‌های احبّای الهی در سراسر عالم بودند. حضرت ولیّ امرالله به سرعت نبوغ خارق‌العاده خود را در اداره امور، در حلّ و فصل مشا کل، در تجزیه و تحلیل وقایع و سپس در ارائه راه حلّ‌های عادلانه و حکیمانه برای رتق و فتق آنها بمنصه ظهور رسانیدند. هیکل اطهر قویّ الاراده بودند و با تصمیم قاطعانه و شجاعتی بی‌منتهی عمل می‌نمودند. کسانی که از نعمت زیارت حضرت ولیّ امرالله برخوردار

می‌شدند فوراً مسحور شوق و شور، عواطف صمیمانه و قلبی، رعایت حال دیگران، خضوع و فروتنی جبلی، مهربانی ذاتی و لطافت و جذایت آن حضرت می‌گشتند. چرخ امر الهی که در هنگام صعود حضرت عبدالبهاء لحظاتی کوتاه از حرکت باز ایستاده بود با سرعتی به مراتب بیشتر از قبل مجدداً شروع به حرکت نمود. پدر بسیار صبور و عفو ما که او را بسیار خسته نموده بودیم و شاید بیش از اندازه تصور سبب تشویش خاطر مبارکش شده بودیم حال از بین ما مفارقت فرموده و بجای آن حضرت برادر حقیقی ما [هیكل مبارک نامه‌های احبای غرب را که امضاء می‌فرمودند بجای "بنده آستانش شوقی" به انگلیسی مرقوم می‌فرمودند Your true brother - برادر حقیقی شما] جوان و مصمم ایستاده بود تا مشاهده نماید که سرانجام امور و وظایفی را که حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء برای ما تعیین و مقرر فرموده بودند بمنصه اجرا و عمل درآوریم و دقیقه‌ای از وقت خود را بیهوده تلف ننمائیم...»^{۲۹}

نکات دیگری که درباره نحوه کار حضرت ولی عزیز امرالله می‌توانیم ذکر کنیم از این قرار است:

- ۱- تشخیص ترتیب اولویت امور روزانه و برنامه‌ریزی دقیق برای اجرا و اتمام آنها.
- ۲- حصر توجه در اجرای امور مهمه محتومه ضروریه.
- ۳- رعایت نظم و ترتیب و ضبط و ربط و انضباط در جمیع شئون.
- ۴- طرح‌ریزی دقیق و تمرکز قوا برای تحقق اهداف تعیین شده به کمال هوشیاری و اتقان.
- ۵- سحرخیزی و شروع کار از اسحار و عدم اعتنای غیرضروری به خستگی بدن.
- ۶- نگهداری دفتر محاسبات روزانه و درج ارقام مخارج جزئی و کلی.
- ۷- صرفه‌جویی و نظارت دقیق در مخارج.
- ۸- خودداری از خرید اشیاء و یا امضاء قراردادی که به تشخیص مبارک اجحافی در بر داشت و یا از حد اعتدال و انصاف خارج بود.
- ۹- تزئین مقامات متبرکه که و حدائق ارض اقدس با رعایت اصول تقارن و تناسب و زیبایی.
- ۱۰- انتظار اقدام سریع و اطاعت فوری مؤسسات امریه و افراد جامعه از اوامر صادره.
- ۱۱- تقدیر و فیر و صمیمانه و حتی سخاوتمندانه از خدمات برازنده نفوس چه یار و چه اغیار.

سه منشور مقدس

یکی از نکاتی که حضرت ولی عزیز امرالله در آثار خود به شرح و توضیح آن پرداختند این بود که در آثار مبارکه سه منشور مقدس وجود دارد که شایسته مطالعه و تعمق و فیر است:

اول- لوح مبارک کرمل که به منزله منشور اساسی برای تأسیسات و مشروعات مقدسه در ارض اقدس است.

دوم- الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء که منشور اصلی جهت ایجاد مؤسسات نظم بدیع الهی است.

سوم- الواح نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء خطاب به یاران امریکای شمالی که منشور تبلیغ و نشر و توسعه امر الهی در سراسر جهان است.

در این مقام بحث از منشور اول و ثالث مدّ نظر نخواهد بود و ابتدا به شرح و توضیح مطالبی درباره منشور دوم خواهیم پرداخت. همانطور که اشاره شد حضرت ولیّ عزیز امرالله در آثار خود تصریح فرموده‌اند که الواح وصایا وثیقه تولّد نظم بدیع الهی است و مهندس این نظم حضرت عبدالبهاء و مؤسّسین آن قاطبه اهل بهاء بوده‌اند که البتّه در ظلّ هدایت و قیادت حضرت ولیّ امرالله به بنای اصول و فروع این نظم بدیع مفتخر و متباهی گشته‌اند. تولّد این نظم در سال ۱۹۲۱ یعنی پس از صعود حضرت عبدالبهاء صورت گرفت البتّه در ایام جمال قدم و دوره حضرت عبدالبهاء اقداماتی معمول گشت و دستوراتی صادر گردید که طلیعه و مبشّر ایجاد مؤسسات نظم بدیع الهی محسوب می‌گردد. اما باز شدن الواح وصایا و زیارت آن پس از صعود حضرت عبدالبهاء به منزله اشراق انوار این مؤسسات و اعلان جریان تکوین و تحکیم و توسعه آنها است.

حضرت ولیّ امرالله در آثار عدیده خود این اقدامات را از مراحل دوره جنینی محسوب فرمودند تا به تدریج مرحله بلوغ و کمال در رسد و خلاصه این مراحل به شرح ذیل است:

- ۱- تعیین و تسمیه بعضی از مؤمنین ممتاز و برجسته امر الهی در ایران به سمت ایادی امرالله.
- ۲- تشکیل محافل شور در مراکز مهمّه بهائی در ایران و سپس در غرب و تعیین وظائف اصحاب شور و لزوم اطاعت تصمیمات متّخذ.
- ۳- تأسیس صندوق‌های خیریه برای تأمین مخارج امریه.
- ۴- اهمّیت تصویب تألیفات از طرف مراجع امریه.
- ۵- اکتیاف اراضی و تملک املاک و مستغلات با استفاده از صندوق حقوق الله و یا از طریق تبرّعات سایر که این اقدام خود مبشّر تأسیس موقوفات بهائی در آتیه ایام خواهد بود.
- ۶- انتخاب هیئت معبد بهائی در امریکا که مرحله اولای تأسیس اولین محفل روحانی ملی در آن سامان گردید.

۷- تأسیس مؤسسات مطبوعات و نشریات بهائی.

۸- ارتفاع اولین مشرق الاذکار بهائی در عشق آباد.

نکته دیگری که در آثار حضرت ولیّ امرالله شرح و بسط یافته آن است که هیکل اطهر سه مطلب را از علائم پیش‌بینی‌های جمال اقدس ابهی در تأسیس مؤسسات نظم بدیع الهی در مرکز جهانی دانسته‌اند:

اول- تشریف فرمایی حضرت بهاءالله به کوه کرمل و نزول لوح مبارک کرمل است که در آن ذکر

"کعبه‌الله" و "سفینه‌الله" و "اهل بهاء" شده است. بنا بر تصریحات حضرت ولی‌ امرالله مقصود از "کعبه‌الله" استقرار عرش مطهر حضرت اعلیٰ در قلب این کوه مقدّس است و مقصود از "سفینه‌الله" تأسیس مؤسسات اداری بهائی در حول قوس کوه کرمل است و مقصود از ظهور "اهل بهاء" که در کتاب اسماء مذکور شده‌اند هیئت منتخبهٔ معهد اعلیٰ است.

دوم- در برخی از آیات کتاب اقدس نظیر آیات مربوط به اوقاف که ذکر آن گذشت مقام ولایت عظمیٰ پیش‌بینی شده است.

سوم- آیات عدیده در کتاب مستطاب اقدس و الواح کثیرهٔ جمال قدم در شرح اهمّیت و وظائف مؤسسهٔ بیت العدل اعظم که رکن دیگر نظم بدیع الهی است.

کور و دور - عهد و اعصار

موضوع عصر و دور و کور و مفاهیم آنها برای احبّاء معلوم و مشخص نبود. حضرت ولی‌ امرالله موضوع نظم بدیع و اهمّیت الواح وصایا و این قبیل مطالب را اول برای غربی‌ها و بعد برای شرقی‌ها شرح دادند اما احبّای شرق این افتخار را یافتند که مسئلهٔ کور، دور، عصر و عهد اول برای آنان در توفیق رضوان ۱۰۵ بدیع خطاب به احبّای شرق شرح و بسط یافت و بعد از چهار سال برای غربی‌ها. اصطلاح کور و دور البته در آثار جمال قدم و حضرت عبدالبهاء موجود بود اما حضرت ولی‌ امرالله معانی خاصی برای این کلمات قائل شدند. مثلاً کور بهائی به این معنی اختصاص پیدا کرد که امتدادش پانصد هزار سال است و ادوار مختلفه دارد. دور اولش که حال ما در آن هستیم امتدادش اقلّاً هزار سال است. بعد ادوار آینده در این مدّت پانصد هزار سال بوجود خواهد آمد. مؤسس این کور جمال مبارک و مؤسس این دور نیز جمال مبارک هستند اما مؤسس ادوار آینده مظاهر مقدّسهٔ آینده خواهند بود که در ظلّ جمال مبارک ظاهر خواهند شد.

اولین دور این کور دور بهائی است که امتداد آن اقلّاً هزار سال است. این دور سه عصر دارد: عصر رسولی که از ۱۸۴۴ تا ۱۹۲۱ یعنی هفتاد و هفت سال ادامه یافت. عصر تکوین که از ۱۹۲۱ آغاز شده و تاریخ اتمام آن معلوم نیست اما می‌دانیم که عصر تکوین به عصر ذهبی منتهی خواهد شد. عصر رسولی امتدادش هفتاد و هفت سال است و به سه عهد منقسم می‌شود: عهد اعلیٰ، نه سال؛ عهد ابهی، سی و نه سال و عهد میثاق بیست و نه سال.

تکوین کلمهٔ عربی است و معنی آن پیدایش است. در آثار انگلیسی برای این عصر کلمهٔ Formative را به کار برده‌اند. حضرت ولی‌ امرالله اصطلاح دیگری نیز برای عصر تکوین ذکر فرموده‌اند و آن Iron Age است یعنی عصر آهن. عصر آهن به این اعتبار است که پس از آن عصر ذهبی خواهد آمد، عصر تکوین عصر آهن است که بعداً این آهن مبدل به طلا می‌شود. عصر تکوین را در انگلیسی با کلمهٔ Transitional نیز توصیف فرموده‌اند و در آثار فارسی چنین می‌فرمایند که عصر

تکوین حلقهٔ اتصال بین عصر رسولی و عصر ذهبی است. عصر تکوین از سال ۱۹۲۱ شروع شده و ما عجلتاً در این عصر هستیم.

عهد اول عصر تکوین بیست و سه الی بیست و پنج سال طول کشید. برای اولین دفعه حضرت ولیّ امرالله در سال ۱۹۴۴ به شرح این مطلب پرداختند که جامعهٔ امر مرحلهٔ جدیدی را آغاز نموده و توضیح این نکات در آثار سال ۱۹۴۶ نیز انعکاس یافته است. بنا بر این اختتام عهد اول عصر تکوین را می‌توان سال‌های ۱۹۴۴-۱۹۴۶ در نظر گرفت.

عهد ثانی عصر تکوین هفده سال است و عهد ثالث بیست و سه سال و حال ما در عهد رابع هستیم که از سنه ۱۹۸۶ شروع شده و پایانش موكول به تصمیم بیت العدل اعظم خواهد بود.

در عهد اول عصر تکوین یعنی از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۴۴-۱۹۴۶ حضرت ولیّ امرالله در آثار خود بر این مطلب تأکید فرمودند که تأسیسات محلی و ملی مهم است و لذا قوای جامعه حصر در تأسیس محافل محلی و ملی گشت. اجرای نقشهٔ هفت‌سالهٔ اول یاران امریکا نیز در این عهد واقع شد. یعنی در هفت سال آخر این عهد به جامعهٔ بهائی امریکا دستور دادند که یک نقشهٔ تبلیغی شروع کنند و اهداف آن را خود هیکل مبارک معین فرمودند. حضرت ولیّ امرالله به این نقشهٔ هفت‌ساله با اهمیّت فوق العاده ناظر بودند و در آثار خود توضیح دادند که منشور سوم که قبلاً به آن اشاره کردیم، یعنی منشور تبلیغ عمومی و اشاعهٔ منظم انوار امر الهی فی الجمله بلا اقدام مانده تا مقدمهٔ اساس محافل محلی و ملی استوار گردد و سپس از طریق نقشه‌های پی در پی تبلیغی در ظلّ قیادت مؤسسات امری این منشور مقدّس به تدریج تحقّق پذیرد و جامعهٔ عمل پوشد. این نقشهٔ هفت‌سالهٔ یاران امریکا بدایت نقشه‌های تبلیغی آیندهٔ محافل ملی شد و وقتی که انجام این نقشه در سال ۱۹۴۴ به پایان رسید هیکل اطهر چنین فرمودند که حال جامعهٔ امر وارد عهدی جدید شده است.

در عهد ثانی عصر تکوین فرمودند که جمیع محافل ملی باید نقشه‌های تبلیغی داشته باشند و به آنان دستور دادند که همه تأسی به محفل ملی امریکا نموده نقشه‌های تبلیغی طرح نمایند. هیکل مبارک غالباً خود دستور می‌دادند که اهداف محافل چگونه باشد. اقدامات دیگر در طی این عهد عبارت بود از تعیین ایادی امرالله و معاونین آنان، اجرای دقیق نقشه‌های تبلیغی محافل ملی، اعلان اهداف و تحقّق مقاصد نقشهٔ ده‌سالهٔ جهاد کبیر اکبر، انتصاب اعضای شورای بین‌المللی بهائی (International Bahá'í Council) و بالاخره انتخاب اعضای آن شورای بوسیلهٔ اعضای محافل ملی. هرچند در خلال این عهد یعنی در سال ۱۹۵۷ صعود حضرت ولیّ امرالله واقع شد ولی به صراحت فرموده بودند که در پایان نقشهٔ ده‌سالهٔ عهد ثانی عصر تکوین به پایان خواهد رسید و لذا بیت العدل اعظم اعلان فرمودند که عهد دوم عصر تکوین به پایان رسیده و حال عهد ثالث شروع می‌گردد، لذا تحولات امر در عهد ثالث به بعد تماماً در ظلّ هدایت بیت العدل اعظم بوده است.

حضرت ولیّ امرالله در توقعات خود خطاب به احبّای انگلستان و امریکا چنین می‌فرمایند که

عجالتاً نقشه‌های ملی تبلیغی در دست اجرا است اما این نقشه‌ها در آینده برای اولین دفعه به یک نقشه عمومی جهانی که همان نقشه ده‌ساله است تبدیل خواهد شد و پس از این مرحله نقشه‌های دیگری در ظل هدایت بیت العدل اعظم وضع خواهد گردید. در ایران من خوب به یاد دارم که وقتی نسخه تویق مبارک خطاب به امریکا واصل شد و در آن این مطلب ملاحظه گردید که بعد از نقشه عمومی جهانی نقشه‌های دیگری در ظل هدایت بیت العدل اعظم وضع و اجرا خواهد شد اسباب تعجب گشت و این سؤال مطرح گردید که پس ولایت امرالله چگونه خواهد شد؟

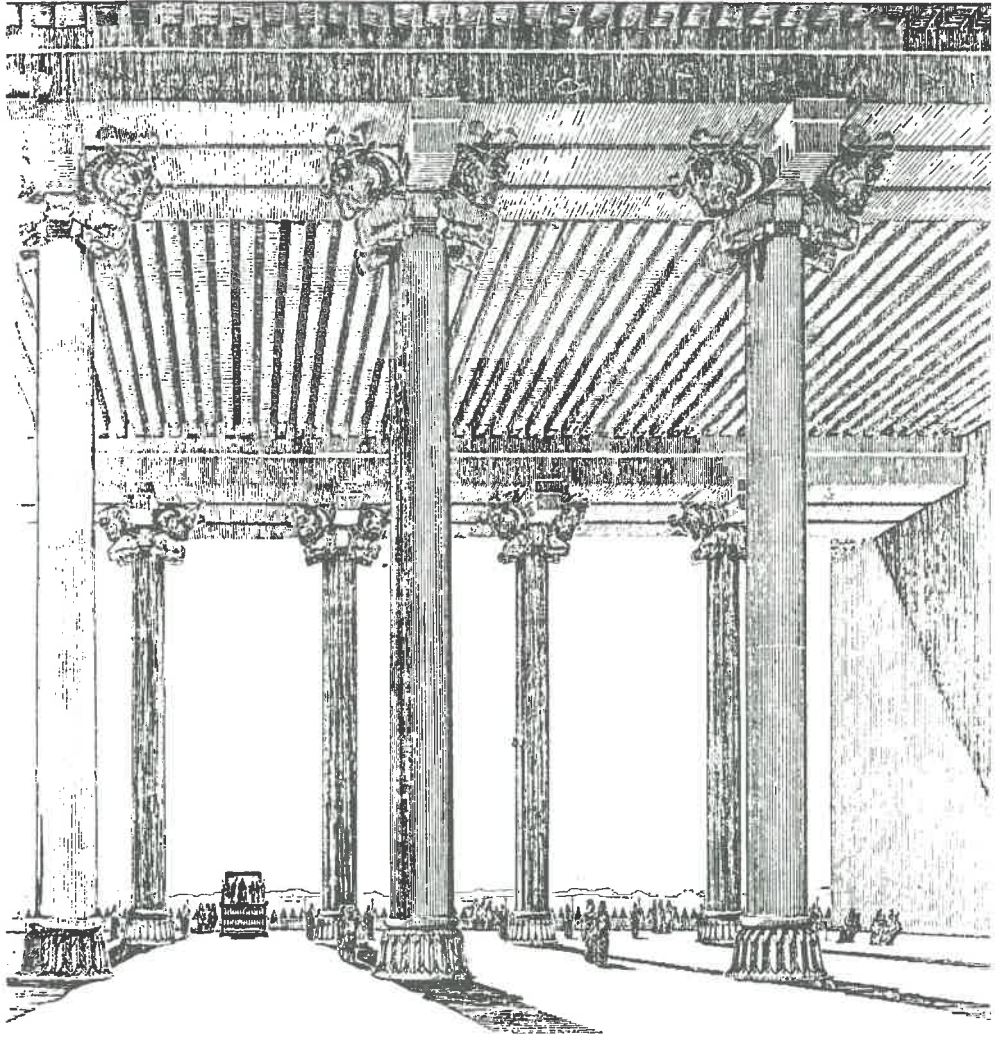
در هر حال در سال ۱۹۶۳ که معهد اعلی تشکیل شد ملاحظه گردید که دستورات و پیش‌بینی‌های حضرت ولی امرالله مبتنی بر آن است که نقشه‌های تبلیغی از لوازم ذاتی پیشرفت امر مبارک است لذا معهد اعلی به وضع نقشه‌های آینده برای جامعه بین‌المللی بهائی اقدام کردند که نقشه تبلیغی نه‌ساله اولین نقشه بود، سپس به ایجاد هیئت‌های مشاورین قاره‌ای، تشکیل دارالتبلیغ بین‌المللی، تعیین هیئت‌های مساعدین و اجرای نقشه‌های مختلفه دیگر پرداختند که شرح مفصل آن در این مقام ضروری نیست.

عهد رابع در سال ۱۹۸۶ شروع شد و تاریخ اتمام آن معلوم نیست. در مرحله کنونی بجای اینکه اهداف نقشه‌های تبلیغی در مرکز جهانی تعیین شود، بیت العدل اعظم مقرر فرمودند که از آن سال به بعد این اهداف با مشورت مشاورین قاره‌ای و محافل ملی تعیین گردد. البته کلیات را بیت العدل بیان می‌فرمایند ولی جزئیات و فروع را در هر کشوری محفل ملی آن کشور با مشاورین قاره‌ای با هم مشورت می‌کنند و سپس تصمیم اتخاذ می‌گردد. از این طریق مسئولیت بیشتری بر عهده محافل ملی گذاشته شده است، و به این ترتیب اجرای نقشه شش‌ساله در ۱۹۸۶ شروع شد و بعد نقشه سه‌ساله و عجالتاً در حال حاضر مشغول اجرای اهداف نقشه چهارساله هستیم که سال آخر آن است. من بعد البته عهد آینده چهره خواهد گشود زیرا حضرت ولی امرالله در آثار خود به قرون متعدده در دوره عصر تکوین اشاره فرموده‌اند و البته قسمت آخر این دور عصر طلایی است که آن نیز خود عهد متوالیه خواهد داشت.

یادداشت‌ها

- ۱- حضرت بهاءالله، ادعیه حضرت محبوب، قاهره، فرج‌الله ذکی‌الکردی، ۱۳۳۹ هـ ق، ص ۴۱۸.
- ۲- اسدالله فاضل مازندارنی، اسرارالآثار، طهران، مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۹ ب، ج ۵، ص ۱۰۰.
- ۳- عزیزالله سلیمانی، مصابیح هدایت، طهران، مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۵ ب، ج ۶، ص ۲۸.
- ۴- مجله نجم باختر، ج ۴، شماره ۱۴، صص ۲۳۷-۲۳۸.
- ۵- متن فارسی این خطابه به تاریخ ۴ ذی القعدة سنه ۱۳۳۰ هـ ق همراه با چند اثر دیگر به خط میرزا علی اکبر میلانی محب السلطان در طهران انتشار یافته و نسخه آن تحت شماره CD73 (ص ۹۸) در آرشیو بین‌المللی بهائی موجود است.

- ۶- حضرت شوقی ربّانی، دور بهائی، لانگنهاین، لجنه ملی نشر آثار، ۱۹۸۸ م، صص ۷۵-۷۶.
- ۷- مأخذ شماره ۳.
- ۸- مأخذ شماره ۶، ص ۸۴.
- ۹- کتاب اقدس، بند شماره ۴۲.
- ۱۰- نسخه این لوح در آرشیو بین‌المللی بهائی تحت شماره Air 8338 موجود می‌باشد.
- ۱۱- حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، لانگنهاین، لجنه ملی نشر آثار، ۱۹۹۲ م، توفیق ۱۰۵ بدیع، ص ۳۰۱.
- 12- Shoghi Effendi, *The World Order of Bahá'u'lláh*, Wilmette, Bahá'í Publishing Trust, 1974, pp.21-22.
- ۱۳- مأخذ فوق، ص ۱۹.
- ۱۴- مجله نجم باختر، ج ۱۲، شماره ۱۲، ص ۱۹۴.
- ۱۵- دکتر یونس افروخته، خاطرات نه ساله، لوس انجلس، کلمات پرس، ۱۹۸۳ م، ص ۳۳۹.
- ۱۶- مأخذ فوق، ص ۳۴۰.
- ۱۷- خاطرات تشرّف جناب ویلیام سیرز در جزوه کوچکی بوسیله مؤسسه The Miner's Shack در نیو مکزیکو به طبع رسیده و فاقد تاریخ نشر و شماره صفحات است.
- ۱۸- عبدالحمید اشراق خاوری، ایّام تسعه، طهران، مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۱ ب، صص ۴۸۶-۴۸۷.
- ۱۹- حضرت روحیه خاتم امة البهاء، گوهر یکتا، طبع طهران، ترجمه ایادی امرالله ابوالقاسم فیضی، ص ۶۱.
- ۲۰- مأخذ شماره ۶، ص ۵۴.
- ۲۱- حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، طهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ ب، ج ۱، ص ۴.
- ۲۲- مأخذ فوق، صص ۱۷۰-۱۷۱.
- ۲۳- کتاب بیان، واحد ۳، باب ۱۶.
- ۲۴- کتاب اقدس، بند شماره ۱۸۱.
- ۲۵- نقل از لوح جمال قدم در آرشیو بین‌المللی بهائی تحت شماره AC112/40.
- ۲۶- محمّد علی فیضی، ملکه کرمل، طهران، مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۳۲ ب، ص ۱۸۰.
- 27- Shoghi Effendi, *Bahá'í Administration*, Wilmette, Bahá'í Publishing Trust, 1960, p.62.
- ۲۸- حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه ۱۰۶-۱۰۹، طهران، مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۵ ب، ص ۱۲۶.
- 29- Rúhíyyih Rabbání, *Twenty-Five Years of the Guardianship*, Wilmette, Bahá'í Publishing Trust, 1948, pp. 6-7.



کاخ آپادانا - تخت جمشید

ولی امر

وحید رأفتی

مفاهیم دو کلمه "ولی" و "امر" و عنوان "ولی امر الله" که در معارف امر بهائی از اهمیتی و فیر برخوردار گشته سابقه‌ای بسیار طولانی و عمیق در عرفان اسلامی و علوم قرآنی دارد. برای آنکه با سابقه این اصطلاحات آشنایی مقدماتی حاصل شود به عنوان مقدمه ذکر این مطلب مفید است که در دو موضع قرآن مجید ذکر "اولی الامر" یعنی صاحبان امر به میان آمده است:

اول- در سوره نساء (۴) آیه ۵۹ که می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم». مفهوم آیه به فارسی آنکه ای اهل ایمان خداوند و رسول او و صاحبان امر را که از بین شما خواهند بود پیروی نمائید.

دوم- در همین سوره نساء (۴) در آیه ۸۳ می‌فرماید:

«... ولو ردّوه الی الرّسول و الی اولی الامر منهم...» مفهوم این آیه آنکه اگر منافقین به رسول الله و صاحبان امر رجوع می‌کردند این نفوس تدبیر حلّ و فصل امور را می‌دانستند.

مفسرین قرآن مجید "اولو الامر" را در آیات فوق به معنی سلاطین دادگر و امیران لشکر و خلفای راشدین و علماء و فقهاء دین و غوث اهل طریقت گرفته‌اند.^۱ اهل تشیع نیز معنی اولو الامر را ائمه هدی یعنی اهل بیت رسول الله دانسته و حضرت امیر المؤمنین را صاحب ولایت کبری محسوب داشته‌اند. در این مفهوم مقصود از صاحب ولایت کبری کسی است که رتق و فتق امور با اوست، حکم می‌کند و مطاع واقع می‌شود و در اثر تمسک به ولایت او اجر و پاداش دنیوی و اخروی نصیب اهل ولاء می‌گردد. با توجه به این نکات مقام ولایت مقام قریب و نصرت و محبت به اهل بیت رسول الله است.

ولایت در نظر اهل تشیع رکن اصلی امامت است و اگر امامت به معنای راهنمایی و هدایت و ارائه راه حل‌های معین و مشخص در نظر گرفته شود مقام ولایت عبارت از دوستی کردن و یاری نمودن و مرتفع ساختن نیازمندان از روی لطف و عنایت است.^۲

ولایت رابطه‌ای دو جانبه است یعنی کسی که یاری می‌شود و نیاز او برطرف می‌گردد باید در مقام ولاء و در مقابل لطف مولی سخن‌پذیر و مطیع و فرمانبردار باشد. ولایت در این مفهوم از جنبه عرفانی بسیار قوی برخوردار گشته و بحث از آن در سراسر آثار اهل عرفان و تصوف به چشم می‌خورد. نظر به این مفاهیم و سوابق است که جمال قدم نیز در اواخر رساله هفت وادی چنین می‌فرماید: «... این اسفار که آن را در عالم زمان انتهائی پدید نیست سالک منقطع را اگر اعانت غیبی برسد و ولی امر مدد فرماید این هفت رتبه را در هفت قدم طی نماید بلکه در هفت نفس بلکه در یک نفس...»^۳ در متون اهل عرفان کلمه "ولی" مرادف با مرشد، شیخ، پیر طریقت و پیر مغان و دلیل راه و از این قبیل است. بنا به قول دکتر رجائی: «... پیر در اصطلاح صوفیان، به معنی پیشوا و رهبری است که سالک بی مدد آن به حقّ واصل نمی‌شود، و الفاظ قطب و شیخ و مراد و ولی و غوث، نزد صوفیه همه به همین معنی استعمال شده است...»^۴

مفهوم ولایت الهیه قیام عبد به شرائط بندگی و ولاء در مقابل حقّ و عبودیت و محویت تام در مقابل اراده‌الله است. ولایت عامه مشترک در بین افراد مؤمنین و ولایت خاصه مخصوص نخبگان اهل عرفان است. چنین برداشتی از مفهوم ولایت ظاهراً مبتنی بر آیات قرآن مجید است. در این سفر عظیم از جمله چنین آمده است که: «هنالك الولاية لله الحق».^۵ صرف نظر از قرائت کسانی که ولایت را در این مقام به کسر او خوانده‌اند و آن را از کلمه والی مشتق دانسته و به معنی سلطان و ملک گرفته‌اند، در آیه فوق کلمه ولایت (به فتح واو) نحوه قرائت اکثر قرآن‌شناسان بوده و از مشتقات ولی و مولی محسوب گردیده است. به این ترتیب مفهوم کلام الهی را چنین می‌توان در نظر گرفت که فرمانروایی مقرون به یاری دادن و مهربانی نمودن و نصرت کردن از آن خداوند است. شاید نظر به همین معنی است که جمال قدم در تفسیر سوره والشمس نیز می‌فرماید: «... قد فصلت النقطة الاولية و تمت الكلمة الجامعة و ظهرت ولاية الله المهيمن القيوم».^۶ و نیز در کتاب مستطاب اقدس (فقره ۱۶۷) درباره "ولاية الله" چنین آمده است که: «اياكم ان يمنعكم ذكر النبي عن هذا النبأ الاعظم او الولاية عن ولاية الله المهيمنة على العالمين».

بر اساس آیات فوق ولایت‌الله یا ولایت کلیه مطلقه الهیه به معنی حقّ حاکمیت و سلطنت الهیه بر کلّ عالم وجود است و چنین سلطه و حکومتی که از آن پروردگار است به مشیت غالبه الهیه به مظهر او که از جانب خداوند مبعوث به رسالت می‌گردد تفویض می‌شود تا مظهر امر مجری فرمان ملکوتی الهی گردد و اراده‌الله را در بیسط غبراء تأسیس و مستقر سازد. در این مقام مظهر امر الهی مولی الانام، مولی العالمین، مولی العارفین و مولی الوری است.^۷ این ولایت که می‌توان از آن به ولایت شمسیه و یا ولایت نبویه و رسالت یاد نمود پس از صعود شارع به جانشین او که صاحب ولایت قمریه و مقام تبیین و تشریح کلمات شارع است نیز سریان می‌یابد و اطاعت او که جانشین رسول خدا است بر اهل ایمان نیز واجب می‌شود.

چنان که حضرت عبدالبهاء در لوح حضرت شهید ابن شهید می‌فرمایند: «ای مونس قدیم آنچه نگاشتی ملاحظه گردید... اطاعت اولی الامر مقرون به اطاعت رسول است فتور در این قصور در آن است...» وجود مقام ولایت پس از شارع شریعت ضامن حفظ و صیانت شریعت الله و اتحاد و اتفاق در بین اهل ایمان و لازمه شرح و توضیح موثوق، مستند و مطاع کلمه الله است که بوسیله شارع در عالم تنصیص و تأسیس گشته است. بر اساس آنچه گذشت مقام رسالت عبارت از مقام ولایت مطلقه الهیه یعنی تشریح شرایع الهیه و مقام تبیین عبارت از مقام ولایت امرالله است که اهل ایمان را از گمراهی محافظه می‌کند، آنان را به اهداف مصرّحه در کلمه الله سوق می‌دهد، درک صحیح از قوانین و احکام شرعیّه و جریان آنها را در حیات روزمره عباد تعلیم می‌دهد و آنچه را که لازمه پیشرفت و تقدّم روحانی افراد و جامعه انسانی است مطرح می‌سازد. نقش و مقام ولایت با این تفصیلات عبارت از نقش حارس و نگهبان و محافظی است که به اراده شارع برای حفظ کلمه الله و به ظهور رساندن کمالات مودوعه در آن و نیز حفظ جامعه از لغزش و ضلالت به این مقام منصوب می‌گردد.

با همه اهمّیت و عظمتی که در مقام ولایت نهفته است نباید فراموش نمود که از نظر تعالیم دیانت بهائی و کاملاً بر عکس آنچه بعضی از غلاة شیعه درباره مقام ولایت نوشته و بدان معتقد گشته‌اند رتبه ولایت در ظلّ مقام شاریعت مظاهر مقدسه قرار دارد و مخلوق اراده شارعین شریعت الله است، چنانچه جمال قدم می‌فرمایند: «... اگر حضرت خاتم به کلمه ولایت نطق نمی‌فرمود ولایت خلق نمی‌شد...»^۸ و نیز می‌فرمایند: «... معدن نبوت و ولایت انبیاء بوده‌اند و به کلمه انبیاء اولیاء در ارض ظاهر...»^۹

کلمه ولیّ در لغت به معنی دوست و یار و هم‌پیمان و جمع آن کلمه اولیاء است که به معنی دوستان و هم‌پیمانان است. کلمه اولیاء در اصطلاح مذهبی به مؤمنین و اهل ولاء و بزرگان دین و عرفان اطلاق می‌شود. اولیاء الله یاران الهی و ناصران شریعت الله و در زمره کسانی هستند که در مراتب معرفت به کمال واصل شده‌اند یعنی از خود گذشته‌اند و به مولی دل بسته‌اند، اوامر الهی را به جان مطیعند و از نواهی شریعت الله به کلی محترز. اولیاء به فرموده جمال قدم: «... از ریح مختوم آشامیده‌اند و به انوار ملکوت منورند...»^{۱۰} و نیز: «... اولیاء نفوسی هستند که از ما سوی الله فارغ و آزادند به جبل محبت الهی متمسکند و بما نزل فی الكتاب عامل...»^{۱۱}

اما کلمه "امر" یکی از مشکل‌ترین و پربارترین کلماتی است که در قرآن مجید و احادیث اسلامی به کار رفته و در آثار مبارکه این ظهور نیز معانی و مفاهیمش توسعه و گسترشی عظیم یافته است.

مطالعات قرآن‌شناسان در خصوص این کلمه حاکی از آن است که کلمه امر در آن سفر مجید در آیات عدیده‌ای به کار رفته است که با توجه به متن آیه می‌تواند افاده مفاهیم و معانی گوناگون نماید. مهم‌ترین مفاهیم قرآنی کلمه "امر" به این شرح است:

- ۱- فرمان و دستور دادن (با جمع اوامر)، ۲- کار (با جمع امور)، ۳- جنگ و کارزار، ۴- قضاء و قدر الهی، ۵- آفرینش، خلقت، ۶- دین و آئین، ۷- اعمال و رفتار، ۸- قوت و عزّت، ۹- ذنب و گناه، ۱۰-

امن و خوف، ۱۱- قیامت و رستاخیز، ۱۲- عاقبت سوء، ۱۳- نبوت و پیامبری، ۱۴- انجام دستور الهی، ۱۵- مصلحت، شرائط خلق و ابداع.^{۱۲}

هرچند مفاهیم کلمه "امر" در آثار مبارکه بهائی هنوز مورد مطالعه و تحقیق دقیق قرار نگرفته ولی ظواهر استفاده از این کلمه چنین نشان می‌دهد که در مواردی بسیار تعدادی از معانی و مفاهیم قرآنی این کلمه را می‌توان با منطوق آثار بهائی تطبیق داد. از جمله امر به معنی فرمان دادن، دین و آئین، شیء، چیز، کار، اعمال و رفتار و از این قبیل به کثرت در آثار بهائی به کار رفته است. مثلاً در فقرة ۱۶۷ کتاب مستطاب اقدس کلمه امر در عبارات: «ان الذی اعرض عن هذا الأمر» و «هذا امر اضرب منه ما عندکم...» به معنی دین و آئین الهی و در عبارت: «قد خلق کلّ اسم بقوله و علق کلّ امر بامر...» به معنی شیء و چیز است. کلمه امر در فقرة ۳۳ همین سفر جلیل که می‌فرمایند: «قد وجب علی کلّ واحد منکم الاشتغال بامر من الامور...» به معنی کار و شغل می‌باشد و در عبارت مربوط به حکم حقوق الله که می‌فرمایند: «قد امرنا کم بهذا...» (فقرة ۹۷) به معنی فرمان دادن است.^{۱۳}

مهم‌ترین مورد استعمال کلمه "امر" البته در اصطلاح "الامر و الخلق" است که در قرآن می‌فرماید: «... و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بامر الاله الخلق و الامر تبارک الله رب العالمین» (اعراف ۷، آیه ۵۴). مفهوم آیه مبارکه آن که خورشید و ماه و ستارگان به امر الهی در حیطة قدرت خداوند است و آگاه باشید که عالم خلق و عالم امر از آن اوست و او که آفریننده عالمیان است بلند مرتبه می‌باشد. همین اصطلاح "الامر و الخلق" در صدر کتاب مستطاب اقدس به این صورت آمده است که: «ان اول ما کتب الله علی العباد عرفان مشرق و حیه و مطلع امره الذی کان مقام نفسه فی عالم الامر و الخلق...»

در نظر مفسرین قرآنی مقصود از عالم خلق عالم ممکنات و مقصود از عالم امر عالم شرایع و ادیان الهیه است. توضیح حضرت عبدالبهاء در لوح شرح فصّ نگین اسم اعظم نیز حاکی از آن است که: «... عالم حقّ مصدر فیض جلیل است و عالم امر مرآت صافیة لطیف که مستنبأ از شمس حقیقت است و عالم خلق مصدر اقتباس انوار است که بواسطه وسیله کبری المستفیضة من الحقّ و المفیضة علی الخلق حاصل گردد...»^{۱۴}

با توجه به آنچه گذشت اصطلاح "ولی امر" و "ولی امرالله" که از القاب حضرت شوقی افندی در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء می‌باشد به یک اعتبار به معنی رهبر و کارفرمای دین و آئین الهی است که امور جامعه امر به او راجع است و به اعتبار دیگر مقام ولی امر مقام ولایت قمریه است که از شمس رسالت کسب فیض نموده عالم خلق را مستفیض می‌سازد. بنا بر منطوق الواح وصایا، حضرت شوقی افندی:

«... آیه الله و غصن ممتاز و ولی امرالله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله و احباء الله است و مبین آیات الله... اوست ولی امرالله بعد از عبدالبهاء و جمیع افنان و ایادی و احبای الهی باید اطاعت او نمایند و توجه به او کنند من عصا امره فقد عصا الله و من اعرض عنه اعرض عن الله و من انکره فقد انکر

بنا بر نصّ الواح وصایا که متن آن پس از صعود حضرت عبدالبهاء قرائت و مطمح نظر و عمل اهل بهاء قرار گرفت حضرت شوقی افندی بعد از حضرت عبدالبهاء به مقام ولایت امرالله رسیدند، مرجع اهل بهاء شدند و در مقام مبین آیات الله به انجام وظیفه "تیین" پرداختند. کمالات و قوای که در متن "ولایت"، "مرجعیت" و "مبیینت" مودوع و مندمج است از نظر عرفانی، تاریخی، مذهبی و حیات اجتماعی اهل بهاء اهمیتی و فیر و نقشی حیاتی دارد.

در قلمرو درک عرفانی مقام ولایت، حضرت ولیّ امرالله غصن ممتاز شجره الهیه و حفید حضرت عبدالبهاء و محلّ ثقه تام و تمام آن حضرتند. بنا بر این کسانی که بر ولایت جمال قدم و حضرت عبدالبهاء مستقیم اند و به عرفان طلعات قدسیه الهیه فائز گشته اند حضرت ولیّ امرالله مولی و مقتدای آنان محسوب می گردند و کوچکترین اشاره هیکل اطهر حتّی نشست و برخاست و رفتار و سلوک و سکناات آن حضرت چون معشوق حقیقی مطمح نظر و ستایش بل نیایش و تقدیس دلباختگانش قرار می گیرد و برای اینان ثبوت بر ولایت و رضای آن حضرت به منزله اکلیل جلیل همه اعمال و اقداماتشان قلمداد می گردد. وصول به چنین عرفان و بینشی از مقام ولایت البتّه برای عشاق جمالش میسر است و غالب کسانی که شرافت درک محضر مبارکش را یافته اند و از عواطف و مراحم روحانیه آن حضرت مستفیض گشته اند در مقام ولایت آن حضرت را در عوالم دلدادگی و تعشق می ستایند و خاک درگاهش را کحل بصر می نمایند.

چنین درک عارفانه و عاشقانه ای از شخصیت حضرت ولیّ امرالله که در ورای حدود و ثغور الفاظ و احکام شرعی و قانونی قرار می گیرد از علائم وصول به کمالات ایمانی و اعلی درجه بلوغ عاطفی افراد مؤمنین است که آن حضرت را تجلّی گاه کمالات و اسماء و صفات جمال قدم و حضرت عبدالبهاء بشناسند، به او "توجه" کنند، با آثارش دمساز باشند، در وقایع ایام حیاتش مستمراً بیندیشند و ثبوت بر ولایت حضرت ولیّ امرالله را به منزله تذوق احلی ثمره جنیه شجره الهیه دانند.

در مقام مرجعیت اهل بهاء، آثار حضرت ولیّ امرالله در زمینه تحولاتی که در جامعه انسانی رُخ خواهد گشود اهمیتی اساسی و بسیار خاصّ دارد زیرا حصول درک صریح از مقاصد امر بهائی برای رفاه و نجاج و سعادت جامعه انسانی و مسیر تحولات آن مستلزم مطالعه آثار آن است که تحت عنوان هدف نظم بدیع و دور بهائی از قلم آن حضرت به رشته تحریر درآمده است. فهم نقش، هدف و مسیر تکاملی مؤسسات و تشکیلات اداری بهائی نیز مستلزم مطالعه رسائل و تواقیع بی عدیل آن حضرت است که درباره نظم اداری بهائی مرقوم گشته و بی شک از مرجعیت اساسی برخوردار است. مبالغه ای در این کلام نیست که مطالعه نظم اداری بهائی بدون مراجعه به آثار حضرت ولیّ امرالله ابداً امکان پذیر نمی باشد.

کتاب ظهور عدل الهی و کتاب قرن بدیع دو اثر اصلی و مرجع اساسی اهل بهاء در درک اصول اخلاق

فردی و اجتماعی بهائی و فهم تحولات و سیر تاریخی امر مبارک در قرن اول بهائی است. با توجه به این نکات آثاری که از قلم حضرت ولیّ امرالله تراوش نموده هرچند کلمه خلاّقه الهیه محسوب نمی‌گردد و نظیر آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء از آثار مقدّسه این دور فخیم به حساب نمی‌آید اما لا محاله از مرجعیتی برخوردار است که آنها را از اساسی‌ترین منابع و موادّ اولیه برای مطالعه امر بهائی قرار می‌دهد و به منزله هادی افکار، اعمال، مساعی و مجاهدات اهل بهاء برای تأسیس نظم بدیع حضرت بهاءالله در می‌آید. در آثار قیمه عظیمه حضرت ولیّ امرالله است که ثمره تجلیات وحی جمال قدم و آثار مقدّسه حضرت عبدالبهاء تحرّکی ملموس می‌یابد و به صورت برنامه‌ای مشخص و مدوّن برای توجه و رسیدگی به حیات و مسائل روزمره انسانی به بهترین نحو ممکن ارائه و عرضه می‌گردد. بینشی که افراد بهائی و تشکیلات نظم اداری نسبت به اوضاع و احوال اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عالم انسانی حاصل می‌نمایند (و باید حاصل نمایند) در گرو تأمل و تمعّن و تفکر دقیق در آثار عظیمه اساسیه‌ای است که حضرت ولیّ امرالله از خود بجا گذاشته‌اند و هریک از آنها به منزله سند و وثیقه‌ای محکم در درک منشأ قوا و حرکتی است که عالم انسانی را از یک طرف دستخوش مخاطرات عظیمه می‌سازد و از طرف دیگر انسان و جامعه سرگردان امروز را به سرنوشت ملکوتی خود در دنیای فردا نزدیک می‌نماید.

تعییه اصل مرجعیت در مقام و موقعیت حضرت ولیّ امرالله مبتنی بر تشخیص نیاز تکاملی جامعه امر به تحوّل و تغییر و پیشرفت و در عین حال لزوم هم‌آهنگی مساعی مؤسسه ایادی امرالله و کوشش فردی احبّای الهی با تغییرات تاریخی و اجتماعی جامعه امر و جامعه انسانی بطور کلی است.

در قضیه تبیین و ارتباط آن با مقام و نقش حضرت ولیّ امرالله به عنوان مبین آیات الله این نکته حائز اهمیت است که آن حضرت صاحب عصمت موهوبی بوده و با برخورداری از این عصمت به تبیین کلمه خلاّقه جمال قدم و حضرت ربّ اعلیٰ پرداخته‌اند و نحوه فهم و اجرای کلمه الله را در آثار خود تبیین و تشریح فرموده‌اند. بنا بر این آنچه در آثار حضرت ولیّ امرالله در شرح و تبیین تعالیم و احکام و اعتقادات بهائی عرضه گردیده و برای حفظ و صیانت و سیر متین و مستقیم آن مرقوم شده از نظر اهل بهاء غیر قابل تغییر، بلا منازع، واجب الاطاعه و معصوم از خطا و لغزش است.

تبیین در لغت به معنی آشکار کردن، روشن کردن و هویدا نمودن است و مفهوم آن در معارف بهائی عبارت از شرح و توضیح کلمات جمال قدم و آثار حضرت اعلیٰ و در عین حال ظاهر ساختن و آشکار کردن معانی باطنی و نیات و مقاصد طلعات مقدّسه بهائی است. هرچند اصطلاح تبیین می‌تواند تا حدودی با تفسیر، تأویل، تشریح و توضیح مترادف باشد اما باید توجه داشت که تفسیر، مخصوصاً در اصطلاح معارف اسلامی، عبارت از بحث و بررسی و مطالعه آیات الهیه از نظر قواعد دستوری و علوم بلاغی و ریشه‌شناسی کلمات و این قبیل مطالعات است. تأویل عبارت از ارائه معانی نهفته در آیات و کلمات و قائل شدن به تعابیر باطنی در مقابل مفاهیم و معانی ظاهری آیات می‌باشد و در این مفهوم اهل

بهاء از اقدام به تأویل آیات الهیه منع گردیده‌اند. تشریح و توضیح عبارت از بیان معانی و مفاهیم آیات و مطالعه و بررسی آنها برای فهم بهتر و جامع تر کلام است.

از بین اصطلاحات فوق اصطلاحی که در آثار بهائی معنی و مفهومی خاص یافته اصطلاح "تیین" است که در معنی محدود و مشخصی که از آن اراده می‌شود فقط حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله مباشر آن توانند بود تا تبییناتی را که مبتنی بر عصمت موهوبی آنان بوده و مرجع و محل اعتبار و قبول رسمی جامعه امر است عرضه نمایند.

در تشریح و توضیح آثار جمال قدم و حضرت عبدالبهاء البتّه افراد و آحاد احباء نیز مختارند که به اظهار نظریات شخصیّه پردازند و مفاهیم خود را از این آثار بیان دارند. این قبیل توضیحات و تشریحات که در نتیجه مطالعات و تحقیقات و تجربیات شخصی افراد به منصّه ظهور می‌رسد و ممکن است از نبوغ و درایت و سعّه صدر آنان نیز حکایت کند واضحاً در صقع تبیینات حضرت ولی امرالله قرار نمی‌گیرد و لذا نمی‌تواند به سایرین تحمیل گردد و یا به عنوان نظریّه جامعه بهائی ملاک قطعیت و اعتبار عمومی حاصل نماید. چه بسا که نظریات شخصی و خصوصی افراد درباره مندرجات آثار مبارکه و برداشت آنان از رموز و اشارات مودوعه در این آثار دستخوش تحوّل و تغییر می‌شود و در ظلّ تجربیات و مطالعات وسیع تر خود آنان و یا دیگران ضعف و نقصان آن بر ملا می‌گردد.

مفهوم عصمت و معصومیت در تبیین آیات الهی که از آن به اختصار یاد شد بیش از آن که ناظر به معانی محدود معصومیت از نقطه نظر ارتکاب معاصی و یا خطا، لغزش، نسیان و از این قبیل باشد ناظر به اصل اساسی مرکزیت و مرجعیت و داشتن قدرت و صلاحیت و مسئولیت رهبری است.

توضیح این مطلب در این مقام ضروری است که در کتاب اقدس و سایر الواح و آثار مبارکه هر جا قضیه معصومیت مورد بحث و اشاره طلعات مقدسه بهائی قرار گرفته عصمت کبری خاص مظهر امر محسوب شده و توجیه اصل عصمت با توجّه به معنی "یفعل مایشائی" یا "اختیار" قرین بوده است. مثلاً جمال قدم در لوحی چنین می‌فرماید: «جز نفس حقّ از برای احدی عصمت کبری نبوده و نیست...»^{۱۶} و در لوح دیگر چنین نازل: «الحمد لله الذی تجلّی بسطان الاسماء علی من فی الانشاء... عصمت کبری مخصوص حقّ جلّ و عزّ بوده و خواهد بود احدی را از این کوثر اطهر نصیبی نبوده و نیست و جز حقّ البتّه کلّ جایز الخطا بوده و هستند...»

و نیز در لوحی دیگر چنین می‌فرماید:

«الحمد لله به عنایت مالک قدر یوم قبل جناب ملا علی اکبر علیه بهاء الله به نفحات آیات الهیه متوجّه آن صوب گشتند... باید احتیای الهی ناظر به افق امر و ما یظهر من عنده باشند لا بما یظهر من غیره چه که عصمت طرازی است مخصوص حقّ و از برای سایرین سهو و خطا و نسیان بوده...»

با توجه به نصوص فوق مظهر امر الهی به فطرت ذاتیه و قوه قدسیه الهیه که از آن به وحی تعبیر می شود معصوم است، یعنی مختار و محق است که هرچه اراده کند بگوید، نازل فرماید، تشریح و تنبیه نماید و عباد را نمی رسد که در مقام مجادله و محاجه برآیند، چه او مظهر وحی و صاحب عصمت کبری است و اعمال، رفتار و گفتارش میزان است و هر عمل و رفتار و گفتار دیگری با این میزان سنجیده می شود. جمال قدم در این باره چنین می فرماید:

«الحمد لله الذي علمنا بأنه هو الفاعل المختار يفعل ما يشاء و ينطق كيف يشاء و يبين كيف اراد... حق تعالی شأنه صاحب عصمت کبری است و معنی عصمت کبری آنست که خطا و سهو و نسیان به هیچ وجه در آن ساحت راه ندارد اینست مقام يفعل ما يشاء و يحکم ما يريد اگر بفرماید قبله طرف شرق است حق لا ریب فيه و اگر بفرماید طرف غرب است كذلك چنانچه در فرقان ما بین صلوة محبوب امکان حسب الامر رحمن به قبله اسلام که الیوم به آن متوجهند توجه فرمود آنه لو يحکم علی السماء حکم الارض لیس لاحد ان يقول لم و بم. قسم به آفتاب حقیقی اگر نسیمی از جهت بیان این مقام بر اشجار یابسه امکان مرور نماید جمیع سبز و خرّم مشاهده شوند طوبی للعارفين.»

و نیز درباره حقایق و میزانیّت کلام الهی جمال قدم چنین می فرماید:

«... مقام عصمت کبری مقام يفعل الله ما يشاء بوده و در آن ساحت ذکر خطا نبوده و نیست آنچه از مطلع غیب و مشرق وحی ظاهر شود حق بوده و خواهد بود و دون او در این مقام مذکور نه چه اگر به قدر انمله از آنچه امر فرموده تجاوز نمایند یحبط اعمالهم فی الحین ان ربک هو الناطق الامین...»^{۱۷}

مظهر امر الهی به وحی الهی، عصمت یعنی اختیار و حق تبیین و توجیه آثار مقدسه خود را به مرجع منصوص خود واگذار می کند و مرجع و مبین منصوص با برخورداری از عصمت موهوبی و اختیاری که از مظهر امر کسب نموده است در مقام تبیین آثار و اداره امور شریعت الله بر می آید. در این مقام مبین آیات الله مظهر اختیار و آزادی کاملی است که بنا بر اصل میثاق یعنی منطوق کتاب عهدی به حضرت عبدالبهاء اعطاء گشته و بنا بر نص الواح وصایای حضرت عبدالبهاء به حضرت ولی امرالله انتقال یافته است. عصمت موهوبی حضرت ولی امرالله هرچند شامل جمیع امور مربوط به مسائل مذهبی و تبیین آثار مبارکه می گردد اما بر حسب تصریحات آن حضرت چنین عصمتی شامل قضایای علمی و اقتصادی نمی شود.

در زمینه ولایت، مرجعیّت و تبیین آثار الهیه و در ارتباط نزدیک با انجام این وظائف، نقش عمده ای که حضرت ولی امرالله در نهایت اقتدار و نبوغ ایفاء فرمودند نقش نظم آفرینی و سازمان دهی است. نگاهی سریع به تاریخ امر مبارک این نکته را به وضوح آشکار می سازد که در دوره جمال قدم و حضرت عبدالبهاء عوامل، اسباب و مواد لازم در شریعت الله فراهم آمد اما تنظیم و ترتیب امور و

سازمان دهی (ارگانیزه کردن) مشروعاتی که تا صعود حضرت عبدالبهاء بوجود آمده بود به کف باکفایت حضرت ولیّ امرالله جامعه عمل پوشید و به منصب ظهور و بروز درآمد.

در امور اجتماعی، سیاسی و مذهبی و گویی در همه تأسیسات عمومی و اجتماعی بشری کار سازمان دهی از حساس ترین و مشکل ترین امور محسوب می گردد. ارائه دلایل حساسیت، پیچیدگی و مخاطرات ناشی از سازمان دهی که خود مبحثی دقیق و وسیع است در این مقاله مجمل میسر نیست اما به این نکات می توان به اختصار اشاره نمود که لازمه سازمان دهی صحیح، برنامه ریزی دقیق است. سازمان دهی صحیح تربیت و سلوک و آداب فردی و جمعی را ایجاب می کند. هر نوع سازمان دهی اجتماعی مطالعات وسیع در زمینه تهیة دستورالعمل ها، اساسنامه ها، نظامنامه ها و سایر وثیقه های لازم را ضروری می سازد و اقدام به سازمان دهی حتی در سطوح مقدماتی آن تجربیات و مطالعات و روش های مدیریت را به خدمت می گیرد تا به تدریج بتواند استوار شود و امور مورد نظر را به "نظم و روال" مطلوب اندازد. واضح است که در کار سازمان دهی نقش مدیر و سازمان دهنده (Organizer) نقشی خطیر، حساس، پر مسئولیت و از هر نظر سنگین و مخاطره انگیز است.

با توجه به این چند جمله که در باب سازمان دهی مرقوم شد بر اهل بصیرت این نکته واضح تواند شد که حضرت ولیّ امرالله در جمیع قضایای امر الهی در مدت سی و شش سال به سازمان دهی پرداختند و اساسی در این زمینه بنیاد نهادند که هیچ نوع تحوّل در مقدرات امروز و فردای عالم بهائی نمی تواند از تأثیرات آن مستغنی باشد.

در زمینه تشکیلات اداری بهائی، نظامنامه های محافل محلی و ملی و جزئیات مقررات انتخابات بهائی در دوره حضرت ولیّ امرالله تنظیم و تدوین گردید. کیفیت کار کانونشن های ملی، برنامه ضیافات نوزده روزه، دستورالعمل های کلی مربوط به نحوه اداره مدارس تابستانه و مشارق الاذکار بهائی کلاً در ایام هیکل اطهر و با توجه به مندرجات دستورالعمل های آن حضرت نظم و ترتیب یافت. اساس نقشه های مرتب و منظم و حساب شده برای پیشرفت و توسعه امر الهی و اهداف مخصوصه هریک از آنها بوسیله حضرت ولیّ امرالله بنیاد نهاده شد. احکام و تعالیم فردی و اجتماعی، واجبات و محرمات و مناهای و منکرات را هیکل اطهر خود تفکیک و تنسیق و تنظیم فرمودند و بنیانی که نهادند در دوره معهد اعلیٰ به صورت کتاب تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس طبع و انتشار یافت.

ترتیب و تنظیم حدائق حول مقام اعلیٰ و روضه مبارکه علیا به دست هیکل اطهر و با نظارت مستقیم آن حضرت به سامان رسید. تاریخ امر مبارک به صورتی مدوّن به دست هیکل اطهر تبویب و تنظیم و سازمان یافت و به صورت کتاب قرن بدیع به عالم عرضه گردید. چگونگی تحولات تاریخی امر بدیع در مباحثی تحت عنوان کور و دور و عصر و عهد به صورتی مدوّن و سازمان یافته مطرح گردید و فکر عرضه مجهودات و انجازات جامعه امر به نحوی منظم و مستمر در دوره آن حضرت به منصب ظهور رسید و ثمراتش به صورت مجلّات کتاب "عالم بهائی" انتشار یافت.

ارائه شواهد معدودی که به اشاره از آنها یاد نمودیم برای اثبات این نکته کافی است که نقش حضرت ولیّ امرالله در آئین بهائی به عنوان سازمان دهنده و بوجود آورنده ماهیاتی که در آثار جمال قدم و حضرت عبدالبهاء به منصفه صدور رسیده بود نقشی است که هرچه در اطراف و جوانبش تحقیق و تمعّن شود شخصیت بی نظیر، قدرت ملکوتی، مظلومیت فطری و نبوغ ذاتی حضرتش را بیشتر بر ملا خواهد ساخت و منطوق الواح و صایای حضرت عبدالبهاء را روشن تر خواهد ساخت که چرا «... احبای الهی باید اطاعت او نمایند و توجّه به او کنند...»

یادداشت‌ها

- ۱- به عنوان نمونه به تفسیر آیات فوق در کتاب کشف الاسرار و عده الابرار (طهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱ ه. ش) جلد دوم مراجعه فرمائید. حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح چنین می‌فرماید: «... در قرآن نیز مسئله تعزیر بوده که راجع به اراده اولی الامر بوده نصوص در درجات تعزیر نبود مرهون و منوط به رأی ولیّ امر و آن تعزیر از درجه عتاب تا درجه قتل بوده که مدار سیاست در ملت اسلام اکثر بر این بود...» (اسدالله فاضل مازندرانی، امر و خلق، ج ۴، لانگنهاین: لجنه نشر آثار، ۱۹۸۶، ص ۳۰۲).
- تعزیر در اسلام راجع به حاکم شرع و قاضی و فقهاء است که از جمله اولی الامر محسوب می‌گردند.
- ۲- نگاه کنید به مقاله امامت در دائرة المعارف تشیع (از انتشارات دائرة المعارف تشیع، ۱۳۶۸ ه. ش) جلد دوم.
- ۳- حضرت بهاءالله، آثار قلم اعلیٰ، ج ۳، (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۱ ب)، صص ۱۳۳-۱۳۴.
- ۴- احمد علی رجائی بخارایی، فرهنگ اشعار حافظ (طهران: علمی، ۱۳۶۴ ه. ش)، ص ۸۸.
- ۵- تمام آیه در سورة کهف (۱۸) آیه شماره ۴۴ چنین است که: «هنالك الولاية لله الحق هو خير ثوابا و خير عقبا». مضمون آیه به فارسی آنکه حکمفرمایی خاص خدا است که به حق فرمان می‌دهد و بهترین پاداش و حسن عاقبت را هم او عطا می‌فرماید.
- ۶- حضرت بهاءالله، مجموعه الواح مبارکه (قاهره: سعادت، ۱۹۲۰ م)، ص ۴.
- ۷- نگاه کنید به فقرات شماره ۱۶، ۳۹، ۴۴ و ۱۳۳ در کتاب مستطاب اقدس.
- ۸- امر و خلق، ج ۲، ص ۵۹.
- ۹- مأخذ فوق، ص ۶۰.
- ۱۰- حضرت بهاءالله، آثار قلم اعلیٰ، ج ۷، (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۳۴ ب)، ص ۶۱.
- ۱۱- آثار قلم اعلیٰ، ج ۵، طبع ۱۳۱ ب، صص ۱۹۶-۱۹۷.
- ۱۲- برای مطالعه شرحی مبسوط درباره کلمه "امر" در قرآن به کتاب دائرة الفرائد، ج ۲، (طهران: بعثت، ۱۳۶۴ ه. ش)، صص ۸۴-۱۲۵، اثر محمد باقر محقق مراجعه فرمائید.
- ۱۳- برای ملاحظه شرحی درباره مفاهیم و موارد استفاده از کلمه "امر" در آثار بهائی به مقاله این عبد که در آهنگ بدیع (سال ۳۲، شماره ۳۴۴، صص ۲۵-۲۸) به طبع رسیده است مراجعه فرمائید.
- ۱۴- عبدالحمید اشراق خاوری، مائده آسمانی، ج ۲، (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۹ ب)، ص ۱۰۲.
- ۱۵- عبدالحمید اشراق خاوری، ایام تسعه (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۱ ب)، صص ۴۶۶ و ۴۸۳.
- ۱۶- آثار قلم اعلیٰ، ج ۷، ص ۳۵.
- ۱۷- مائده آسمانی، ج ۴، ص ۱۷۲.

آینده‌نگری

در آثار حضرت ولیّ امرالله

شاپور راسخ

برای این بنده‌کمتربین افتخاری بزرگ است که درباره‌ی آینده‌نگری در آثار و توفیعات مبارکه‌ی حضرت ولیّ عزیز امرالله مطالبی در این جمع محترم مطرح کنم. ناطقان ارجمند دیگر درباره‌ی مأموریت تاریخی آن حضرت در تنفیذ نظم اداری بهائی، تأسیس مرکز جهانی، تمهید فتح مدن و ممالک عالم در ظلّ نقشه‌ی ملکوتی حضرت عبدالبهاء، تبیین رموز و اسرار مودعه در الواح جمال ابهی و آثار و مکاتیب حضرت مولی‌الوری، تأمین استقلال کامل شریعه‌الله از ادیان سابقه و رسوم و افکار عتیقه و نظائر آن سخن گفته و خواهند گفت. عرائض بنده درباره‌ی یکی از دلکش‌ترین مباحثی است که در توفیعات عمومی آن حضرت آمده و آن تحلیل انتقادی اوضاع و احوال کنونی جهان و بررسی و نقد تمدن مادی و عواقب و نتایج آن از همان آغاز دوره‌ی ولایت^۱ و بعد پیش‌بینی تطورات و تحولات آینده‌ی امر و دنیا خصوصاً در سال‌های دهه‌ی سی قرن حاضر است^۲ که خوشبختانه در سخنرانی بسیار ارزنده و ممتع خانم دکتر الهام افغان به اهمیت آن اشارت رفت.

تاریخچه‌ی آینده‌نگری

پیش از آنکه درباره‌ی آینده‌نگری آن حضرت سخن رود، مطلبی که پانزده سال قبل در انجمن مطالعات بهائی کانادا توسط این حقیر در زیر عنوان نظرگاه مربوط به تحوّل عمومی جهان در آثار حضرت ولیّ امرالله عنوان شد،^۳ بیهوده نخواهد بود که مختصری درباره‌ی آینده‌نگری و تاریخچه‌ی آن به عرض برسد.^۴ آینده‌نگری یا آینده‌شناسی در زمان ما شاخه‌ای از پژوهش‌های علوم اجتماعی تلقی می‌شود که هدفش پیش‌بینی مسیر و جهت تحولات اقتصادی، اجتماعی و فنی جهان است. انگلیسی‌زبانان این شاخه از دانش را آینده‌شناسی Futurology و فرانسه‌زبانان به تبع گاستون برژه G. Berger پیش‌نگری یا

آینده‌نگری Prospective می‌خوانند، شاخه‌ای که تاریخچه‌ای بس طولانی دارد و می‌توان گفت که سابقه آن را در همه ادیان سابقه باید جست. از جمله ارکان عمده همه ادیان پیشین فرجام‌شناسی یا Eschatology است که در آن نه فقط سرنوشت فرد آدمی پس از مرگ مطرح شده است بلکه فرجام جمعی بشریت در پرتو اندیشه روز رستاخیز و ظهور آخر الزمان همواره مطرح نظر بوده است.

تفکر غیر دینی در مورد آینده با آثار تخیلی و توهمی مربوط به جامعه دور دست آتیه آغاز می‌شود (نظیر جمهور افلاطون در عصر قدیم و کتاب‌های اوتوپای توماس مور و شهر آفتاب کامپانلا در قرون جدید)^۵ و با تفکرات فیلسوفانی نظیر ویکو، هردر، هگل، مارکس و اشنپنگلر ادامه می‌یابد^۶ و بزودی عده‌ای از مورخان تمدن و جامعه‌شناسان را چون توینبی و سوروکین به خود جلب می‌کند و حتی منشأ ادبیات علمی - تخیلی داستان‌نویسانی مانند ژول ورن، ه. ج. ولز، آلدوس هاکسلی، جرج اورول و دیگران می‌شود و بالاخره بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان یک رشته تحقیقی متکی بر روش‌های علمی مانند تمديد روال‌های گذشته Extrapolation و پروژکسیون یا فرانگری و ساختن مدل و سناریو و جستجوی موارد توافق کارشناسان در این زمینه (متدلفی) مطرح می‌گردد و در کارهای کسانی چون هرمن کان مؤلف سال دو هزار، انجیل سی سال آینده (در دهه پنجاه و شصت) و بعد در مطالعات کمیسیون سال دو هزار منشعب از اکادمی هنرها و علوم امریکا (در دهه هفتاد) و بررسی‌های دنیس میدوز و همکارانش راجع به حدود رشد و توسعه اقتصادی (در همان دهه) و آینده‌پژوهی اعضای کلوب رم مساروویچ و پستل زیر عنوان بشریت در یک نقطه عطف (دهه هفتاد) و تحقیقات دهه‌ها جامعه‌شناس و اقتصاددان و نظائر آن مانند آلون تافلر، دانیل بل، لئونتیف، تینبرگن و سایرین جلوه مخصوص حاصل می‌کند.^۷

هرچند آینده‌نگری حضرت ولی امرالله بیشتر در قالب فرجام‌شناسی‌های دینی قابل طرح است اما در عین حال از توجه به برخی روندهای درون ذاتی تاریخ چون سیر از زندگی قومی و قبیله‌ای به اتحاد قبائل و مدینه و ملت و بعد حیات بین‌المللی خالی نیست و به زبان روشن‌تر در این نوع موارد حضرت ولی امرالله کار جامعه‌شناس را کرده و با مشاهده تحول ساخت‌های اجتماعی در گذشته، مرحله بعدی را که تشکل جامعه‌ای به ابعاد جهانی باشد استنتاج فرموده‌اند. سه منبع مهم دیگر آینده‌نگری در نزد آن حضرت یکی مطالعه تواریخ، دیگری تعمق در آثار جمال مبارک و بالاخره نظر در نبوات ادیان سابقه بوده است.

قبلاً به اشارت آمد که هم در دهه بیست حضرت ولی امرالله به تجزیه و تحلیل نقادانه مدنیت مادی معاصر روی آوردند و متدرجاً با سوابق تحصیلی که ایشان را با آثار مؤلفانی توانمند در بررسی ترقی و تنزل تمدن‌ها چون ادوارد گیبون Gibbon (۱۷۳۷-۱۷۹۴) مؤلف تاریخ انحطاط و سقوط امپراطوری روم و احتمالاً آرنولد توینبی (۱۸۸۹-۱۹۷۳) آشنا کرده بود و با تعمقی که در آثار جمال قدم و اشارات آن حضرت به نظم بدیع و انقضای دوره نظم عتیق و تحول عالم از دوره صباوت به عهد بلوغ و استقرار

محتوم مدینه‌الله علی الارض و تحقّق اجتناب‌ناپذیر وحدت عالم انسانی فرموده بودند به نوعی فلسفه تاریخ که شالوده آینده‌نگری آن حضرت است گرایش حاصل کردند و چون ظهور جمال مبارک بنفسه دوره تحقّق بشارات انبیای سالفه است علی هذا مراجعه حضرت ولیّ امرالله به کتب عهد عتیق و جدید و قرآن و سایر کتب مقدّسه احتراز‌ناپذیر بود چنانکه به هنگام ترسیم خطوط آینده جهان به همان نبوت‌ها چون پیش‌بینی اشعاع نبی و مکاشفات یوحنا رجوع و احاله نمودند.^۸

در آثار جمال اقدس ابهی اشارات به تصویر دنیای فردا و نظم بدیع غالباً به اختصار و به صورتی پراکنده و احیاناً پوشیده یافت می‌شود و اکثر فضیله‌های عهد هم از درک معنی ژرف و بُرد وسیع آنها ناتوان بودند اما حضرت ولیّ امرالله به قوت الهام الهی آن قطعات مختصر مجزای سربسته را به هم تلفیق فرمودند و توضیح و تشریح و تبیین کردند و تابلویی کامل از آنچه جامعه بشری در طول زمان فراروی خود خواهد داشت ارائه نمودند و از جمله بدایع هنرهای آن حضرت این بود که تاریخ امر مبارک را در قلب تاریخ جهان قرار دادند و پیوند میان آن دو را در منظر آینده مشخص کردند و بیان حضرت مولی‌الوری را با قوت برهان به ثبوت رساندند که جمیع حوادث عالم و قوای جهان هستی فی الحقیقه در خدمت امر رحمن و پیمان ازلی و ابدی حضرت یزدان دایر بر وصول تاریخ به ثمره خود یعنی نزول ملکوت الهی بر صفحه غبراست. به یمن افاضات حضرت ولیّ امرالله بود که یاران رابطه میان نظم اداری بهائی و نظم جهان‌آرای الهی را دریافتند و متوجه شدند که این نظم اداری مقدّمه و راه‌گشای نظم بدیع جهانی است حتی‌الگو و هسته و محور آن است و این نظم جهانی خود طلایه عصر زرّین بهائی است و عصر زرّین بهائی هنگامی است که بلوغ عالم روی می‌دهد و وحدت عالم انسانی تحقق می‌پذیرد و به تحقّق بلوغ عالم انسانی به نوبه خود فاتحه مدنیته جهانی است که نظیرش را چشم احدی ندیده و به تصوّر احدی در نیامده است.^۹ هم از برکت آثار و تبیینات حضرت ولیّ امرالله بود که یاران متوجه تقسیم‌پذیری تاریخ امر مبارک به اعصار رسولی و تکوین و دور طلایی شدند و بدین نکته متذکّر گردیدند که امر الهی و جامعه یاران از مراحل مجهولیت و مقهوریت خواهند گذشت و به مرحله استقلال و شناسایی رسمی و برابری حقوقی با ادیان سائره تا مرحله هفتم که غلبه سلطنت محیطه جهانی حضرت بهاءالله است خواهند رسید.

نوعی فلسفه نظری تاریخ

اشاره کردم که آینده‌نگری در آثار حضرت ولیّ امرالله محصول توجه و اعتقاد آن حضرت به نحوه خاصی از فلسفه تاریخ است. مراد از فلسفه تاریخ در اینجا فلسفه انتقادی تاریخ یا Critical Philosophy of History نیست که تحلیل و نقد تاریخ و بحث‌المعرفه در کار مورّخان باشد بلکه فلسفه نظری تاریخ یا Speculative Philosophy of History منظور نظر است که به سابقه طولانی آن در تاریخ تفکر مغرب زمین اشارات رفت.

آینده‌نگری حضرت ولیّ امرالله را با پیش‌بینی‌های علمی که در حال حاضر در مورد رشد جمعیت و تحوّل اقتصاد و دگرگونی محیط زیست و ترقی تکنولوژی و مانند آن رواج تام دارد اشتباه نباید کرد زیرا از یک طرف دنباله‌گیر سنتّ تعقلی متفکرانی چون اسپنگلر مؤلف انحطاط و سقوط غرب است و از سوی دیگر با سنتّ نبوّات مذهبی چنانکه در انجیل و تورات دیده می‌شود و یا نزد علمای دین مانند سنت اگوستن به چشم می‌خورد پیوند و قرابت پیدا می‌کند.

فلاسفۀ تاریخ می‌کوشند که قانونی عمومی برای رویدادهای تاریخ بدست دهند و معنی و مفهوم سیر و روند کلیّی حوادث را کشف کنند. در کتاب شهر خدا سنت اگوستن سیر تاریخ را چنین بیان می‌کند: جدال و کشمکش میان دو جامعه یکی مدینه زمینی و دیگری مدینه الهی که بیش و کم تجسم همان دولت و کلیسا باشند و پیروزی نهائی مدینه الهی و نجات و رستگاری بالمآل بشر که بی‌گمان منطبق با مشیت الهی روی خواهد داد. این جدال تاریخی یادآور پیکار مظاهر اهورامزدا و اهریمن و غلبۀ پایانی نیکی و روشنایی است چنانکه در آئین زردشتی گفته شده است. آثار حضرت ولیّ امرالله از جمله توفیق منبع قرن (God Passes By) هم به نوعی دیگر از این جدال معنوی که کشمکش میان نیروهای کوبنده و روبنده نظم کهن از سویی و نیروهای سازنده و پردازنده نظم نوین از سوی دیگر باشد اشاره می‌کند و مقرون به همان ایمان و اطمینان است که به قوتی بیش از تفکر و تعقل حاصل میشود.

می‌دانیم که در عصر روشنگری غالباً نظریۀ دائر بر سیر تکامل از مرحله پست‌تر به مرحله والاتر مطرح بود چنانکه ولتر در رسالۀ راجع به رفتار و اخلاقیات ملل (۱۷۵۶) می‌گفت جامعه بشری از تاریکی خرافه پرستی به سوی روشنایی روز افزون عقل در حرکت است. ژان ماری کُندرسه هم در طرح تصویر تاریخی پیشرفت ذهن انسان (۱۷۹۵) همین ترقی مداوم انسان را به برکت عقل و علم مطرح می‌کرد. اما در آثار حضرت ولیّ امرالله همچنان که در آثار اسپنگلر و سوروکین بخصوص دیده می‌شود سیر تاریخ با فراز و نشیب و تنزل و تصاعد و بحران و پیروزی توأم است یعنی تاریخ معرض یک نوع دیالکتیک روحانی است اما به خلاف بدبینان، حضرت ولیّ امرالله به آیندۀ درخشان بشریت عقیده دارند و دین را بجای علم و عقل عامل سوق تمدن بشری به کمال محسوب می‌کنند ضمناً به خلاف اگوست کنت بنیادگذار جامعه‌شناسی که در قانون سه گانه خود سیر اندیشه انسانی را از حالت مذهبی به حالت عقلانی و از حالت اخیر به مرحله حسی و تجربی و علمی یعنی تسلط علوم مثبت بر زندگی آدمیان می‌دید حضرت ولیّ امرالله آیندۀ را در پرتو همکاری صمیمی میان دین و علم یا تلفیق تمدن روحانی و تمدن مادی متحقق می‌بینند و در نتیجه نگاه مادیت تاریخی مارکس را که به عوامل و روابط یا قوای تولید اقتصادی در کارگردانی تاریخ میدان وسیع می‌گشود به کلی رد می‌کنند.

اینکه جامعه بشری از مراحل کودکی به جوانی و بلوغ و رشد عقلی و عاطفی در حرکت است و در حقیقت نوعی قانون حیاتی یا بیولوژیکی بر سرنوشت آدمیان حکومت می‌کند نه فقط در آثار اسوالد اسپنگلر بلکه در آثار طلعات مقدسه در این ظهور الهی تأیید شده است منتهی در حالیکه هم اسپنگلر و

هم سوروکین تمدن غرب را در مرحله افول پیری قرار می دهند نگاه امر مبارک به تمدن غرب در عین نقادی شدید عاری از ستایش نیست. تمدن غرب معدوم نمی شود بلکه با پیوند روحانیت حیات تازه ای از سر می گیرد زیرا هرچه باشد تمدن غرب در عین ایجاد آنچه موجب وحشت و اضطراب جهانیان شده موجد و پرورنده بسیاری از ارزش های والا چون علم و صنعت، دموکراسی و حقوق بشر و بسیاری از مظاهر ارزنده فرهنگی دیگر نیز بوده است.

در برابر کسانی که تاریخ را حرکت بر مسیر خطی به صورت تصاعدی یا تنازلی می بینند و آنان که مانند هندوان و یونانیان به سیر دوری تاریخ معتقدند حضرت ولی امرالله همانند توینبی سیر حلزونی تصاعدی را که آمیخته ای از سیر دوری و سیر خطی است یعنی در عین نوسان و سوق به اوج و فراز به سوی هدفی والا در حرکت است دفاع می کنند.

کتاب عمده ای که فلسفه تاریخ و آینده نگری حضرت ولی امرالله را ارائه می کند مجموعه توقعات عمومی هیکل مبارک در فاصله سال های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۶ است که تحت عنوان نظم جهانی حضرت بهاءالله به چاپ رسیده است. در اکثر آن توقعات فلسفه تاریخ بطور ضمنی مطرح است اما بخصوص در توقع مورخ ۱۹۳۶ تحت عنوان تجلی یا شکوفندگی مدیتت جهانی است که این فلسفه بطور بارز ارائه می شود و عناوین فرعی در نسخه اصل انگلیسی هم معرف همین جهت گیری است، عناوینی چون:

- وصول بشریت به مرحله بلوغ.
- جریان پیوستگی و گسستگی.
- تکامل و نیل به هدف نهائی.
- دردهای مراحل مرگ نظم قدیم و ولادت نظم نوین.
- علائم سقوط اخلاقی.
- گسیختگی و سقوط نظامات سیاسی و اقتصادی و وقوع مرحله امتحان یا جزا (منظور مجازات بشریت غافل از ندای الهی است).

بر اساس این توقع منبع، در حالیکه اسپنگلر ده فرهنگ را مورد بررسی قرار می دهد و توینبی توجهش به ۲۱ تمدن گذشته و حال است حضرت ولی امرالله تمدن بشری را به صورت یک کل وحدانی مورد نظر قرار می دهند و بخصوص به آنچه در مغرب زمین یعنی در تمدن غالب روی داده و می دهد متوجه هستند و در عین حال که مقابله چالش ها و پاسخ ها را در زمینه های مختلف حیات انسانی در مد نظر دارند ولی بیشتر مشخصه کلی تمدن جهانی را که در گذشته مبارزه و تنازع بقا بود و در آینده در قالب تعاون و وحدت جلوه گر خواهد شد منظور فرموده اند و به همین جهت در توقع مبارک هدف یک نظم جدید جهانی پس از بیان هرج و مرجی که در جامعه و تمدن موجود به چشم می خورد و ذکر ناتوانی دولت ها از مواجهه با این آشفتگی، اصول راهنمای نظم حضرت بهاءالله را که در مرتبه اولی وحدت عالم انسانی است با نقل لوح مبارک هفت شمع حضرت عبدالهء و یادآوری خطاب جمال مبارک به ملکه

ویکتوریا درباره حکومت جهانی ارائه می‌کنند. حضرت ولیّ امرالله صفحات متعددی را در تشریح معنای وحدت در آئین بهائی اختصاص می‌دهند که بر اساس آن اندیشه مذکور در امر الهی با نظریه‌های گذشته چون برقراری نظم از طریق امپریالیسم یا سلطه یک حکومت مقتدر یا استقرار نظم از طریق تعادل میان قدرت‌های نظامی مشتبه نمی‌گردد و بنیاد دینی نظم نوین که ورای پایه قانونی مورد نظر در نظریه "نظم نوین از طریق قانون" است نیز از خاطر نمی‌رود.

وضع جهان کنونی

این نکته شایان یادآوری است که صفحات میسوطی از آثار حضرت ولیّ امرالله به تشریح مفساد جامعه امروز عالم که ریشه‌اش را در بی‌خدایی و لا مذهبی باید جست، اختصاص یافته است. پیتیریم سوروکین جامعه‌شناس نام آور معاصر هم عقیده داشت که مادیت و حسیت و فساد اخلاقی ناشی از افراط در تمدن حسی موجود و غفلت نسبت به بنیادهای روحانی و عقلی تمدن، منشأ همه مشکلات و ناهنجاری‌های امروز است. این اندیشه را حضرت بهاءالله در زمان خود به صراحت تام بیان فرمودند که در آثار حضرت ولیّ امرالله نیز تکرار و تأکید شده است:

«حفظ مبین و حصن متین از برای عموم اهل عالم خشیه الله بوده و آن است سبب اکبر از برای حفظ بشر و علت کبری از برای صیانت وری.» (کلمات فردوسیّه)

و پس از توصیه دین به مظاهر قدرت یعنی رؤسا و علما و عرفا؛ جمال مبارک تصریح می‌فرماید که: «آن است سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان. سستی ارکان دین سبب قوت جهال و جرأت و جسارت شده. به راستی می‌گویم آنچه از مقام بلند دین کاست بر غفلت اشرار افزود و نتیجه بالاخره هرج و مرج است.» (کلمات فردوسیّه)

دوام این هرج و مرج را که نتیجه لا مذهبی است جمال مبارک صریحاً پیش‌بینی فرموده‌اند که روز به روز شدت می‌گیرد و بجایی می‌رسد که بنیه انسانی را تحمل آن نمی‌ماند، آن وقت انتباه و تحوّل روحانی روی می‌دهد:

«عالم متقلب است و انقلاب او یوماً فیوماً در تزیاد و وجه آن بر غفلت و لا مذهبی متوجّه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد به شأنی که ذکر آن حال مقتضی نه و مدتی بر این نهج می‌رود و اذا تمّ المیقات يظهر بغتة ما یرتعد به فرائض العالم اذا ترتفع الاعلام و تغرد العنادل علی الافئان.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۶۱)

حضرت بهاءالله در لوحی خطاب به جناب علی محمد ورقا شهید مجید نحوه انتقال از دنیای تعصبات، به دنیای بی‌دینی، و بعد بازگشت به دین حقیقی را تشریح فرموده‌اند که بی‌گمان در افکار حضرت ولیّ امرالله سخت مؤثر بوده است. حضرتش تنها در مورد بی‌دینی و مادیت معاصر و عواقب وخیم آنها تأکید نمی‌فرمایند بلکه در توقیع قد ظهر یوم المیعاد سه صنم بزرگ را که ملل و دول در زمان

حاضر پرستش و نیایش می‌کنند و همه به نوعی از همان بی‌دینی و مادیت ریشه گرفته‌اند انگشت‌نمای رسوایی می‌کنند یعنی بت‌های ملیت‌گرایی، نژادپرستی و کمونیسم را. از وجوه مشترک این سه مکتب فکری ایجاد جدایی و دشمنی میان مردم به نام اسطوره‌های افسانه‌وار چون افسانه ملیت، نژاد یا طبقه اجتماعی است در حالیکه امر بهائی مدافع یگانگی بنیادی نوع بشر است و مانند هر دیانتی نیرومندترین قدرتی است که برای ایجاد وفاق و اتفاق میان مردم در جهان وجود دارد و اکنون در دنیایی که زندگی مردمش گسترشی به ابعاد گره‌ارض پیدا کرده جز امر بهائی که دیانت جهان‌شمول و جهان‌آرا و جهان‌پرور است چه درمانی برای درد پراکندگی و ستیزه‌جویی خلالت می‌توان یافت؟

از دیدگاه حضرت ولی‌ام‌الله که در این مورد هم از اندیشه حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء تبعیت فرموده‌اند علت العلل دردها و مشکلات، گذشته از بی‌دینی و مادیت، عدم تطابق روش‌ها و نهادهای گذشته با مقتضیات جهان بی‌مرز کنونی نیز هست و البته اختلافات و نزاع‌ها این دردها و مشکلات را تشدید می‌کند و گره‌کور تازه‌ای بر یک کلاف سر درگم می‌افزاید.

چون بازگشت به ادیان سالفه که با احتیاجات دنیای امروز تطابق و توافق ندارند بیهوده است، چاره‌ای جز قبول یک نظام دینی جدید که در عین حال حاوی نظام سیاسی-اقتصادی-فرهنگی تازه‌ای باشد به نظر نمی‌رسد. به فرموده جمال مبارک که حضرت ولی‌ام‌الله مکرراً کلمات مبارکه‌اش را یاد آور شده و مورد استناد قرار داده‌اند:

«فی الحقیقه اریاح یأس از جمیع جهات در عبور و مرور است و انقلابات و اختلافات عالم یوماً فیوماً در تزیاید. آثار هرج و مرج مشاهده می‌شود چه که اسبابی که حال موجود است به نظر موافق نمی‌آید.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، شماره ۱۱۰)

از این روست که باید منتظر بود مصداق بیان دیگر جمال مبارک ظاهر شود: «زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد.» (منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، شماره ۴) بخش مهمی از آثار حضرت ولی‌ام‌الله در تشریح مشخصات بساط دیگر یعنی نظم تازه‌ای است که حضرت بهاء‌الله در آثار خود بنیان نظری آن را استوار فرموده‌اند.

تصویر آینده

تصویری که حضرت ولی‌ام‌الله از نظم تازه یعنی دورنمای جهان فردا ارائه می‌فرماید به راستی در تاریخ ادیان بی‌سابقه و نظیر است هرچند در نبوات انبیای بنی اسرائیل و بشارت مندرج در مکاشفات یوحنا برخی از مشخصه‌های نظم آخر الزمان توصیف شده اما غالباً استعارات و تمثیلاتی به کار رفته که برای مردم امروز به روشنی نمای آینده جهان را ارائه نمی‌کند. مجملات از بشارت گذشته بر می‌آید که دنیای پایان تاریخ دنیای عدالت و صلح و الفت بین ملل و آسایش و رفاه عموم مردم جهان، غلبه حیات بر مرگ، و روشنی بر تاریکی، و آسودگی از دردمندی و رنجوری خواهد بود.^{۱۰}

تصویری که حضرت ولیّ امرالله در تجلّی مدنیّت جهانی عرضه داشته‌اند علاوه بر وضوح و روشنی، جامعیتی استثنائی دارد چون هم به نظام سیاسی - اقتصادی در دنیای مورد انتظار مربوط می‌شود و هم جهات اجتماعی - فرهنگی، حیات علمی و فکری و معنوی و نظائر آن را در بر می‌گیرد و همه اجزاء آن حتی از نظر یک فرد غیر بهائی که منصف باشد احتمال وقوعش قوی است که آنکه طولانی شدن عمر بشر و برقراری نظام مخابراتی جهان‌گیر که فارغ از مداخله و نظارت دولت‌ها باشد و جستجوی پول و مقیاس‌های مشترک و حتی زبان بین‌المللی از مقوله‌های اموری است که به مقدار قابل ملاحظه‌ای تحقق پیدا کرده است و دیگر آنها را به اوتوپی یا "شهر نیست اندر جهان" منسوب نمی‌توان کرد.

علاوه بر سیستم مخابرات بین‌المللی و پول و مقیاس‌های مشترک، توقع منیع سال ۱۹۳۶ حاوی سه اندیشه‌ای اعجاب‌آور است که در زمان خود مطرح نبود و اینک در صحنه بین‌المللی مورد تأیید و حمایت شدید واقع شده است:

نخست امکان تشحید و اعتلای مغز و افزایش قدرت فکر انسان که در حال حاضر به مدد تحقیقات درباره مغز انسان و بیوتکنولوژی امری بعید و غریب جلوه نمی‌کند.

دوم توجه به آنکه منابع عمده طبیعت و محیط زیست، میراث مشترک عموم بشریت است و باید توسط یک مرجع بین‌المللی اداره شود.

و سوم یادآوری ضرورت کاربرد منابعی که امروز مصروف جنگ می‌شود برای ترقّی و رفاه بشری است که حال یکی از توصیه‌های عمده UNDP یا برنامه توسعه ملل متحد شده است.^{۱۱}

مداخله انسان در تاریخ

مطلب مهمی که ممکن است مشغله خاطر کسانی شود که به تقدیرگرایی یا جبر تاریخی عقیده ندارند و مداخله مشیّت الهی را در تاریخ بشری نفی می‌کنند میزان مداخلت اراده انسانی در تحولات آینده است. به عبارت روشن‌تر محتمل است از خاطر پرسشگر بگذرد که اگر اهل بهاء به جبر تاریخ از دیدگاهی روحانی عقیده دارند یعنی معتقدند که لزوماً عالم به سوی ملکوت‌الله علی الارض سیر و حرکت دارد پس نقش اختیار انسان که این همه در نصوص الهی بر آن تأکید رفته چیست؟ در این مورد با رعایت وقت محدود به دو پاسخ اجمالی اکتفا می‌کنیم:

نخست آنکه همت و مجاهدت انسان ضرور است تا آن تمدن موعود زودتر ساخته و پرداخته شود و بر جهان استقرار یابد. مداخله آدمی در تسریع یا تأخیر وقوع هدف موعود اثر قطعی دارد. اهل بهاء در عصر تکوین موظف به تبلیغ و توسعه جامعه و بسط و تحکیم نظام اداری امر حضرت بهاء‌الله هستند و همین نظم اداری است که محور و الگوی نظم جهان‌آرای الهی آینده را تشکیل خواهد داد و تکامل و بلوغ روحانی مؤسسات امری از این بابت کمال ضرورت را دارد تا شایسته ایفای چنین نقشی گردند.

ثانیاً هرچند حضرت ولیّ امرالله در توقیعی تصریح کرده‌اند که خدا در تاریخ بشری به صورتی

مرموز، آهسته و پیوسته و در عین حال مقاومت‌ناپذیر مداخله می‌کند از بیانات مبارکه این حقیقت هم استنباط می‌شود که عمل انسان است که به وقوع وقایع و تحقق تحولات کیفیّت خاصّ می‌بخشد یعنی اگر جهت حرکت که جهانی شدن و وحدت یافتن است مشخص و مسلم است ولی نوع حرکت و کیفیّت آن بستگی تام به خود آدمیان دارد که آنکه به تصریح حضرت ولیّ امرالله در همه ادیان اصل بر شمول و گسترش جهانی یا Universalism بوده ولی نظر به قصور پیروان و نامساعد بودن شرائط زمان این اصل تحقق کامل پیدا نکرده است.^{۱۲}

اعتقاد به مداخله مشیّت الهی تعارضی با قبول نیروهای درون ذاتی جامعه و تاریخ ندارد زیرا در حقیقت دین همان روابط ضروریّه منبث از حقائق اشیاء است و به عبارت دیگر با حقائق تاریخ منطبق است و در نتیجه حضرت ولیّ امرالله با مطالعه عمیق الواح مبارکه مظهر کلیّ الهی و کسب الهام برای فهم آنها در مقام مبین قادر شدند که سیر عالم را از خلال کلمات حقّ استنباط کنند.

چنانکه محققان آینده‌نگر می‌گویند آینده به سه صورت بر آدمیان مطرح می‌شود: نخست آینده قطعی یا ضرور که اجتناب‌ناپذیر است و ناچار باید در برابر آن گردن نهاد چون رشد جمعیت که ضرورتاً ولو به میزان خفیف روی می‌دهد. دوم آینده اتّفاقی که مطلقاً قابل پیش‌بینی نیست. سوم بخش آزاد مانده آینده که همان آینده ساختنی باشد که اراده آدمی در شکل دادن به آن مداخلت تام دارد. هرچند که در آثار مبارکه در قطعیت استقرار صلح و وحدت عالم انسانی و مدنیت جهان‌شمول تأکید رفته است این اراده و فعل آدمی است که می‌تواند زمان وقوع و نوع و کیفیّت مدینه فاضله آینده را مشخص کند و خود نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء که حضرت ولیّ امرالله همه عمر را صرف تنفیذ و اجرای آن فرمودند گواه همین امکان بلکه لزوم مداخله انسان در ساختن آینده موعود است.

قبول مداخله نیروی غیبی در تاریخ انسان فلسفه تاریخ حضرت ولیّ امرالله را از طرز دید متفکرانی چون پتریم سوروکین به کلی متمایز می‌کند هرچند سوروکین هم معتقد بود که جهان به تأثیر قوای درونی خود از تمدنی بر بنیاد حسّ و ماده به سوی تمدنی جامع که در آن حسّ و عقل و شهود باطنی و روحانی در تعادل خواهند بود در حرکت است.^{۱۳}

یک نظریه حیاتی و انرژتیکی

نکته دیگری که در فلسفه تاریخ حضرت ولیّ امرالله جلب نظر می‌کند و ریشه آن در آثار حضرت بهاءالله باید جستجو شود چنانکه به اشارت مذکور افتاد اتخاذ یک نظریه حیاتی و انرژتیکی است. در ابتدای تصویری که حضرت ولیّ امرالله از آینده عالم ترسیم می‌کنند بیانی از جمال مبارک را نقل می‌فرمایند بدین مضمون که «حیات تازه‌ای در این عصر همه مردم جهان را به حرکت آورده و لکن هیچکس شاعر بر کیفیّت و واقف به جهت و هدف آن نیست.» و در پایان تصویر مذکور این جمله آمده است: «این است غایت و هدفی که جامعه انسانی در تحت فشار جبری قوای وحدت‌بخش حیات به سوی

آن در حرکت است.» می‌دانیم که در الواح متعدّد امر بَدِيعِ الهی به حیات جدیدی که در پیکر فرسوده عالم دمیده شده تشبیه گردیده. در نصوص مبارکه این نیروی حیاتی به نشئه بهاری مقایسه شده که جهان را به خلعت تازه می‌آراید. عالم را جمال مبارک به زنی حامله تشبیه فرموده‌اند که زود است حمل گرانبهای خود را وضع کند و به یمن تولّد این حیات جدید، جهان هستی به ثمره خود که مدنیت مطلوب است آراسته گردد.

فی الحقیقه تعریف دین از منظر بهائی به مجموع عقائد جزمی و رسوم و مناسکی که موضوع و محمول آنها امور مقدّسه یا خدا باشد محدود و محصور نمی‌شود. دین در درجه اولی قوه‌ای خلاقه است که منشأ حیات و حرکت عالم است و سازنده انسان جدید و جامعه جدید و تمدن جدید^{۱۴} و چنانکه بجای خود گفتیم این قوه الهی هم دافعه است و هم جاذبه و در عین حال به صورت نیروی نظم‌گسکننده و نظم‌بخشنده جلوه گر می‌شود.

اصل نسیبیت

از بدیع‌ترین اندیشه‌هایی که به فلسفه تاریخ مربوط می‌شود و نحوه نگاه به تاریخ بخصوص تاریخ دینی عالم را به کلی دگرگون می‌کند بیان آن حضرت است به اینکه جهان یک‌سره در تحوّل و تغییر است و آنچه دیروز مفید بود امروز لزوماً به کار نمی‌آید و افکار و اعتقادات و مؤسّسات همه دستخوش دگرگونی است و حتّی حقائق دینی مطلق و ابدی نباید تلقّی شوند بلکه نسبی و متحوّل و متطوّر هستند و سرّ تجدید ادیان هم همین است یعنی هرچند حقیقت مطلق واحد است اما تجلّی آن در این عالم تدریجی و نسبی است.

«حقائق دینی امری نسبی است نه مطلق و آئین یزدانی تجدیدپذیر است نه جامد و نهائی.»^{۱۵}

با این توضیح بعضی شرائع گذشته که در نظر مردم امروز عجیب و غریب به نظر می‌رسد چون حکم جهاد یا تعدّد زوجات در اسلام، در زمان خود توجیه پیدا می‌کند و بعضی قوانین بهائی که محتملاً برای مردم معاصر بعید و شگفت جلوه می‌کنند چون پاره‌ای مجازات‌های کتاب مستطاب اقدس باگذشت زمان و رسیدن موقع مناسب بی‌شبهه منطقی خردپذیر خود را به ثبوت می‌رسانند.

باید متذکّر باشیم که از حقائق دینی توجّه حضرت ولیّ امرالله بیشتر معطوف به حدود و قوانین و آداب و مناسک و محتملاً بعضی معتقدات ثانوی دینی است زیرا در عین حال آثار مبارکه بر آن تأکید دارد که برخی از مبادی روحانی و اخلاقی اصول مشترک میان همه ادیان و ابدی هستند. پس نظریّه هیکل مبارک را نمی‌توان با نظریّه Historicism یا اصالت تاریخ که ارنست ترولتش E. Troeltsch و دیگران مدافع آن بودند مشتبه کرد زیرا نظریّه اخیر مآلاً به «شکاکیت اخلاقی و فکری تمام عیار راه می‌برد.»^{۱۶}

در اینجا مایلیم گریزی به رأی یکی از صاحب‌نظران پرآوازه معاصر زمن و او فوکویاما است مؤلفی که پنداری به یک اعتبار شاگرد هگل است ولی با ملاحظه بیشتر پیشرفت دموکراسی لیبرال در جهان و اینکه هر سال عده بیشتری از جامعه‌ها در نطق چنین نظامی در می‌آیند این سیستم را غایت و پایان تاریخ قلمداد کرده چون به قول او نیاز اول انسان شناخته شدن و تصدیق حرمت و حیثیت شخص توسط دیگران است و در دموکراسی لیبرال این شناسایی به بهترین وجه تحقق می‌پذیرد. می‌توان گفت که آینده‌نگری بهائی هم با انتقاد دموکراسی به وجه کنونی مقرون است و هم با نقد لیبرالیسم اقتصادی. اولی بخاطر آنکه از عوام فریبی (دماغ‌گوزی) و فساد اخلاقی عاری نیست و دومی بخاطر آنکه فقط بر سودجویی شخصی متکی است. این است که حضرت ولی‌ امرالله تأکید فرموده‌اند که سیستم بهائی نباید با هیچیک از نظامات موجود تشبیه شود چه دموکراسی و چه انواع دیگر و تصریح کرده‌اند که تاریخ هنوز به غایت و نهایت خود نرسیده است و حتی نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاءالله را باید امری دینامیک و متحول تلقی کرد نه ساختی متحجر و ثابت زیرا تکامل روحانی و اخلاقی بشر به تصدیق حضرت ولی‌ امرالله تا دنیا هست ادامه خواهد داشت و حد و نهایی نخواهد شناخت.^{۱۷}

فردا حاصل و نتیجه امروز است

اکنون که به پایان سخن نزدیک می‌شویم مناسب خواهد بود به ارتباط آینده‌نگری با زمان حاضر اشاره‌ای کنیم. ژرژ منیوا مؤلف کتابی به فرانسه در تاریخ آینده یا آینده‌نگری از عصر پیغمبران تا عصر پیش‌بینی‌های علمی (۱۹۹۶) راست گفته است که هدف آینده‌نگری در درجه اول زمان حاضر است. آینده‌نگری چه در انستیتوهای علمی فرانگاری صورت گیرد و چه نقل قول از هاتف غیبی باشد هدفش این است که برای رهبران از هر دسته باشند اطلاعاتی از گرایش‌ها و وقایع ممکن الحصول عرضه دارد تا راهنمای عمل امروزشان باشد و فی الحقیقه آینده چیزی جز نتیجه و حاصل اعمال ارادی کنونی ما نیست. بر این اساس باید متذکر بود که آینده‌نگری حضرت شوقی ربانی نیز تنها یک ممارست فکری و عقلی نیست بلکه به اعتباری ارائه راهنمایی برای زندگی و کار و خدمت فرد فرد احباء و جوامع بهائی در حال حاضر است. به واقع نسل کنونی و نسل‌های آینده عمیقاً مدیون و مرهون عنایت آن حضرت هستند که نه فقط پرتوی بر نمای آینده‌ناشناخته امر الهی و عالم افکنند بلکه به اعمال و مجهودات و نقشه‌ها و حرکت‌های فردی و جمعی بهائیان جهت و هدف و افق دید بخشیدند حتی جانبازی احباء در سرزمین‌هایی که هنوز در مرحله مقهوریت واقعد معنی و مفهوم جدیدی حاصل کرد که همان فداکاری و از خودگذشتگی برای پیروزی اصل‌گذشت و بردباری بر انتقام‌جویی و خشونت و ستیزه‌طلبی و رفع و دفع تعصبات و اتحاد نهائی مردم و حصول غائی وحدت عالم انسانی باشد. به این ترتیب حضرتش معنی این بیان جمال مبارک را عیان فرمودند که به کرات و مراتب از قلم اعلیٰ نازل شده که در فکر خود مباحثید در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید.

آری تحقق بلوغ عالم انسانی و استقرار مدنیت جهانی حضرت بهاء الله است که باید به زندگی و احساس و اندیشه و عمل و فعالیت ما جهت و معنی و رنگ و جلا بخشد که به فرموده جمال قدم خلقتم اصلاح الخلق. سخن را با عبارتی از توفیق مبارک مورخ ۲۱ مارچ ۱۹۳۰ از آن حضرت خاتمه می‌دهم که همداری بزرگ خطاب به نسل حاضر است:

«پس بر ما اهل بهاء است از دل و جان در این مطالب غور و خوض نمائیم تا بتوانیم از این امر عظیم الهی نظری وسیع و ادراکی عمیق حاصل کنیم و در این نمایش پر جلال که بر صحنه روحانی عالم ظاهر شده نقش خویش را هر چند حقیر باشد با عزمی جزم و همتی محکم به خوبی ایفاء نمائیم.»^{۱۸}

یادداشت‌ها

۱- ر.ک. به زبان انگلیسی از امة البهاء روحیه ریائی، *The Guardian of the Bahá'í Faith* ولی امر بهائی، ۱۹۸۸، ص ۱۷۸.

۲- رجوع شود به نظم جهانی حضرت بهاء الله *World Order of Bahá'u'lláh* حاوی توفیعات عمومی آن حضرت به غرب بین سال‌های ۱۹۲۹ و ۱۹۳۶. خصوصاً توفیق آخرین تحت عنوان "ظهور یا جلوه مدنیت جهانی" که دو ترجمه از آن در دست است: ۱- از جمشید فنائیان. ۲- از هوشمند فتح اعظم در کتاب نظم جهانی بهائی، ۱۹۸۹.

۳- ر.ک. *Vision of Shoghi Effendi*، نشر انجمن مطالعات بهائی کانادا، ۱۹۹۳.

۴- تفصیل آن در کتابی که این جانب در سال ۱۹۹۷-۱۹۹۸ به دو زبان فرانسه و انگلیسی در انتشارات یونسکو به طبع رساند آورده شده است: *The Contents of Education, Worldwide Perspective, from Now to the Year 2000*

۵- توماس مور در فاصله ۱۴۷۸ و ۱۵۳۵ می‌زیسته، حقوق‌دان و صاحب مقامات والا در دولت انگلیس بوده و در سال ۱۵۱۶ کتاب او تویی را در تصویر و توصیف سازمان یک جامعه ایدئال (آرمانی) نشر کرده است. کامپانلا متفکر و نویسنده ایتالیایی است (۱۵۶۸-۱۶۳۹) و کتاب خود شهر آفتاب را درباره جامعه‌ای آرمانی که در آن اصل برابری بر همه‌جا حکومت می‌کند در زندان نوشته است.

جمهور افلاطون که سرمشق مدینه‌های فاضله و یوتوپیا‌های ادوار بعد بوده است مدینه‌ای را مجسم می‌کند که در آن اصل عدالت و اعتدال در همه شئون حیات فرمانروا است و نوعی سرزمین اشتراکی هم هست. افلاطون در فاصله ۳۴۷ و ۴۲۷ قبل از میلاد می‌زیست. کتاب جمهور در سال ۱۳۳۵ به فارسی ترجمه شده است.

۶- در مورد برخی از این متفکران علاوه بر کتب تاریخ فلسفه رجوع شود به کتاب فارسی: فلسفه تاریخ، پل ادواردز، ترجمه بهزاد سالکی، طهران، ۱۳۷۵ (این ترجمه محتاج اصلاحات بسیار است).

7- M. Mesarovic, Denis Meadows, Herman Kahn, D. Bell, A. Toffler, E. Pestel, J. Tinbergen, W. Leontief.

۸- ر.ک. نظم جهانی بهائی، صص ۱۶۸-۱۶۹.

۹- ر.ک. نظم جهانی بهائی (ترجمه)، از جمله صفحات ۹۱ و ۱۶۹.

۱۰- تصویر مدینه فاضله در نزد اشعای نبی چنین است: در آن زمان در تمامی کوه مقدس ضرر و فساد در میان نخواهد بود. جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد. گرگ با بزه سکونت خواهند کرد و رانندگان اسرائیل در سرزمین خود جمع خواهند شد بیابان و زمین خشک آباد و سرسبز و شادمان خواهند شد. مردم جلال خداوند را مشاهده

خواهند نمود. در آن روزگار غم و ناله فرار خواهد کرد.

تصویر مدینه فاضله در مکاشفات یوحنا چنین است: در آن مدینه دیگر شب نخواهد بود و احتیاج به چراغ و نور آفتاب نخواهد داشت. در آن مدینه چیز ناپاک داخل نخواهد شد. تخت خدا در میان مردمان خواهد بود و بندگان چهره او را خواهند دید و خدا هر اشکی از چشمان ایشان پاک خواهد کرد. در آن شهر موت نخواهد بود و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود و ظالمان به سزای خود خواهند رسید و در آن شهر درخت حیات هر ماه میوه خواهد داد و برگ‌های آن برای شفای امت‌ها خواهند برد.

مسلمین انتظار استقرار عدل و داد را به هنگام ظهور مهدی یا قائم موعود دارند و قرآن هم وعده لقاءالله را در یوم آخر می‌دهد ضمناً در روز رستاخیز وعده بهشت به مؤمنان و وعید دوزخ به عاصیان داده شده است.

۱۱- اگر تصویر جامعه و مدنیت آینده را که حضرت ولی امرالله در پایان تویق ۱۹۳۶ عرضه داشته‌اند زیر چهار عنوان ارائه کنیم به چنین تابلوی شکوهمندی می‌رسیم.

اول نظام نوین: تشکیل یک جامعه متحد جهانی، در عین حال استقلال دول و آزادی و ابتکار عناصر مرکبه، ایجاد قوه مقننه و قوه مجریه بین‌المللی و محکمه کبری، برقراری ارتباطات و مخابرات بین‌المللی، تأسیس پایتخت بین‌المللی و انتخاب زبان بین‌المللی و استقرار یک نظام فدرالی جهانی.

دوم ترقیات معنوی: رفع تعصبات ملی و نژادی و خصومت‌های دینی و تقویت حیات فکری و اخلاقی و روحانی نوع انسان و به خدمت عدل و داد درآمدن زور و قدرت و پیروی از یک دین عمومی.

سوم تحولات فرهنگی: شامل اتخاذ خط و ایجاد ادبیات جهانی، آشتی علم و دین، آزادی مطبوعات، توسعه اختراعات و ترقیات فنی، بسط تحقیقات علمی، داد و ستد فرهنگی شرق و غرب و شکسته شدن طلسم خشونت و نزاع و بدبختی و درماندگی.

چهارم تحولات مادی: شامل برقراری نظام مشترک پول و اوزان و مقادیر و تنظیم صحیح منابع و بهره‌برداری از آنها و الغاء فقر و ثروت افراطی و صرف منابع جنگ برای بهروزی آدمیان و ازدیاد تولیدات و بالا رفتن سطح صحت و بهداشت عمومی و دراز شدن عمر و بهره‌مندی از منابع بکر و ناشناخته، مالکیت جهانی میراث مشترک بشریت.

۱۲- تنها در دیانت حضرت مسیح بود که عوامل مختلف دست به دست هم داد و موجب گسترش آن آئین به سراسر جهان مسکون شد که نقش مبلغان و مبشران مذهبی در جوار بازرگانان و قوای نظامی و استعمارگران در آن بارز و نمایان است.

۱۳- رابینهو نیبور R. Niebuhr در قرن بیستم کتابی دارد زیر عنوان ایمان و تاریخ که به موجب آن برای ذهن محدود بشر هم طرح و هم نحوه فعل و دخالت خداوند در تاریخ رازآمیز و ناشناخته است.

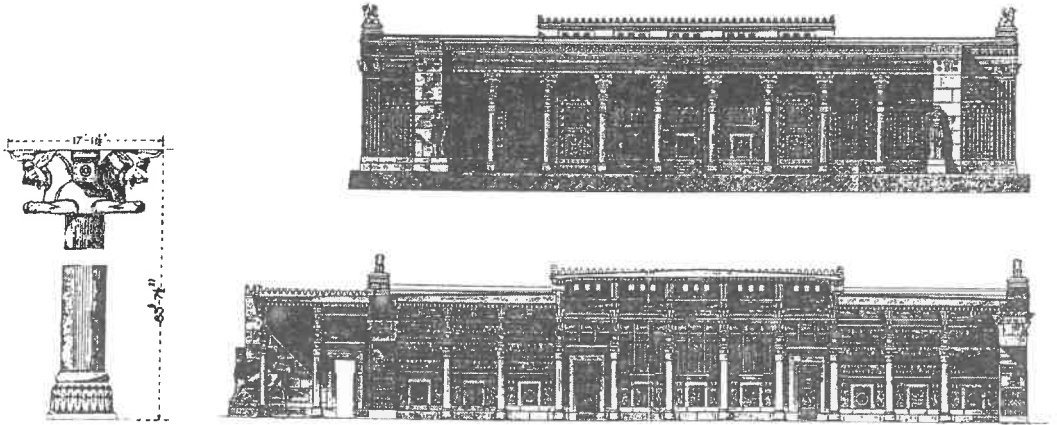
۱۴- می‌توان گفت که نظر دیانت بهائی درست در مقابل نظر رسمی کلیسای کاتولیک قرار گرفته که معتقد است روح الهی یا روح القدس در کلیسا تجسم و تجسد یافته در حالیکه به عقیده ما کلیسا مرحله سلب روح و تصلب دین یعنی قشریت محض را مجسم می‌کند مطلبی که بسیاری از متفکران خود به آن رسیده‌اند.

۱۵- ر.ک. نظم جهانی بهائی (ترجمه)، ص ۸۰

۱۶- ر.ک. کتاب: فلسفه تاریخ، پل ادواردز مذکور در سابق، ص ۱۸۱.

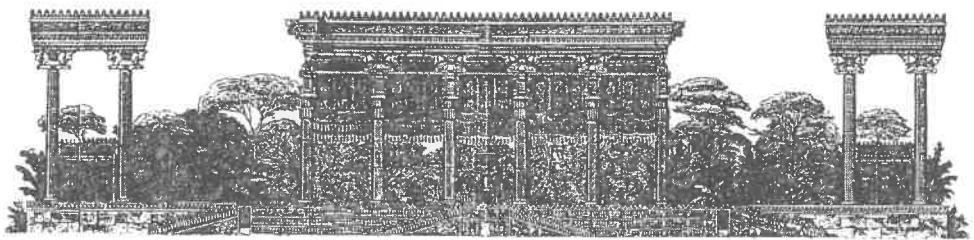
۱۷- در تویق مبارک تولد مدنیت جهانی می‌فرمایند: «پیدایش یک جامعه جهانی و اعتقاد وجدانی به یک وطن بودن عالم و تأسیس مدنیت و فرهنگ جهانی که باید با اولین مراحل عصر ذهبی دور بهائی مقارن باشد هرچند از لحاظ اجتماعی بالاترین حد پیشرفت در سازمان یافتن جامعه بشری محسوب می‌شود اما یقیناً ترقی بشر از لحاظ انفرادی بر اثر تحقق آن جامعه جهانی متوقف نخواهد شد و الی غیر النهایه به پیشرفت و تقدّم ادامه خواهد داد.» (ترجمه، ص ۱۰۱)

۱۸- نظم جهانی بهائی (ترجمه)، ص ۳۵.

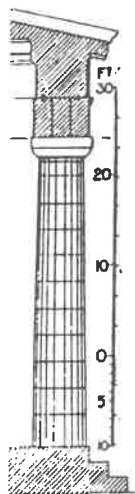


نمونه ستون ایرانی - تخت جمشید

تالار کاخ صدستون - تخت جمشید



کاخ آپادانا - تخت جمشید



نمونه ستون یونانی



بنای پارتنون - آتن

نگاهی به مضامین و سبک آثار حضرت ولیّ امرالله

وحید رأفتی

آثار حضرت ولیّ عزیز امرالله که در طیّ سی و شش سال (۱۹۲۱-۱۹۵۷ م.) برای هدایت اهل عالم به شریعهٔ جمال قدم و قرینت آنان به منویات مظهر امر الهی در این ظهور افخم به منصفه ظهور رسیده مجموعهٔ بی‌نظیری را در معارف مذهبی جامعهٔ انسانی تشکیل می‌دهد. این آثار را بطور کلی می‌توان به چهار دسته تقسیم نمود:

اول- آثار فارسی

دوم- آثار عربی

سوم- آثار انگلیسی

چهارم- آثاری که از فارسی و یا عربی به انگلیسی ترجمه شده است.

آثار سه دستهٔ اول به دو نوع قابل تقسیم است:

اول- آثاری که به قلم هیکل اطهر به رشتهٔ تحریر درآمده است.

دوم- آثاری که حاوی مطالب حضرت ولیّ امرالله است اما از طرف آن حضرت بوسیلهٔ منشی

تحریر شده و سپس به ملاحظه و امضاء هیکل اطهر رسیده است.

توجه خاص ما در این مقام ناظر به مضامین اصلی آثار فارسی صادره از قلم هیکل اطهر حضرت

ولیّ امرالله است و ناگفته پیداست که آنچه آثار فارسی آن حضرت را تشکیل می‌دهد حاوی خطب و

فقراتی به زبان عربی نیز هست.

تعیین حضرت ولیّ امرالله بنا بر نصّ الواح وصایای حضرت عبدالبهاء به عنوان ولیّ امرالله و مبین

آیات الله به خودی خود دالّ بر این مطلب است که آثار صادره از قلم آن حضرت به منزلهٔ "تبین" آثار

حضرت ربّ اعلیٰ، جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء محسوب می‌گردد و برای اهل بهاء از سندیت

و وثاقت کامل برخوردار بوده، واجب الاتباع می‌باشد. بنا بر آنچه مذکور شد آثار حضرت ولیّ امرالله "کلام مبین" شمرده می‌شود و از نظر شرعی بعد از کلام جمال قدم که به وحی الهی عزّ نزول یافته مانند کلام حضرت عبدالبهاء مهمّ‌ترین و موثّق‌ترین منبع و مأخذ اهل بهاء برای درک شریعت‌الله است و شارح مقاصد و نیات و قوی و مکنوناتی که در کلام شارح و آثار حضرت عبدالبهاء به ودیعت گذاشته شده است. توجّه به کلام مبین ضامن حفظ و صیانت حصن حصین شریعت‌الله و اتحاد و اتفاق اجتهاد و سبب بروز تدریجی کمالات ظهور الهی در بسط غربا است.

در آثار حضرت ولیّ امرالله اگرچه کلمات طلعات مقدّسه امر مورد تبیین و تشریح قرار گرفته اما در عین حال همین کلمات منبع و مأخذ تبیینات و اقدامات هیکل اطهر بوده است.

ثبت نتایج اقدامات مبذوله در رسیدگی به مهم امور جامعه بهائی در شرق و غرب عالم، طرح و تشریح مسائل کلیه‌ای که در ارتباط تعالیم و مؤسّسات امر الهی با قضایای عالم وجود در جریان خواهد بود، تفرّسی که در شوون آتیه امرالله صورت گرفته است، تشخیص احتیاجات جامعه امر، تهیّه و طرح اسباب و وسائل لازمه برای وصول به مقاصد و اهداف امر الهی و ارائه نظریات و اهداف معینه برای ترویج تعاون و تفاهم در بین مؤسّسات بهائی در شرق و غرب عالم از جمله نکات اساسیه و مضامین مهمّه‌ای است که صفحات عدیده از آثار حضرت ولیّ عزیز امرالله را به خود اختصاص داده است.

در بین آثار طلعات مقدّسه امر چند اثری که واضحاً مورد توجّه و تمعّن مخصوص حضرت ولیّ امرالله قرار گرفته و مندرجات آنها به کمک خلاقیت ذهنی و قوه تشخیص و ابداع آن حضرت منشأ و مصدر تحولات عظیمه در سیر و جریان امر الهی گشته کتاب مستطاب اقدس و لوح کرمل از آثار جمال قدم و الواح نقشه تبلیغی و الواح وصایای حضرت عبدالبهاء را می‌توان بر شمرد. سخن‌گزافی نیست اگر گفته شود که منطوق این آثار ثمینّه اربعه در اندیشه خلاق و مبدع حضرت ولیّ امرالله به صورت نقشه‌ها و برنامه‌ها و طرح‌هایی خاصّ و مشخصّ به تدریج و تأنی از حیّز قوه به فعل درآمده و ماهیت علمی آنها به وجود عینی تحوّل یافته و در بسط غربا تأسیس و گسترش و استقرار پیدا نموده است. با توجّه به این نکته مضامین اساسی آثار حضرت ولیّ امرالله عمده عبارت از شرح و بسط و توضیح و تبیین بطون اشارات، رموز، کنایات و نوایایی است که در این آثار به نحو اجمال مکنون و مستور بوده است.

کتاب مستطاب اقدس جامع شرایع، فرائض و احکام حلال و حرام و مکروه و مستحب در این دور صمدانی است. واضح است که در این کتاب مختصر بذر صدها مطلب بالقوه موجود و مندمج است که به تدریج باید به حیّز شهود درآید و در حیات فردی و اجتماعی افراد انسانی و مؤسّسات جامعه بشری نقشی اساسی و تعیین‌کننده ایفاء نماید. با توجّه به کتاب مستطاب اقدس و الواحی که در تتمیم آن از قلم جمال قدم عزّ نزول یافته یکی از اساسی‌ترین مضامین مندرجه در آثار حضرت ولیّ امرالله تشریح و تبیین احکام الهیه و توضیح جزئیات قضایای مربوط به حقوق و احوال شخصیّه و شرح و بسط مسائل مربوط به عبادات، عقود، منهیات، منکرات و سائر قضایای شرعی و مذهبی است.

الواح و صایای حضرت عبدالبهاء اساسی ترین سند موجود در کیفیت تأسیس و نشو و ارتقاء مؤسسات نظم اداری بهائی است. بر اساس این وثیقه عظیمه مبارکه که "ولید میثاق" لقب گرفته است مضامین اصلی تعداد بسیاری از توابع مبارکه حضرت ولی امرالله درباره اهمیت و کیفیت ایجاد محافل محلیه، محافل ملیه، انجمن های شور روحانی و انتخابات بهائی است. مؤسسات و مشروعات وابسته به محافل روحانیه نظیر لجنات محلی و ملی، صندوق خیریه، محفظه آثار، گلستان جاوید، حظائر قدس، مدارس تابستانه، مشارق الاذکار، اوقاف بهائی، احصائیه و نشریات امری و بالاخره ضیافت نوزده روزه در این آثار مورد شرح و بسط قرار گرفته و وظائف و مسئولیت های هیئت ایادی امرالله و نقش و اهمیت بیت العدل اعظم الهی توضیح و تشریح گردیده است.

نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء که در الواح آن حضرت انعکاس یافته منبع الهام و اقدام حضرت ولی امرالله برای طرح و تنفیذ نقشه های ملی و بین المللی جهت تبلیغ و گسترش منظم امر الهی در سراسر کره ارض بوده است. در نتیجه توجه دقیق حضرت ولی امرالله به منطوق این الواح مبارکه مسائل مربوط به هجرت و فتح نقاط جدید، نقشه های مهاجرتی، تعیین اهداف نقشه ها، تشویق و تحریض مهاجرین و مبلغین و توضیح وظائف و نقش آنان و سایر مطالب مربوط به کیفیت نشر و گسترش امر الهی در بلاد مختلفه عالم یکی دیگر از مواضع اصلی توفیقات مبارکه را تشکیل داده است.

همانطور که اشاره شد لوح مبارک کرمل یکی از وثائق مهمه ای است که مورد تأمل خاص حضرت ولی امرالله قرار گرفته و با کسب الهام از مضامین و مندرجات آن قضایای مربوط به توسعه و تحکیم مؤسسات امر الهی در کوه کرمل یکی دیگر از مضامین اساسیه موجود در آثار آن حضرت را به خود اختصاص داده است. اشارات و توضیحاتی که حضرت ولی امرالله برای طرح و توسعه و تملیک و تصرف اماکن متبرکه در ارض اقدس در آثار خود مرقوم فرموده اند و توضیحات هیکل اطهر درباره روضه مبارکه جمال قدم در بهجی و ابنیه حول قوس کوه کرمل کل در زمره مهم ترین مضامینی محسوب می گردد که نقش و ماهیت و سیر تحولات امر الهی را در مرکز جهانی بهائی تعیین و مشخص نموده است.

چنانچه مسجل و معلوم است لوح مبارک کرمل در یکی از اسفار اخیر جمال مختار به حیفا در کوه کرمل عز نزول یافت و اشاره حضرت بهاء الله به زمینی که باید محل استقرار عرش مطهر حضرت رب اعلی در قلب جبل کرمل قرار گیرد و سپس ابتیاع آن زمین و شروع بنای آن در دوره حضرت عبدالبهاء مسیر مقدرات امر الهی را در این جبل تعیین نمود و انتقال عرش حضرت آسیه خانم و حضرت غصن اطهر از مقبره مسلمین عکا به جوار مقام اعلی در حیفا مرکزیت این مراقد را در قلب قوس کرمل واضح و مدلل ساخت و به دنباله این تحولات ساختمان دارالآثار بین المللی و توضیحات آن حضرت درباره اهمیت، نقش و موقعیت دارالتشریح، دارالتحقیق، دارالتبلیغ و دارالکتب بهائی که ابنیه خمسۀ اساسیه حول قوس کوه کرمل را تشکیل می دهد بر تأثیر و نفوذ این مؤسسات بر مقدرات جامعه

بشری تأکید نمود و هدایت آن مصدر معصوم راه گشای تحولات و تأسیس و توسعه و تحکیم تدریجی آن مؤسسات در مرکز جهانی امر الهی گشت.

بررسی مختصر مضامین کلی موجود در آثار حضرت ولیّ امرالله را نمی توان بدون ذکر چند نکته دیگر به پایان رسانید. از جمله توجه بارز حضرت ولیّ امرالله به اصل تشویق و تحریض احبای الهی است که تقریباً هیچ اثری از آثار اصلی آن حضرت را خالی از این توجه نمی توان یافت. هر حرکت و اقدام و مشروعی که در سبیل ترویج و تأسیس و تحکیم مبانی امر الهی بوسیله اهل بهاء صورت گرفته در آثار آن حضرت انعکاس یافته و با عطوفت و رأفت و رقت و لطافت و فیر از آن یاد شده است. مطالعه تحولات و مشخصات ادوار تاریخی امر الهی که در آثار حضرت ولیّ امرالله به سه عصر رسولی، تکوین و ذهبی تقسیم شده و شرح و توضیح وقایع و قضایای مربوط به عهود ثلاثه عصر رسولی و دو عهد اول و ثانی عصر تکوین و نیز پیش بینی مقدرات و مسیر تحولات و کمالاتی که در عهود باقیمانده عصر تکوین و در عصر ذهبی دور بهائی به ظهور خواهد رسید یکی دیگر از مضامینی است که مخصوصاً در توقیعات مفصل تر آن حضرت از توجه مخصوص برخوردار گشته و صفحات عدیده به آن اختصاص یافته است.

انعکاس قضایای مربوط به حوادث تاریخیّه دوره ولایت در آثار حضرت ولیّ امرالله و شرح مصائب و مشاکل و تزییقات و کشتار بهائیان در ایران، حلّ و فصل مسائل خصوصی تعداد کثیری از احباء، پاسخ به اسئله افراد و تشکیلات بهائی درباره صدها مطلب تاریخی، اجتماعی، اعتقادی، فلسفی و مواضع عدیده دیگر نیز از جمله مضامینی است که در آثار آن حضرت درج و انعکاس یافته و گنجینه نفیس و بی نظیر آثار حضرت ولیّ امرالله را از ثمره هدایت ربانیه آن مرجع معصوم اهل بهاء الی الابد غنی و فیاض ساخته است، گنجینه ای که هر عبارتش شایسته تمعن و تأمل و فیر برای نسل امروز و نسل های آینده در جهان فردا است.

حال که عصاره مضامین آثار حضرت ولیّ امرالله به نحو اجمال مورد مطالعه قرار گرفت چند نکته اساسی را درباره سبک نگارش آن حضرت مطرح می سازد. در بادی امر تصریح بر این مطلب کاملاً ضروری است که مطالعه تفصیلی آثار حضرت ولیّ امرالله از نقطه نظر علوم و فنون بلاغی- ادبی بر عهده متخصصین این علوم است تا با خبرت، دقت و تعمق لازم به انجام این مطالعات پردازند و دامنه علم و بینش اهل بهاء را نسبت به سبک و سیاق و مشخصات دستوری آثار آن حضرت وسعت بخشند. بضاعت مزجاة این عبد در این علوم و اختصاری که اساس این مقاله بر آن استوار است حقیر را از ورود در این مباحث و شرح دقیق این قضایا بر حذر می دارد، اما به عنوان فتح بابی در مطالعه این مواضع فقط چند نکته اساسی را در سبک شناسی آثار حضرت ولیّ امرالله با خوانندگان گرامی در میان می گذارد.

آثار حضرت ولیّ امرالله که اهل بهاء آن را از نتایج عصمت موهوبی آن حضرت می‌دانند مجموعه تبینات و تشریحات و توضیحاتی است که به الهام الهی از قلم آن حضرت جاری گشته تا اهداف و مقاصد و تعالیم امر بهائی را تفهیم نماید و لذا به عنوان متون مذهبی ملاک اعتقادات دینی و روحانی اهل بهاء را تشکیل می‌دهد و حاوی دستورالعمل حیات فردی و جمعی آنان است.

آثار سی و شش ساله حضرت ولیّ امرالله قطعاً از نظر معیارهای بلاغی و فنون ادبی در جدی یکسان قرار نمی‌گیرند و طبیعتاً فصاحت و بلاغت بین در تواقعی نظیر توفیق قرن اجتای شرق را در آثار کوتاه‌تر آن حضرت که بیشتر جنبه مراسلات اداری و یا مکاتبات شخصی دارد نمی‌توان در یک حدّ قرار داد.

مراتب کمال، انسجام، حلاوت و لطافت بیان در ارائه افکار و مقاصد نیز از جمله کیفیاتی است که سیر تکاملی آن را به وضوح می‌توان در آثار مبارکه آن حضرت احساس نمود.

مشخصه اصلی و اساسی آثار فارسی حضرت ولیّ امرالله انسجام، استحکام، گیرایی و هیمنه طبیعی مودوعه در این آثار است. حضرت ولیّ امرالله در فلسطین متولد شدند و هرچند در محیط اجتماعی و فرهنگی عکا و حیفا رشد و بلوغ یافتند اما در شرائط خانوادگی ممتاز و منحصر به فردی به بزرگی رسیدند که زبان، فرهنگ، آداب و رسوم کاملاً فارسی و ایرانی بر جزئیات آن به نحوی بارز حکم فرما بود. هیکل اطهر هرچند در تحصیلات مدرسی خود زبان فارسی نیاموختند اما نفس دمسازی و مؤانست مستمرّ با آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء و نیز رشد و نمو در عائله اصیل ایرانی و مراوده مستمرّ با فارسی‌زبانانی که بعضاً خود شاعر و زبان‌دان و زبان‌شناس بودند آن حضرت را با اصول و قواعد و مبانی زبان فارسی در حدّ تبخّر و خبرتی حیرت‌انگیز آشنا ساخت و فرهنگ و زبان محیط عربی این دو شهر بر وسعت لغات و امکانات استفاده از اصطلاحات دو زبان عربی و فارسی تأثیر و فیر نهاد.

نثری که عمده در آثار مبارکه بهائی به کار رفته و در آثار حضرت ولیّ امرالله نیز مورد استفاده قرار گرفته نثر مرسل است. نثر مرسل، نثر محاوره‌ای، نثر خطابی و نثر فنی چهار نوع نثری است که اهل ادب در زبان فارسی تشخیص داده‌اند. در نثر مرسل کلمات با وضوح و روشنی مورد استفاده قرار می‌گیرند و معانی و مفاهیم کامل خود را ارائه می‌سازند. در این نثر قواعد و موازین دستوری رعایت می‌شود و ایجاز و اطناب در چنین نثری راه نمی‌یابد. نثر محاوره‌ای یا نثر عادی در زبان عامه مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نثر فاقد فنون و ظرائف ادبی است و کلمات و مصطلحات در این نثر از معانی اولیه و ظاهری خود بهره می‌گیرند. نثر خطابی مقرون به فصاحت، خوش آهنگی و انسجام است و از کلمات سبک و تکراری در این نثر احتراز می‌شود. نثر فنی ناظر به استفاده از الفاظ و صنایع لفظی است و لذا در این نثر کلمات مترادف، اطناب، تکرار و آرایش‌های لفظی و ظاهری به وفور به کار می‌رود و گاه معانی فدای الفاظ می‌شود.

از انواع چهارگانه نثر، نثر مرسل به اصول فصاحت و بلاغت توجه مخصوص دارد و همین اصول در نثر مرسل حضرت ولی امرالله نقش عمده ایفاء نموده است.

در علوم ادبی صراحت الفاظ، شیوایی بیان و پاکی عبارات از پیچیدگی و دشواری لفظی اساس فصاحت است. در کلام فصیح خواننده می تواند منظور نویسنده را به سهولت و صراحت بفهمد و از عذوبت و لطافتی که در کلام فصیح نهفته است لذت برد. فصاحت ناظر به الفاظ و رابطه الحان و اوزان آنها با یکدیگر است. در فصاحت قضایای روشنی، زود فهمی، صحت و شیوایی الفاظ مطرح است اما در بلاغت معانی و مفاهیم مد نظر و تمعن قرار می گیرد. کلام بلیغ کلام پر معنا است. فصاحت به جام ناظر است و بلاغت به محتوای جام. نثر حضرت ولی امرالله را نمونه اعلائی فصاحت می توان دانست چه که از ضعف تألیف یعنی زلات و اغلاط دستوری به دور است، از تعقید لفظی یعنی آنچه سبب دیر فهمی مقاصد می شود مبری است، از کلمات دور از ذهن و مهجور یا به عبارت دیگر از تعقید معنوی خالی است و از تکرر کلمه واحد در عبارت احتراز شده است. نمونه ای از کلام فصیح و بلیغ حضرت ولی امرالله را قطعه ذیل می توان دانست که در نهایت انسجام و شیوایی مشخصات اصلی آئین بهائی را به ادق تعابیر چنین وصف فرموده اند:

«... این آئین گرانها بنیانش به تعالیم قیمه الهیه قائم و برپا و واضح بنیادش اصبع مشیت جمال اقدس ابهی، سراپرده اش به عمود تقوای خالص مرتفع و دعائم قصر مشیدش به اعمال پسندیده فدائانش استوار و ثابت. نخل امیدش به دماء برینه شهیدان مظلوم سقایت گشته و هیکل الطف ابدع اطهر اعلایش از نفحات ظهور الهی تقویت یافته. خیط دریش محبت الله است و اساس اقومش معرفت الله. سرچشمه اش روح الهی است و قوه دافعه اش فیض آسمانی. جندش سپاه ملا اعلی است و قائد و نگهبانش روح زنده جاوید حضرت عبدالبهاء. نغمه صافورش یا بهاء الابهی است و نقره ناقورش یا علی الاعلی. سیف شاهرش کلمه الله است و پرچم مواجش وحدت دین الله. شعار اعظمش مظلومیت کبری و سهم و سنانش عبودیت آستان جمال ابهی. فریادش وحدت عالم انسانی است و نقطه نظرگاهش عزت و سعادت جاودانی. یرلیغ بلیغش نصائح قلم اعلی است و گرز آتشینش خطابات قهریه در صحف نورا. جولانگاهش میدین قلوب و یگانه آمالش تزکیه ارواح و نفوس...»^۱

نمونه دیگری از نثر جمیل حضرت ولی امرالله که با فصاحت و بلاغت و در عین حال شور و حرکت و فیر همراه است چنین است:

«... یا حزب الله فی المدين و الدیار، همت لازم است همت، البدار البدار وقت تنگ است درنگ نمائید، میدان خدمت مهیا فرصت گرانها را غنیمت شمردید. کتائب تأیید و فیالق توفیق به امر

سلیمان سریر ملکوت حول عرش کبریاء صف بسته کلّ مستعدّ خروج و نزول و هجومند. حیف است آنی تأمل و تردّد را جائز شمردیم. واقعه‌ها در پیش است و دشمنان پرکین امر بهاء از پس. مسامحه و مساهله مخّل در نظم امرالله و علّت ازدیاد بطش و صولت و جرأت و جسارت اعدای دین‌الله. یوم یوم قیام است و زمان زمان استقامت بر امر مالک انام...»^۲

یکی از فنون بدیعی بسیار مستعمل در آثار مبارکه بهائی که در آثار حضرت ولیّ امرالله نیز به نحوی بارز به چشم می‌خورد استفاده از صنعت سجع است و آن آوردن کلمات هم‌وزن در نثر است، نظیر عبارت سعدی در گلستان که «هرکه دست از جان بشوید هرچه در دل دارد بگوید». دو کلمه «بشوید» و «بگوید» در این عبارت سجع متوازی است و در عبارت دیگر او در گلستان که می‌فرماید «هر نفسی که فرو می‌رود ممدّ حیات است و چون بر می‌آید مفرّح ذات» دو کلمه «حیات» و «ذات» نیز سجع مطرّف محسوب می‌گردند.

حضرت ولیّ امرالله در توفیق رضوان سنه ۸۹ بدیع از جمله می‌فرمایند:

«... ای حاملان امانت الهیه از جهتی آوازه امر الهی بلند است و تباشیر عصر حضرت بهاء‌الله بر عالم و عالمیان لائح. قدرت غالبه‌اش بر مدّعیان آشکار است و آثار نهضت محیره‌اش در آفاق نمودار. شمامه عبرینش در جمیع اقطار منتشر است و لثالی بی‌شمارش از گنجینه اسرار بر جهانیان منتشر و از جهتی انقلابات عالم ناسوت یوماً فیوماً در ازدیاد و قلاقل و اضطرابات ملکیه‌اش آناً فاناً در انتشار... قوای اقوام مختلفه بر اطفاء سراج دین برخاسته و در ترویج قواعد باطله ظاهر الاستحاله همّت بگماشته. شرق در جنبش و هیجان است و غرب از ثقل فادح آفات متراکمه نالان و هراسان. حزب شمال به تمام قوی بر ایجاد فتنه و افساد عقیده و ترویج مبادی سقیمه قائم و در تولید بغض و خصومت و هدم بنیان دیانت ساعی و جاهد. مکاید سیاسیّه در میان است و مقاصد خفیه در جولان. حکومت عالم به منازعات وطنیه و تعصبات مختلفه شدیدگرفتارند و به ذیل تقالید عتیقه متشبّث. ثقه و اعتمادشان به یکدیگر مسلوب و از تعاون و تعاضد محروم و مأیوس...»^۳

در این نثر غنی و فاخر انواع سجع را می‌توان ملاحظه نمود. دو کلمه «منتشر» و «منتشر» که وزن و حروف رویّ مشترک دارند سجع متوازی را تشکیل می‌دهند و «هراسان» و «هیجان»، و «میان» و «جولان» که در وزن مختلف و در حروف رویّ مشترکند سجع مطرّفند. دو کلمه «قائم» و «جاهد» رانیز که در وزن مشترک و در حروف رویّ مختلفند می‌توان سجع متوازن محسوب داشت.

یکی دیگر از مشخصات عمده آثار حضرت ولیّ امرالله که در بسیاری از آنها به اولین نظر توجه خواننده را به خود جلب می‌نماید «براعت استهلال» است. در علوم بلاغی براعت استهلال عبارت از

آوردن مقدمه یا خطابی زیبا برای ایجاد زمینه مناسب جهت طرح و شرح مسئله مورد نظر است. براعت استهلال با حُسن مطلع آغاز می‌شود و آن زیبایی، دلنشینی، گیرایی و لطافت کلام در ابتدای سخن است بطوری که خواننده را به خود جلب نماید و او را راغب سازد تا متنی را که در پی خواهد آمد با دقت و رغبت مطالعه نماید.

بسیاری از آثار حضرت ولیّ امرالله در استفاده از صفت براعت استهلال فی الحقیقه از نبوغ ادبی آن حضرت حکایت می‌کند. مثلاً توفیق مورّخ رضوان سنه ۸۹ بدیع با این عبارات آغاز می‌شود:

«ای سپاهیان ملکوت، سلطان سریر لاهوت حضرت ربّ الجنود در این ربیع رحمانی و رضوان خوش روحانی ستاینندگان اسم اعظمش را از اعلیٰ رفارف قدس ندا می‌فرماید: ان یا عشّاقی و انصاری و حمله امانتی بین خلقی ان استمعوا ندائی انا حیّ فی الافق الابهیٰ ان یا احبائی ایّای فاشهدون...»^۴

و توفیق مورّخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۹ که عمده درباره انتقال رمسین حضرت آسیه خانم و میرزا مهدی غصن اطهر از عکا به حیفا و استقرار آنها در جوار مقام حضرت ربّ اعلیٰ است با این عبارت آغاز می‌گردد:

«یا حزب الله فی المدن و الدیار، مژده باد مژده باد که در این روز فیروز و عصر جهان افروز با وجود تابع محن و بلایا و شدائد و رزایا که در این سنوات اخیره بر ارض اقدس هجوم و نزول نموده و حدوث انقلاب اعظم و وقوع جنگ و قتال شدید بین دول و امم به تقدیرات جمال قدم و تأییدات موعوده اسم اعظم و قوه نافذه دافعه آن محیی رمم رغماً لأنف التاقضین الناکثین دورمس اعزّ اشرف حضرت غصن الله الاطهر... و مخدره کبری الورقه العلیاء صاحبه البهاء امّ حضرت عبدالبهاء محفوظاً بالرعاية الالهیه و مشمولاً بالعنایات السماویّه از بقعه متروکه مهجوره نبی صالح به آرامگاه ابدی در دامنه جبل کرم مل منتقل گردید...»^۵

نحوه خطاب حضرت ولیّ امرالله در آغاز مطالبی که می‌خواهند مطرح فرمایند نیز بسیار زیبا، گیرا، دلگرم‌کننده و تشویق‌آمیز است بطوری که هریک از جملات خطابی آن حضرت می‌تواند زمینه مساعد و مطلوب را برای طرح مطلب در ذهن خواننده آماده سازد و در حدّ خود حسن مطلعی برای آغاز هر مطلب محسوب گردد. در توفیعات مبارکه خواننده به کرات به این نوع خطابات مخاطب گشته است:

«ای حبیبان باوفا...»^۶

«ای جنود منصوره جمال ابهی...»^۷

«ای عزیزان حق...»^۸

«ای حافظان میراث الهی...»^۹

«ای برادران و خواهران روحانی...»^{۱۰}

«ای یاران ممتحن جمال ابهی و یاوران برگزیده حضرت عبدالبهاء...»^{۱۱}

«ای عشاق آن طلعت نوراء...»^{۱۲}

حسن مقطع را نیز باید یکی از مشخصات اصلی غالب آثار فارسی حضرت ولی عزیز امرالله محسوب داشت. در اصطلاح بدیع حسن مقطع تمام کردن مطلب با لحنی زیبا و سخنی پر اثر است بطوری که مطالب مطروحه در ذهن خواننده جایگزین شود و اثراتش باقی بماند. در حسن مقطع عصاره نیات و مقاصد با زیبایی و انسجام و لحنی خوش و موزون عرضه می شود. گاهی حسن مقطع با تحریک ذهن خواننده یا طلب اقدام و یا تشویق او به قیام و یا طلب تأیید و نصرت الهی برای او همراه است.

نمونه ای از حسن مقطع در توفیق مورخ ایلول ۱۹۲۷ چنین است:

«... در نهایت تذلل و انکسار از مولای مختار مسئلت نمایم که آن حبیان را از شر این نفوس دنیّه ردیئه محافظه نماید و از تلوثات و حدودات و قیود عالم پر ظلمت طبیعت نجات دهد و پاک و مبرا سازد و به آنچه شایسته این ظهور کلی الهی است مفتخر و موفق گرداند. عنقریب بر عالمیان مکشوف گردد که دسائس مغلین و استهزاء جاهلین و اعتراضات مبطلین علت فوران نار موقده گشته و اسباب اشتها صیت نبأ مبین در اقالیم جدیده بعیده شده، سنّه الله الّتی قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلا. فرخنده نفسی که در این سیل تا نفس اخیر استقامت نمود و خجسته قلبی که خود را از هبوب این اریاح کریهه کدره محافظه کرد. سوف یجد نفسه فی فرج عظیم و یشاهد المکذّبین فی اسف شدید و خسران مبین اید کم الله یا امناء البهء علی ما ترتفع به مقاماتکم فی کلّ عالم من عوالمه.»^{۱۳}

یکی از موارد بسیار زیبا و مؤثر حسن ختام در آثار حضرت ولی امرالله اتمام مطلب با مناجات است. نمونه این حسن مقطع را در مناجات آخر توفیق نوروز ۸۸ بدیع می توان ملاحظه نمود که با این عبارات به انتهی می رسد:

«... قوائم و دعائم صلح اعظم را به سرپنجه اقتدار استوار فرما و محکمه کبرایت را به قوه تعلیمات بهیهات در انجمن عالم تأسیس کن. این مور ضعیف را به خدمت امنای امرت موفق دار. و در اجرای وصایای محکمهات تأیید بخش و به آنچه مایه سرور و روحانیت عزیزان تو است در جمیع شؤون دلالت فرما تویی مجیر، تویی دستگیر، تویی مقتدر و تویی توانا.»^{۱۴}

و توقیع مورّخ نوامبر ۱۹۲۷ با این عبارات که به لحن مناجات مرقوم شده انتهی می‌پذیرد:

«... دیده انتظار را روشن کن و جرح قلوب کثیبه را التیام ده. به سر منزل مقصود کاروان‌های مدینه عشقت را بزودی برسان و به ساحت وصال دردمندان هجرت را بکشان. زیرا در این عالم ادنی جز ظفر و نصرت امرت را نخواهیم و در جوار رحمت کبریٰ جز امید وصال آمالی در دل نداشته و نداریم. تویی گواه، تویی ملجأ و پناه، تویی نصرت دهنده این جمع بی‌گناه.»^{۱۵}

یکی دیگر از فنون علم بدیع که استفاده با مهارت و خیرت از آن هنری بزرگ محسوب می‌گردد حسن طلب یا ادب طلب است. مقصود از این فن آن است که نکات و تقاضاهای مورد نظر نویسنده با آنچنان لطافت، ظرافت، زیبایی و در عین حال مهارت و فطانتی به خواننده عرضه گردد که مورد قبول و اطاعت او قرار گیرد و برای اجرای آن به دل و جان قیام نماید. حسن طلب باید با توجه دقیق به لحن و لفظ مناسب قرین باشد و در حالی که مقام و موقعیت و اعتبار گوینده را محفوظ نگه می‌دارد نه تنها خواننده را از طرح مطلب ملول نکند بلکه با چنان جذبه و در عین حال قطعیتی ارائه شود که به حسن قبول و اطاعت خواننده درآید و مطلوب حاصل گردد.

موارد حسن طلب را به وفور در آثار حضرت ولیّ امرالله می‌توان مطالعه نمود. نمونه بارز حسن طلب از جمله در توقیع مورّخ ۲۷ نوامبر ۱۹۲۹ میلادی است که حضرت ولیّ امرالله وجوب قیام احباء را برای اتمام مشرق الاذکار امریکا و تسریع اقدامات لازمه در تهیه موجبات تشکیل معهد مقدّس اعلیٰ را چنین مطرح فرموده‌اند:

«... پس ای گروه غمزدگان قیام و اقدامی و ای خسته‌دلان ابراز شجاعت و شهامتی. مولای توانا از عالم بالا حیّ علی الوفاء حیّ علی الفداء انّی انا حیّ فی الافق الابهی ان انصرونی باعمالکم یا ملأ المحییّ ندا می‌فرماید. وقت اجابت است و زمان زمان جانفشانی و استقامت، حیف است اگر خاموش نشینیم و این فرصت گرانها را از دست دهیم و از این عطیّه عظمیٰ و شرف اسنیٰ که خدمت به این دو مقصد جلیل است خود را محروم و ممنوع سازیم بلکه شایسته و سزاوار فارسان مضممار الهی آن است که این صلاهی جان‌افزا را من دون تردید اجابت نموده هر یک کمر خدمت برینند و قدم به میدان جانفشانی گذارند و لییک اللهم لییک گویان سمند همّت را جولان دهند و به چوگان عبودیت گوی سبقت را از یکدیگر برابیند. هذا ما ینفعنا فی الدنیا و الآخرة. اهمال و تهاون در این مقام عاقبتش یأس و حرمان است و نتیجه‌اش پشیمانی و خسران...»^{۱۶}

یکی دیگر از مشخصات بارز آثار حضرت ولیّ امرالله نقل آیات طلعات مقدّسه بهائی در آثار خود و استشهاد به آنها است. دامنه استشهاد به آثار دیگران اگرچه عمده شامل آثار جمال قدم و حضرت عبدالبهاء است اما در آثار حضرت ولیّ امرالله به کرات به آیات حضرت ربّ اعلیٰ و قرآن مجید

و احادیث اسلامی نیز استشهاد گردیده و گه گاه ایاتی از شعرای عرب و عجم نیز در این آثار مذکور افتاده است.

استشهاد در اصطلاح علم بدیع آوردن شاهد از آثار دیگران برای اثبات مدعا و گاهی به قصد احتجاج و یا تحریض و تشویق خواننده است. گاهی استشهاد به کشش کلام و جدّایت آن می افزاید و مقبولیت سریع تر مطلب را سبب می شود و یا جهات و سطوح مختلفه یک قضیه را با سهولت و اختصار بیشتر به خواننده انتقال می دهد.

دامنه استشهاد در آثار حضرت ولی امرالله بسیار متنوع و وسیع است. ذیلاً چند نمونه از انواع استشهاد را ارائه می دهد:

استشهاد به آثار جمال قدم

حضرت ولی امرالله در شرح وقایع و حوادثی که پس از صعود جمال اقدس ابهی اتفاق افتاده است در فقره‌ای از توفیق نوروز سنه ۸۸ بدیع چنین می فرماید:

«... طیور لیل به حرکت آمد و بدر منیر عهد مولی الانام در خسوف اهل ظنون و اوهام مخسوف و مقنوع گشت. خصم الدّ فرحناک شد و امت مایوس یحیی امیدوار گردید. محور میثاق در سجن نیر آفاق قلعه بند گشت و عبدالحمید پلید به اغوای آن حزب عنید بر آن مظلوم فرید حمله‌ای شدید بنمود. عیون سکان ملا اعلی خون بگریست و یوم تالله تفتن کل شیء فی کل شیء من کل شیء الی کل شیء بنفس کل شیء به وقوع پیوست...»^{۱۷}

عبارت «تالله تفتن کل شیء...» استشهاد به بیان جمال قدم در لوح مبارک فتنه^{۱۸} است. و نیز حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۲۹ میلادی در شرح لزوم قیام احبای شرق به مساعدت احبای غرب برای اتمام مشرق الاذکار شیکاگو چنین می فرماید:

«... از مال و منال گذشته بر عالمیان و مدعیان روحاً و عملاً اثبات نمایند که وحدت جمع اهل بهاء حقیقی است ساطع و قوه‌ای است نافذ... هر یک واحد کالالفتند و به قوه اسم اعظم بر جهان و جهانیان قاهر و غالب. از مکر و ریا در گریزند و با فتنه ضالّه مکذبین و مبطلین امر بهاء در جنگ و ستیز. در سیل صیانت شرف و منزلت آئین خویش تا نفس اخیر چون هژبر دلیر مدافع و مجاهدند و بر حقیقت ساطعه لا ریبیه وعد بهاء و نراکم من افق الابهی و نصر من قام علی نصره امری متوکّل و معتمد...»^{۱۹}

عبارت «و نراکم من...» از حضرت بهاءالله و مأخوذ از کتاب مستطاب اقدس (فقره ۵۳) است.

استشهاد به قرآن

حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ نوروز سنه ۸۸ بدیع می فرمایند:

«ای برگزیدگان حضرت کبریاء روحی لِحَبِّکُمْ و خلوصکم و استقامتکم الفداء وقت آن است که به پاس این عنایت کبری و منحه عظمی و بشارت امنع ابهئ هر یک از جان بخروشیم و از روان بنوشیم و از تن بکوشیم تا به آنچه لازمه عبودیت صرفه بحته تامه است در این کور بدیع و قرن مجید موفق گردیم "لیقضی الله امرأکان مفعولاً"»^{۲۰}

عبارت «لیقضی الله...» فقره‌ای از آیه ۴۲ در سوره انفال (۸) در قرآن مجید است.

استشهاد به احادیث اسلامی

حضرت ولی امرالله در یکی از توابع مبارکه چنین می فرمایند:

«... دخول نفوس غیر سلیمه که خود را در جامعه امر به طمع جاه و منصب و مال و منال و اسم و رسم داخل نمایند و به اسم بهائی خود را شهرت دهند و با مؤمنین و مخلصین در امور امریه مشارکت کنند علت تولید مفاسد و تضعیف جامعه بهائی و ظهور انشقاق و افتراق گردد و مورث تشتت جمع بهائیان شود. "اتقوا من فراسة المؤمن انه ينظر بنورالله..."»^{۲۱}

عبارت «اتقوا من فراسة المؤمن...» حدیث اسلامی است که از جمله در کتاب مجمع البحرین اثر فخرالدین طریحی در ذیل "فرس" (ج ۴، ص ۹۱) مذکور آمده است.

استشهاد به شعر فارسی

حضرت ولی امرالله در یکی از توابع مبارکه چنین می فرمایند:

«... ارتداد ملحدین و انکار مدبرین در صفوف مجتده مجاهدانش رخنه نماید و دسائس مغلین روح آزادش را از جریان و سریان در شریان امکان ممنوع نسازد. دانشمندان ارض از سر غلبه اش حیرانند و حسودان بی امان از حرارت لهییش نالان و سوزان. دانایان امم به تعلیمات قیمه بهیه اش متوجه و حولش طائف و از انوارش مقتبس،
ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار

فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی دوست...»^{۲۲}

بیت «ولوله در شهر...» از سعدی است و از ابیات غزل معروف اوست با مطلع:

آب حیات من است خاک سر کوی دوست

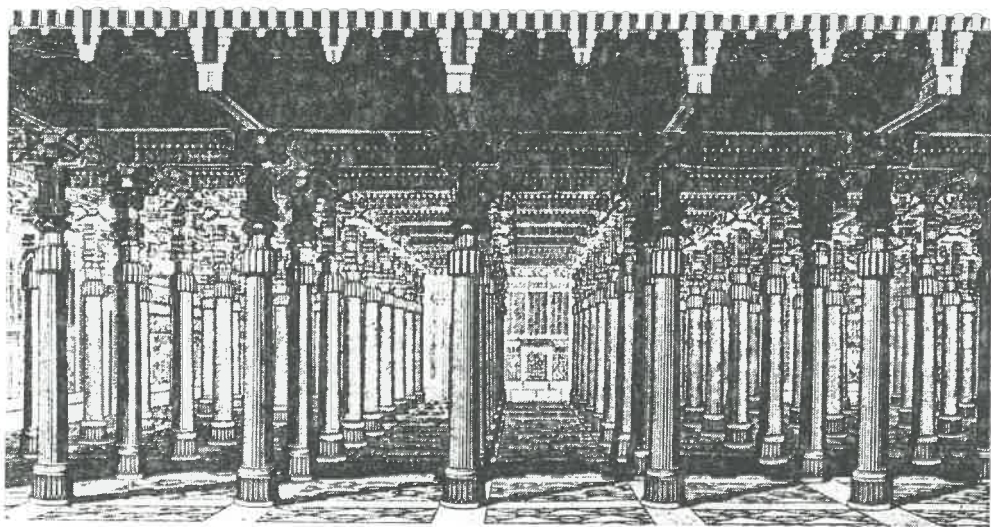
گر دو جهان خرمی است ما و غم روی دوست...

با نقل شواهدی در کیفیت استشهاد به آثار دیگران در آثار حضرت ولیّ امرالله به بحث درباره مشخّصات بلاغی آثار آن حضرت خاتمه می‌دهیم و در یک جمله تجدید مطلع نموده بر این نکته تأکید می‌ورزیم که کار مطالعه آثار حضرت ولیّ امرالله از نقطه نظر علوم بلاغی، ادبی بسیار وسیع تر و عمیق تر از آن است که این صفحات را مجال ورود در آن باشد لذا آنچه تحریر شد باید به منزله نگاهی سطحی به چند مشخّصه بارزتر آثار آن حضرت محسوب گردد و انجام کاری چنین سترگ به آینده ایام موکول شود.

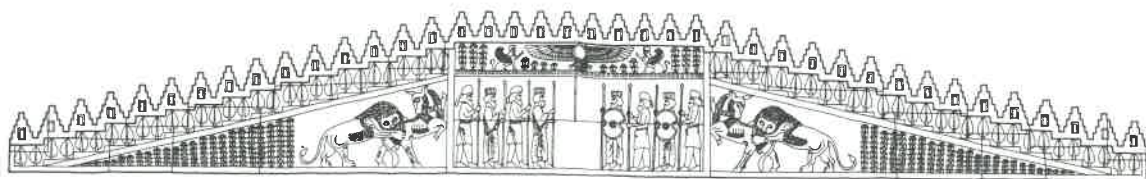
نکته اخیر آن که توابع حضرت ولیّ امرالله هیچگاه به عنوان آثار ادبی به رشته تحریر در نیامده و چنانچه اشاره شد مقصود حضرت ولیّ امرالله از خلق این آثار اصولاً آن بوده است که کمالات، مقدرات و مقدورات مودوعه در کلمه خلاقه الهیه را برای اهل عالم شرح و تبیین نمایند. تعشق حضرت ولیّ امرالله به حقیقت جمال و ذوق، لطافت و خلاقیت فطری آن حضرت که در جمیع احوال و شؤون و سکنات حضرتش بارز و هویدا است لا محاله در آثار قلمی آن حضرت نیز تجلی یافته و در نتیجه ریحی تبیین کلمه‌الله جام مرصع الفاظ و کلمات رشیکه را سرشار نموده و آثار قیمه مبارکه‌ای در اثر تقارن و تناسب جام و مُدام به منصفه ظهور رسیده است که در نثر فارسی قرن گذشته مقامی ممتاز و بی‌عدیل دارد.

یادداشت‌ها

- ۱- حضرت ولیّ امرالله، توفیعات مبارکه، ج ۲، طبع ۱۴- ایضاً، ص ۱۹۳.
- طهران، ۱۲۹ بدیع، ص ۸۷
- ۲- ایضاً، صص ۲۲۵-۲۲۶.
- ۳- ایضاً، صص ۲۶۰-۲۶۱.
- ۴- ایضاً، ص ۲۳۸.
- ۵- ایضاً، ص ۲۹۵.
- ۶- ایضاً، ص ۱۰۶.
- ۷- ایضاً، ص ۱۱۱.
- ۸- ایضاً، ص ۱۱۳.
- ۹- ایضاً، ص ۸۵.
- ۱۰- ایضاً، ص ۳.
- ۱۱- ایضاً، ص ۱۶۶.
- ۱۲- ایضاً، ص ۲۰۵.
- ۱۳- ایضاً، ص ۴۴.
- ۱۴- ایضاً، ص ۶۸.
- ۱۵- ایضاً، صص ۱۴۵-۱۴۶.
- ۱۶- ایضاً، ص ۱۸۳.
- ۱۷- مائده آسمانی، ج ۴، ص ۲۶۴.
- ۱۸- توفیعات مبارکه، ج ۲، صص ۱۴۳-۱۴۴.
- ۱۹- ایضاً، ص ۱۹۱.
- ۲۰- ایضاً، ص ۱۲۴.
- ۲۱- ایضاً، ص ۲۴۱.
- ۲۲- ایضاً، ص ۸۵.



كاخ صدستون - تخت جمشيد



پله كان تشریفاتى كاخ آبادانا - تخت جمشيد

آثار و ترجمه‌های حضرت ولیّ امرالله به زبان انگلیسی

الهام افنان

هدف بنده در وهلهٔ اول معرفی کلی آثار و ترجمه‌های انگلیسی حضرت ولیّ امرالله و در مرحلهٔ بعد در حدّ امکان بررسی بعضی از خصوصیات جهان‌بینی ایشان است. قسمت اول به آثار مبارک و قسمت دوم به ترجمه‌های ایشان اختصاص خواهد داشت.

آثار انگلیسی حضرت ولیّ امرالله

با وجود اینکه تعدادی از آثار حضرت ولیّ امرالله به صورت کتاب‌های مستقل چاپ شده ولی فقط *God Passes By* یا کتاب قرن بدیع است که در واقع به عنوان کتاب تحریر شده است. بقیه آثار همه توقیعاتی هستند که بعضاً بسیار مفصل و در حدّ کتابی کوتاه می‌باشند ولی با کتاب این فرق را دارند که خطاب به خوانندگان خاصی هستند. البته از جهتی می‌توان گفت که آثار مبارکه حتی آنها که فقط یک مخاطب دارد قابل استفاده و حاوی مطالب لازم و مهم برای همگی اجّاست ولی در عین حال لحن و حالت یک نامه یا توقیع با یک کتاب فرق دارد.

حضرت ولیّ امرالله از ابتدای دورهٔ ولایت تا زمان صعود با عالم بهائی از طریق توقیعات و تلگرام‌های متعدّد در ارتباط بودند. بسیاری از این توقیعات که خطاب به جمعیت‌ها و محافل است یا مطالب آن جنبهٔ عمومی دارد در مجموعه‌های مختلف جمع‌آوری و چاپ شده. بعضی از توقیعات خطاب به اشخاص نیز بسته به اینکه حاوی چه مطالبی بوده است به صورت مجموعه‌هایی به طبع رسیده است. ولی در مرکز جهانی حدود بیست هزار توقیع بیش از ۱۵ هزار به انگلیسی و ۴ هزار به فارسی و عربی و بیش از ۹ هزار تلگرام موجود است که همهٔ آنها هنوز به مرحلهٔ چاپ نرسیده.

یکی از اولین و شاید مهم‌ترین مجموعه‌های توقیعات مبارک کتاب *World Order of Bahá'u'lláh* یا نظم جهانی بهائی است که در حقیقت مجموعهٔ ۷ توقیع است که در بین سال‌های ۱۹۲۹ و ۱۹۳۶ از قلم

مبارک صادر شده است و در سال ۱۹۳۸ توسط محفل روحانی ملی ایالات متحده و کانادا به طبع رسیده و چند بار هم تجدید چاپ شده. مهم‌ترین این توابع دور بهائی (*Dispensation of Bahá'u'lláh*) است که در سال ۱۹۳۴ خطاب به بهائیان مغرب زمین نوشته شده و اهمیت آن در نیت عهد و میثاق و تشریح نظم اداری فوق العاده است. این تویع منبع به فارسی ترجمه و به صورت مجزا در ایران چاپ شده. تویعی دیگر در این کتاب موجود است به نام "امریکا و صلح اعظم" (*America and the Most Great Peace*) که در سال ۱۹۳۳ خطاب به اجبای امریکا و کانادا صادر گشته. پنج تویع دیگر مجموعه خوشبختانه حدود ده سال پیش به قلم شیوای جناب هوشمند فتح اعظم به فارسی ترجمه شد و در سال ۱۹۸۹ تحت عنوان نظم جهانی بهائی توسط مؤسسه معارف بهائی در کانادا به طبع رسید. این پنج تویع عبارتند از:

<i>World Order of Bahá'u'lláh</i>	۱۹۲۹	● نظم جهان آرای الهی
<i>World Order of Bahá'u'lláh: Further Considerations</i>	۱۹۳۰	● ملاحظات بیشتر درباره نظم جهان آرای الهی
<i>The Goal of a New World Order</i>	۱۹۳۱	● هدف نظم بدیع جهانی
<i>The Golden Age of the Cause of Bahá'u'lláh</i>	۱۹۳۲	● عصر ذہبی امر بهائی
<i>The Unfoldment of World Civilization</i>	۱۹۳۶	● تولد مدنیت جهانی

از دیگر تویعات بسیار مهم حضرت ولی امرالله ظهور عدل الهی (*Advent of Divine Justice*) است که در سال ۱۹۳۸ خطاب به اجبای امریکا و کانادا صادر شده و در آن هیکل مبارک به صورت مختصر ولی در عین حال عمیق و دقیق خصوصیات و مشکلات جامعه غیر بهائی در قاره امریکا را بررسی می‌فرماید و بعد شرایط لازم برای پیروزی روحانی (*spiritual prerequisites*) جامعه بهائی را شرح داده می‌فرماید این شرایط عبارتست از تقوی و حسن اخلاق، عفت و عصمت، و آزادی از تعصب بخصوص تعصب نژادی.

تویع منبع دیگر قد ظهر یوم المیعاد (*The Promised Day Is Come*) است که در سال ۱۹۴۱ یعنی در بحبوحه جنگ جهانی دوم نوشته شده است. در اینجا حضرت ولی امر اتفاقات و تحولات عالم در مدت نزدیک به یک قرن پس از ظهور جدید را تجزیه و تحلیل می‌فرماید و علت بحران روزافزون جهان را در عدم قبول پیام وحدت و صلح جمال مبارک می‌یابد. در این تویع هیکل مبارک با بیانی مهیمن و قاطع رؤوس مطالب الواح حضرت بهاءالله به ملوک و سلاطین را ذکر می‌نماید و نتایجی که رد این ندای الهی برای سلاطین و مردم جهان به همراه داشته یک یک شرح می‌دهند. و بالاخره کتاب عظیم الشان و یکتای حضرت ولی امرالله یعنی *God Passes By* که در سال ۱۹۴۴ به

مناسبت صدمین سال ظهور حضرت اعلیٰ تألیف شده و ترجمه فارسی آن به نام کتاب قرن بدیع معروف است. این کتاب جلیل، تاریخ قرن اول بهائی است ولی تاریخ تفصیلی و شرح جزئیات وقایع نیست بلکه تاریخ تحلیلی است که در آن سیر تحوّل امر و ارتباط وقایع تاریخی با اتفاقات و بحران‌های داخل و خارج هر دو مورد بررسی قرار گرفته. بنا به نوشته حضرت روحیه خانم هدف از نگارش کتاب قرن بدیع آن بود که:

«حقایق مسلمة ظهور الهی و اعتلای امر را در این مدت نشان داده تأسیس نظم بدیع را گوشزد فرمایند و بحران‌های عظیم و قوای سرّیه الهیه را که برای تقدّم و تعالی امر از منابع غیبیه جاری است در برابر چشم یاران عیان فرمایند تا خود مشاهده نمایند که چگونه امر الهی از فتحی به فتح دیگر واصل و متواصل می‌گردد.»^۱

این کتاب چنانچه حضرت امه البهاء می‌فرمایند: «امّ الکتاب خواهد شد و در مستقبل ایام مورّخین هر کلمه‌ای از آن را مهمّ دانسته و هر کلمه‌ای را جوامع الکلم می‌یابند.»^۲

علاوه بر آثاری که ذکر شد بسیاری از توقیعات عمومی و خصوصی حضرت ولیّ امرالله در مجموعه‌های مختلف جمع‌آوری شده که در اینجا فقط به ذکر عناوین بعضی از آنها اکتفا می‌شود. باید دانست که این عناوین نه از طرف هیکل مبارک بلکه توسط مؤسّساتی که به نشر این مجموعه‌ها اقدام کرده‌اند بر این آثار گذارده شده است.

<i>Messages to Canada</i>	● پیام‌ها به کانادا
<i>Dawn of a New Day</i>	● طلّیعه روز جدید
<i>Directives from the Guardian</i>	● اوامری از حضرت ولیّ امرالله
<i>High Endeavours</i>	● مساعی عالیّه
<i>Messages to the Antipodes</i>	● مجموعه پیام‌ها به قاره اقیانوسیه و جزائر جنوبی اقیانوس کبیر
<i>Call to the Nations</i>	● ندا به اهل عالم
<i>Bahá'í Administration</i>	● نظم اداری بهائی
<i>Messages to America</i>	● پیام‌ها به امریکا
<i>Messages to the Bahá'í World</i>	● پیام‌ها به جهان بهائی
<i>Principles of Bahá'í Administration</i>	● اصول نظم اداری بهائی
<i>Guidance for Today and Tomorrow</i>	● راهنمایی برای امروز و فردا
<i>Citadel of Faith</i>	● حصن حصین شریعت‌الله

بالاخره جا دارد که در میان آثار انگلیسی حضرت ولیّ امرالله اشاره‌ای نیز به کتاب تاریخ نبیل بنمائیم چون اگرچه این اثر به ظاهر ترجمه قسمت اول تاریخی به قلم جناب نبیل زرنندی است ولی در واقع وجود آن به صورت حاضر مدیون قوه خلاقه هیکل مبارک است که مأخذ تاریخی یعنی نوشته نبیل رانه تنها به زبانی جدید بلکه در قالبی بدیع وجودی نو بخشیدند و چنانچه در کتاب گوهر یکتا می‌خوانیم: «درست است که وجود مبارک آن را "ترجمه" نامیدند ولی فی الواقع و نفس الامر قلم توانای آن حضرت خلق بدیعی از تاریخ نبیل به وجود آورده‌اند.»^۳ ترجمه تاریخ نبیل در سال ۱۹۳۲ به اتمام رسید و هیکل مبارک به آن عنوان *Dawn-Breakers* با مطالع الانوار دادند.

این بود معرفتی کوتاهی از آثار انگلیسی حضرت ولیّ عزیز امرالله. بدیهی است که می‌توان درباره هر یک آنها کتاب‌ها نوشت ولی در حال حاضر بجای اینکه سعی کنیم بیشتر در جزئیات هر اثر وارد شویم مفید است که بطور کلی تر به چند موضوع که در آثار مبارک حائز اهمیت است پردازیم. دو موضوع که به نظر من از اهمیت عمده برخوردار است یکی استنباط حضرت ولیّ امرالله از تاریخ، و دیگری جهان‌بینی آن حضرت و دیدشان درباره آینده است و البته شکی نیست که بین این دو مطلب یعنی گذشته و آینده ارتباط مخصوص موجود است.

حضرت ولیّ امرالله شاید تنها مورخ حقیقی امر تا به امروز هستند زیرا اگرچه بسیاری از احباء تاریخ نوشته‌اند به این معنی که مدارک تاریخی را جمع و ضبط کرده و شرح وقایع تاریخی را به روی کاغذ آورده‌اند و حتی بعضاً ارتباط وقایع مختلف را بررسی و علل و نتایج آنها را تجزیه و تحلیل کرده‌اند ولی فقط هیکل مبارکند که یک فلسفه تاریخ از دید امر و بر مبنای آثار حضرت بهاءالله، حضرت اعلی و حضرت عبدالبهاء بوجود آورده و تاریخ دیانت بهائی و جهان امروز را بر طبق این فلسفه مورد بررسی قرار داده‌اند.

کتابی که این فلسفه تاریخ در آن به کامل‌ترین و واضح‌ترین وجه ارائه گردیده و بیان شده کتاب قرن بدیع (*God Passes By*) است. در مقدمه کتاب هیکل مبارک می‌فرمایند که هدفشان از تألیف این اثر اینست که: ۱- «اصول وقایع و امهات حوادثی که با سطوح و انتشار این امر اتم افخم مقترن و مصادف بوده ذکر شود.» ۲- «مراحل اولیه استقرار مؤسسات اداری امرالله، هسته مرکزی و مبشر نظم بدیع الهی که خود معرف روح و مجری قوانین و برآورنده مقصود و هدف شریعت الهی در این یوم عظیم محسوب است مورد مطالعه و دقت قرار گیرد.»^۴ دید وسیع و جهان‌بینی حضرت ولیّ امرالله معنی و هدف وقایع به ظاهر نامرتب را روشن می‌سازد و نشان می‌دهد که اتفاقات متعدّد گوناگونی که در ظرف قرن اول امر پیش آمده یک رشته دراز و سر درگم نیست بلکه مانند تابلوی خاتمی است که هر قطعه آن در کنار قطعات دیگر به صورت خاصی جای می‌گیرد و ارتباط آنها با یکدیگر نقش و طرح خاصی را نمایان می‌سازد. حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند:

«قرن اول بهائی مشحون از یک سلسله انقلابات داخلی و وقایع خارجی است که به مراتب از ضعف و شدت عرض اندام نموده و کل در بادی امر علت توقف و اضمحلال امر الهی تلقی گشته ولی هر یک به نحوی اسرارآمیز موجب کسب تأییدات بدیعه ربانیه و تهییج و تقویت نفوس مؤمنه و بت نطق امرالله و تقویت اساس شریعه الله گردیده است و این بسط و اشاعه امر الهی خود مایه تشدید عداوت دشمنان و حدوث بلیات جدیده بوده و آن بلایا و رزایا نیز مجدداً جالب عنایات الهی و جاذب توفیقات لاریبیه سبحانی و بالتبجیه ایجاد روح بدیع در پیروان امرالله... است.»^۵

این جریان بحران و پیروزی (crisis and victory) قسمتی است از فلسفه تاریخ حضرت ولی امرالله که در خلال صفحات کتاب قرن بدیع مکرراً با ذکر مثال‌های متعدد به شرح و اثبات آن می‌پردازند. در اینجا می‌توانیم به ذکر فقط یک نمونه از آن بپردازیم و آن شرح مسجونى حضرت اعلیٰ در آذربایجان است.

بنا به فرموده حضرت ولی امر مجلس ولیعهد در تبریز که هدفش مجبور کردن حضرت باب به تقیه و انکار دعوی خویش بود نتیجه معکوس داد و به آن حضرت این امکان را داد که رسماً و علناً و صراحتاً در حضور علماء اسلام دعوی قائمیت نموده و مقام خود را اظهار فرمایند. علاوه بر این:

«نفی مبارک در اقصی نقطه مملکت اصفهان و [ماکو و چهریق] و دوری آن شمس ازلیه از مراکز پر انقلاب شیراز و طهران موقع مساعد و فرصت مناسبی به دست داد تا آن حضرت به تنزیل و تنظیم اعظم آثار مبارک خویش مألوف شوند و به صدور الواح و صحف منیعہ... موفق گردند.»^۶

اهم این آثار البتہ کتاب بیان است ولی غیر از آن از دلائل سبعة، لوح حروفات، توقیعی مهیمن به افتخار محمد شاه و توقیعی خطاب به حاجی میرزا آغاسی می‌توان نام برد. ضمناً در همین دوران است که احتفال بدشت نیز واقع شد و در آن صور استقلال امر مبارک دمیده گردید و احکام و سنن اسلامی که مدت ۱۲ قرن مسلمین را در ظل رایت خود مجتمع نموده بود نسخ شد. به عبارت دیگر صدمه و زجری که حضرت باب در حبس ماکو و چهریق متحمل شدند اگرچه به ظاهر بحرانی عظیم بود ولی در باطن نتیجه‌اش اعلان استقلال و پیشرفت امر مبارک بود. این مثالی است که روش حضرت ولی امرالله را در شرح فلسفه تاریخ امر نشان می‌دهد یعنی هیکل مبارک اول وقایع تاریخی را به اختصار نقل می‌نمایند و بعد ارتباط آنها را با یکدیگر بیان می‌فرمایند و بالاخره نتایج و ثمرات این اتفاقات را که همواره منتج به ترقی و پیشرفت امر است خاطر نشان می‌سازند.

هدف دیگر حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع اینست که به تاریخ امر شکل ببخشند و آن را قابل فهم نمایند به این معنی که خواننده نه تنها بتواند ارتباط دوره‌های مختلف تاریخ را با یکدیگر درک کند بلکه بتواند ارتباط خود را نیز با آنها کشف کرده خویش را جزئی از این تاریخ محسوب نماید. برای نیل

به این منظور هیكل مبارك تاريخ قرن اول امر را به دو عصر (age) و چهار عهد (epoch) تقسیم می‌فرمایند که عبارتند از عصر رسولی که از سه عهد منتسب به حضرت اعلیٰ، حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء تشکیل گشته و عصر تکوین که با اعلان وصایای حضرت عبدالبهاء آغاز گردیده و عهد اول آن تا پایان قرن اول بهائی امتداد می‌یابد. بیت العدل اعظم این تقسیم‌بندی را ادامه داده‌اند چنانکه اکنون در عهد چهارم عصر تکوین هستیم. حضرت ولی امرالله می‌فرمایند که عهود مذکوره که مراحل مختلفه تاریخ بهائی را نشان می‌دهند شاهد یک رشته وقایع عظیمه روحانیته‌اند که «کُلّ متتابعاً و مترادفاً... تحقّق یافته و چون حلقات یک سلسله به یکدیگر متصل و مرتبند.»^۷ این وقایع بطور کلی عبارتند از قیام مبشر امر بدیع و ظهور شارع عظیم و تأسیس میثاق الهی و استقرار نظم اداری شریعه‌الله که همه وقایع دیگر را می‌توان در ارتباط با این وقایع مهمه مورد بررسی قرار داد.

بخش عمده کتاب قرن بدیع راجع به تاریخ امر است ولی حضرت ولی امرالله به تناسب موضوع ارتباط وقایع تاریخی امر را با تاریخ جهان بطور کلی نیز بیان می‌فرمایند و مثلاً در فصل آخر کتاب بطور مجمل بر اهمیت این وقایع جهانی مرور نموده مفهوم آنها را برای آینده امر و عالم توضیح می‌دهند. در توقیع قد ظهر یوم المیعاد این ارتباط بین امر و دنیای خارج اهمیت بیشتری می‌یابد و در حقیقت هسته اصلی مطلب را تشکیل می‌دهد. می‌توان گفت این توقیع عبارت است از تاریخ دینی و اجتماعی جهان در قرن نوزدهم و بیستم، از دید دیانت بهائی. آغاز توقیع با این بیان مبارک است که طوفانی بی سابقه کُره ارض را در برگرفته که مسیر آن غیر قابل پیش‌بینی، اثرات فوری آن مخرب و ویرانگر و نتایج غائی آن فوق العاده با شکوه و جلال است. بنا به فرموده جمال مبارک در الواح متعدده یوم میعاد فرا رسیده، روزی که در آن اهل ارض هم به جزای اعمال خود می‌رسند و هم تطهیر و تأدیب گشته خلق جدید می‌گردند. حضرت ولی امر اول می‌فرمایند که مردم دنیا صد سال وقت داشتند که پیام جمال مبارک را بشنوند و به آن اقبال کنند ولی عکس العمل اکثریت آنان دشمنی و عناد و تهمت‌های بی پایه و اساس یا بی تفاوتی و بی‌محلی بود. رهبران ملل و پیشوایان مذهبی نیز که مخاطبین مستقیم الواح حضرت بهاء الله و حضرت اعلیٰ بودند از قدرت و اختیار مطلق خود سوء استفاده کرده موجبات ابتلای امر به مشکلات و تضییقات فراوان را فراهم آوردند و عامه مردم را از شناسایی آزادانه و قبول پیام الهی محروم ساختند. به این دلیل است که حضرت بهاء الله فرمودند: «عزت از دو طائفه اخذ شد ملوک و علماء.»^۸

حضرت ولی امرالله سپس به نحو دقیق و جامع ارتباط بین ندای جمال مبارک به ملوک و سلاطین و رؤسای ادیان را با عکس العمل آنان و نتیجه اعمالشان بررسی می‌فرمایند به این نحو که اول قسمت‌هایی از سوره ملوک، کتاب مستطاب اقدس و الواح سلاطین را نقل فرموده و بعد یک به یک عکس العمل سلاطین را بیان و نتیجه آن را که در همه موارد (غیر از ملکه ویکتوریا) عزل پادشاهان از مقام خود و انواع خواری و حقارت بر ایشان بوده شرح می‌دهند. بعد به همین نحو نشان می‌دهند که رؤسای دینی اسلام و مسیحیت نیز مقامات و قدرتی را که قرن‌ها در دست داشتند چگونه کلاً از دست دادند و مخصوصاً بر این نکته تکیه

می‌فرمایند که مؤسسه خلافت و حکم شریعت که نزدیک به ۱۲ قرن جهان اسلام را در زیر سلطه خود داشت در اندک مدتی به کلی نابود شد و همچنین سلسله مراتب رهبران شیعه نیز کاملاً از هم پاشید. هیکل مبارک حدود نیمی از یک صفحه را فقط به فهرست مقامات شیعه که رسوا و فلج شده‌اند تخصیص می‌دهند و جالب است که اسامی فارسی آنها را به کار می‌برند و به این نحو نشان می‌دهند که از آنها جز اسمی باقی نمانده (شیخ الاسلام‌ها، مجتهدین، ملایان، فقها، امامان، مؤذنین، وعاظ، قاریان، متولیان، مدرّسین، طلاب، قراء، معبرین، مفسرین، محدّثین، ذاکرین، عمال زکات، مقدّسین، منزویون، صوفیان، دراویش و غیره). به همین منوال روحانیون مسیحی نیز نفوذ خود را روی پیروان مسیح از دست دادند. این جریان از سلب قدرت دنیوی از پاپ (secularization) شروع شد و کم‌کم به بی‌دینی بخش عمده‌ای از مسیحیان انجامید. در ضمن این تحولات می‌توان دید که مردم جهان نه تنها به ندای جمال مبارک لیبیک نگفتند بلکه بطور کلی از جمیع ادیان روی برگرداندند و در عوض به سه خدای کاذب رو آوردند که عبارتند از ملیت پرستی، نژاد پرستی و کمونیسم. نتیجه پرستش این خدایان کاذب انحطاط اخلاق و انواع مشکلات و ناراحتی‌هایی است که علائم تنبیه الهی و تطهیر جامعه انسانی است و نتیجه غائی آن تنبیه اهل عالم و اتحاد آنان در ظلّ لوای جمال قدم و ظهور عصر ذهبی امر مبارک خواهد بود. در این توفیق نیز حضرت ولیّ امرالله نه تنها وقایع تاریخی را ذکر می‌فرمایند و ارتباط آنها را با یکدیگر بیان می‌کنند بلکه از این اتفاقات استفاده می‌نمایند که نتیجه‌ای کلی گرفته بخشی دیگر از فلسفه تاریخ امر را ارائه دهند. این توفیق نمایانگر دو جریان یکی ویرانگر و دیگری سازنده‌ای است که ظهور جمال مبارک در جهان به حرکت آورده از طرفی مؤسسات سابقه‌دار و قدرتمندی چون خلافت و سلطنت در اثر مخالفت با امر الهی ساقط شده و از بین می‌روند و سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی و دینی که قرن‌ها پابرجا بوده از هم می‌پاشند. از طرف دیگر تمدنی جدید که بر پایه وحدت و عدالت و اعتدال بنا شده کم‌کم رشد می‌کند و وسعت و ترقی می‌یابد تا اینکه بالاخره به یک مدنیت جهانی تبدیل گردد. هیکل مبارک می‌فرمایند که پیام حضرت مسیح عمدتاً خطاب به افراد بود و پیام اسلام برای ملل و پیام دیانت بهائی خطاب به نوع بشر می‌باشد و این مطابق با پیشرفت انسان در مراتب مختلفه از وحدت خانواده به وحدت قبیله، شهر، کشور و بالاخره وحدت عالم انسانی است که البته هدف دیانت بهائی و مقصدی است که دو جریان مورد بحث جهان را به سوی آن سوق می‌دهند.

مجموعه توفیقی که به نام نظم جهانی بهائی معروف است نیز علاوه بر بسیاری مطالب مهم دیگر با این دو جریان سروکار دارد. در این کتاب نفس تاریخ یعنی وقایع تاریخی مورد توجه اصلی نیست ولی سیر تاریخ و جهت تحولات تاریخی از گذشته به حال و به آینده حائز اهمیت مرکزی است و مخصوصاً در توفیق تولّد مدنیت جهانی این مطالب به تفصیل بیان شده و مطالعه آن به درک دید تاریخی حضرت ولیّ امرالله کمک می‌کند. همانطور که گفته شد این توفیق چند سال قبل توسط جناب فتح اعظم ترجمه شده و در دسترس است، هیکل مبارک می‌فرمایند:

«جریانی مرکب از دو نیروی متضاد سرگرم تغییر و تبدیل وضع کنونی جهان است در حالیکه هریک از این دو نیرو با شتابی فزاینده مسیری مخالف با مسیر نیروی دیگر را طی می‌کند. این دو نیرو یکی سازنده و الفت دهنده است و دیگری مخرب و متلاشی کننده... آن سیر سازنده به آئین نوزاد حضرت بهاءالله وابسته است و طلیعه نظم بدیع جهان آرایی است که بزودی امر بهائی تأسیس خواهد کرد. و بالعکس، این نیروی مخرب که نماینده آن سیر دیگر است وابسته به مدنیتی است که از اجابت مقتضیات زمانه اعراض نموده و بالتیجه به کابوس هرج و مرج و انحطاط دچار شده است.»^۹

از علائم این نیروی مخرب انحطاط در جمیع امور بشری از دین و مذهب گرفته تا امور سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، هنری و اجتماعی است که حضرت ولی امرالله نمونه‌هایی برای هریک ارائه می‌دهند. از طرف دیگر هیکل مبارک به صراحت می‌فرماید که «اتحاد اهل عالم درخشان‌ترین مرحله‌ای است که حال جامعه انسان رو به آن روان است. اتحاد خانواده، اتحاد دولت شهر، و اتحاد ملی مراحل است که بشر آن را پیموده و با موفقیت پشت سر گذاشته و امروز اتحاد جهان است که هدف و مقصد بشر سرگردان است.»^{۱۰} سپس لوازم استقرار وحدت نوع انسان را بیان می‌فرماید که از جمله عبارت است از یک جامعه متحد جهانی که دارای هیئت مقتنه، هیئت مجریه با پشتیبانی نیروی پلیس بین‌المللی، محکمه جهانی، دستگاه ارتباطات و مخابرات بین‌المللی، زبان بین‌المللی، خط و ادبیات جهانی و نظام مشترک برای پول، اوزان و مقادیر باشد. در چنین جامعه‌ای منابع اقتصادی تحت نظم در می‌آید، رقابت‌ها و کینه‌های ملی و تعصبات نژادی و خصومت‌های دینی و تفاوت فاحش طبقاتی از بین می‌رود و نیروها و منابعی که اکنون صرف جنگ و اختلاف می‌شود آنوقت صرف توسعه اختراعات و ترقیات فنی و تحقیقات علمی، ازدیاد محصولات و تولیدات بشری، بالا بردن سطح سلامت، بهره‌مندی از منابع بکر و ناشناخته کره زمین و ترویج وسایل تقویت حیات فکری و اخلاقی و روحانی نوع انسان می‌شود.

تکیه عرائض من تا به حال روی نقش حضرت ولی امرالله در ایجاد و تشریح یک فلسفه تاریخ مبتنی بر اعتقادات دیانت بهائی بوده است و به نظر من این یکی از بزرگترین خدمات هیکل مبارک به جامعه بهائی و نهایتاً به جامعه انسانی است. ولی حضرت ولی امرالله در عین حال واقف بر این بودند که یک فلسفه تاریخ همانقدر که متکی به اعتقاد و ایدئولوژی است همانقدر هم باید مبتنی بر واقعیت باشد و با وقایع تاریخی هماهنگی داشته باشد. کتاب تاریخ نیل نمونه‌ای است از نقشی که شرح وقایع تاریخی در امر ایفا می‌کند. هدف اصلی هیکل مبارک از ترجمه و تنظیم تاریخ نیل الهام بخشیدن و تشجیع احباء و انتقال روح امر به غیر بهائیان بود ولی غیر از این، کتاب تاریخ نیل نمونه‌ای است از نحوه عرضه کردن تاریخ. خود جناب نیل چنانچه در مقدمه کتاب می‌خوانیم دقت و احتیاط داشته‌اند که فقط وقایع مستند را نقل کنند یعنی فقط آن وقایعی را که خود شخصاً ناظر آن بوده یا از شاهد دست اول و قابل اعتماد

شنیده‌اند و می‌بینیم که در سرتاسر کتاب اغلب یا به صورت اول شخص مشاهدات و تجربیات خود را بیان می‌کنند یا صحبت شخص دیگری را عیناً نقل می‌نمایند.

وقتی حضرت ولیّ امرالله تاریخ نبیل را ترجمه فرمودند حدود چهل سال از فوت نبیل اعظم گذشته بود و در این مدّت تحقیقات جدیدی دربارهٔ دیانت بابی انجام شده بود. اضافه بر این هیکل مبارک به مدارکی به انگلیسی و فرانسه دسترسی داشتند که البته مورد دسترس جناب نبیل نبوده. همچنین صنعت عکاسی در طیّ این مدّت پیشرفت کرده و همگانی شده بود و حضرت ولیّ امر توانستند افی بیکر Effie Baker خانم بهائی استرالیایی را به ایران بفرستند تا از اماکن تاریخی امر عکس بردارد.^{۱۱} نتیجه این بود که هیکل مبارک تاریخ نبیل را به صورتی منظم و سهل الوصول ترجمه فرمودند، هر جا مناسب بود مدارک جدید را به صورت حاشیه و پاورقی اضافه نمودند، با چاپ عکس هم اصالت مطالب را تأکید کردند و هم آنها را برای خواننده نزدیکتر و زنده‌تر نمودند، و مهم‌تر از همه الگو و نمونه‌ای برای مورّخین آینده امر به وجود آوردند.

اقدام دیگری که می‌توان آن را مکمل ارائه تاریخ نبیل شمرد تهیه و تنظیم مجلّات متعدّد "عالم بهائی" است که از سال ۱۹۲۳ تا صعود مبارک در ۱۹۵۷ تحت نظارت نزدیک و دقیق مبارک به صورت مرتّب انتشار می‌یافت و البته پس از آن هم تحت اشراف بیت العدل اعظم کماکان منتشر شده و می‌شود. کتاب‌های "عالم بهائی" هم از جهاتی همان اهداف تاریخ نبیل را انجام می‌دهد یعنی با جمع‌آوری و ارائه اقدامات و موقیّت‌های جامعهٔ بهائی در سراسر جهان خوانندگان بهائی را تشویق کرده روح جدید می‌بخشد و به خوانندگان غیر بهائی نه تنها اطلاعات مفید و اساسی راجع به امر می‌دهد بلکه این روح را به آنان نیز منتقل می‌کند. گزارش اخبار کنفرانس‌ها، تأسیس محافل، ثبت محافل و مؤسسات امری در کشورهای مختلف، ترجمهٔ آثار مبارکه به زبان‌های جدید، بنای مشرق‌الاذکارهای قازات و ساختمان‌های مختلف در مرکز جهانی و مقالات متنوّع دربارهٔ تاریخ، اهداف و پیشرفت‌های امر مبارک - اینها فقط بعضی از مطالبی است که در کتاب "عالم بهائی" به آن بر می‌خوریم. در ضمن هر مجلّد از این کتاب به تعداد زیادی عکس‌های جالب توجه و در بعضی موارد منحصر به فرد مزین شده. در جلد ۱۳ که در پایان جهاد کبیر اکبر چاپ شده، نقشه‌های مفصل و مشروح که اهداف نقشه‌رانشان می‌دهد و به دست مبارک ترسیم شده موجود است. همچنین عکس بسیاری مدارک از جمله ثبت محافل و غیره و حتی نمونه‌هایی از ترجمهٔ صلوات صغیر به زبان‌های مختلف در بسیاری از جلدهای کتاب دیده می‌شود. تمام این مطالب و مدارک نه تنها به خودی خود مهم و جالبند بلکه در عین حال اسنادی تاریخی هستند که مورّخین آینده برای تحقیق در جنبه‌های مختلف تاریخ امر می‌توانند از آن استفاده کنند. به عبارت دیگر مجلّات "عالم بهائی" مجموعه‌ای است از مدارک و اسناد تاریخی که حضرت ولیّ امرالله برای آیندگان آماده کرده و به یادگار گذاشته‌اند.

توجه ما تا به حال بیشتر به دید حضرت ولیّ امرالله نسبت به تاریخ امر و نسبت آن با تاریخ جهان

معاصر بوده ولی البتّه این فقط قسمتی از مطالب وسیعی است که هیکل مبارک در آثارشان بیان فرموده‌اند و جا دارد که هرچند به اختصار به بعضی دیگر از این مطالب نیز نظری بیافکنیم. وجه مشترک همه این مطالب آنست که هیکل مبارک در بیان آنها همیشه توجّهشان به این است که ارتباط بین اجزاء پراکنده را نشان دهند و دورنمایی وسیع که جنبه‌های مختلف امر را با یکدیگر هماهنگ سازد ایجاد نمایند.

یکی از این مطالب وسیع تبلیغ امرالله و استقرار و توسعه نظم اداری بهائی است. در توفیق ظهور عدل الهی که خطاب به احتیای امریکا و کانادا است هیکل مبارک امریکای شمالی را مهد نظم بدیع جهانی می‌خواند و از احتیای آن قاره به عنوان "وراث روحانی عصر رسولی" نام می‌برد و وظائف آنان را در ایفای نقش خود توضیح می‌فرماید. این خلاصه شاید به نظر نسبتاً ساده بیاید ولی مطالعه توفیق نشان می‌دهد که چگونه هیکل مبارک ارتباط بین تبلیغ، خدمات اداری و ترقی روحانی فردی را شرح می‌دهند. حضرت ولیّ امرالله در عین حال تأکید می‌نمایند که میان بهائیان امریکا که لطف و تمجید حضرت عبدالبهاء شامل حالشان شده و قاطبه اهالی آن قاره تفاوت بسیار است و دقیقاً به علت غوطه‌وری جامعه امریکا در فلسفه مادی، تعصبات نژادی و فساد سیاسی و اخلاقی است که جمال مبارک این افتخار را به احتیای آن قاره داده‌اند تا قدرت امر مبارک را در خلق جدید به همگان ثابت نمایند و با بروز خصائل تقوی و حسن اخلاق، عفت و عصمت، و آزادی از تعصبات به پیروزی روحانی دست یابند. قدم بعد پس از وصول این شرایط قیام به تبلیغ است و هیکل مبارک اهمّیت تبلیغ و شرایط لازم برای توفیق در این امر را بیان می‌فرماید و از جمله اهمّیت تبلیغ اقلّیت‌ها، احتیاج به ترجمه آثار به زبان‌های محلی و اهمّیت مهاجرت را تأکید می‌فرماید، به سهم بسیار مهمی که زنان در فتح روحانی کشورهای متعدّد داشته و دارند اشاره می‌فرماید و ایشان را تشویق به ادامه این نقش مهمّ می‌نمایند، و جوانان را تشویق می‌کنند که در امور تبلیغی و اداری هر دو شرکت کامل داشته باشند.

مطلب مهمّ دیگر که در آثار مبارکه مکرراً بیان شده نظم اداری بهائی است که بدون اغراق می‌توان گفت وجود آن را مدیون حضرت ولیّ امرالله هستیم. چون اگرچه اصول و مؤسّسات این نظم توسط جمال مبارک تأسیس شده و در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء شرح و بسط داده شده ولی در توقیعات حضرت ولیّ امرالله است که جزئیّات و چگونگی استقرار و نحوه عمل این نظم جدید بیان گردیده است. خود حضرت ولیّ امر در ابتدای نظم جهانی بهائی چنین می‌فرماید:

«نظم اداری بهائی بدعتی نیست که بعد از صعود حضرت عبدالبهاء بر عالم بهائی تحمیل شده باشد بلکه اعتبار و سندیتش از الواح وصایای حضرت عبدالبهاء سرچشمه گرفته... و اجزاء مهمّه‌اش در آیات کتاب اقدس تثبیت گشته است. به این تقدیر نظم اداری بهائی با حقایق آئین بهائی پیوندی ناگسستنی دارد و اصولی را که جداگانه از قلم حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء صادر گشته به یکدیگر متصل می‌سازد.»^{۱۲}

هیكل مبارك یاد آور می شوند که در کتاب اقدس بیت العدل محلی و عمومی تشریح گشته و در الواح وصایا محافل ملی به نام بیت العدل خصوصی تسمیه شده و طریق انتخابات آن نیز تبیین شده. علاوه بر این حضرت عبدالبهاء در الواح متعدده مشروعات صندوق های محلی و ملی و مطالبی از قبیل لزوم اطاعت از رأی محفل، ترجیح اتفاق آراء بر اکثریت آراء، قاطع بودن رأی اکثریت و البته اختیارات دو مؤسسه ولایت و بیت العدل اعظم و ارتباطشان با یکدیگر به کمال صراحت و قاطعیت در الواح وصایا بیان شده. ولی تمام این نکات که امروز بدیهی به نظر می رسد شکی نیست که بدون تبیین و توضیح حضرت ولی امر برای ما مجهول می بود. جناب فتح اعظم در مقدمه ترجمه نظم جهانی بهائی چنین می نویسند:

«معرفت امر بهائی و درک حقائق مکنونه در آئین حضرت بهاء الله بدون استعانت از آثار مبین منصوصش حضرت شوقی افندی... چنانکه باید کامل نگردد و دقائقش غالباً پوشیده ماند. حضرت ولی امرالله طی سی و شش سال دوره ولایتش آثاری بی شمار در تبیین نصوص مقدسه و تعیین حدود نظم اداری و تأسیس مؤسسات بهائی... صادر فرمود و به مدد آنها جامعه بین المللی بهائی را قدم به قدم هدایت فرمود و نضح و انسجام بخشید و مهیای آینده ساخت.»^{۱۳}

نقشه های بین المللی تبلیغی که الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء را به مرحله اجرا گذاشت و امر مبارک را در سراسر جهان منتشر نمود، تشکیل و ثبت محافل محلی و ملی در همه قارات جهان، انتصاب ایادی امرالله و تعیین وظائف ایشان، بیان شرایط لازمه اصحاب شور و نحوه مشورت، ترجمه آثار مبارکه به زبان های گوناگون، اینها تنها بعضی از مطالب مهمی است که حضرت ولی امرالله در توقعات متعدده عمومی و خصوصی بیان فرموده و با ارتباط نزدیک با افراد و محافل آنها را به مرحله عمل رساندند. مطلب دیگری که حضرت ولی امر در بسیاری آثار خویش تشریح فرموده اند مقام حضرت بهاء الله، حضرت رب اعلی و حضرت عبدالبهاء و ارتباط ایشان با یکدیگر است. توفیق دور بهائی که مهم ترین بخش کتاب نظم جهانی بهائی است اصولاً به چهار قسمت تقسیم شده که سه قسمت آن هر یک درباره یکی از این هیاکل مقدسه است و چهارمین قسمت درباره نظم اداری و مؤسسات ولایت و بیت العدل اعظم است. در این توفیق است که حضرت ولی امرالله مقام دوگانه حضرت اعلی را که هم مظهر ظهور الهی و هم مبشر به ظهور جمال مبارکند بیان می کنند و تصریح می فرمایند که حضرت بهاء الله مظهر کلی الهی و امر ایشان در میان ادیان سابق مثل و شبیهی نداشته است. همچنین می فرمایند که مقام مرکز میثاق حضرت عبدالبهاء یکتا و بی سابقه است و هر چند ایشان مظهر ظهور نیستند ولی فاصله ای که حضرت مولی الوری را از جمال قدم و حضرت اعلی جدا می کند به مراتب کمتر از فاصله بین حضرت عبدالبهاء و سایر نفوس حتی خود حضرت ولی امرالله است. ارتباط دائم و لاینفک بین مؤسسات ولایت و بیت العدل اعظم نیز از مطالب مورد توجه در دور بهائی است.^{۱۴}

در اینجا جا دارد ذکر نیز از بیانات حضرت ولی امرالله درباره نصوص و آثار مبارکه نمائیم. البته

ایشان به کرات اهمیّت مطالعه و تعمّق در آثار هیا کل مقدّسه را گوشزد احبّاء نموده‌اند و مثلاً در ظهور عدل الهی می‌فرمایند کسانی که قیام به تبلیغ می‌نمایند باید ادبیات امر را به دقّت مطالعه کنند، منتخباتی از ادعیه و آثار را حفظ نمایند، به اصول نظم اداری مسلط شوند، از پیشرفت‌های جدید امر مطلع باشند و اطلاعات درست درباره تاریخ و تعالیم نه تنها دیانت بهائی بلکه اسلام نیز داشته باشند. قسمتی از این اطلاعات لازم که خود هیکل مبارک در دسترس احبّاء گذاشته‌اند معرفی و بیان اهمیّت مهم‌ترین آثار جمال مبارک و حضرت اعلیٰ است. مثلاً در کتاب قرن بدیع، کتاب‌های بیان، قیوم الاسماء، دلائل سبعة، کتاب اقدس، کتاب ایقان، کلمات مکنونه، هفت وادی، چهار وادی و کتاب عهد از جمله آثار است که هیکل مبارک به صورت موجز ولی جامع و با دید وسیع و نافذ معرفی فرموده‌اند. هرکس مایل به مطالعه این کتاب‌ها باشد جا دارد که اوّل معرفی حضرت ولیّ امر را بخواند و راهنمایی برای مطالعه بگیرد و به این نحو هم خود اثر را بهتر درک کند و هم ارتباط آن را با سایر آثار و با تاریخ امر و حال و آینده جهان دریابد.

ترجمه‌های انگلیسی حضرت ولیّ امرالله

حضرت ولیّ امرالله در هنگام تحصیلاتشان در دانشگاه آکسفورد در نامه‌ای به یکی از احبّای شرقی چنین مرقوم می‌فرمایند:

«الحمد لله در نهایت صحّت و امیدواری و سعی و اعتدال مشغول تحصیل لوازم و تهیّه اسباب خدمت این امر در مستقبل ایّام هستم... امیدم چنان است که آنچه جوهر محاسن این بلاد و این جامعه است بزودی کسب نموده به سر منزل خود مراجعت نمایم و حقایق امریه را در قالبی جدید نهاده خدمتی به آستان مقدّس نمایم.»^{۱۵}

امّه البهائیه روحیه خانم می‌فرمایند: «شکّی نیست که [هیکل مبارک] پیوسته هدف اصلی زندگانی خود را ترجمه الواح و آثار مقرر فرموده بودند.»^{۱۶} و از نوجوانی «همیشه در این فکر و اندیشه به سر [می‌بردند] که چگونه بیانات مبارک را ترجمه کنند و چه وقت الواح مقدّسه را به السنّه خارجی درآورند.»^{۱۷} حضرت ولیّ امرالله به نحو احسن به این هدف نائل شدند و به این طریق هدایایی بسیار نفیس به عالم بهائی عرضه نمودند. ترجمه‌های مبارک از آثار چون کتاب ایقان، کلمات مکنونه، منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله (*Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*) و تاریخ نبیل نه تنها برای بهائیان غیر ایرانی فوق العاده بالارزش و مهم است بلکه از نقطه نظر تبیین آیات برای احبّای فارسی‌زبان نیز حائز اهمیّت است.

حضرت ولیّ امرالله کار ترجمه آثار مبارکه از فارسی و انگلیسی را از زمانی که هنوز محصل بودند شروع فرمودند و از همان اوائل دوره ولایت به نشر ترجمه‌های آثار در عالم بهائی پرداختند. حدود یک

سال پس از صعود حضرت عبدالبهاء در توقیعی به محفل ملی امریکا چنین مرقوم می‌فرمایند:

«بی‌نهایت سبب خوشوقتی من است که ترجمه برخی از الواح و مناجات‌های حضرت عبدالبهاء را برای شما ارسال دارم. امید است که در مستقبل ترجمه‌های موثق و دقیق برایتان بفرستم. این سبب توسعه افکار یاران درباره عظمت امر جمال حضرت رحمن و حصول بصیرت در معانی و حقائق مودعه در کلمات الهیه خواهد شد.»^{۱۸}

البته این کار ترجمه در طی مدّت مدیدی از دوران ولایت یعنی تا سال ۱۹۴۱ ادامه داشت. ترجمه‌های حضرت ولی امرالله را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد: الف- ترجمه کامل یک اثر. ب- ترجمه منتخباتی از آثار و نشر آنها به صورت مجموعه. ج- ترجمه منتخباتی از آثار در ضمن توفیعات مبارکه. د- ترجمه کتاب تاریخ نبیل. جا دارد مختصری درباره هریک از گروه‌ها صحبت کنیم.

الف- اول ترجمه یک کتاب یا لوح به صورت کامل و مستقل است که در این میان می‌توان از کتاب ایقان، لوح این ذنب و کلمات مکتونه به عنوان نمونه‌های برجسته اسم برد. پس از کتاب مستطاب اقدس این سه اثر جزء مهم‌ترین آثار جمال مبارک بشمار می‌آیند و اهمیت ترجمه و نشر آنها بدیهی است. علاوه بر آنها الواح دیگری هم هست که اگرچه کوتاه‌ترند ولی توسط هیکل مبارک ترجمه و به صورت جداگانه توزیع گردیده‌اند از جمله اصل کلّ الخیر از قلم اعلیٰ و لوح دکتر فورد از آثار حضرت عبدالبهاء.

ب- گروه دوم ترجمه منتخباتی از آثار و نشر آنها به صورت یک مجموعه است که مهم‌ترین اینها *Gleanings* (منتخباتی از الواح جمال اقدس ابهی) و *Prayers and Meditations* (مناجات) است. در سال‌های اخیر اصل آثار ترجمه شده در این دو مجموعه جمع‌آوری و به صورت مجموعه‌هایی به زبان نزولی منتشر گردیده و در دسترس یاران فارسی‌زبان است. همچنین در سال ۱۹۸۴ جناب دکتر وحید رأفتی فهرستی از مآخذ الواحی که در *Gleanings* ترجمه شده تهیه نموده و در ضمن مقاله‌ای در مجله عنذیب آن را در اختیار احباء گذاشته‌اند. چنانچه در اول مقاله مزبور می‌نویسند: «نگاهی سریع به مندرجات کتاب نشان می‌دهد که حضرت ولی امرالله نصوصی از اولین تا آخرین آثار نازله از جمال قدم را که خطاب به افراد بهائی و غیر بهائی، به السنه فارسی و عربی، عزّ نزول یافته در کتاب گلینینگز جمع‌آوری فرموده‌اند.»^{۱۹} این مجموعه امهات مطالب مطروحه در آثار جمال قدم را ولو به اختصار در بردارد و بنا بر این عصاره اعتقادات و تعالیم دیانت بهائی را به خواننده عرضه می‌کند. در اکثر موارد فقط قسمت‌هایی از الواح مختلفه در این کتاب ترجمه شده و ترتیب آنها به نظر می‌آید مبنی بر مطلب مورد بحث باشد. مثلاً می‌بینیم که چند قسمت مختلف از یک لوح ترجمه شده ولی در *Gleanings* پشت سرهم نیامده بلکه هر قسمتی در جایی از مجموعه دیده می‌شود از جمله منتخباتی از لوح سلمان، لوح هادی، لوح مقصود، سوره ملوک، کلمات مکتونه، کتاب ایقان و کتاب اقدس در ارتباط با مطالب قبل و بعد تحت شماره‌های مختلف عرضه گردیده است. علاوه بر این الواحی مهم از قبیل الواح صیام، لوح رضوان،

لوح کرمل و لوح حج نیز در این مجموعه موجود است.

کتاب *Prayers and Meditations* را می‌توان از جهتی مکمل *Gleanings* بشمار آورد. *Gleanings* مجموعه آیات الهی است و *Prayers and Meditations* مجموعه ادعیه و مناجات‌های جمال مبارک و شامل صورت صلوات صغیر، وسطی و کبیر، صلوات میت، ادعیه صیام، ایام هاء و نوروز، دعا‌های خروج از بیت، ادعیه شفا و بیش از ۱۵۰ دعا و مناجات دیگر می‌باشد. اصل این ادعیه که اغلبشان به عربی است نیز جمع آوری و در سال ۱۹۸۲ تحت عنوان مناجاة به چاپ رسیده است. مأخذ بیشتر مناجات‌های جمال مبارک که در کتاب‌های مناجات به زبان انگلیسی می‌خوانیم همین کتاب است.

ج- گروه سوّم ترجمه‌هایی است از آیات حضرت بهاء‌الله، حضرت نقطه اولی و حضرت عبدالبهاء که به مناسبت‌های مختلف در متن توقیعات حضرت ولیّ امرالله نقل شده. اغلب توقیعات عمومی مبارک شامل چنین فقراتی می‌باشد. در بعضی موارد حضرت ولیّ امر در ضمن بیان مطلبی یکی از بیانات مبارک را شاهد می‌آورند و سپس به بیان مطلب ادامه می‌دهند. تعداد این موارد البته بسیار است و حتی مطالعه اجمالی توقیعات مبارکه مثلاً در نظم جهانی بهائی نمونه‌های فراوان به دست خواهد داد. غیر از این در بعضی از توابع، هیکل مبارک چندین صفحه را به نقل بیانات مبارکه اختصاص داده‌اند و در عمل در متن توقیع مجموعه‌ای از بیانات هیا کل مقدسه درباره موضوعی خاصّ بوجود می‌آورند. برای مثال در قد ظهر یوم المیعاد صفحات متعددی به ترجمه منتخباتی از الواح سلاطین اختصاص داده شده که البته انتخاب این الواح به مناسبت ارتباطشان با مطلب مورد بحث یعنی عکس العمل ملوک و سلاطین به ندای حضرت بهاء‌الله و نتایج آن است. به هر حال اینجاست که برای اولین بار این الواح به زبان انگلیسی در دسترس عامه اهل بهاء قرار گرفته است. همینطور در ظهور عدل الهی هیکل مبارک پس از انداز جامعه بهائی امریکا به امتحانات و مشکلاتی که در پیش است می‌فرمایند که بهترین مساعدت اینست که منتخباتی از بیانات جمال مبارک را که قبلاً ترجمه و منتشر نشده بوده در این توقیع ارائه فرمایند. این آثار که بیش از ۱۰ صفحه را تشکیل می‌دهد حقیقتاً الهام‌بخش و مایه تشویق و تشجیع روحانی است و حاوی مطالب متنوعی است از جمله مقام و مرتبه مؤمنین واقعی، عظمت و جلال این ظهور، مقام این یوم که یوم‌الله و یوم موعود است، اهمّیت تبلیغ و دفاع از امرالله و مژده پیروزی و ظفر روحانی. شاید بتوان این گروه ترجمه‌ها را از جهتی پیشرو مجموعه‌هایی از آثار و الواح (compilations) دانست که در سال‌های اخیر درباره مطالب مختلف از طرف دارالتحقیق بیت العدل اعظم تهیه و منتشر گردیده است. ترجمه‌های حضرت ولیّ امرالله و این مجموعه‌ها هر دو چه از جهت تشویق و الهام بخشیدن به خواننده و چه از جهت جمع آوری منابع مهمّ برای کمک به تزئید معلومات و تحقیقات در آثار امری اهمّیت بسیار دارند.

ج- قسمت چهارم شامل فقط یک اثر است یعنی مطالع الانوار یا تاریخ نیل. اگرچه قبلاً هم اشاره به این کتاب نمودیم ولی جا دارد باز هم از آن ذکر بکنیم. در ترجمه آثار و نصوص مبارکه بدیهی است که مطابقت ترجمه با اصل در درجه اول اهمّیت است. در ترجمه تاریخ نیل وفاداری به اصل البته رعایت

شده ولی موجودیت فعلی آن مدیون قوهٔ خلاقهٔ حضرت ولیّ امرالله است که نه تنها آن را به زبانی جدید ترجمه نمودند بلکه به آن قالبی نو و هیئت بیحدی فرمودند. تأثیر طرز فکر حضرت ولیّ امرالله در سراسر کتاب نمایان است و سبک نگارش و بیان مطلب و انتخاب لغات مخصوص هیکل مبارک است. ملحقات کتاب نیز که هیکل مبارک با کمال دقت به آن اضافه نموده‌اند همگی نمودار دید وسیع علمی و تاریخی ایشان است. علاوه بر متن کتاب، تاریخ نیل شامل یادداشت‌های پاورقی متعدّد به انگلیسی و فرانسه است که حاصل مطالعه و تحقیق مبارک در بیش از ۵۰ جلد کتاب است. این یادداشت‌ها منابع تاریخی دیگر را برای تأیید قول جناب نیل، توسعه و تکمیل مطالب و یا ارائهٔ نظریات دیگر به کار می‌برد و در نتیجه به سندیت و اعتبار کتاب می‌افزاید. از آنجا که بسیاری از این منابع بعد از نگارش اصل تاریخ نیل نوشته شده است اطلاعات مأخوذ از آنها کتاب را با جدیدترین اطلاعات موجود در دورهٔ حضرت ولیّ امر مطابق می‌سازد. علاوه بر این مطالع الانوار شامل بیش از ۱۵۰ عدد عکس از اماکن تاریخی مهم در ایران است که بعضی از آن اماکن بعداً خراب شده یا تغییر پذیرفته و بنا بر این، این عکس‌ها نه تنها کتاب را جالب تر می‌نماید بلکه مدارک تاریخی مهم نیز هست. در ضمن در اول کتاب عکس‌های رنگی بسیار نفیس و زیبایی از توقیعات حضرت اعلیٰ خطاب به من یظهره الله و حروف حی و همچنین عکسی از داخل مقام مقدّس اعلیٰ موجود است که منحصر به فرد و بی‌نظیر است. شجره‌نامهٔ حضرت اعلیٰ به خطّ خود حضرت ولیّ امرالله و ضمیمه‌های متعدّد (appendix) در آخر کتاب آن را بیش از پیش قابل استفاده می‌نماید.

حضرت ولیّ امرالله مطالعهٔ کتاب مطالع الانوار را مکرراً به احباء توصیه می‌فرمودند و در دو توقیع که بعد از نشر کتاب مرقوم شده می‌فرمایند که احباء باید کتاب ایقان، تاریخ نیل و مفاوضات حضرت عبدالبهاء را مطالعه کنند و به آنها چنان تسلط پیدا کنند که بتوانند محتوای این آثار را برای دیگران شرح دهند. همینطور می‌فرمایند که تاریخ نیل معین احباء در کار تبلیغ، منبع الهام و تقویت روحانی و وسیلهٔ مقابله با حملات است.

سبک ترجمه و نگارش حضرت ولیّ امرالله

حال جا دارد که ذکر از سبک ترجمه و نگارش حضرت ولیّ امرالله بنمائیم. از بسیاری از احباء اگر پرسیم که شیوهٔ نوشته‌های هیکل مبارک چگونه است جواب خواهند داد که بسیار عالی ولی بسیار مشکل است ولی همین سؤال را اگر دربارهٔ ترجمه‌های مبارک بکنیم جواب احتمالاً اینست که بسیار عالی و در عین حال روان و قابل فهم است. با قسمت اول هر دو جواب البته بحثی نیست چون حقیقتاً سبک انشاء مبارک فوق العاده زیبا و شیوا و در حدّ کمال است ولی اگر در توقیعات و ترجمه‌های مبارک به دقت نظر کنیم می‌بینیم که درست نیست که یکی را مشکل و دیگری را آسان قلمداد کنیم چه که هر دو در چهارچوب هدف خود از مبانی مشترکی پیروی می‌کنند و به اصول مشترکی پای‌بندند که در اینجا

تحت چهار عنوان می‌توان آنها را بررسی نمود: الف- درستی و دقت در سخن. ب- وفاداری به نصوص مبارکه. ج- زیبایی و هماهنگی کلام. د- اتکاء به مشورت و همکاری.

الف- دقت در سخن و انتخاب کلمات یکی از صفات بارز نوشته‌های حضرت ولیّ امرالله است. بنا به گفته حضرت امة البهاء روحیه خانم هیکل مبارک قدر کلمات را می‌دانستند و هریک را در محلّ و معنای خود به کار می‌بردند. ایشان مانند هنرمندی بودند که کلمات را مثل قطعات خاتم به دقت کنار هم قرار می‌دادند و آنقدر جابجا می‌کردند تا هر قطعه در محلّ معین جا بیفتد و تصویری را که در ذهن مبارک بود ظاهر کند. به قول حضرت خانم: «حضرت ولیّ امرالله هیچگاه آثار خود را به سطح دانش کم خوانندگان آثار خود پائین نمی‌آوردند» بلکه متوقع بودند آنان که تشنه حقائقند بر [دانش خود بیافزایند].^{۲۰} در نتیجه می‌بینیم که هیکل مبارک گاهی در ترجمه‌ها کلماتی به ظاهر مشکل و حتی نامأنوس به کار می‌برند ولی مراجعه به کتاب لغت نشان می‌دهد که کلمه مورد مصرف به بهترین و دقیق‌ترین وجه معنای کلمه در زبان اصلی را می‌رساند و در مواردی که اصل را ممکن است چند نوع بخوانند یا چند نوع معنی کنند ترجمه مبارک معنی درست را معلوم می‌کند.

در نوشته‌های خود ایشان هم همین دقت به کار رفته مخصوصاً که هریک از آثار ایشان به نوبه خود جوهر الجواهر است یعنی عصاره مطلب در آن به نحو مختصر و خلاصه بیان شده بطوری که اغلب حتی اگر یک کلمه جابجا شود معنی جمله عوض می‌شود یا به کلی از دست می‌رود. بنا بر این بعضی از جملات مبارک ممکن است بلند و پیچیده باشد ولی هیچوقت بیهوده دراز یا مبهم نیست. مثلاً در نظم جهانی بهائی صحبت از سقوط دستگاه خلافت اسلام است و هیکل مبارک چنین می‌فرماید:

«بلی دستگاهی که از اول، حق مقدّس جانشینی رسول خدا را زیر پا نهاد، و نیروهای ناهنجار تشعب و تفرقه را به کار انداخت، و در یوم موعود به آئین الهی که مبشرش از نسل همان امامی بود که در قرون گذشته خلفاء حقش را غضب کرده بودند لطمه شدید وارد ساخت، چنین دستگاهی مستحقّ بود که به مجازاتی برسد که رسید و به نابودیش انجامید.»^{۲۱}

این جمله با اینکه نسبتاً مفصل و پیچیده است ولی هر جزئی از آن برای بیان مطلب لازم و به بقیه اجزاء مربوط است. تقسیم جمله به سه چهار جمله کوتاه تر نه تنها فهم مطلب را آسان تر نمی‌کند بلکه بالعکس باعث می‌شود که ارتباط وقایع مورد بحث به این دقت معلوم نشود. در عین حال بر خلاف تصوّر عموم توقعات مبارک فقط متشکل از جملات طویل نیست بلکه چنانچه حضرت امة البهاء در گوهر یکتا می‌نویسند: «گاهی هم مشاهده می‌شود که جملات کوتاه پی در پی مرقوم فرموده‌اند که وقتی درست بخوانند مانند ضربات تازیانه صدادر است.»^{۲۲} به عبارت دیگر سبک نگارش مبارک ترکیبی است از عناصر مختلف که هریک به اقتضای مطلب در جای مناسب مورد استفاده قرار گرفته است. خود هیکل مبارک گاهی توجه حضرت حرم را «بدین اسلوب بدیع خود جلب فرموده می‌فرمودند که هر کدام در

مقام خود مؤثر است و ترکیب این دو اسلوب با یکدیگر خواننده را به مقصد نهائی می‌رساند.^{۲۳}

ب- خصوصیت دیگر ترجمه‌ها و آثار حضرت ولیّ امر وفاداری به اصل نصوص است. البتّه این یکی از اصول ابتدائی و مهمّ ترجمه است و ارتباط مستقیم با نکته قبل یعنی دقت در انتخاب کلمات درست و مناسب دارد. هدف از ترجمه در درجه اولی انتقال معانی و مفاهیم اصل بیان است. در هر زبان تعدادی کلمات هستند که معنی معین و محدودی دارند که می‌توان معادل دقیق آن را در هر زبان دیگری به آسانی پیدا کرد مثلاً "میز"، "درخت"، "کاغذ"، "زن"، "مرد" و غیره. ولی کلمات دیگری نیز هستند که معانی دقیق آنها با فرهنگ و شرایط زندگی و محیط هر کشور توأم و وابسته است و بنا بر این ترجمه آنها به زبان دیگر مستلزم اطلاع کامل نه تنها از هر دو زبان بلکه از هر دو فرهنگ و جامعه می‌باشد. مثلاً می‌گویند که در زبان اسکیموها ده‌ها کلمه برای "برف" وجود دارد یا در عربی کلمات متعدّد برای "شتر" موجود است. بالاخره وقتی صحبت از کلماتی است که با عواطف و احساسات و افکار و مجرّدات سرو کار دارند (کلماتی مانند "عشق"، "روح"، "عدل"، "زیبایی" و غیره) کار باز مشکل تر می‌شود چه که هر یک از اینها در زبان اصلی هم معانی مختلف و مفاهیم ضمنی دارد که در موقع ترجمه، اول باید دید کدام مفهوم مورد نظر است و بعد در زبان دیگر کدام کلمه همان مفهوم را دارد. حضرت ولیّ امرالله بی‌نهایت می‌کوشیدند تا در هر مورد بهترین کلمه‌ای را که درست و به دقت معنای اصلی را می‌رساند مرقوم فرمایند. این کار مخصوصاً در ترجمه الواح عرفانی بسیار مشکل و در بعضی موارد تقریباً غیر ممکن است و خود حضرت ولیّ امرالله به حرم مبارک فرموده بودند: «برخی از الواح مبارک است که هرگز درست ترجمه نخواهد شد زیرا در هر یک از آن الواح آنقدر استعارات و صنایع بدیعه ادبیه به کار رفته که ترجمه، همه آنها را از بین می‌برد.»^{۲۴} البتّه چون هیکل مبارک مبین آیات بودند نقش ایشان به عنوان مترجم با هر مترجم دیگری فرق دارد و ما می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که ترجمه‌های مبارک نه تنها صحیح است بلکه در مواردی که از خواندن اصل ممکن است ابهام در ذهن خواننده بوجود آید ترجمه مبارک معنای واقعی و دقیق مطلب را می‌رساند.

در نوشته‌های خود حضرت ولیّ امرالله نیز این اصل وفاداری به اصل رعایت شده به این مفهوم که ایشان تمامی بیانات خویش را مستند به نصوص و آثار هیاکل مقدّسه امر می‌فرمایند و در این کار سرمشقی به نویسندگان بهائی می‌دهند. حضرت ولیّ امرگاهی فقط دو سه کلمه از یکی از نصوص را در جمله خود نقل می‌کنند و به این وسیله استناد بیان خود بر کلمه الهی را آشکار می‌سازند و گاهی بخشی مفصّل تر از آثار مبارکه را نقل فرموده و علاوه بر استفاده از آن برای اثبات موضوع مورد بحث به توضیح و تشریح و احیاناً تبیین آن نیز می‌پردازند. مثلاً در جایی صحبت از حقایق جمع ادیان است و حضرت شوقی افندی چنین می‌فرماید: «حقایق دینی امری نسبی است نه مطلق و آئین یزدانی تجدیدپذیر است نه جامد و نهائی... تمام ادیان اساسشان الهی است، هدفشان واحد است، هر یک مکمل دیگری است...» بعد بیان حضرت بهاءالله در کتاب ایقان را نقل می‌فرمایند که «اگر به نظر لطیف ملاحظه فرمایی همه را در

یک رضوان ساکن بینی و در یک هوا طائر و بر یک بساط جالس و بر یک کلام ناطق و بر یک امر آمر، سپس خود حضرت ولیّ امرالله دوباره مطلب را ادامه داده می‌فرمایند: «ملاحظه فرمائید که حضرت بهاءالله خود به تجدید شرایع آسمانی... اشاره می‌فرماید.»^{۲۵}

ج- خصوصیت دیگر نوشته‌های مبارک زیبایی و هماهنگی کلام است که هم در توقیعات و هم در ترجمه‌ها به چشم می‌خورد. لازم به توجه است که در ترجمه حفظ زیبایی کلام در عین وفاداری به اصل معنی کار مشکلی است چه که به علت تفاوت در دستور زبان و روش ترکیب کلمات در زبان‌های مختلف گاهی آنچه در یک زبان زیبا و نمونه بهترین سبک نگارش بشمار می‌آید اگر عیناً ترجمه شود زشت و حتی بی‌معنی خواهد شد. در نتیجه مترجم باید به اصول نگارش و سبک‌های ادبی هر دو زبان مسلط باشد تا ترجمه هم مفهوم اصل را درست منتقل کند، هم طبق اصول دستوری باشد، و هم در نوع خود همانقدر زیبا و دلنشین و مؤثر باشد که اصل متن بوده است. هیکل مبارک در این کار موفقیت چشمگیر حاصل فرموده‌اند. عکس العمل خوانندگان غیر بهائی به ترجمه کتاب مطالع الانوار شاهد بر این مطلب است. دکتر آلفرد مارتین (Alfred Martin) «سلاست بیان و شیرینی و عذوبت کلام» مبارک را تمجید می‌نماید و مستشرق شهیر سر دنیسون راس (Sir Denisson Ross) چنین می‌نویسد: «اسلوب نگارش به حدی اعلیٰ است که بهتر از این ممکن نیست به نحوی که در حین قرائت کسی باور ندارد که ترجمه است... هدف شما در موقع ورود به دانشگاه آن بود که تسلط کامل بر زبان انگلیسی یابید، این هدف به نحو اکمل و اتم انجام یافته.»^{۲۶}

البته زیبایی سخن حضرت ولیّ امرالله و دبعه الهی است ولی شاید بتوان سبک انگلیسی ایشان را تا حدی نیز تجزیه و تحلیل نمود. ایشان بنا به گفته حضرت حرم اصولاً به نگارش عشق می‌ورزیدند و در این کار «خلاقیت و بدعیت و ابتکار و ذوقی بی‌مثل و مانند داشتند.»^{۲۷} فارسی و عربی را البته در ظلّ توجهات حضرت عبدالبهاء به نحو احسن آموخته بودند و بعداً با جدیت و پشتکار تمام در زبان انگلیسی نیز به کسب کمال موفق گردیدند. از ایام نوجوانی تا اواخر حیات «عادشان آن بود که لغات زیبا و اصطلاحات و عبارات شیوا [به زبان انگلیسی] را یادداشت می‌فرمودند... و این خود شاهدهی است ناطق که با چه شور و حرارتی و انضباط و اسلوب معینی دائماً می‌کوشیدند که تسلط کامل به زبان یابند.»^{۲۸} مخصوصاً که زبان انگلیسی را بی‌نهایت دوست داشتند و از مطالعه آن لذت می‌بردند. کتاب مقدس (King James' Bible) و آثار مورّخین نامدار کارلایل (Carlyle) و گیبن (Gibbon) از کتاب‌های محبوب ایشان بود و مخصوصاً به کتاب انحطاط و سقوط امپراطوری رم اثر گیبن بسیار علاقه داشتند و قدرت و تسلط نویسنده و فصاحت و زیبایی جملات آن را تحسین می‌فرمودند. تأثیر اسلوب نگارش گیبن در آثار حضرت ولیّ امرالله آشکار است و همینطور تأثیر کتاب مقدس در ترجمه‌های الواح و مناجات‌ها و کلمات مکنونه. ولی در عین حال تأثیر زبان و ادبیات فارسی و عربی نیز در نوشته‌های انگلیسی مبارک عیان است. مثلاً جناس لفظی (alliteration) در فارسی و عربی بسیار معمول و در صورت کاربرد بجا از

علامات زیبایی سبک بشمار می‌رود. برای نمونه هیکل مبارک در توقیع ۱۰۸ بدیع می‌فرماید که رمس مطهر حضرت اعلیٰ «در مقابل قبله اهل بهاء و روضه مبارکه علیاء مطاف ملا اعلیٰ مدینه منوره بیضاء آرمیده.» در اینجا دو نوع تجانس حروف به چشم می‌خورد. یکی تکرار حرف میم در اول کلمات «مقابل»، «مطاف»، «ملا» و «مدینه منوره» است و دیگری نوعی قافیه در آخر هر قسمت از جمله: «بهاء»، «علیاء»، «اعلیٰ» و «بیضاء». هیکل مبارک مشابه این صنایع ادبی را در انگلیسی نیز به کار می‌برند و به این وسیله آهنگ اصل نصوص را به ترجمه‌ها منتقل نموده و در آثار خویش نیز بوجود می‌آورند. استفاده از تشبیهات و استعارات نیز از خصوصیات سبک مبارک است که می‌توان تأثیر ادبیات شرقی را در آن دید. مثلاً در آثار مبارکه به فارسی عباراتی چون «روضه قلب»، «گل عشق»، «سفینه میثاق»، «طوفان نقض»، «شعله ایمان» و نظیر آنها بسیار بر می‌خوریم. حضرت ولی امرالله در انگلیسی نیز چنین تشبیهاتی را به کرات به کار می‌برند و علاوه بر این از تشبیهات مفصل تر (extended metaphors) نیز استفاده می‌کنند مثلاً درباره امر مبارک می‌فرماید: «این گوهر الهی که هنوز در عالم جنین است البته در صدف تعالیم و احکامش نشو و نما خواهد جست.»^{۲۹} یا اینکه دردهای عالم «علامت آنست که زمان وضع حمل جهان فرارسیده و نوزادی در شرف تولد است.»^{۳۰} که آن نظم جهانی بهائی است. حتی طرز انشاء مبارک نیز بنا به فرموده حضرت امة البهاء طبق رویه شرقی بود یعنی همانطور که منشآت فارسی و عربی را مرّجح است که با صوت و لحن خوش و موزون خواند حضرت ولی امرالله نیز «در موقع تحریر، کلمات را به صدای بلند [ادا فرموده و مرقوم می‌فرمودند...] بدین جهت است که حتی اگر جملات بلند ایشان را با صدای رسا بخوانند معنی کاملاً واضح و سیال بودن جملات کاملاً مشهود می‌گردد.»^{۳۱} بطور خلاصه زیبایی و شیوایی آثار انگلیسی حضرت ولی امرالله مدیون تسلط ایشان به هر سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی است.

د- بالاخره می‌توان به صفت دیگری در آثار مبارکه ایشان اشاره کرد و آن فروتنی و خضوع و اتکاء به همکاری است. اگرچه از طرفی بیانات مبارک بسیار مهیمن و در بعضی موارد حتی شاید شدید است ولی این در مقام ولایت امر و تبیین آیات الهی است ولی تواضع و فروتنی هیکل مبارک در روابط شخصی و انفرادی با اجباء در آثارشان نیز مشهود است چه که تقریباً هیچگاه به نقش خویش در استقرار نظم اداری و استحکام بنای مؤسسات امری اشاره نمی‌فرمایند و همه پیروزی‌های امر در عصر تکوین را به پیروان اسم اعظم نسبت می‌دهند. امضای مبارک در پایان توقیعات فارسی «بنده آستانش شوقی» است یعنی بنده آستان حضرت عبدالبهاء و در توقیعات انگلیسی "Your true brother, Shoghi" یعنی «برادر حقیقی شما، شوقی» و در هر دو مورد به تناسب با فرهنگ و انتظارات مخاطبین خضوع و فروتنی خود را آشکار می‌فرمایند.

در مورد ترجمه هم این صفات به نوع دیگری آشکار است به این معنی که با وجودی که هیکل مبارک مبین آیات و صاحب اختیار کامل در ترجمه بودند ولی باز هم اصل مشورت را در این کار به

مرحله عمل می‌گذاشتند. برای مثال سال‌ها ترجمه‌ها و نوشته‌های خویش را برای جورج تاونزند (George Townshend) که تسلط و آگاهی او به زبان انگلیسی را بسیار تحسین می‌فرمودند می‌فرستادند و در یکی از نامه‌های خود به ایشان می‌فرمایند: «از پیشنهادهای ذی‌قیمت، مفصل و دقیق شما بی‌نهایت ممنونم.»^{۳۲} دیگر مترجمین بهائی را نیز تشویق می‌نمودند که در کار ترجمه همکاری و مشورت کنند و از متخصصین زبان کمک بطلبند. این البته روشی است که بیت العدل اعظم نیز آن را ادامه داده‌اند. برای نمونه چنانکه اطلاع دارید ترجمه کتاب مستطاب اقدس توسط هیئتی از مترجمین و محققین عربی و انگلیسی زبان انجام گردیده است.

ترجمه‌های انگلیسی حضرت ولی امرالله میزان ترجمه آثار به سایر زبان‌هاست یعنی ترجمه نصوص و الواح به زبان‌های دیگر مستقیماً از فارسی یا عربی صورت نمی‌گیرد بلکه بر مبنای ترجمه انگلیسی این آثار می‌باشد. دلیل این کار به نظر می‌آید این باشد که چون حضرت ولی امرالله بنا بر الواح وصایای حضرت عبداله‌ء "مبین آیات الله" هستند بنا بر این ترجمه‌های ایشان فقط ترجمه نیست بلکه وسیله‌ای برای توضیح و در صورت لزوم تبیین بیانات مبارکه است. چنانکه قبلاً هم ذکر شد هیکل مبارک با انتخاب دقیق کلمات معنی واقعی و مورد نظر در اصل آثار را آشکار می‌کنند. در مواردی که ممکن است ابهام یا سؤالی در ذهن خواننده از مطالعه اصل بوجود آید، خواندن ترجمه مبارک ابهام را زائل می‌نماید، سؤال را جواب می‌دهد، و از هرگونه سوء تفاهم یا خدای نکرده اختلاف نظر جلوگیری می‌کند. برخی محققین بهائی درباره اصولی که ترجمه‌های مبارک بر طبق آن بنا شده تحقیقاتی کرده‌اند و از جمله خانم داینا مألوف (Diana Malouf) چهار اصل را در ترجمه‌های مبارک شناسایی کرده‌اند (Vision of Shoghi Effendi):

الف- اصل اول استفاده از لغات و عباراتی است که مناسب کلام الهی باشد و لحن آیات را در ترجمه نیز حفظ نماید. برای نیل به این هدف هیکل مبارک سبکی شبیه به ترجمه‌های قرآن در قرن نوزدهم اتخاذ فرمودند. برای مثال، اول کلماتی را که مربوط به ذات الهی یا مظهر ظهور است با حرف بزرگ می‌نویسند و صورت قدیمی ضمیرهای شخصی و افعال را به آن نحو که در ترجمه‌های کتاب مقدس استفاده شده به کار می‌برند. مثلاً در کلمات مکتوبه عربی (شماره ۴) که می‌فرمایند: «احببت خلقک فخلقک فاحببتک فاحببتی» عبارت "فاحببتی" را ترجمه فرموده‌اند "do thou love Me" که "thou" در انگلیسی قدیمی به معنی "تو" (در مقابل "شما") بوده و "Me" هم چون از لسان خداوند است با M بزرگ نوشته شده.

ب، ج- دو اصل دیگری که مورد نظر مبارک بوده یکی زیبا نمودن ترجمه است و دیگری خوش آهنگ کردن آن که البته هدف هر دو آنست که بتوان حالت و آهنگ اصل را در ترجمه نیز احساس نمود. رمز این کار اینست که در عین حال که کلمات مورد استفاده در ترجمه معنی اصل را می‌رساند ولی بنا به قواعد زیبایی‌شناسی و نگارش ادبی در زبان انگلیسی نیز، هم صحیح و هم شیوا و دلنشین باشد و البته رسیدن به این مقصد بستگی به ذوق ادبی مترجم دارد. یک نمونه بسیار زیبا ترجمه لوح مبارک است که

مطلع آن اینست: «ای بلبان الهی از خارستان ذلت به گلستان معنوی بشتابید.»^{۳۳} اصل این لوح فوق العاده زیبا و به قول معروف شاعرانه است و ترجمه آن اگر تحت اللفظی باشد ممکن است عجیب و نامأنوس به نظر بیاید ولی ترجمه هیکل مبارک هم معانی اصلی را حفظ می‌کند و هم در زبان انگلیسی همان نوع زیبایی و حالت ادبی را بوجود می‌آورد. مثلاً در فارسی می‌فرمایند: «چه شب‌ها که رفت و چه روزها که درگذشت و چه وقت‌ها که به آخر رسید و چه ساعت‌ها که به انتها آمده.» ترجمه این جمله کلمه به کلمه عین اصل نیست ولی به انگلیسی همانقدر شیوا و روان است و همان آهنگ و وزنی را دارد که اصل آن به فارسی داراست:

"Night hath succeeded day, and day hath succeeded night, and the hours and moments of your lives have come and gone."^{۳۴}

د- اصل آخر در ترجمه‌ها روشن کردن و تبیین معنی اصل است که البته تأسی به حضرت ولی امرالله در این کار مشکل بلکه غیر ممکن است چون اختیار و قابلیت تبیین مختص هیکل مبارک می‌باشد. اما به هر حال مقایسه ترجمه‌های مبارک با اصل نصوص برای مترجمین بهائی مفید و لازم است چون بسیاری لغات هست که می‌توان به انحاء مختلف ترجمه نمود و ملاحظه اینکه هیکل مبارک هر یک را در موارد مختلف چگونه ترجمه فرموده‌اند نمونه و الگویی ارائه می‌کند که دیگران می‌توانند به آن تأسی کنند. مثلاً کلمه "قدرت" را به انگلیسی می‌توان "Power"، "Strenght" یا "Might" ترجمه نمود و اینکه کدام کلمه را به کار بریم بستگی به مطلب و زمینه اطراف آن دارد. جناب حبیب طاهرزاده از مترجمین طراز اول آثار مبارکه نوعی لغت‌نامه تهیه کرده‌اند که در آن بسیاری کلمات و اصطلاحات امری و ترجمه‌های حضرت ولی امر از هر یک جمع آوری شده. نسخه‌ای از این مجموعه در مرکز جهانی موجود است ولی تا جایی که اطلاع دارم چاپ نشده است.

قبل از اینکه سخن درباره ترجمه‌های حضرت ولی امرالله را خاتمه دهیم جا دارد که به دو نمونه کوتاه از این ترجمه‌ها که حالت تشریح و تبیین دارند نظری بیافکنیم. نمونه اول لوحی است با مطلع «ای بندگان سزاوار اینکه در این بهار جانفزا از باران نیشان یزدانی تازه و خرم شوید.»^{۳۵} در اواسط لوح جمال مبارک می‌فرمایند: «آغاز و انجام جنبش و آرام آشکار امروز آغاز در انجام نمودار و جنبش از آرام پدیدار.» در خواندن اصل ممکن است سؤال پیش آید که آیا باید خواند «آغاز و انجام جنبش و آرام» یا «آغاز و انجام، جنبش و آرام» و در هر صورت منظور چیست. ترجمه مبارک به هر دو سؤال پاسخ می‌دهد:

"He Who is both the Beginning and the End, He Who is both Stillness and Motion is now manifest before your eyes. Behold how, in this Day, the Beginning is reflected in the End, how out of Stillness Motion hath been engendered."^{۳۶}

در درجهٔ اوّل ترجمه نشان می‌دهد که قرائت درست «آغاز و انجام، جنبش و آرام» است. علاوه بر این اضافه کردن چند کلمه در ترجمه معنی اصل را صریح و واضح می‌نماید و نشان می‌دهد که کلمات «آغاز... انجام... جنبش... آرام» مفهوم تجریدی (abstract) ندارد بلکه اشاره به ظهور کَلَمِی الهی است چه که می‌فرمایند: "He who is..." و در واقع مقصود بیان ظهور جمال مبارک است. در جملهٔ بعد هم ترجمه معنی اصل را واضح تر می‌کند چه که «جنبش از آرام پدیدار» مفهوم نسبتاً کَلَمِی دارد در حالیکه "out of Stillness Motion hath been engendered" تصریح می‌نماید که جنبش از آرام بوجود آمده یا تولید شده است.

این مثال بیشتر نمایانگر اینست که ترجمه‌های مبارک چگونه مطالبی را توضیح می‌دهد و فهم آن را آسان تر می‌کند. مثال بعدی نشان دهندهٔ قُوّهٔ تبیین ترجمه‌هاست، قسمتی از کتاب اقدس که توسط حضرت ولیّ امرالله ترجمه شده چنین است: «قد اضطرب النّظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب بهذا البدیع الّذی ما شهدت عین الابداع شبهه»^{۳۷} قبل از اینکه هیکل مبارک این بیان را ترجمه فرمایند کسی بطور حتم نمی‌دانست که «هذا النظم الاعظم» اشاره به چیست یا منظور از «هذا البدیع» چه می‌باشد. ترجمهٔ مبارک همراه با توضیحاتشان در سایر توقیعات معنی این عبارات را تبیین می‌نماید، ترجمه چنین است:

"The world's equilibrium hath been upset through the vibrating influence of this most great, this new World Order. Mankind's ordered life hath been revolutionized through the agency of this unique, this wondrous System---the like of which mortal eyes have never witnessed."³⁸

می‌بینیم که ترجمهٔ کلمه به کلمه نیست و در ترجمه کلماتی وجود دارد که به نظر می‌آید به معنی اصل چیزی افزوده است. در حالیکه چنین نیست و حضرت ولیّ امرالله از خود چیزی نیافزوده‌اند بلکه مقصود و منظور جمال قدم را بیان نموده یعنی وظیفهٔ خود را به عنوان مبین آیات انجام داده‌اند. «قد اضطرب النّظم من هذا النظم الاعظم» اولاً کلمهٔ «نظم» دو نوع مختلف ترجمه شده: «نظم» اوّل را «world's equilibrium» و «نظم» دوّم را «new World Order» ترجمه فرموده‌اند. در توقیعات دیگری می‌فرمایند این نظم بدیع جهانی همان «نظم بهاءالله» است که حضرت اعلیٰ در بیان فارسی به آن اشاره می‌فرمایند و همچنین نظم اداری بهائی بمنزلهٔ «هستهٔ نظم بدیع الهی» و «الگوی کامل» آن به شمار می‌رود و اساس بنیان این نظم بدیع است که در آینده به مرحلهٔ بلوغ خواهد رسید.^{۳۹} در جملهٔ بعد «هذا البدیع» ترجمه شده «this unique, this wondrous System» و بنا بر این معلوم می‌شود که این سیستم جدید و بی‌مثل و نظیر نیز اشاره است به نظم بدیعی که مؤسّسش جمال مبارکند.

می‌بینیم که ترجمهٔ حضرت ولیّ امرالله از تنها یک بند از کتاب اقدس چه اهمّیتی برای فهم نظم جهانی

بهائی و در نتیجه درک هدف و آینده امر دارد. پس می توان قیاس کرد که ترجمه های مبارک از ده ها کتاب و لوح و دعا و مناجات حائز چه ارزش و اهمّیت غیر قابل احساسی است. در خاتمه اجازه بفرمایید قسمتی از مقدّمه بیت العدل اعظم بر ترجمه کتاب اقدس را بخوانیم. اگرچه در اینجا معهد اعلیٰ ترجمه حضرت ولیّ امرالله از آن کتاب عظیم الشان را توصیف می نمایند ولی وصفشان در مورد ترجمه های مبارک بطور کلی نیز صادق است:

«حضرت ولیّ امرالله در ترجمه آثار به این مسئله اساسی توجّه مخصوص فرمودند که در زبان انگلیسی اسلوبی را اتخاذ فرمایند که هم معنای بیانات مبارکه را دقیقاً برساند و هم در خواننده حالت توجّهی را بوجود آورد که معمولاً از تلاوت آیات اصلیّه حاصل می گردد... علاوه بر این، احاطه کامله ملهمه حضرت ولیّ امرالله در فهم معانی و مقاصد حقیقی نصوص مبارکه در ترجمه های حضرتش پرتو افکننده است.»^{۴۰}

آثار حضرت ولیّ امرالله به انگلیسی

تاریخ چاپ	ترجمه ها	توقیعات و کتاب
۱۹۲۳	● ادعیه جمال مبارک و حضرت عبدالبهاء ● اصل کلّ الخیر ● لوح دکتر فورل ● کلمات مکنونه	
۱۹۲۵		
۱۹۲۸		● نظم اداری بهائی (Bahá'í Administration)
۱۹۳۱	● کتاب ایقان	
۱۹۳۲	● تاریخ نبیل زرنندی	
۱۹۳۳	● الواحی خطاب به حضرت ورقه علیا	
۱۹۳۵	● منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله (Gleanings)	
۱۹۳۸	● ادعیه و مناجات (Prayers and Meditations)	● ظهور عدل الهی (Advent of Divine Justice) ● نظم جهانی بهائی (The World Order of Bahá'u'lláh)
۱۹۴۱	● لوح ابن ذئب	● قد ظهر یوم المیعاد (The Promised Day is Come)
۱۹۴۴		● کتاب قرن بدیع (God Passes By)

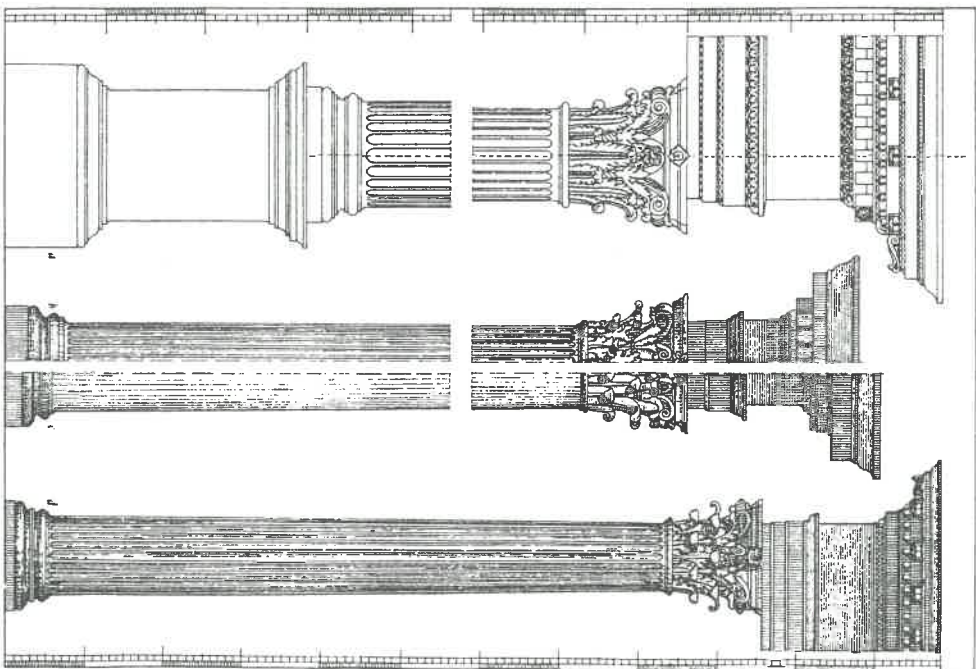
مآخذ

- حضرت بهاء الله، كتاب مستطاب اقدس، بيت العدل اعظم، حيفا، ۱۹۹۵.
- حضرت بهاء الله، مجموعة الواح مباركة حضرت بهاء الله، سعاد، قاهره، ۱۹۲۰.
- دكتور وحيد رأفتی، "مآخذ كتاب منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله"، عندليب، سال ۴، شماره ۱۳، سنه ۱۴۱ بدیع.
- امة البهاء روحیه خانم، گوهر یکتا، ترجمه ابوالقاسم فیضی، بدون نام ناشر، بدون تاریخ، ۵۰۴ صفحه.
- حضرت شوقی افندی، كتاب قرن بدیع، ترجمه نصرالله مودت، چاپ دوم، ۱۴۹ ب، ۱۹۹۲ م، مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی-کانادا، ۸۶۰ صفحه.
- حضرت شوقی افندی، نظم جهانی بهائی، ترجمه هوشمند فتح اعظم، مؤسسه معارف بهائی، دانداس-کانادا، ۱۹۸۹.
- Bahá'u'lláh, *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*, Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, 1935.
- Bahá'u'lláh, *The Hidden Words*, Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, 1985.
- Bahá'u'lláh, *Kitáb-i-Aqdas*, Universal House of Justice, Haifa, 1992.
- Nabil-i-A'zam, *The Dawn-Breakers: Nabil's Narrative of the Early Days of the Bahá'í Revelation*: trans.: Shoghi Effendi, Bahá'í Publishing Committee, New York, 1932.
- Shoghi Effendi, *Advent of Divine Justice*, Bahá'í Publishing Trust, New Delhi, 1968.
- Shoghi Effendi, *The Promised Day Is Come*, Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, 1980.

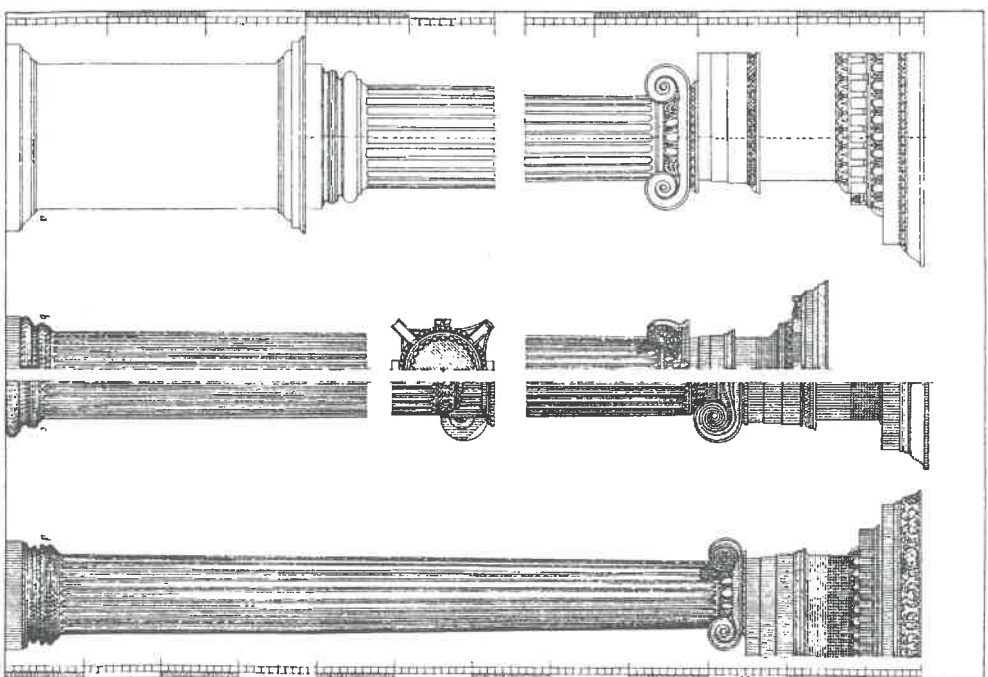
یادداشت‌ها

- ۱- امة البهاء روحیه خانم، گوهر یکتا، ترجمه ابوالقاسم فیضی، ص ۲۶۹.
- ۲- همان مآخذ، ص ۲۶۸.
- ۳- همان مآخذ، ص ۲۵۹.
- ۴- حضرت شوقی افندی، كتاب قرن بدیع، ترجمه نصرالله مودت، ص ۲۷.
- ۵- همان مآخذ، صص ۲۷-۲۸.
- ۶- همان مآخذ، ص ۷۸.
- ۷- همان مآخذ، ص ۳۲.

- ۸- همان مأخذ، ص ۴۶۰.
- ۹- حضرت شوقی افندی، نظم جهانی بهائی، ترجمه هوشمند فتح اعظم، مؤسسه معارف بهائی، کانادا، ۱۹۸۹، صص ۱۱۱-۱۱۲.
- ۱۰- همان مأخذ، ص ۱۶۴.
- ۱۱- در مورد شرح حال او رجوع کنید به: پیام بهائی، شماره اکتبر، ۱۹۹۹.
- ۱۲- نظم جهانی بهائی، ص ۹.
- ۱۳- همان مأخذ، ص ۱.
- ۱۴- جناب دیوید هافمن (David Hofman) در مقاله‌ای راجع به حضرت شوقی افندی می‌نویسد که بدون مطالعه عمیق این تویق، هیچ بهائی نمی‌تواند ادعا کند که از امر مبارک واقعاً مطلع است. (صفحه ۹۹ Vision).
- ۱۵- گوهر یکتا، ص ۶۱.
- ۱۶- همان مأخذ، ص ۶۱.
- ۱۷- ایضاً، ص ۲۷.
- ۱۸- همان مأخذ، ص ۲۴۶.
- ۱۹- عندلیب، شماره ۱۳، ص ۵۹.
- ۲۰- گوهر یکتا، ص ۲۳۶.
- ۲۱- نظم جهانی بهائی، صص ۱۲۴-۱۲۵.
- ۲۲- گوهر یکتا، ص ۲۳۷.
- ۲۳- گوهر یکتا، ص ۲۳۷.
- ۲۴- همان مأخذ، ص ۲۴۴.
- ۲۵- نظم جهانی بهائی، صص ۸۰-۸۲.
- ۲۶- گوهر یکتا، ص ۲۶۱.
- ۲۷- همان مأخذ، ص ۲۳۵.
- ۲۸- ایضاً، ص ۶۱.
- ۲۹- نظم جهانی بهائی، ص ۳۱.
- ۳۰- همان مأخذ، ص ۳۹.
- ۳۱- گوهر یکتا، ص ۲۳۷.
- ۳۲- همان مأخذ، ص ۲۴۵.
- ۳۳- حضرت بهاء الله، مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله، سعادت، قاهره، ۱۹۲۰، ص ۳۳۴.
- 34- Bahá'u'lláh, *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*, CLI.
- ۳۵- مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله، ص ۲۵۶.
- 36- *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*, LXXXV.
- ۳۷- حضرت بهاء الله، کتاب مستطاب اقدس، بیت العدل اعظم، حيفا، ۱۹۹۵، بند ۱۸۱.
- 38- Bahá'u'lláh, *Kitáb-i-Aqdas*, Universal House of Justice, Haifa, 1992, para.181.
- ۳۹- کتاب مستطاب اقدس، یادداشت ۱۸۹.
- ۴۰- همان مأخذ، ص ۲۰.



نظم کورنتین - یونان



نظم یونیک - یونان

نظری به توقیعات انگلیسی حضرت شوقی ربّانی و ترجمه‌های فارسی آنها

سیروس علائی

بخش اول: شرح توقیعات انگلیسی مبارک و ترجمه‌های فارسی آن

معارف بهائی بر اساس آثار حضرت بهاء‌الله و توضیحات و تبییناتی که از حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله باقی مانده، استوار است. منظور این مقاله بحث در این آثار و یا تقسیم‌بندی و فهرست کردن آنها نیست، بلکه در درجه‌اول اشاره به این حقیقت است که برای معرفت امر الهی چاره‌ای جز مراجعه به تمامی این آثار نیست، و نمی‌توان بخشی از آن را نادیده گرفت. معارف امر بهائی چون قانون اساسی و یا مدنی یک کشور نیست که در یک سند یا یک مجلد جای گیرد، و آن سند یا مجلد جامع و مانع تلقی شود، بلکه احاطه و اطلاع کامل به تمامی آثار مذکور است که جریان تکاملی و دقایق اصول و تعالیم امر بهائی را به درستی روشن می‌کند و معرفت نسبی این آئین را میسر می‌سازد.

آثار حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء به دو زبان فارسی و عربی است، ولی بخش قابل ملاحظه‌ای از آثار حضرت ولیّ امرالله به زبان انگلیسی است. بنا بر این ارائه امر بهائی به زبان فارسی کامل نخواهد بود، مگر آنکه ترجمه این آثار انگلیسی را نیز شامل باشد. انگلیسی برای فارسی‌زبانان با عربی

قابل مقایسه نیست، چه در مورد زبان عربی دست کم از نفوسی که با ادبیات فارسی آشنا هستند، می توان تا حدی توقع داشت که آن آثار را به درستی بخوانند و بفهمند، ولی در مورد زبان انگلیسی چنین توقعی بی جاست. به بیان دیگر، فارسی زبانانی که انگلیسی نمی دانند و یا خوب نمی دانند، برای تکمیل اطلاعات خود از امر بهائی راهی جز آن ندارند که به ترجمه فارسی این آثار مراجعه کنند. غریبان همواره دچار این مشکل بوده اند که اطلاعاتشان از امر الهی به توفیعات انگلیسی حضرت ولی امرالله و ترجمه های بعضی از آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالهء محدود بوده است. با آنکه این ترجمه ها روزافزون است، آثار این محدودیت گاه در بعضی نوشته های نویسندگان غربی از بهائی و غیر بهائی به چشم می خورد.

در این مقاله ابتدا به شرح مختصر آثار حضرت ولی امرالله به انگلیسی می پردازیم و نمونه های کوتاهی از مطالب آن به دست می دهیم و بویژه روشن می کنیم که کدام یک به فارسی ترجمه شده و کدام یک هنوز ترجمه نشده است. سپس ترجمه های مزبور را مورد بررسی قرار می دهیم.

آثار حضرت ولی امرالله گاه به صورت نامه های عمومی به جامعه بهائی در غرب و یا شرق، و گاه به صورت دستورالعمل هایی به محافل روحانی ملی و دیگر مؤسسات امری است. این توفیعات گاه مفصل و گاه مختصر است. گاه عمومی و گاه خاص کشور یا منطقه ای معین است. نامه ها و تلگرافات خصوصی زیادی به افراد نیز در دست است که بیشتر جنبه شخصی دارد، ولی گاه حاوی مطلبی عمومی است. تعداد نامه ها و تلگرافات مبارک را از مختصر و مفصل بیش از بیست و شش هزار (۲۶۰۰۰) تخمین زده اند که از جلوس هیکل مبارک در ژانویه ۱۹۲۲ تا صعود ایشان در نوامبر ۱۹۵۷، طی دورانی حدود سی و شش سال، صادر شده است. تنها یک اثر به صورت کتاب در دست است که در سال ۱۹۴۴ با مقدمه ای جداگانه تحت عنوان *God Passes By* (با نام کتاب قرن بدیع در ترجمه فارسی) انتشار یافته است. دیگر نامه های عمومی ایشان عنوان خاصی ندارد، ولی بعداً به بعضی از آنها با تصویب هیکل مبارک عنوان هایی داده اند، و یا بعضی از آنها را مفرداً و یا چند نامه با هم، به صورت کتابی با عنوانی خاص منتشر ساخته اند. بسیاری از نامه ها و تلگرافات خصوصی مبارک و بعضی توفیعات ملی و منطقه ای، شاید به ملاحظه آنکه مطلب عمومی در بر نداشته، هرگز منتشر نشده است.

این آثار به غیر از ترجمه های مبارک از فارسی و عربی به انگلیسی است که تحت عنوان های معین به صورت کتاب انتشار یافته است که مورد بحث ماینست، هر چند که به دو کتاب از این دسته نیز در این مقاله اشاره خواهد شد، یکی به ترجمه تاریخ نیل به انگلیسی که عنوان آن در ترجمه فارسی مطالع الانوار (*Dawn-Breakers*) است، و دیگر مجموعه ای از آثار حضرت بهاءالله که تحت عنوان منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله (*Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*) نشر شده است.

آثار عمومی و مهم مبارک که منتشر شده است به شرح زیر است:

۱- مجموعه ای که تحت عنوان "تشکیلات بهائی، منتخباتی از توفیعات حضرت شوقی ربانی"

(Bahá'í Administration, Selected Messages) از طرف مؤسسه نشر آثار امری در ویلمت امریکا، اوّل بار در سال ۱۹۲۸ و سپس به صورتی کامل تر در سال ۱۹۳۲ منتشر و چند بار تجدید چاپ شده است.^۱ آخرین نشری که بنده دیده‌ام چاپ ۱۹۹۵ است و شامل تعدادی از توقیعات مبارک خطاب به محفل روحانی ملّی امریکا است که در فاصله زمانی ۱۲ ژانویه ۱۹۲۲ (جلوس مبارک) تا ۱۷ جولای ۱۹۳۲ صادر گردیده و بر حسب تاریخ مرتّب شده است. این کتاب شامل مقدّمه‌ای به قلم جناب هوراس هولی منشی وقت محفل ملّی امریکا و ترجمه بخش مهمّی از الواح وصایا نیز می‌باشد. هوراس هولی در مقدّمه خود از جمله می‌نویسد:

«تشکیلات بهائی از آثار حضرت بهاء الله حاصل می‌شود. سهم حضرت عبدالبهاء تبیین و توضیح اصولی است که حضرت بهاء الله تأسیس فرموده‌اند. حضرت ولیّ امرالله این اصول را در جامعه‌های بهائی در تمام جهان به مرحله اجرا درآورده‌اند. این واقعیت را می‌توان از توقیعاتی که در این کتاب آمده است و از شرایطی که صدور توقیعات متعدّد و متوالی را موجب شده است، دریافت... ترتیب کتاب به تصویب حضرت ولیّ امرالله رسیده است.»

هرچند بخش عمده این مکاتیب مربوط به نظم اداری بهائی و تشکیلات و مؤسسات این نظم است، ولی کتاب مطالبی نیز در مورد اوضاع جهان و مسئولیت بهائیان در قبال آن، اذیت و آزار بهائیان ایران، بیت مبارک در بغداد، معلّمین امریکایی در ایران، روش دوگانه تبلیغ و بسیاری مسائل دیگر در بر دارد. با آنکه بعضی از این توقیعات از طریق ترجمه کتاب "نظامات بهائی" (Bahá'í Procedures) و یا ضمن بعضی مقاله‌های امری به فارسی برگردانده شده است، ولی ترجمه مستقیم و کاملی از این مجموعه مهمّ در دست نیست.

۲ - مجموعه مفصّل و مهمّی که به نام نظم جهانی بهائی (The World Order of Bahá'u'lláh) در دست است و شامل هفت توقیع عمومی و مفصّل حضرت شوقی ربّانی است که در فاصله زمانی ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۶ صادر شده است. این هفت توقیع را اوّل بار محفل روحانی ملّی امریکا در سال ۱۹۳۸ با مقدّمه‌ای به قلم جناب هوراس هولی منشی وقت محفل در یک مجلد منتشر ساخت و سپس چندین بار تجدید چاپ شد.^۲ هیچیک از این هفت توقیع در موقع صدور عنوان خاصی نداشت و فصل بندی نشده بود، ولی در موقع نشر برای هر توقیع عنوانی پیشنهاد شد که مورد قبول حضرت ولیّ امرالله قرار گرفت. ضمناً هر توقیع تا حدّی فصل بندی و به هر فصلی عنوانی موافق محتوای آن داده شد تا مراجعه به مطالب کتاب آسان باشد.

جزوه "تشکیلات بهائی" که قبلاً به آن اشاره شد، در درجه اوّل شامل دستورات عملی در مورد محافل روحانی محلّی و ملّی و انجمن‌های شور روحانی ملّی و ارتباطات داخلی نظم اداری بهائی است، در حالیکه این هفت توقیع دیدگاه امر بهائی را در ارتباط با تکامل اجتماعی بشر حاوی است. بنابراین اگر

جزوه قبلی بیشتر راهنمای اهل بهاء در تکوین نظم اداری بهائی و تأسیس مؤسسات مربوط به آن در کوتاه مدت است، این مجموعه راهنمایی برای عموم اهل عالم برای تأسیس مدنیته جهانی در دراز مدت است.

تا قبل از صدور این توقیعات بُعد اجتماعی و اقتصادی امر بهائی در غرب به درستی مفهوم نشده بود، چه در عالم مسیحیت هر چند اثر اخلاقی و روحانی دین در افراد روشن است، ولی تأثیر آن در مدنیته اجتماعی مورد گفتگو و گاه تردید است. این واقعیت که هدف غائی حضرت بهاء الله استقرار صلح اعظم و وحدت عالم انسانی و تأسیس مدنیته الهی در جهانست، و از حد تزکیه روح و هدایت روحانی و اخلاقی بر نفوس به صورت انفرادی، بسی فراتر می‌رود، برای بسیاری از بهائیان غربی در آن زمان به درستی روشن نبود. شاید به همین علت عنوان "نظم جهانی حضرت بهاء الله" برای هفت توقیع بالا انتخاب شد، تا نه تنها جالب نظر اهل بهاء بلکه عموم مردم دنیا و معرّف رسالت کامل امر بهائی باشد.

از دو توقیع ششم و هفتم این مجموعه قبلاً در ایران ترجمه‌هایی تهیه و منتشر شده بود، ولی ترجمه فارسی دیگر توقیعات این کتاب در دست نبود تا سال ۱۹۸۹- یعنی بعد از ۵۱ سال از اولین نشر انگلیسی- جناب هوشمند فتح اعظم که نثر فارسی را بسیار شیوا و رسا می‌نویسند قدم به پیش نهاد و ترجمه‌ای آزاد به صورت اقتباس از پنج توقیع اول، دوم، سوم، چهارم و هفتم تهیه نمود که از طرف "مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی در کانادا" در نوامبر ۱۹۸۹ تحت عنوان نظم جهانی بهائی انتشار یافت.^۳ مترجم در مقدمه خود یاد آور شده است که:

«معرفت امر بهائی و درک حقایق مکنونه در آئین حضرت بهاء الله بدون استعانت از آثار مبین منصوص حضرت شوفی افندی، ولی امرالله، چنانکه باید کامل نگردد، و دقایقش غالباً پوشیده ماند... پس از تأمل بسیار بر آن شدم که گرد ترجمه آن شاهکارها نگردم و فقط سعی کنم مفاد توقیعات مبارکه را به اندازه وسیع خود به زبانی که درخور فهم عموم باشد، به فارسی در آورم.»

مترجم عنوان‌هایی را که ناشر اصلی برای توقیعات پنجگانه قائل شده، حفظ کرده است، ولی از عنوان‌های ثانوی- سرفصل‌ها- صرف نظر نموده و فقط در حاشیه، بدون آنکه الزامی در متابعت عنوان‌های انگلیسی در میان باشد، عباراتی ثبت کرده است تا یافتن مطالب هر توقیع برای خواننده آسان‌تر باشد. در مواردی که به تشخیص مترجم، مطلب به زمان و مکان معینی مربوط بوده و جنبه عمومی نداشته، از ترجمه آن صرف نظر شده، و این موارد با علامت چند نقطه مشخص گردیده است. در این کتاب سی و پنج فقره اصل الواح عربی حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء نقل شده، و مضمون فارسی آن الواح در آخر کتاب آمده است. تنها در چند مورد که اصل لوح به دست نیامده، از انگلیسی ترجمه شده است.

* * *

این توقیعات عبارتند از:

اول - توقیع ۲۷ فوریه ۱۹۲۹ خطاب به محفل ملی امریکا و کانادا که بعداً به آن عنوان نظم جهانی بهائی (*The World Order of Bahá'u'lláh*) داده شده است. این توقیع در اصل انگلیسی ۱۰ صفحه است. حضرت ولیّ امرالله در این توقیع می‌فرماید: «از قرار معلوم شخصی بی‌خبر از حقایق امر الهی، دربارهٔ اصالت مؤسسات و تشکیلات بهائی که از هیکل امرالله جدا شدنی نیست، شک و تردید کرده...» سپس می‌فرماید: «... این فرصت خدادادی است که توضیحاتی برای تحکیم مبانی ایمان و بسط نظر و ازدیاد فهم و درک اصول این آئین الهی بیان کنم.» بعد در اهمّیت الواح وصایا می‌فرماید: «الواح وصایا توأم با کتاب اقدس به منزلهٔ گنجینهٔ گرانبھائی است که عناصر بی‌نظیر مدنیّت الهی را که تأسیس مقصد اصلی دیانت بهائی است، در بر دارد.» در توضیح سرچشمهٔ نظم جهانی بهائی در این توقیع تأکید شده است که: «نظم اداری بهائی بدعتی نیست که بعد از صعود حضرت عبدالبهاء بر عالم بهائی تحمیل شده باشد... پس اگر کسی اصول اداری بهائی را از اصول روحانی و انسانی جدا سازد، ضربتی قاطع بر هیکل امر الهی وارد ساخته...» در این توقیع در مورد نظم جهانی بهائی و از جمله بیت العدل اعظم و مؤسسه ولایت امرالله و محافل روحانی و ارتباط این مؤسسات با یکدیگر و وظائف آتی آنان، مطالب مفصّلی بیان شده است. از جمله آنکه حکم بیت العدل محلی و بیت العدل عمومی در کتاب اقدس و الواح جمال مبارک آمده است، و حضرت عبدالبهاء با به وجود آوردن بیت عدل خصوصی (محفل ملی) این دو حلقه را به یکدیگر پیوسته‌اند.

دوم - توقیع ۲۱ مارچ ۱۹۳۰ (نوروز) خطاب به عموم بهائیان غربی که بعداً به آن عنوان "ملاحظات بیشتر دربارهٔ نظم جهان آرای الهی" (*The World Order of Bahá'u'lláh, Further Considerations*) داده شده است.

این توقیع در اصل انگلیسی ۱۲ صفحه است. این اثر نیز در درجهٔ اول جوابگوی: «شبهات و توهمات معدودی است دربارهٔ اصالت مؤسسات امرالله که از آئین حضرت بهاءالله جدا شدنی نیست. این توهمات را، نجواکنان، نفوسی که یا از اصول ظهور حضرت بهاءالله بی‌خبرند، و یا مقصدشان کشت تخم نفاق در قلوب مؤمنان است، به گوش دیگران می‌رسانند.»

در این توقیع حضرت ولیّ امرالله به بیان خواص و صفات ممیّزهٔ نظم جهانی حضرت بهاءالله پرداخته و آرزو کرده‌اند که: «اهل بهاء از عظمت و صف ناشدنی آئین مقدّس خویش آگاه گردند، و از مسئولیت عظیمی که در قبال رسالت خویش دارند، باخبر باشند، و بر وسعت بی‌کران خدماتی که در پیش دارند واقف شوند.» سپس، از هجوم ملل و اقوامی که با امر مقدّس الهی مقابله خواهند کرد، خبر داده‌اند، و این بیان حضرت عبدالبهاء را نقل فرموده‌اند که: «امر عظیم است عظیم، و مقاومت و مهاجمهٔ جمیع ملل و امم شدید است شدید.» تفاوت بین امر بهائی و دیگر سازمان‌های دینی را مشخص فرموده‌اند:

«اصول تشکیلاتی آئین حضرت بهاءالله خداداد است، در حالی که بنیانی که آباء کلیسا بعد از وفات حواریّ اوّل بنا نمودند، ابدأً مبتنی بر دستور صریح حضرت مسیح نبود. از این جهت نسل‌های بعد زبان به اعتراض گشودند که آباء کلیسا اختیارات و امتیازاتی را برای خود تعیین نموده‌اند که هیچیک از نصّ صریح انجیل بر نیامده، بالعکس مخالف جوهر و روح آن کتاب بوده است، و در اسلام نیز هیچ نوشته، سند مکتوب یا دستور قاطعی که در مورد جانشینی راهنمای پیروان و مروّجان امر حضرت محمّد باشد، در دست نیست. همچنین باید دانست که نظام امر بهائی به نحوی ساخته و پرداخته شده که قادر است به موجب تدابیری که حضرت بهاءالله بنفسه تعبیه فرموده‌اند، هرچه را که سبب ترقّی و تقدّم است و امر بهائی را در صف اوّل نهضت‌های مترقّی نگاه می‌دارد، در خود جذب نماید و آنها را جزئی از هیکل امرالله سازد.»

سوّم - توفیق ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ که بعداً عنوان "هدف نظم جهانی بهائی" (*The Goal of a New World Order*) گرفت و خطاب به عموم اهل بهاست. این توفیق در اصل انگلیسی ۲۰ صفحه است. در این توفیق حضرت ولیّ امرالله می‌فرماید:

«سیر جبری و سرسخت حوادث اخیر، عالم بشریت را به سوی هدفی می‌راند که حضرت بهاءالله از قبل تعیین و پیش‌بینی فرموده‌اند. حضرت عبدالبهاء می‌فرمود که از زبان خاصّ و عامّ کلام صلح و سلام جاری است، ولی در قلوبشان آتش ضغینه و بغضاء مشتعل. چه بسیار می‌شنیدیم که با صدائی رسا می‌فرمود که این سندی [معاهده صلح و رسای] که بی‌چون و چرا آن را منشور آزادی بشریت توصیف می‌کنند، در درون خود تخم نفاقی دارد که دوباره عالم را به زنجیر اسارت خواهد کشید... بالکان آرام نگیرد، از اوّل بدتر شود، دول مقهوره آرام نگیرند، به هر وسیله‌ای تشبّث نمایند که آتش جنگ دوباره شعله زند، حرکت‌های تازه عمومی تمام قوت را در تنفیذ مقاصد خویش مجری خواهند نمود. حرکت شمالیه خیلی اهمّیت خواهد یافت و سرایت خواهد کرد.»

سپس به اوضاع آشفته عالم و بویژه ممالک مترقّی اروپا و امریکا و حتّی استرالیا اشاره می‌فرماید و می‌پرسند: «آیا ممکن نیست که ورشکستگی تمدّن مادی و خودستای کنونی سبب شود علف‌های هرزه‌ای که مانع شکفتن امر الهی است، وجین گردد؟» علّت اصلی مشکلات زمان را ناشی از زمامداری می‌دانند که:

«سرنوشت افراد و ملل را در قبضه خود دارند و نتوانسته‌اند سیستم‌های اقتصادی و دستگاه‌های سیاسی خویش را با حوائج و نیازمندی‌های این عصر سریع الانتقال هماهنگ و مطابق سازند... رهبران مؤسّسات بشری به کلی از روح این عصر غافلند و تمام سعی و کوشش ایشان در آن است که اداره امور ملل را با موازینی اجرا نمایند که متعلّق به زمان‌های پیشین بوده است...»

بعد به شرح هفت شمع وحدت که در یکی از الواح حضرت عبدالبهاء مذکور است، می پردازند و نظر امر بهائی را در مورد حکومت جهانی که متکی بر اصل وحدت در کثرت است، توصیف و تشریح می فرمایند. هدف غائی: «وحدت عالم انسانی است که اساس سلطنت روحانی عمومی حضرت بهاء الله است.»

چهارم - توفیق ۲۱ مارچ ۱۹۳۲ خطاب به بهائیان امریکا و کانادا که بعداً "عصر ذهبی امر بهائی" نامیده شده است (*The Golden Age of the Cause of Bahá'u'lláh*). این توفیق در اصل انگلیسی ۱۸ صفحه است.

در این توفیق با اشاره به شکوفایی امر الهی در امریکا می فرمایند: «حال آن یاران در این دوره پرزحمت در تاریخ خود مترصد تحقق اهداف نقشه‌ای هستند که بالمآل به عصر ذهبی منجر خواهد شد.» و در جای دیگر می فرمایند:

«قوای مکنونه در جامعه بهائی رانمی توان با مقدار منابع مادّیش و یا با تعداد کنونی پیروانش سنجید... بلکه فقط و فقط طهارت و صفای تعالیمش و علو موازینش و اصالت احکامش و اعتدال دعاویش و جامعیت نطقش و انعطاف پذیری تشکیلاتش و حیات بانیاش و جلادت شهیدانش و قوه نافذة خلاقه‌اش یگانه محکی است که با آن هر محقق منصفی می تواند رموز و فضیلت این امر اعظم را کشف نماید.»

آنگاه به تدنی عالم و جهات امتیاز امر الهی از ادیان پیشین و اصل کلی حقایق ادیان و لزوم ظهور جدید و مقام حضرت باب به تفصیل اشاره می فرمایند و سیاست الهی را توضیح می دهند و تأکید می کنند که:

«باید به جمیع اعلان نمایند که بهائیان در هر مملکتی که ساکن باشند، هر قدر که تشکیلاتشان تقدّم یافته باشد و هر چند که به جان مشتاق اجرای احکام و ترویج اصول و مبادی دیانت حضرت بهاء الله باشند، باز بی درنگ شرط اجرای احکام و ترویج اصول مذکور را در این می دانند که موافق قوانین دول متبوعشان باشد. یعنی جد و جهدشان در اكمال امور تشکیلاتی دیانتشان موقوف به این نیست که بخواهند به نحوی از انحاء قانون مملکت خویش را نقض نمایند، تا چه رسد به این که بخواهند تشکیلات خود را بالاتر از تشکیلات حکومت متبوعشان قلمداد کنند.»

پنجم - توفیق ۲۱ آوریل ۱۹۳۳ خطاب به بهائیان امریکا و کانادا که بعداً عنوان "امریکا و صلح اعظم" (*America and the Most Great Peace*) را یافته است. این توفیق در اصل انگلیسی ۲۴ صفحه است. ترجمه نظم جهانی بهائی این توفیق را در بر ندارد، و ترجمه دیگری به فارسی از این توفیق بدست نیامد. حضرت ولی امر الله در این توفیق به مناسبت چهلمین سال استقرار امر الهی در کشور امریکا، به اقدامات جامعه بهائی آن مملکت اشاره می فرمایند که با عده قلیل و تجربه مختصر، صرفاً به اتکای عقل

و اراده و وفاداری مطلق به اصول و نظامات بهائی، موثق شده است امتحانات مشکلی را پشت سرگذارد و پیشاپیش دیگر جامعه‌های بهائی در شرق و غرب، حرکت کند، و وصول عصر ذهبی بهائی را تسریع نماید.

سپس به بیانات حضرت عبدالبهاء در اهمیت کشور امریکا و سفرهای آن حضرت به ممالک متحده و کانادا و فرامین تبلیغی مبارک اشاره می‌فرماید که از جمله اظهار امیدواری نموده‌اند که ملت امریکا اولین ملتی باشد که پایه‌های توافق بین‌المللی را تأسیس کند و وحدت عالم انسانی و صلح عمومی را میسر سازد. آنگاه تاریخ پیشرفت امر را در قاره امریکا در آن چهل سال به اختصار بیان و اقدامات مهم آتی جامعه‌های بهائی را در امریکا مذکور و اثرات جهانی آن را تأکید می‌دارند. مطالب بسیار دیگری نیز در این توفیق آمده است که بیشتر مختص جامعه بهائی امریکا و کانادا است، و شاید به همین دلیل تاکنون کسی در صدد ترجمه کامل این توفیق به فارسی برنیامده است.

ششم - توفیق مورخ ۸ فوریه ۱۹۳۸ به عموم بهائیان غربی. این توفیق از مهم‌ترین و مفصل‌ترین آثار حضرت ولی امرالله است که به فارسی دور بهائی و به انگلیسی *The Dispensation of Bahá'u'lláh* (رسالت حضرت بهاءالله) نامیده شده است. این توفیق در مجموعه انگلیسی ۶۱ صفحه است. چاپ‌های جداگانه‌ای نیز از این اثر در دست است. از جمله محفل ملی انگلستان در سال ۱۹۴۷ آن را به قطع کوچک منتشر و در سال ۱۹۸۱ تجدید چاپ کرده است.^۴

ترجمه این توفیق در مجموعه نظم جهانی بهائی اقتباس جناب فتح اعظم نیامده است، شاید به این علت که قبلاً جداگانه تحت عنوان دور بهائی بوسیله لجنه ملی نشر آثار امری ایران ترجمه شده و نخست در سال ۱۹۵۵ در طهران و سپس در سال ۱۹۵۸ در هند^۵ و بالاخره در سال ۱۹۸۸ در آلمان به چاپ رسیده است.^۶ نام مترجم یا مترجمین معلوم نیست، ولی نواقص قابل ملاحظه‌ای در این ترجمه به چشم می‌خورد که بعداً به یکی از آنها اشاره خواهد شد.

از آنجا که عموم احبای ایران با این اثر مهم آشنایی دارند، نیازی به شرح محتوای توفیق نیست. تنها برای هماهنگی محتوای این مقاله، همین قدر ذکر می‌شود که این توفیق دارای چهار فصل اصلی است. فصل اول به حضرت بهاءالله، فصل دوم به حضرت باب و فصل سوم به حضرت عبدالبهاء اختصاص دارد. در این سه فصل مقام و رسالت سه هیکل قدسی امر بهائی به دقت و صراحت بر اساس نصوص مبارک بیان و مشخص شده و بویژه مسئله الوهیت و مظهریت به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. فصل چهارم به "نظم اداری" مربوط است و حاوی شرح جامعی در مورد دو مؤسسه ولایت امرالله و بیت العدل اعظم، دو ستون اصلی نظم بدیع جهان آرای الهی است. بطور کلی می‌توان گفت که اصول دینی (تئولوژیکی) امر بهائی یکجا در این اثر عظیم آمده است، و بنا بر این باید آن را نه تنها از مهم‌ترین آثار حضرت ولی امرالله، بلکه از مهم‌ترین آثار امر بهائی شمرد.

هفتم - توفیق ۱۱ مارچ ۱۹۳۶ به عموم بهائیان غرب، که به آن عنوان تولد مدیته جهانی (*The*

Unfoldment of World Civilization (ظهور مدنیت جهانی) داده شده است و در اصل انگلیسی ۴۶ صفحه دارد. ترجمه این توفیق در اقتباس جناب فتح اعظم و جداگانه نیز تحت عنوان جلوه مدنیت جهانی بوسیله آقای جمشید فنائیان به فارسی برگردان شده و در هندوستان در سال ۱۹۸۶ انتشار یافته است.^۷ این توفیق نسبتاً مفصل سراسر در مورد نظم جهانی حضرت بهاءالله و رشد تدریجی و سیر تکاملی این نظم است. می فرمایند:

«... این نظم بدیع جهانی... مقصدی جز ایجاد اتحاد کامل نوع انسان ندارد... هر سازمانی که بخواهد با موازینی کمتر از آنچه در آئین بهائی نازل شده، به کار پردازد، یا با نمونه‌هایی به پیش رود که بر آثار حضرت بهاءالله انطباق نداشته باشد، به جایی نمی‌رسد، و فقط حدّ اکثر می‌تواند به "صلح اصغر" دست یابد... اما صلح اعظم به نحوی که حضرت بهاءالله مقرر فرموده، صلحی است که عملاً باید متعاقب زمانی تحقق یابد که جنبه‌های روحانی و معنوی بر جهان غلبه یافته باشد...»

آنگاه به "بلوغ عالم انسانی" و پیدایش "یک جامعه جهانی" اشاره نموده، می فرمایند:

«... آغاز دوران بلوغ ملت آمریکا وقتی بود که مردمش عواطف ملی جدیدی یافتند و نوعی تمدن تازه بوجود آوردند که بی‌نهایت غنی‌تر و والاتر از آن بود که هر یک از ایالات متحده به تنهایی می‌توانستند به تحققش امیدوار باشند... می‌توان گفت که ملت آمریکا هنوز به اوج سرنوشت خویش نرسیده است، سرنوشتی که به موجب آن باید عناصر سازنده واحد بزرگتری باشد که جمیع نوع انسان را در برگیرد...»

سپس با اشاره به سیر تکاملی ادیان الهی می فرمایند: «اهل بهاء معتقدند که ظهور حضرت بهاءالله به منزله غایت کمال و اعلی مرتبه این تکامل عظیم در حیات اجتماعی بشری است...» بعد به عصر تحوّل و دوره تغییر و تبدیل عمومی در جمیع شؤون حیات انسانی و سقوط سازمان‌های عتیقه از اسلامی و مسیحی و علائم انحطاط معنوی در عالم و شکست بنیان سیاست و اقتصاد اشاره نموده، می فرمایند: «اصل امنیت جمعی که مقصد مرکزی کوشش‌های جامعه ملل است، از این نظر قابل توجه است که از مرحله قول فراتر رفته و در مواردی به مرحله اقدام رسیده است.» آنگاه نقش عظیم نظم جهانی حضرت بهاءالله را متذکر شده، توضیح می‌دهند که:

«این عامل شفافبخش یزدانی، این نیروی نافذ الهی که در غایت نشاط و تأثیر است، به تدریج شکل می‌پذیرد و در کالبد مؤسساتش متبلور می‌شود و نیروهایش را بسیج می‌کند و برای غلبه روحانی جهان و نجات عالم انسان آماده می‌شود، و هرچند جامعه‌ای که آمالش را تجسم داده اینک بسی کوچک است و فواید مستقیم و محسوسش قلیل، اما قوای مکنونه‌اش که برای احیای بشر و تعمیر

جهان شکسته خلق شده، آنچنان عظیم است که در حساب نیامده.»

بعد به شرح توفیقات آئین بهائی در سراسر عالم از ایسلند تا تاسمانیا، از ونکوور تا دریای چین پرداخته، می‌فرمایند: «این نظام جهان مدار و این برادری و اخوت عالم آرا پرتوش را گسترده و در قلوب هر مرد و زنی که در ظلش آمده‌اند، نور ایمان و نور امیدی و نیروی جدیدی دمیده که نسل غافل امروز، افسوس، از ادراکش محروم است.» هدف وحدت عالم انسانی، و طرح امر بهائی برای حصول این هدف به تفصیل در آخر این توفیق مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۳- دیگر از آثار مهم حضرت ولی امرالله توفیقی است مفصل که در ۲۸ مارچ ۱۹۴۱ خطاب به عموم بهائیان عالم صادر شده است و عنوانش "روز موعود فرارسیده است" (*The Promised Day Is Come*) می‌باشد. این توفیق در همان سال صدور بوسیله محفل ملی امریکا منتشر و بعد مکرر تجدید چاپ شده است. چایی که در اختیار بنده است، نسخه تجدیدنظر شده سال ۱۹۸۰ است که شامل مقدمه و فهرست اعلام نیز می‌باشد و ۱۳۷ صفحه دارد.^۸

ترجمه‌ای از این توفیق دیده‌ام که نشان می‌دهد به سرعت و بدون مقدمه و فهرست، شاید برای استفاده موقت، با ماشین استنسیل در طهران تکثیر شده است. عنوان آن قد ظهر یوم المیعاد است و ۷۸ صفحه دارد.^۹ شاید نشر زیباتر، تمیزتر و کامل‌تری از این ترجمه موجود باشد که بنده از آن بی‌خبرم. نام مترجم معلوم نیست، آنچه معلوم است این است که مترجم با زبان عربی آشنایی داشته و بر این تصور بوده است که عموم فارسی‌زبانان می‌توانند و یا باید اصل عربی الواح مفصلی را که حضرت ولی امرالله در این توفیق آورده‌اند، بفهمند. بر اساس این تصور، بر خلاف روش جناب فتح اعظم که مضمون فارسی الواح عربی را در آخر کتاب نظم جهانی بهائی آورده، مترجم این توفیق به ذکر اصل عربی الواح اکتفا کرده است.

این توفیق مهیمن در بحبوحه جنگ دوم جهانی صادر و با این جمله آغاز شده است: «اکنون طوفانی که در شدت بی‌سابقه و در جریان فوق تصور و در اثرات فعلی دهشت آور و از حیث نتایج پرمجد و عظمت می‌باشد، بر سطح کره خاک به وزیدن آمده...»

حضرت ولی امرالله در این اثر به نقل اندازات جمال مبارک می‌پردازند: «بگو ای اهل عالم به راستی بدانید که بلای ناگهانی شما را در پی است و عقاب عظیمی از عقب...» «...ای قوم در انتظار عدل الهی قیام کنید، زیرا اکنون روز موعود فرا رسیده است.» (ترجمه از انگلیسی)

حضرت ولی امرالله مستقبل درخشان عالم را نیز هم‌زمان در این توفیق بشارت می‌دهند: «حال ارض حامله مشهود، زود است که اثمار منیعه و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعمای جنبیه مشاهده شود...» سپس تحت سرفصل «چگونه ندای حضرتش را اجابت کردند» مناظر برجسته‌ای از تاریخ متلاطم امر الهی را تصویر و دنیای مُعرض از حق را توصیف می‌فرمایند. تحت سرفصل «مخاطبین پیام الهی» متذکر

می شوند که:

«نباید فراموش کرد که سلاطین ارض و رؤسای ادیان مقدّم بر جمیع طبقات دیگر بطور مستقیم مخاطب بیانات حضرت باب و حضرت بهاءالله واقع شده‌اند... و شگفتی ندارد اگر کسی که سلطان سلاطین و قائم مقام نفس خداوند است، وقتی متروک و موهون و مظلوم واقع شود این پیشگویی تحقیرآمیز را بفرمایند که از دو طایفه عزّت برداشته شد، امرا و علما.»

شرح الواح ملوک و بخت برگشتگی و ذلّت سلاطین بخش مهمی از این توقیع را تشکیل می‌دهد که در ترجمه فارسی قسمت عمده آن به زبان اصلی یعنی عربی آمده است. تحت عنوان «شناختن مقام سلطنت» می‌فرمایند:

«نباید منظور حضرت بهاءالله سوء تعبیر شده، ندانسته تفسیر گردد. زیرا هرچند که عتاب آن حضرت نسبت به سلاطینی که به او زجر و آزار رساندند، شدید بوده... ولی در عین حال تعالیم آن حضرت به هیچ وجه شامل اصولی نیست که مدلّ بر طرد و یا حتّی بطور ایما و اشاره مشعر بر اهانّت نسبت به مقام سلطنت باشد.»

«ویرانی مبادی دینی» چه در دنیای اسلامی و چه در عالم مسیحی و عواقب آن، بخش مفصل دیگری از این توقیع منبع است. در خاتمه نتیجه گیری می‌فرمایند که:

«بلاى جهانگیری که نوع بشر را فرا گرفته در مرحله اول نزول قضای الهی برای مردم غافل روی زمین است... و مسئولیت مستقیم و هولناک و حتمی به عهده آن سلاطین ارض و رؤسای دینی جهان است که در زمان حضرت باب و حضرت بهاءالله زمام امور سیاسی و مذهبی را در حیطة خود داشتند، و به ستایش خدایان سه گانه دروغین یعنی ملّیت و جنسیت و مرام اشتراکی پرداختند، پایه حکومت ملی را به مقام الوهیت رساندند، نژادهای دیگر دنیا را تابع نژاد واحد قرار دادند و به ضعف ارکان دیانت دامن زدند.»

اما خداوند جز این منظوری ندارد که: «این جنگ‌های بی ثمر و نزاع‌های مهلکه منقضی شود و صلح اعظم تحقق یابد... نزاع و جدال و سفک دماء منتهی شود و جمیع بشر یک خانواده گردد.» سپس به اختصار نظم جهان آرای الهی را برای اداره عالم توضیح می‌دهند.

۴- قرن بدیع (God Passes By) عنوان اثر مهمی است از حضرت شوقی ربّانی که نسبتاً مفصل و در درجه اول حاوی تاریخ سده اول امر بهائی است (۱۸۴۴ تا ۱۹۴۴). از آنجا که ترجمه عنوان کتاب به فارسی آسان نبوده، مترجم عنوان قرن بدیع را برای این اثر برگزیده است که با عنوان انگلیسی نمی‌خواند. این اثر که به صورت کتابی جامع و کامل مرقوم شده است، با مقدمه‌ای از جرج تانزند، پیشگفتار و

فهرست بوسیله مؤسسه نشر آثار امری امریکا، اول بار در سال ۱۹۴۴ منتشر و سپس در سال ۱۹۷۱ تجدید چاپ شده است. نسخه‌ای که در اختیار نگارنده است دوّمین چاپ نشر جدیدی از کتاب است که نشر اول آن در سال ۱۹۷۴ منتشر شده است. چاپ دوّم در سال ۱۹۷۹ ارائه شده و دارای ۴۳۶ صفحه است.^۱

این کتاب اثری است تحقیقی و مطالب آن به چهار دوره "حضرت باب"، "حضرت بهاء‌الله"، "حضرت عبدالبهاء" و "عصر تکوین" تقسیم و در بیست و پنج فصل تنظیم شده است. باید توجه داشت که در اکثر موارد در این کتاب دیدگاه رسمی امر بهائی منعکس است. مطالب کتاب شامل معرفی اصول و تعالیم و نیز مؤسسات اداری امر بهائی به استناد آثار و الواح الهی، و هم‌زمان حاوی شرح سیر تکاملی این مؤسسات در سده اول امر بهائی به استناد مدارک تاریخی است و بنا بر این نمی‌توان و نباید این کتاب را اثری صرفاً تاریخی و حتی تاریخ تحلیلی امر بهائی دانست. شاید بعضی آن را تفصیل و توضیح اثر قبلی مبارک دور بهائی تصوّر کنند ولی این مقایسه نیز صحیح به نظر نمی‌رسد چه این دو اثر ضمن آنکه مطالب مشترکی دارند هریک دارای مطالبی نیز می‌باشند که در اثر دیگر موجود نیست. در مقدمه کتاب آمده است:

«مقصد و مرام از تدوین این کتاب آن نیست که تاریخ یکصد ساله دیانت بهائی به تفصیل بیان گردد و یا اصل و مبدا این نهضت رحمانی تشریح شود و یا اوضاع و احوالی که هنگام طلوع شمس حقیقت موجود بوده به رشته تحریر درآید و یا چگونگی مذهبی که آئین الهی در بین آن طالع گردیده مورد بحث قرار گیرد و یا اثرات و انعکاسات این ظهور اعظم و تأثیراتش در عالم وجود توضیح شود، زیرا نه موقع چنین اقتضا نماید و نه فرصت چنین رخصتی دهد، بلکه منظور آن است که اصول وقایع و امهات حوادثی که با سطوع و انتشار این امر اتمّ افخم مقترن و مصادف بوده، ذکر شود، و مراحل اولیّه استقرار مؤسسات اداری امرالله، هسته مرکزی و مبشر نظم بدیع الهی که خود معرف روح و مجری قوانین و برآورنده مقصود و هدف شریعت الهی در این یوم عظیم محسوبست، مورد مطالعه و دقت قرار گیرد.»

شرح مطالب این کتاب، حتی ذکر عنوان فصل‌های بیست و پنجگانه آن خارج از حوصله این مقاله است. فقط برای نمونه به بخشی که در معرفی کتاب مستطاب اقدس آمده است، اشاره می‌شود.

«نزول کتاب اقدس را از جبروت مقدّس الهی خداوند منان در کتاب ایقان اشاره فرموده و آن را مهیمن بر جمیع صحف و کتب الهیه شمرده است. این سفر بدیع مخزن احکام و شریعت ربّانیه است که اشعیای نبی بدان بشارت داده و حضرت یوحنا در مکاشفات خویش به "سما جدیده" و "ارض جدیده" و "هیکل ربّ" و "مدینه مقدّسه" و "عروس" و "اورشلیم جدید النازل من السماء" تشبیه نموده است. این کتاب مقدّس که حدود و احکامش مدت یک هزار سال ثابت و لن یتغیّر ماند، و نفوذ و

سطوتش اهل ارض را احاطه خواهد نمود، اعلیٰ و اجلی ثمره اسم اعظم و امّ الکتاب دور اعتراف اقدس ابهی و منشور نظم بدیع استنی در این قرن امنع افخم محسوب است...»

این اثر مهمّ بوسیله جناب نصرالله مودّت تحت عنوان کتاب قرن بدیع به فارسی ترجمه و نشر اول آن بوسیله لجنة ملی نشر آثار امری ایران در ۴ مجلد عرضه شده است. نشر دوّم با تجدیدنظر و اضافه کردن فهرست‌های مختلف و بعضی توضیحات بوسیله "مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی-کانادا"، تمیز و زیبا، در یک مجلد قطور ۸۶۰ صفحه‌ای در سال ۱۹۹۲ به چاپ رسیده است.^{۱۱}

نفوسی که اصل انگلیسی و ترجمه فارسی این کتاب را به دقت مطالعه و با هم مقایسه کرده‌اند، دریافته‌اند که گاه بین اصل و ترجمه تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که بعداً به اختصار به آن اشاره خواهد شد.

۵- قبلاً به مجموعه توقیعات و تلگرافات مبارک به محفل ملی امریکا-کانادا در فاصله زمانی ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۲ که تحت عنوان "تشکیلات بهائی" جمع‌آوری و طبع شده است، اشاره شد. اینک به معرفی دو جلد بعدی این مجموعه می‌پردازیم.

توقیعات مبارک در فاصله زمانی ۱۹۳۲ تا ۱۹۴۶ خطاب به محفل ملی امریکا صادر شده، در مجموعه‌ای تحت عنوان "پیام‌هایی به امریکا" (*Messages to America*) در سال ۱۹۴۷ از طرف محفل ملی امریکا انتشار یافته است^{۱۲} که باید آن را جلد دوّم مجموعه عمومی توقیعات امریکا به شمار آورد. با وجود کوششی که شد، نسخه‌ای از این مجموعه بدست نیامد، و به نظر نمی‌رسد که این کتاب به فارسی ترجمه شده باشد. بنا بر این محتوای آن بر بنده معلوم نیست؛ همین قدر می‌توان گفت که این مجموعه شامل توقیعات کوتاه و تلگرافات مبارک است که بیشتر مربوط به مسائل امری در امریکاست.

۶- جلد سوّم این توقیعات مربوط به فاصله زمانی ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۷ است که در کتابی تحت عنوان "قلعه ایمان" (*Citadel of Faith*) در سال ۱۹۶۵ از طرف محفل ملی امریکا به طبع رسیده است.^{۱۳} این مجموعه تحت عنوان حصن حصین شریعت‌الله بوسیله جناب فؤاد اشرف به فارسی برگردان و از طرف مؤسسه ملی نشر آثار امری در آلمان در سال ۱۹۹۷ در ۲۶۷ صفحه به چاپ رسیده است.^{۱۴}

این مجموعه شامل ۱۳۱ توقیع است که بیشتر کوتاه و گاه مفصل است. طولانی‌ترین این توقیعات ۴۲ صفحه است. این نامه‌ها مربوط به دوره‌ای است که نظم اداری بهائی در ظلّ هدایت حضرت ولیّ امرالله استقرار یافته، و نقشه هفت‌ساله دوّم امریکا خاتمه پذیرفته و نقشه ده‌ساله جهانی ابلاغ شده و در جریان اجرا بوده است. بنا بر این از طرفی شامل پیام‌های هیکل مبارک برای راهنمایی جامعه بهائی امریکا و عموم اجنّه در کارهای اجرایی این دو نقشه است و از طرف دیگر حاوی اخبار و بشارات پیشرفت‌های حاصله در وصول به اهداف مورد نظر.

در این کتاب برای هر توقیع عنوانی در نظر گرفته شده است که در اصل وجود ندارد، و بنا بر این نباید

این عنوان‌ها را قطعی و یا جزئی از توقعات به شمار آورد، بویژه که این کتاب بعد از صعود مبارک انتشار یافته و به نظر ایشان نرسیده است.

هرچند محتوای کتاب بیشتر مربوط به جامعه بهائی امریکاست، ولی در بسیاری از موارد جنبه عمومی دارد و مطالب مهمی را در مورد نظم اداری و نظم بدیع الهی، حاوی است. از جمله (صفحه ۸ ترجمه) می‌فرمایند:

«در این عصر تکوین امرالله، در طی عهد کنونی [عهد دوم] و عهد آینده آن، انتخاب بیت العدل اعظم الهی، آخرین و اعظم مرحله از مراحل تشیید اساس نظم اداری، انجام شود، و احکام کتاب مستطاب اقدس، ام کتاب آئین بهائی، تدوین و اعلام گردد، و صلح اصغر تأسیس و وحدت نوع بشر تحقق پذیرد، و عالم انسانی به رتبه بلوغ رسد، و نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء اتمام یافته، آئین الهی از قید تعصبات مذهبی رهایی یابد، و استقلال و اصالت آن در سراسر عالم مورد قبول و اعتراف قرار گیرد، و در مستقبل ایام در طی عصر ذهبی که آخرین عصر دور بهائی است، علم صلح اعظم به وعده شارع مکرم به اهتزاز آید...»

و نیز در توقیعی به تاریخ نوامبر ۱۹۴۸ (صفحه ۷۶) با اشاره به مخاصمات جدیدی که بعد از جنگ جهانی دوم بویژه در کشور نوپای اسرائیل در جریان بوده است، می‌فرمایند: «... یقین است چنین مخاصمه در ظهور نظم بدیع عاملی مؤثر بل قاطع بوده و مبشر حلول صلح اصغر خواهد بود...» و در مورد مسائل جزئی از جمله این مطلب آمده است (صفحه ۱۷۴، توقیع مورخ اکتبر ۱۹۵۴) که: «ستاره‌نُه گوشه برای مراد تصویب می‌گردد... نظر حضرت ولی امرالله آن است که حرمت نقش اسم اعظم بیش از آن است که جهت سنگ مرقد مورد استفاده قرار گیرد...»

۷- تا سال ۱۹۵۰ حضرت ولی امرالله توقعات عمومی خود را یا به نام محافل ملی و جامعه‌های ملی و گاه خطاب به عموم یاران غرب یا شرق ارسال می‌داشتند. در سال ۱۹۵۰ که حضرتش مقدمات ابلاغ نقشه ده‌ساله جهانی را فراهم می‌فرمودند، توقیعاتی از طریق محفل ملی امریکا خطاب به عموم بهائیان عالم از شرق و غرب ارسال فرمودند.

به بیان دیگر، در دهه پنجاه، جامعه جهانی بهائی یک پارچه شد، و در سال ۱۹۵۳ اولین نقشه عالم‌گیر برای اجرا در اختیار عموم اهل بهاء قرار گرفت. این خود مرحله جدیدی از سیر تکاملی نظم اداری به سوی اتحادیه جهانی جامعه‌های بهائی که به آن مکرر بشارت داده شد، محسوبست.

این توقعات که بیشتر در ارتباط با نقشه جهانی ده‌ساله صادر شده است، از طرف محفل ملی امریکا جمع‌آوری و در مجموعه‌ای تحت عنوان "پیام‌هایی به عالم بهائی" (*Messages to the Bahá'í World*) در سال ۱۹۵۸ با مقدمه‌ای به قلم جناب هوراس هولی منتشر گردید. سپس در سال ۱۹۷۱ توقعات دیگری نیز که تا آن زمان انتشار نیافته بود، مانند پیام‌های مبارک به اولین کنفرانس‌های تبلیغی بین‌المللی

در آفریقا، اروپا، آسیا و آمریکا به این مجموعه اضافه شد، و نشر جدیدی با فهرست‌های کامل از طرف مؤسسه نشر آثار امری آمریکا به طبع رسید.^{۱۵} (بنده شنیدم که این مجموعه به فارسی ترجمه شده است، ولی با کوششی که کردم نام مترجم و یا نسخه‌ای از این ترجمه به دست نیامد.)

مطالب این توقیعات عمومی و در غایت اهمیت است، و در این مقاله مختصر فرصتی برای اشاره‌ای به آن مطالب نیست. تنها می‌توان گفت که بیشتر این پیام‌ها در ارتباط با نقشه جهانی ده‌ساله و توفیقات حاصله، تشکیل اولین شورای بین‌المللی بهائی، بشارات پیشرفت ساختمان مقام اعلیٰ و دارالآثار، ایادی جدید الانتصاب امرالله، زیارت اعتاب مقدسه، اولین کنفرانس‌های قاره‌ای و موضوع‌هایی از این قبیل است، و جای تأسف است که ترجمه فارسی مجموعه‌ای بدین اهمیت، در دسترس نیست؛ هرچند که بسیاری از مطالب آن در موقع خود قطعاً به فارسی برگردان شده و در مجله اخبار امری یا دیگر انتشارات بهائی به اطلاع جامعه رسیده است.

۸- در تاریخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۸ حضرت ولی امرالله توقیع مفصلی خطاب به عموم بهائیان آمریکا و کانادا صادر فرمودند که تحت عنوان ظهور عدل الهی (*The Advent of Divine Justice*) از طرف محفل ملی آمریکا در سال ۱۹۳۹ به طبع رسید و از آن پس چندبار تجدید چاپ شد. نشر دوم در سال ۱۹۶۳ با اضافه کردن فهرست‌های متعدد و نشر سوم در سال ۱۹۶۹ با افزودن مقدمه‌ای به قلم جناب پل هنی (Paul Haney) انتشار یافت. نسخه‌ای که در اختیار نگارنده است چاپ سال ۱۹۷۴ از نشر سوم است.^{۱۶} آقای پل هنی در مقدمه نشر سوم از جمله می‌نویسد که:

«توقیع ظهور عدل الهی بیش از دیگر توقیعات حضرت ولی امرالله که خطاب به یاران امریکای شمالی صادر شده است، به روش زندگی افراد بهائی مربوط می‌شود. در این پیام شرایط روحانی لازم برای توفیق در خدمات امری بیان شده است، و در آن نه تنها به عواملی که با حیات درونی روحانی مربوط است اشاره شده، بلکه بر روابط انسانی و اجتماعی لازم که باید پرورش یابد و جزء لا ینفک حیات روزمره هر فرد بهائی باشد، تأکید گردیده است.»

این توقیع منبع تحت عنوان ظهور عدل الهی بوسیله جناب نصرالله مودت به فارسی ترجمه و از طرف مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران منتشر شده است. نشر جدید این ترجمه با خط نستعلیق از طرف لجنة امور احیای ایرانی-امریکایی در سال ۱۹۸۵ در آمریکا به طبع رسیده و تا کنون چندبار تجدید چاپ شده است.^{۱۷} حضرت ولی امرالله در این توقیع با اشاره به نقشه هفت‌ساله اول امریکا چنین آغاز سخن می‌فرمایند:

«هر هنگام مراتب عشق و حرارت یاران و روح همت و فعالیت مجاهدان دلیر امر رحمان، رافعان لوای نظم جهان آرای حضرت بهاءالله را در تنفیذ نقشه عظیمه‌ای که به کف کفایت آنان واگذار

گردیده، در نظر آرم، و آثار و شواهد لمیعه این نهضت جلیل را در برابر دیده گان مجسم سازم، و جد و شعف و وله و طربی در قلب و روان احساس نمایم که شرح آن خارج از حدّ وصف و بیان است...»

بعد می فرمایند:

«... بحران های شدید و متواتر که توده عظیم و دائم التزاید جامعه بشری را احاطه نموده و با سطوت و هیبت غیر قابل مقاومتی رو به بسط و افزایش است، قهراً متوجه جامعه جهانی بهائی که شعب و دوائرش به اقصی نقاط عالم گسترده شده، خواهد گردید؛ و اثرات نامطلوب آن ولو به نحو موقت و محدود، محسوس و مشهود خواهد شد... بنا بر این جای شگفتی نیست اگر نفوسی که لوای چنین امر عظیم و سریع التقدّم رحمانی را برافراشته و اهل عالم را به استظلال در ظلّ ظلیل آن دعوت نمایند، معرض فشار و تأثیر قوای مدهشه مرعبه ای که جهان بشریت را متزعزع نموده، قرار گیرید؛ و خود را در گرداب اغراض و اهوائ سیئه عصبه غرور مستغرق و محصور مشاهده کنند، چندانکه حریت و آزادیشان محدود، و اصول و مبادیشان مردود، و تأسیسات و معاهدشان مطرود، و اهداف و مآربشان مذموم، و حقوق و اختیاراتشان مسلوب، و اذکار و دعاویشان غیر معتبر و مظنون قلمداد گردد...»

در جای دیگر با اشاره به مهد امرالله و مدینه طهران که حضرت بهاء الله آن را "امّ العالم" و "مطلع فرح عالمین" نامیده اند، می فرمایند:

«اولیای امور از شناسایی دیانت بهائی که حوزه روحانیش متجاوز از ششصد جامعه محلی را در آن شطر مقدّس فرا گرفته، و تعداد مستظلمین در ظلّ آن از تابعان هریک از ادیان مسیحی و کلیمی و زرتشتی در آن کشور فزون تر است، خودداری نموده، و آن جامعه را از اعطای حقوق و اختیارات لازمه که آنان را به تنفیذ نوامیس و تمشیت امور و اداره مدارس و تجلیل اعیاد و انتشار آثار و اقامه شعائر و ارتفاع معاهد و حفظ املاک و موقوفات خویش قادر و موفق سازد، محروم ساخته اند...»

باید در نظر داشت که این بیانات در سال ۱۹۳۸ یعنی ۶۱ سال قبل در اواخر دوره حکمرانی پهلوی اول صادر شده است، و گویای آن است که هم در آن دوره، جامعه بهائی ایران با مشکلات و تضییقات شدیدی دست به گریبان بوده است.

در جای دیگر از حضرت عبدالبهاء نقل می فرمایند که: «الحمد لله آفتاب عدل از افق بهاء الله طالع شد، زیرا در الواح بهاء الله اساس عدلی موجود که از اول ابداع تا حال به خاطری خطور ننموده...» و نیز: «خیمه وجود بر ستون عدل قائم نه عفو، و بقای بشر بر عدل است نه عفو...» و ادامه می دهند که:

«با توجه به بیانات مذکوره در فوق معلوم می شود که چگونه شارع مقدّس این شرع اعظم مشروع

عظیمی را که تاج و هاج و اکلیل جلیل مؤسسات نظم بدیع جهان آرای امر اقوم افخم است، آن را به صفت فضل و عفو موصوف نفرموده، بلکه "بیت عدل الهی" نام نهاده است؛ زیرا عدالت یگانه اساس و بنیان رصین و مؤید [ابدی کننده] صلح اعظم یزدانی است، و این است آن حقیقت متعالیه‌ای که در کلمات مبارکه مکتونه به ابداع اذکار مذکور و به اجمل اوصاف موصوف و به "احب الاشیاء" در ساحت قدس مولی الاسماء تجلیل و تکریم گردیده است.

آنچه ذکر شد یکی دو نمونه کوچک بود از مطالب عالیّه آن توفیق منبع. فرصت ما کوتاه است و امکانی برای ادامه این کلام باقی نمی‌گذارد.

۹- در سال ۱۹۷۷ به کوشش بیت العدل اعظم برگزیده‌هایی از تویعات حضرت شوقی ربّانی در پنج فصل اصلی با مقدمه‌ای کوتاه و دیباچه‌ای نسبتاً بلند با فهرست مطالب و منابع در جزوه ۶۹ صفحه‌ای تحت عنوان "ندا به ملت‌ها" (*Call to the Nations*) انتشار یافت، و هدف آن اطلاع یاران و عموم مردم جهان از نظم بدیع حضرت بهاءالله برای اداره عالم بود.^{۱۸} این کتاب تحت عنوان حال و آینده جهان از دیدگاه آئین بهائی بوسیله آقای جمشید فنائیان ترجمه و نخست در سال ۱۹۸۰ از طرف محفل ملی ایران نشر شد. سپس در سال ۱۹۸۶ با تجدیدنظری در ترجمه بوسیله ناشری در انگلستان (*One World Publications*) از روی چاپ ایران در ۹۰ صفحه منتشر گردید.^{۱۹} همین کتاب تحت عنوان ندا به اهل عالم بوسیله جناب هوشمند فتح اعظم به صورت ترجمه آزاد و اقتباس به فارسی برگردان و در سال ۱۹۹۳ بوسیله مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی در کانادا در ۹۵ صفحه به طبع رسید.^{۲۰}

خلاصه مقدمه این کتاب آن است که حضرت شوقی ربّانی عناصر پرارزش مدنیت الهی را که استقرارش مهم‌ترین رسالت آئین بهائی محسوبست در آثار خود به تفصیل مطرح فرموده‌اند، و بیت العدل اعظم در این برهه از زمان [سال ۱۹۷۷] لازم می‌داند که جوهر آن مطالب را با ذکر منتخباتی از آن آثار گرانها، دگر بار برای اطلاع و انتباه جهانیان بازگو کند.

در دیباچه کتاب، بیت العدل اعظم با بیانی موجز و محکم، ضمن معرفی مختصر دیانت بهائی، نظرگاه این امر را در مورد نظم جهانی و آینده دنیا که در تویعات حضرت شوقی ربّانی آمده است، توضیح می‌دهند. مطالعه این دیباچه، بویژه برای نفوسی که با امر بهائی تازه آشنا می‌شوند، بسیار سودمندست، و به نظر بنده جا دارد که جداگانه نیز به صورت مقاله‌ای مستقل چاپ و منتشر شود، و در اختیار متحرّیان حقیقت، بویژه در کشورهای غربی، قرار گیرد. در این دیباچه آمده است که:

«رسالت حضرت بهاءالله اعلان این مطلب است که زمان شیرخوارگی و صباوت بشری سپری گشته، و التهابات و هیجاناتی که حال مشهود است مربوط به مرحله بلوغ اوست که به تدریج و همراه با درد و ملال او را آماده وصول به مرحله رشد و کمال می‌سازد، و طلوع عصری را بشارت می‌دهد که سرآمد اعصار است؛ عصری که در آن تیغ و شمشیر به گاو آهن و خیش تبدیل شود، ملکوت آسمانی طبق

وعدة صریح حضرت مسیح بیاید، و صلح جهانی قطعاً تا ابدالآباد در کُره زمین استقرار یابد.»

عنوان فصل اول کتاب «مصائب عالم انسانی» است و در آن به طوفان مخزبی اشاره می‌شود که به عالم مستولی شده است، و از نظر اهل بهاء صورت مصیبتی برای مجازات و تأدیبی تطهیرکننده را دارد. سپس اشاره به رسالت الهی حضرت بهاء الله است که در یکصد جلد به ملوک و رؤسا و عموم اهل عالم ابلاغ شده، ولی بای اعتنائی مقامات حکومتی و نفرت رؤسای مذهبی روبرو گردیده است. آنگاه با برشماری علل مصائب کنونی عالم انسانی، تأکید بر آن شده است که ظهورات الهیه متتابع و مکمل یکدیگرند، و امر بهائی هرگز قصد آن را ندارد که مقام پیامبران پیشین را تنزل دهد. آینده دنیا درخشان است، و حدوث این انقلابات با همه قدرت تخریبی که دارد، طلیعه جلوه نظم جهانی جدیدی است که حضرت بهاء الله اصول آن را معین فرموده‌اند.

عنوان فصل دوم کتاب «وحدت عالم انسانی» است. در این فصل اهمیّت و نقش نظم بدیع الهی در اداره عالم بیان، و عجز زمامداران دنیا در تطبیق مؤسسات سیاسی و اقتصادی خود با احتیاجات و مقتضیات دنیای امروز که دائماً در حال تغییر و تکامل است، تأکید شده است. سپس بخشی از رساله مدنیّه در مورد صلح اصغر که بوسیله شخص حضرت ولی امرالله از اصل فارسی به انگلیسی ترجمه شده، در این فصل آمده است: «بلی تمدن حقیقی وقتی در قطب عالم علم افزا شد که چند ملوک بزرگوار بلند همت... قدم پیش نهاده مسئله صلح عمومی را در میدان مشورت گذارند...» سپس به بیانی از حضرت عبدالبهاء به این مضمون که دنیا به یک واحد زندگی تبدیل شده، و اتحاد امم نه تنها ممکن بلکه ضروری است، اشاره شده، و هفت شع و وحدت و اصول حکومت بین المللی از بیانات حضرت مولی الوری نقل گردیده است.

عنوان فصل سوم «طرح و نمونه جامعه آینده» است. جامعه جهانی بهائی وقتی به مرحله بلوغ خود رسد، می‌تواند نمونه‌ای برای اتحاد ملل عالم به دست دهد. در این مورد مطالب مفصلی از فصل چهارم توفیق دور بهائی نقل شده است.

عنوان فصل چهارم «جامعه متحده عالم انسانی» است. در این فصل اشاره به صلح اصغر و صلح اعظم است، و اینکه ظلمت اجتماعی و اخلاقی فعلی، بشر را برای دستیابی به دوران شکوهمند آتی که سلطنت لاهوتی حضرت بهاء الله است، آماده می‌سازد. جزئیات این جامعه متحده عالم تا آنجا که در آثار بهائی مضبوط است، در این فصل آمده است.

و بالاخره فصل پنجم «سرنوشت نوع انسانی» نام دارد. با آنکه جامعه بشری در عصر حاضر دوره انتقال از طفولیت به بلوغ را می‌گذرانند، ولی بالاخره وارد مرحله رشد و کامل و عصر عظیمی که نقطه اوج جمیع ادوار بشری است، خواهد شد، و به صلح عمومی و پایدار و به یگانگی و دوستی دست خواهد یافت، و نیل به این نقطه اوج، حرکتی تکاملی و تدریجی است که حب وطن را نیز شامل می‌شود.

در نسخه انگلیسی، منابع اصلی بیانات حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء که در این مجموعه نقل شده، مذکور نیست، ولی در ترجمه‌ها صورت نسبتاً کاملی از منابع اصلی موجود است که با آنکه تکمله‌ای مفید است اما برای آنکه تصوّر نشود ناشر خارج از توقیعات مبارک به سلیقه خود مستقیماً به بیانات اصلی حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء مراجعه کرده است، به نظر نگارنده بهترست در این تکمله تصریح گردد که منابع مذکور مربوط به نصوصی است که حضرت شوقی ربّانی انتخاب و در توقیعات خویش آورده‌اند.

حضرت ولیّ امرالله توقیعات و تلگرافات بسیاری به دیگر جامعه‌های بهائی به غیر از ایران و امریکا ارسال فرموده‌اند. بعضی از محافل ملی آن جامعه‌ها منتخباتی از توقیعات مربوط به خود را که عموماً به زبان انگلیسی است، بعد از صعود مبارک منتشر کرده‌اند. ترجمه فارسی هیچیک از این مجموعه‌ها را بنده ندیده‌ام. هرچند این توقیعات بیشتر مربوط به مسائل محلی است و یا تکرار مطالبی است که جداگانه به ایران و امریکا ابلاغ شده است، ولی گاه مسائل عمومی مهمی نیز در این مجموعه‌ها به چشم می‌خورد که در جای دیگر دیده نشده است. بنا بر این بجاست که مطالب این توقیعات به دقت مطالعه شود، و دست کم آنچه جنبه عمومی و غیر تکراری دارد به فارسی ترجمه گردد و در مجموعه‌ای جداگانه انتشار یابد. اهمّ این مجموعه‌ها به شرح زیر است:

۱۰- کتاب قطوری که حاوی توقیعات مبارک به جامعه بهائی انگلستان است.^{۲۱} این جامعه در گسترش و شکوفایی امر الهی در اروپا و استقرار آن در دیگر قاره‌های جهان، چه در زمان حضرت عبدالبهاء و چه در دوران ولایت حضرت ولیّ امرالله، نقشی مؤثر داشته است. سفرهای حضرت عبدالبهاء به انگلستان و ارتباط تحصیلی حضرت شوقی ربّانی با این کشور قطعاً بر اهمّیت این نقش افزوده است. در این ارتباط نفوذ سیاسی و اقتصادی امپراتوری انگلستان را در جهان در نیمه اول قرن بیستم نباید از نظر دور داشت. شاید بر اساس همین ملاحظات است که توقیعات مبارک به جامعه مزبور حجم قابل ملاحظه‌ای دارد، و مجموعه‌ای که تحت عنوان "ظهور سرنوشت" (*Unfolding Destiny*) در سال ۱۹۸۱ به کوشش محفل ملی انگلستان انتشار یافته کتابی حجیم و شامل ۵۳۱ صفحه است. این کتاب با تصویری از مرقد مبارک در لندن و مقدمه‌هایی به قلم جناب حسن موقر بالیوزی، جناب دیوید هوفمن (David Hofman) و جناب فیلیپ هینزورث (Philip Hainsworth) آغاز و با فهرست مفصل اعلام خاتمه می‌پذیرد، و چند نمونه از شمایل و دستخط حضرت شوقی ربّانی را حاوی است.

بسیاری از مطالب این مجموعه جنبه عمومی دارد. برای مثال دو نمونه کوچک ذکر می‌شود. در صفحه ۳۴۶ به تاریخ ۲۰ اپریل ۱۹۵۵ حضرت ولیّ امرالله در جواب سؤال محفل ملی انگلستان می‌فرمایند: «... اصل بر آن است که در حال حاضر هرکجا احکام بهائی با قوانین مدنی کشور مغایر باشد، یاران مقیم آن کشور باید از قوانین مدنی تبعیت کنند...»

و در صفحه ۳۴۸ به تاریخ ۱۰ جولای ۱۹۵۵ می‌فرمایند: «... محافل ملی باید محدوده رسمی

شهرداری را در مورد شهرهای مربوط به خود ملاک عمل قرار دهند...»

۱۱- مجموعه توقیعات مبارک به جامعه بهائی در شبه قاره هندوستان^{۲۲} (*Messages of Shoghi Effendi to the Indian Subcontinent*) این مجموعه نیز کتابی است قطور که تحت نظر محفل ملی هند، به کوشش خانم ایران فروتن - مهاجر تنظیم شده و نشر اول آن در سال ۱۹۷۰، و نشر دوم با تجدید نظر و بعضی اضافات در سال ۱۹۹۵ انتشار یافته است. به نظر می‌رسد که اصل چند توقیع، بویژه در سال‌های اول ولایت، به زبان فارسی بوده باشد که در این کتاب ترجمه انگلیسی آنها آمده است. این توقیعات برحسب تاریخ صدور مرتب شده و از نظر زمانی تقریباً تمام دوره ولایت را در بر می‌گیرد. از نظر مجاورت و ارتباط هند با ایران، مطالب این مجموعه، بویژه از نظر مسائل تاریخی برای احتیای ایران شایان توجه است.

۱۲- مجموعه توقیعات مبارک به جامعه‌های بهائی در قاره اوقیانوسیه: استرالیا، زلاندنو و جزایر جنوبی اقیانوس کبیر^{۲۳} (*Messages to the Antipodes*) با مقدمه‌ای از جناب پیتیر خان (Peter Khan) به کوشش جناب گراهام هاسل (Graham Hassel) در سال ۱۹۹۷ منتشر شده و شامل ۷۰۰ توقیع خطاب با جامعه‌های بهائی آن مناطق است. این توقیعات نیز برحسب تاریخ صدور منظم شده است و از نظر زمان تمامی دوره ولایت را در بر می‌گیرد. یکی از مشخصه‌های جالب توجه این کتاب آنست که دو نقشه جغرافیایی، یکی از اقیانوسیه و دیگری از استرالیا و نیوزیلند، پیوست کتاب است که نقشه اول بخشی از نقشه ده‌ساله حضرت ولی امرالله را که مربوط به اقیانوسیه است، نشان می‌دهد.

آقای خان در مقدمه خود می‌نویسد که در استرالیا برای اول بار در ماه مارس ۱۸۴۶، یعنی تنها دو سال بعد از اظهار امر حضرت باب در شیراز، در یکی از روزنامه‌های ملبورن از این آئین جدید یاد شده است، و هفت سال بعد در ماه فوریه ۱۸۵۳ در یکی از جرائد اوکلند در زلاندنو گزارشی در مورد امر باب انتشار یافته است. با وجود این اولین مؤمن بهائی در این قاره جدید در سال ۱۹۱۲ در زلاندنو، امر الهی را پذیرا شد، و جزیره بزرگ استرالیا در سال ۱۹۲۰ بوسیله یکی از مهاجرین امریکایی به روی امر بهائی گشایش یافت.

بنا بر شرح فوق، مجموعه بالا تمام تاریخ امر بهائی را در اوقیانوسیه در بر دارد، و این کتاب را باید معتبرترین و کامل‌ترین منبع دست اول برای مطالعه تاریخ امر در آن قاره دانست.

وقتی حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۲۲ اولین پیام خود را به عنوان کلارا و هاید دان (Clara and Hyde Dunn) ارسال فرمودند، تعداد افراد بهائی در آن سرزمین بسیار کم بود. توجه خاص مبارک به این قاره جدید شاهد پیش‌بینی و آینده‌نگری قابل ستایشی است که با الهام از الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء سبب شد که امروز امر بهائی در آن جزائر فعال و شکوفا باشد. عکس‌های تاریخی جالبی نیز در این مجموعه آمده است.

۱۳- مجموعه توقیعات مبارک به جامعه‌های بهائی آلمان و اتریش در دو جلد که در سال‌های ۱۹۸۲

و ۱۹۸۵ (جلد اول و جلد دوم) بوسیله مؤسسه نشر آثار امری در آلمان (Bahá'í Verlag) تحت عنوان "فروغ هدایت الهی" (*The Light of Divine Guidance*) انتشار یافته است.^{۲۴}

با توجه به اهمیت نقشی که جامعه‌های بهائی آلمان و اتریش در استقرار امر بهائی در قلب اروپا داشته‌اند، و با توجه به تاریخ دو امپراتوری سابق در ارتباط با امر الهی و الواحی که حضرت بهاء‌الله برای دو امپراتور کشورهای مزبور ارسال نموده‌اند، باید این مجموعه مفصل دو جلدی را از مهم‌ترین مجموعه‌های توقیعات حضرت ولیّ امرالله بشمار آورد.

مجموعه‌هایی نیز از طرف دیگر جامعه‌های بهائی که حاوی توقیعات مبارک خطاب به هریک از آن جامعه‌هاست، در دست است؛ مانند جامعه بهائی آلاسکا تحت عنوان "مسانی عالی" (*High Endeavours*) و جامعه بهائی کانادا تحت عنوان "پیام‌هایی به کانادا" (*Messages to Canada*) و جامعه بهائی سویس و بعضی جامعه‌های دیگر. بعید نیست که در آینده مجموعه‌های بیشتری از طرف دیگر محافل ملی متدرّجاً منتشر شود.

هریک از مجموعه‌های مذکور نیز احتمالاً حاوی بعضی مطالب عمومی و بی سابقه است که می‌تواند مورد استفاده عمومی و دست کم پژوهندگان بهائی قرار گیرد.

این نکته را نیز ناگفته نباید گذارد که تعداد زیادی جزوه و رساله و مقاله شامل منتخباتی از آثار حضرت ولیّ امرالله موجود است که باید آنها را مراجع دست دوم نامید، چه اصل آن آثار در مراجع دست اولی که قبلاً ذکر شد، آمده است. از آن میان، به نظر نگارنده تنها جزوه‌ای که به اهل عالم قابل ملاحظه است که قبلاً به آن اشاره کردیم. جزوه‌ای نیز در مورد حیات بهائی شامل بعضی منتخبات توقیعات مبارک در دست است که به فارسی ترجمه و تحت عنوان حیات بهائی بوسیله مؤسسه مطبوعات امری ایران منتشر شده است. این ترجمه ساده و روان است.^{۲۷} دو اثر نیز از ترجمه‌های انگلیسی حضرت شوقی به فارسی برگردان شده است که بدون ذکر از آنها این مقاله کامل نخواهد بود.

اول - بخشی از تاریخ نیل زرنندی - محمد نیل اعظم - که اصل فارسی آن تاکنون منتشر نشده است، بوسیله حضرت ولیّ امرالله به انگلیسی ترجمه و با توضیحات و حواشی بسیار و بعضی عکس‌های تاریخی و الواح حضرت باب خطاب به حروف حیّ و لوحی خطاب به حضرت بهاء‌الله و مقدمه مفصلی به قلم جورج تانزند، در ۶۸۵ صفحه بوسیله مؤسسه مطبوعات امری امریکا تحت عنوان مطالع الانوار (*Dawn-Breakers*) اول بار در سال ۱۹۳۲ به طبع رسیده و سپس به تکرار تجدید چاپ شده است.^{۲۸} همین کتاب با حذف قسمت عمده‌ای از توضیحات و حواشی بدون عکس‌های تاریخی و الواح حضرت باب از طرف مؤسسه مطبوعات امری انگلستان در سال ۱۹۵۳ منتشر و در سال ۱۹۷۵ تجدید چاپ شده است.^{۲۹}

با آنکه حضرت ولیّ امرالله در ابتدای کتاب از "نویسنده‌ای انگلیسی" برای تهیه مقدمه یاد فرموده‌اند که منظورشان جورج تانزند بوده است، مؤسسه مطبوعات امری انگلستان متوجه مطلب نشده و در

پیشگفتار خود شخص حضرت شوقی ربّانی را نویسندهٔ مقدمه معرفی کرده، و به همین ملاحظه از تلخیص مقدمه چشم پوشیده است.

این کتاب به بسیاری از زبان‌های مهمّ دنیا ترجمه شده است. از جمله جناب عبدالجلیل بیگ سعد مصری که پس از صعود به رتبهٔ ایادی امرالله رسید، کتاب مذکور را تحت عنوان مطالع الانوار به عربی ترجمه و در سال ۱۹۴۰ در ۵۵۲ صفحه در مصر به طبع رسانیده است. جناب عبدالحمید اشراق خاوری این اثر را از ترجمهٔ عربی به فارسی تلخیص و ترجمه کرده که با حذف مقدمه و جداول و توضیحات و حاشیه‌ها ولی با حفظ الواح حضرت باب و عکس‌های تاریخی در سال ۱۹۴۸ در طهران در ۶۵۱ صفحه به چاپ رسیده است.

جناب اشراق خاوری در نشر دوّم کتاب (۱۳۳۹ شمسی مطابق ۱۹۶۰) می‌نویسد که حضرت ولیّ امرالله در توقیع دوّم شهرالکلمات ۱۰۴ خطاب به محفل ملی ایران، ترجمه و تلخیص مزبور را به شرف قبول مطرز فرموده‌اند. آخرین نشر طهران در تاریخ ۱۳۴ بدیع (۱۹۷۸) به چاپ رسیده، و چاپ دیگری از روی نشر اخیر طهران در هندوستان بوسیلهٔ انتشارات مرآت در سال ۱۹۹۱ عرضه شده است. اما چاپی پاکیزه و بی‌غلط است و عکس‌هایی که در چاپ انگلیسی بوده نیز آورده شده است.^{۳۰}

حضرت شوقی ربّانی تنها بخش اوّل تاریخ مفصل نبیل را که شامل حوادث نه سالهٔ عهد اعلیٰ از عصر رسولی امربهائی است - ۱۸۴۴ تا ۱۸۵۳ - و به سرگونی حضرت بهاءالله به بغداد خاتمه می‌پذیرد، ترجمه فرموده‌اند. بخش‌های بعدی که شامل حوادث دوران حضرت بهاءالله از ۱۸۵۳ تا ۱۸۹۰ است، در این ترجمه نیامده است، ولی حضرت ولیّ امرالله قسمت‌هایی از آن را در کتاب قرن بدیع نقل فرموده‌اند. چون این اثر از منابع مهمّ دست اوّل تاریخ امر است، و کار حضرت ولیّ امرالله در تهیهٔ آن از نقش مترجم بسی فراتر می‌رود، به ذکر آن مبادرت شد.

دوّم - حضرت ولیّ امرالله در سال ۱۹۳۹ منتخباتی از الواح حضرت بهاءالله را در ۱۶۵ قطعه تنظیم و به انگلیسی ترجمه فرمودند. این اثر تحت عنوان منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله (*Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*) بوسیلهٔ مؤسسهٔ مطبوعات امری امریکا اوّل بار در سال ۱۹۳۹ منتشر شد و سپس به دفعات تجدید چاپ گردید. از جمله مؤسسهٔ مطبوعات امری انگلستان آن را ابتدا در سال ۱۹۴۹ و سپس در سال ۱۹۷۸ به چاپ رسانید.^{۳۱}

نظر به اینکه این مجموعه بوسیلهٔ شخص حضرت ولیّ امرالله انتخاب و تنظیم شده بود، به تدریج به زبان‌های متعدّدی ترجمه و نشر شد. در ایران نیز با آنکه اصل بسیاری از این الواح قبلاً انتشار یافته بود، نشر مجموعه‌ای به این صورت که حاوی چند قطعه لوح ناشناخته نیز بود، برای احبّای ایران مفید می‌نمود. بر این اساس اقداماتی جهت یافتن اصل قطعات بوسیلهٔ جناب اشراق خاوری به عمل آمد ولی منجر به انتشار این مجموعه نشد، تا در سال ۱۹۸۵ که مؤسسهٔ مطبوعات امری آلمان با راهنمایی مرکز جهانی بهائی موفق به تهیهٔ اصل فارسی یا عربی ۱۶۱ قطعه از این منتخبات گردید، و آن را به صورت

کتابی زیبا با خطّ خوش نستعلیق در آلمان انتشار داد.^{۳۲} جای چهار قطعه از الواح حضرت بهاءالله که اصل آنها هنوز به دست نیامده در این کتاب خالی است که هر وقت بدست آمد در جای خود مرقوم گردد.

بخش دوّم: نقد ترجمه‌های فارسی

حال که توقیعات مهمّ انگلیسی حضرت ولیّ امرالله را برشمردیم و به آنها که ترجمه شده است اشاره کردیم به نقدی در مورد این ترجمه‌ها می‌پردازیم. ولیّ قبلاً باید چند نکته را یاد آور شویم تا هدف این بررسی معلوم باشد و سوء تفاهمی در این مورد پیش نیاید.

● اول- آنچه به هیچوجه منظور این بررسی نیست خرده گیری به مترجمین محترمی است که وقت و دانش خود را مصروف داشته با ترجمه‌های خویش خدمتی عظیم به احتیای فارسی زبان کرده‌اند چه تنها به اتکای زحمات آنان است که ایرانیانی که با زبان انگلیسی آشنایی کامل ندارند می‌توانند به بخش مهمّی از آثار حضرت ولیّ امرالله راه برند. همانطور که در مقدمه گفته شد معرفت ما از امر حضرت بهاءالله بدون آشنایی با این توقیعات قطعاً ناقص است، و بنا بر این ما مدیون این مترجمین فداکاریم که بدون پاداش مادی، تنها به خاطر ایمانشان به امر مبارک و عشقشان به خدمت، به کار ترجمه پرداخته‌اند.

پس بجاست که از اشخاصی که در این راه قلم زده‌اند، تا آنجا که نامشان بر بنده معلوم است، با احترام و تحسین یاد کنیم. درود بر روان نفوسی از ایشان که به ملکوت ابهّی پیوسته‌اند و سپاس بر آنانی که در قید حیاتند و به خدمات خود ادامه می‌دهند.

مرحوم جناب عبدالحمید اشراق خاوری	مترجم "مطالع الانوار" (تاریخ نبیل)
روانشاد جناب نصرالله مودّت	مترجم "قرن بدیع" و "ظهور عدل الهی"
زنده یاد جناب فؤاد اشرف	مترجم "حصن حصین شریعت‌الله"
جناب هوشمند فتح اعظم	مترجم "نظم جهانی بهائی" و "تدا به اهل عالم"
جناب جمشید فنائیان	مترجم "جلوة مدنیت جهانی" و "حال و آینده جهان"

نام مترجمین دیگر و نفوسی که در هیئت‌های ترجمه به صورت دسته‌جمعی به کار پرداخته‌اند، بر بنده معلوم نیست، ولی نتیجه خدمات ایشان معلوم است و شایسته هرگونه سپاسگزاری و قدردانی.

● دوّم- خرده گیری به ترجمه‌ها نیز هدف این بررسی نیست چه هیچ ترجمه‌ای نمی‌تواند کامل و از هرگونه کمبودی بری باشد. اگر نواقص ترجمه از حدّ قابل قبولی تجاوز نکند، ترجمه مزبور مفید و سزاوار قدردانی است.

● سوّم- اما چنانکه قبلاً گفته شد آثار انگلیسی حضرت ولیّ امرالله متمّم و مکمل آثار اصلی این امر است که باید قرن‌ها راهبر جامعه بهائی و راهنمای عالم انسانی باشد. به این سبب ترجمه این آثار دارای

اهمیتی خاص است و نمی‌توان و نباید نواقص و اشتباهات آن را نادیده گرفت و به آسانی از آن گذشت. با توجه به لزوم ایجاد تعادلی بین سه نکته بالا، تنها هدف این بررسی نقدی است سازنده تا اگر کمبودهایی موجود است، معلوم و برطرف شود و ترجمه‌های بعدی همواره بهتر و صحیح‌تر از قبلی باشد، و در مسیری تکاملی به پیش رود و به وجهی روزافزون اثر و ثمر مفید خود را ظاهر کند.

در مقاله‌ای که در دسامبر ۱۹۹۷ در انجمن ادب و هنر ایران ارائه شد، شرح مفصلی در مورد فن ترجمه بیان گردید که در دست نشر است. در این اجتماع نه فرصت آن است که شرح مزبور تکرار شود و نه چنین نیستی در ضمیر. ولی ناچار از ذکر بخش کوچکی از آن بحثم، چه نقد مورد نظر بر آن پایه استوار است.

در مورد صحت و دقت ترجمه و درجه اطمینانی که می‌توانیم به متنی که از زبان دیگری برگردان شده است، داشته باشیم، باید به "کالبدشناسی" ترجمه توجه کنیم. آنچه ما می‌خوانیم و یا می‌شنویم در گذر از مرحله خواندن یا شنیدن به مرحله فهمیدن و جذب کردن، از سابقه فرهنگی ما می‌گذرد و از آن متأثر می‌شود. به دیگر سخن، از عبارتی واحد، اشخاص مختلف بنا بر سوابق فرهنگی خود، برداشت‌های متفاوتی دارند. مثلاً اگر به شخصی که فرهنگ سنتی ایرانی دارد بگویند که «ساعت هفت بعد از ظهر در منزل دوستی به میهمانی مدعو است»، معمولاً حدود ساعت هفت و نیم و گاه دیرتر حاضر می‌شود، و صاحبخانه نیز همین انتظار را دارد، و هیچکس صحبتی از تأخیر نمی‌کنند، زیرا در فرهنگ امروز ایرانی، حضور سر ساعت در یک میهمانی نمایانگر ذوق زدگی و کم‌شخصیتی است، تا آنجا که اعتبار اشخاص تناسبی با تأخیر ورود ایشان دارد. اما اگر آن فرد آلمانی باشد، رأس ساعت هفت، نه زودتر و نه دیرتر، زنگ در منزل صاحبخانه را خواهد فشرد، و صاحبخانه آلمانی نیز همین انتظار را دارد. اگر شما ایرانی ناشناسی را که تازه با او سلام و علیک کرده‌اید، برای ناهار به رستورانی دعوت کنید، شاد می‌شود و می‌پذیرد و میهمان‌نوازی شما را قدر می‌گذارد و چه بسا که بعداً درصدد تلافی بر می‌آید. ولی اگر از فردی که فرهنگ کاملاً غربی دارد، همین دعوت را به عمل آورید، مشکوک می‌شود که شما چه قصدی دارید و چه کاسه‌ای را زیر نیم کاسه پنهان کرده‌اید، این محبت بغتی چه هدفی را تعقیب می‌کند و شما از او چه می‌خواهید. به همین علت معمولاً بهانه می‌آورد و دعوت شما را نمی‌پذیرد. اگر هم قانع شود که هیچ سوء نیستی در میان نیست، از آنجا که مقید است هر دعوتی را پاسخگو باشد، و چنین امکان یا قصدی ندارد، باز از قبول دعوت سر باز می‌زند، و شما حیران و سرگردان می‌مانید که چرا محبت مرا نپذیرفت و روی خوش نشان نداد.

تازه این تفاوت فهم در مواردی است که مطلب روشن و خالی از پیچیدگی است. بسیاری از گفتارها و نوشتارهای هنری، ادبی، عرفانی، سیاسی، اجتماعی و دینی به علت طبیعت مطلب، دچار نوعی پوشیدگی و ابهام است، و اینجاست که هرکسی بسته به سابقه فرهنگی و اعتقادات و عادات و گاه علایق و منافع شخصی ممکن است برداشت کاملاً متفاوتی داشته باشد.

مطالب عرفانی و اشعار بسیاری از شعرای فارسی‌زبان، چون حافظ شیرازی، همیشه مبهم و اسرارآمیز است. این اشعار خواننده را به گُلستان درونی شاعر می‌برد که هر گُلی را خود می‌پسندد بچیند و ببرد. به عبارت دیگر، هرکسی از شعر حافظ بر حسب فرهنگ و عقیده خود برداشت دیگری دارد، و به همین علت است که همه او را می‌پسندند، همه از او راضی و وی را ستایشگرند.

بیشتر نوشته‌های فلسفی و دینی نیز از همین دست است. هگل در این زمینه شهرت خاصی دارد. معروفست که یکی از شاگردانش معنی جمله‌ای را از یکی از مقالات وی از او جویا شد. فیلسوف مروی به نوشته کرد و گفت: «وقتی می‌نوشتم معنی آن بر خداوند و بر من معلوم بود، اکنون فقط بر خداوند معلوم است.»

کالبدشناسی ترجمه را می‌توان در سه مرحله خلاصه کرد:

- ۱- مطالعه متن نوشته اصلی بوسیله مترجم.
 - ۲- فهم و جذب معنی؛ در این مرحله سابقه فرهنگی و جهان‌بینی مترجم کم و زیاد تأثیر دارد.
 - ۳- بازگویی و یا بازنوشت مطلب به زبانی دیگر، در این مرحله مترجم ناچار آنچه را از مطلب فهمیده و کمابیش با سابقه فرهنگی و احساس خویش آمیخته، باز می‌گوید.
- بنا بر این، مترجم کمتر نقش عکاس را ایفا می‌کند، و بیشتر چون نقاشی است که احساس خود را از آنچه دیده است، باز می‌تاباند و ترجمه او نوعی ترجمه احساسی (امپرسیونیستی) است. گاه باورهای مترجم چنان جزئی بر وجودش مسلط است که جدا از سابقه فرهنگی و احساس طبیعی او، وارد مطلب می‌شود، و نوعی ترجمه انتقالی (اکسپرسیونیستی) که رنگی از باورهای مترجم، و به بیان دیگر، تعبیر و تفسیرهای او دارد، بوجود می‌آید. البته برای سبک‌های مختلف ترجمه در زبان فارسی اصطلاحات دیگری معمول است:

- ترجمه سردستی: که به سرعت و بدون صرف دقت کافی برای استفاده فوری انجام می‌شود.
- ترجمه تحت اللفظی: که ترجمه لغت به لغت است و معمولاً در زبان دوم مفهوم درستی به دست نمی‌دهد؛ ترجمه‌های کامپیوتری از این مقوله است.
- ترجمه آزاد: که حاوی جان کلام اصلی است که با کسر و اضافه‌هایی از طرف مترجم ارائه می‌شود. این نوع ترجمه در مورد داستان‌ها و مطالب ادبی و حماسی معمول و مقبول است، و در آن شیوایی بر امانت مقدم است. ما سطوح مختلف این ترجمه را احساسی و انتقالی نامیدیم.
- ترجمه اقتباسی و یا استقبالی: که بهتر است آن را اقتباس یا استقبال بنامیم تا ترجمه. این نوع ترجمه ارتباطی با اصل دارد ولی کسر و اضافه‌ها و تفاوت‌های آن زیاد است، بطوریکه می‌توان آن را متأثر از اصل دانست، نه ترجمه آن. آنچه فیتز جرالده انگلیسی از اشعار عمر خیّام ارائه می‌کند از این دست است.
- ترجمه رسمی: که دقیق است و امانت را بر شیوایی مقدم می‌دارد، ولی ترجمه لفظ به لفظ نیست. این ترجمه اگر به تصدیق مقامات مسئول برسد، بجای اصل می‌نشیند، و در مورد اسناد رسمی و

قراردادهای بین‌المللی معمول و مرسوم است.

● ترجمه نیمه رسمی: شبیه ترجمه رسمی است ولی بدون تصدیق مقامات رسمی و قبول مسئولیت از طرف آنان. این نوع ترجمه برای آثار دینی مناسب‌ترین روش است.

در مورد آثار دینی، مترجم خوب کسی است که سعی کند باورها و حتی احساس و فرهنگ شخصی را در موقع ترجمه به یک سو نهد و مانند عکاس عمل کند تا نقاش احساسی یا انتقالی. امانت در اینگونه ترجمه باید به حدی باشد که اگر در اصل ابهامی هست، آن ابهام در ترجمه نیز منعکس شود؛ نه آنکه آن مشکل بوسیله و به سلیقه مترجم گشوده شده باشد. همانطوری که ذهن خواننده اصل برای فهم و رفع ابهام فعال می‌شود، باید ذهن خواننده ترجمه نیز به حرکت آید.

اگر مترجم در هر دو زبان یکسان مهارت ندارد، باید به زبانی ترجمه کند که در آن ماهر است، و برای زبان دیگر همکاری ماهر در آن زبان انتخاب نماید. ترجمه دو نفری در غرب رواج یافته است. باید پذیرفت که در ترجمه شیوایی و امانت را مشکل می‌توان یکجا جمع کرد. گاه امانت مهم‌تر است، مانند ترجمه‌های حقوقی، سیاسی، تاریخی، تجاری و مذهبی؛ و گاه شیوایی مانند ترجمه‌های ادبی، داستان‌ها، حماسه‌ها، نمایشنامه‌ها و اشعار.

اگر هدف ترجمه این باشد که همه زیبایی‌ها و خصوصیات و اشاره‌ها و استعاره‌های اثری از زبانی به زبان دیگر نقل شود، دست کم در مورد شاهکارهای ادبی، حصول این مقصود محال می‌نماید. هنگام تغییر ظرف زبان، هزاران زیبایی فرار از دست می‌رود. مترجم هر چند دقیق و امین باشد و صمیمانه به کار خود عشق ورزد، نمی‌تواند بر بسیاری از این ضایعات راه بندد. شاهکارهای ادبی، عرفانی، حماسی، مناجات‌ها و اشعار مذهبی چنان آکنده از زیبایی و موسیقی کلام و سحر شاعرانه و غنای تخیل و ابداع هنرمندانه است که مترجم در هر جمله، در هر بیت و مصراع، به جستجو و کوشش بزرگی خواننده می‌شود. کوششی که اگر در جایی که رضایت نسبی حاصل است، رها نگردد، هرگز پایانی نخواهد داشت. بخشی از این شاهکارها نوعی است که هیچ مترجمی به داخل آن راه نمی‌یابد و هیچ ترجمه‌ای نمی‌تواند زیبایی و آهنگ و هیمنه آن را محفوظ بدارد.

این زیبایی و عظمت از مجموعه عواملی سرچشمه می‌گیرد که بدون همگی آنها به زبانی دیگر، به علت تفاوت خصوصیات و کلمات و ترکیبات زبان‌ها و نیز به جهت اختلاف فرهنگ‌ها، امکان عملی ندارد. در برون و در درون معنی ظاهری عبارات و گاه کلمات، زندگی پرشکوه و روح مرموزی موج می‌زند که در ترجمه مشکل بتوان به آن راه یافت. اگر این روح به درستی درک شود و با رعایت امانت به بهترین وجه ممکن به زبانی دیگر منتقل گردد، مترجم به کمال آرزوی خود رسیده است.

همین عوامل سبب شده است که آثار ارزنده مرتباً تجدید ترجمه شود. تراژدی مکبث، اثر جاویدان شیکسپیر (Shakespeare) بیش از دوازده بار بوسیله مترجمین مختلف به زبان فرانسه ترجمه شده از جمله ترجمه موریس مترلینگ نویسنده شهیر بلژیکی از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار است.

در اینجا باید گفت که ترجمه با آنکه با مشکلات فراوان و موانع بزرگی روبروست، دست کم دارای این امکان و مزیت است که مترجم می‌تواند مطالب را در قالب زبان روز بریزد، و از شوق و ذوق خواننده به مطالعه نوشتارهای روان با واژه‌های آشنا سود برد. منظور از زبان روز زبانی است که اکثر مردم، و نه تنها ادبا و فضلا، با آن آشنایی دارند. زبان روز از لغت‌های پیر یا مرده پیراسته و به واژه‌های جوان و زنده آراسته است.

مترجم باید زبان روان روز را در حد بالای شیوایی و رسایی، و نه در حد پائین ابتذال و بازاری، پذیرا باشد، و در این مورد از هرگونه تعصبی پرهیز کند. روزنامه تایمز انگلستان (*The Times*) در شماره ۲۹ ژانویه ۱۹۹۹ خود گزارش داد که زبان سنتی حقوقی که در دادگاه‌های انگلستان معمول است بزودی تغییر خواهد کرد و بجای واژه‌های کهنه و مرده و عبارات لاتینی واژه‌های متداول و قابل فهم عمومی در سندی هشتصد صفحه‌ای رسماً از طرف مقامات دولتی ابلاغ خواهد شد و قضات و وکلا و دیگر نفوس ذینفع برای دوره انتقالی فقط دو ماه فرصت خواهند داشت. دیگر باید بجای "Writ" واژه "Claim Form" و بجای "In Camera" اصطلاح "In Private" را به کار برد.

اگر انگلیسی‌های محافظه کار و سنت پرست نفع خود را در آن دیده و یا ناچار از آن شده‌اند که در جهت قانون طبیعت حرکت کنند و به این تحوّل اجباری زبان تن در دهند، چرا ما نباید در زبان فارسی به چنین تعبیراتی رضایت دهیم. اگر مترجم در این موارد دچار و گرفتار تعصب باشد و با تحوّل طبیعی زبان پیش نرود از آنچه مورد فهم عموم است دور خواهد شد. این فاصله‌گیری در زبان فارسی در هر جهتی دیده شده است. بعضی تعصب دارند فارسی سره بنویسند، و واژه‌هایی را به کار می‌برند که اگر هم صحیح و سابقه‌دار باشد، مفهوم عموم نیست. آخشیح به معنای عنصر، نابیوسیده به معنای غیر منتظره، سگالش به معنای اندیشه و فکر، یادافراه به معنای مجازات، کانا به معنای ابله، هوده به معنای سود و امثال این کلمات مفهوم عموم نیست.

بعضی بر عکس در به کار بردن واژه‌های فرنگی اصرار دارند. بدین جمله توجه کنیم که از یکی از نشریه‌های فارسی گرفته شده است: «این ارگانیزاسیون با کونکسیون‌های میلیتاریستی و ماکیاولیسی خود کاریکاتوری از دموکراتیزم اپوزیسیون بدست می‌دهد.» جوانی فارغ التحصیل دانشگاه معروف ام. آی. تی تازه از شهر بوستون امریکا به ایران مراجعت کرده در دانشگاه صنعتی آریامهر استادیار شده بود. در یکی از مجامع بین دانشگاه‌ها که بنده نیز حاضر بودم، این استادیار جوان حتی افعال را به انگلیسی بیان می‌کرد و بر این تصوّر واهی بود که فارسی صحبت می‌کند. «ما در کلاس روم (classroom) ویت (wait) کردیم تا تیچر (teacher) ارایو (arrive) کرد و لکچر (lecture) خود را استارت (start) کرد...» رئیس دانشگاه جندی شاپور اهواز که مردی وارسته و فرهیخته بود، در آن مجمع حضور داشت، طاقت نیاورد، سخن این جوان مستفرنگ را قطع کرد که آقا جان این زبان ماساچوستی (ماساچوست نام ایالتی در امریکاست که بسیاری از دانشگاه‌های بنام و از جمله ام. آی. تی را در خود جای داده است.) را رهاکن و

فارسی حرف بزَن.

به گفته استاد فقید دکتر ذبیح‌الله صفا: «روزهایی بود که گرایش به دشت سواران نیزه گذار عرب زبان ما را دستخوش ترکتازی زبان تازی کرده بود. در دوران معاصر ویای غرب‌زدگی به جان کلمات و عبارات فارسی افتاده و چون مرضی مسری به هر جزیی از گفتار و نوشتارها نفوذ کرده است.»

کاربرد کلمات و عبارات و اصطلاحات عربی که در زمان قاجارها معمول و متداول بود، با روی کار آمدن سلسله پهلوی سیری نزولی در پیش گرفت بطوریکه بسیاری از آن لغات و عبارات در نیمه دوم قرن بیستم دیگر نه مفهوم است و نه مقبول. برای مثال کافی است به یک سند رسمی انتقال ملک که گویا هنوز هم به سبک سابق نوشته می‌شود مراجعه کنیم. جمله «اسقاط کافهٔ خیارات از طرفین شد.» را مردم معمولی نمی‌فهمند. می‌گویند صاحب کافه‌ای محلی تازه برای کار خود خریداری کرد و سند انتقال در یکی از دفاتر اسناد رسمی تنظیم شد. سردفتر بنا بر مسئولیتی که داشت متن سند را برای خریدار کم‌سواد برخواند و پرسید که آیا مطالب مندرج در سند را فهمیده است. «البته که فهمیدم.» جواب خریدار بود. سردفتر در فهم صاحب کافه شک داشت. برای محکم‌کاری سؤال کرد که منظور از «اسقاط کافهٔ خیارات علی‌الخصوص خیار غبن» چیست؟ خریدار ساده‌لوح جواب داد که منظور این است که در کافه‌ای که خریده‌ام نباید «خیار اسقاط» به مشتری بدهم ولی تا کنون به خیاری به نام «خیار غبن» برنخورده‌ام.

آیا درست است که عبارت *was written* بجای «نوشته شد» و *حدّا کثر* «مَرقوم شد» به «اتفاق افتاد» ترجمه بشود، بر این اساس که سعدی در دیباچهٔ گلستان آورده است؟ اینگونه ترجمه‌ها از حدّ کج‌سلیقگی و تعصّب زبانی و علم‌فروشی فراتر می‌رود، چه مطلب اصلاً مفهوم خواننده نمی‌شود. ارتباط زبان عربی و فارسی بسیار پیچیده و حسّاس و دائماً در معرض تغییر و تحوّل است. هرچند بسیاری از لغات عربی چنان در زبان فارسی معمول و متداول شده است که نمی‌توان و نباید آنها را جدا کرد ولی این امتزاج بدان معنا نیست که هر واژهٔ تازی را وارد زبان فارسی کنیم و یا تصوّر نمایم که زبان فارسی برخلاف دیگر زبان‌های دنیا در مسیر زمان تغییر نمی‌کند. در زبان فارسی در حالیکه صیغه‌های «مُضحک» و «مضحکه» معمول است، ریشهٔ ضحک ناشناخته و غیرمعمول است. ملّت‌های عرب زبان حتّی بین خود مشکل زبانی دارند. عرب زبان عراقی قادر نیست با عرب زبان مراکشی به سهولت مکالمه کند. کوتاهی این سخنرانی فرصتی برای بحث در چگونگی ارتباط زبان فارسی و عربی باقی نمی‌گذارد. منظور تنها تأکید این مزیت ترجمه است که مترجم می‌تواند و شایسته است مطالب را در قالب زبان روز بریزد.

برای استفاده از این مزیت، می‌توان و بلکه باید هر وقت زمان اقتضا کند، از نوشته یا کتاب مورد نظر، ترجمه‌ای جدید ارائه کرد و بدین ترتیب ترجمه را همواره تر و تازه و قابل استفاده نگاه داشت. ویرایش متون قدیمی هر زبان در موقع تجدّد چاپ نمی‌تواند از حدّ اضافه کردن پیشگفتار جدید و پانویس‌ها و فهرست‌ها و توضیح واژه‌های کهنه و مرده و فصل‌بندی و امثال این اضافات که مطالعه و فهم

مطلب را برای خواننده آسان‌تر می‌کند فراتر رود ولی در ترجمه دست ما باز است. در سال‌های اخیر ترجمه جدیدی از کتاب انجیل به فارسی منتشر شده است.^{۳۳} این ترجمه از روی متن یونانی که قدیمی‌تر و معتبرتر از متن عبری است صورت گرفته است و با ترجمه سابق تفاوت‌هایی دارد. حضرت عبدالبهاء در مفاوضات مبارک آیات چندی از ترجمه قدیم فارسی انجیل را نقل فرموده‌اند که جا دارد وقتی این اثر مبارک تجدید طبع می‌شود، ترجمه جدید نیز در حاشیه درج گردد. مثلاً آنجا که حضرت عبدالبهاء آیه اول از باب یازدهم مکاشفات یوحنا را (کتاب مفاوضات فارسی، ص ۳۵) نقل می‌فرماید: «و نئی مثل عصا به من داده شد و مرا گفت برخیز و قدس خدا و مذبح و آنانی را که در آن عبادت می‌کنند پیمایش نما...» در ترجمه جدید به این صورت آمده است: «به من چوب بلندی که مانند چوب اندازه گیری بود، دادند و گفتند برو معبد خدا و مذبح را اندازه بگیر و عده عبادت‌کنندگان را بشمار...»

در اینجا باید به نکته‌ای ظریف و قابل اهمیت اشاره شود که هر چند حضرت عبدالبهاء از ترجمه قدیم که تنها ترجمه موجود در آن زمان بوده است، نقل قول فرموده‌اند، ولی این دلیل بر آن نیست که بر آن ترجمه و یا اصلی که از آن ترجمه شده است، صحه گذارده‌اند. نقل قول دلیل علاقه به موضوع است ولی دلیل بر تأیید صحت آن نیست. بر همین اساس است که مطبوعات بعضی از مطالب مورد نظرشان را به صورت نقل قول با ذکر منبع منتشر می‌کنند تا در مقابل قانون مسئول نباشند. این روش از قدیم معمول بوده است.

وقتی حضرت ولی امرالله کتاب ایقان را ترجمه می‌فرمودند از جورج تانزند که با زبان یونانی و ادبیات کلیسایی آشنایی داشت، خواستند که در مورد آیه‌هایی از کتاب مقدس که جمال مبارک از ترجمه عربی در کتاب ایقان نقل فرموده‌اند، به اصل یونانی مراجعه کند تا اگر اختلافی باشد از متن یونانی که اعتبار بیشتری دارد به انگلیسی ترجمه شود. به بیان دیگر حضرت ولی امرالله نقل قول جمال مبارک را دلیل بر صحت و قطعیت ترجمه عربی کتاب مقدس ندانستند و ما نیز در ترجمه‌ها باید همین رویه را دنبال کنیم. در ارتباط با مطالبی که بیان شد مایلم به کتابی اشاره کنم که آقای گیدون توری (Gideon Toury) تحت عنوان "در جستجوی فرضیه‌ای برای ترجمه" در سال ۱۹۸۰ به زبان انگلیسی انتشار داده است.^{۳۴} نویسنده کتاب برای فن ترجمه دو قطب مقابل هم منظور می‌دارد:

اول- قطب معقول و عاری از هرگونه احساس و نظر شخصی (Objective) که نمونه آن به نظر بنده ترجمه کامپیوتری است که طبق قوانین معینی عمل می‌کند و شاید عنوان "ترجمه تحت اللفظی" برای آن مناسب باشد.

دوم- قطب احساسی که تابع نظر و فرهنگ مترجم است (Subjective) و در این مقاله آن را احساسی یا انتقالی نامیدیم.

نویسنده سپس متذکر می‌شود که در عمل، کار ترجمه در نقطه‌ای یا حالتی بین دو قطب مذکور صورت می‌گیرد. به بیان دیگر نه کاملاً در قطبی که تنها تابع قوانین خشک و غیر قابل تغییر است و نه کاملاً

در قطبی که فقط تابع احساسات و فرهنگ مترجم است، بلکه در نقطه‌ای بین این دو قطب که موقعیت آن نقطه به نوع مطلبی که باید ترجمه شود، مربوط است. او معتقد است که برای هر یک از این نقاط یا حالات بین دو قطب نیز قواعد نرمی موجود است که جایی برای احساسات و فرهنگ مترجم باقی می‌گذارد و میزان این نرمش طبعاً به نزدیکی یا دوری نقطه یا حالت ترجمه از دو قطب بالا وابسته است. بنا بر این باید قبل از شروع به ترجمه دو مطلب زیر را مورد توجه قرار داد:

اول- مناسب‌ترین نقطه یا حالت را بین دو قطب مذکور برای مطلب مورد ترجمه تعیین کرد. مثلاً برای ترجمه داستانی حماسی، نقطه‌ای نزدیک تر به قطب احساسی، و برای ترجمه متنی حقوقی یا دینی، نقطه‌ای نزدیک تر به قطب معقول را برگزید.

دوم- قواعد انعطاف‌پذیر مربوط به این نقطه یا حالت را جستجو و معین کرد. سپس در چهارچوب آن قواعد کار ترجمه را انجام داد.

حال بعد از اشاره به این مطالب کلی برگردیم به ترجمه‌های فارسی که از آثار انگلیسی حضرت شوقی ربّانی در دست داریم. جان کلام را در شش قسمت فشرده بیان می‌کنیم:

اول- جز در دو مورد که دو ترجمه مختلف در دست است، ترجمه‌های دیگر فقط یک نوبت انجام شده و بنا بر این از مزیت مهمی که تجدید ترجمه در اختیار ما می‌گذارد استفاده قابل ملاحظه‌ای به عمل نیامده است. دو مورد مزبور مربوط است به ترجمه توفیق تولد مدینت جهانی مورخ ۱۱ مارچ ۱۹۳۶ و ندا به اهل عالم که جناب فتح اعظم ترجمه دومی ارائه کرده‌اند.

دوم- با آنکه بعضی یا بسیاری از توفیعات مبارک به فارسی ترجمه شده ولی هنوز تعداد قابل ملاحظه‌ای از این توفیعات که جنبه عمومی دارد به فارسی در نیامده است، و اگر ترجمه بعضی از آنها در مجله اخبار امری ایران و نشریات مشابه آن منتشر شده باشد، اکنون در دسترس پژوهندگان و علاقمندان نیست.

سوم- بعضی از این ترجمه‌ها طبق اظهار صریح مترجمین در مقدمه یا پیشگفتار، آزاد، مضمونی و حتی اقتباسی است و بنا بر این از نوع احساسی و یا انتقالی است. مترجم کتاب قرن بدیع که روش مذکور را اختیار کرده در موارد متعددی بخشی از کلمات و عبارات مبارک را تا نزدیک بیست درصد به تشخیص خود حذف نموده و کلمات و عبارات زیادی تا حدود چهل درصد به سلیقه خویش بر آن افزوده است، شاید برای آنکه ترجمه شباهت بیشتری به نوشته‌های فارسی حضرت ولی امرالله پیدا کند.

اینگونه ترجمه‌ها هرچند می‌توانند مفید واقع شود و جان کلام مبارک و روح مطلب ایشان را تا حدی منعکس سازد ولی ما را از ترجمه کامل و دقیق آن توفیعات به روش نیمه رسمی بی‌نیاز نمی‌کند. ما نمی‌توانیم در گفتار و نوشتار خود از ترجمه‌های آزاد به نام حضرت شوقی ربّانی به صورتی قطعی نقل قول کنیم، زیرا چنانکه گذشت، فرهنگ مترجم و به عبارت ساده‌تر، تعبیر و تفسیر مترجم را به همراه دارد. حد اکثر می‌توانیم بگوییم که حضرت شوقی ربّانی در توفیعی انگلیسی مطالبی بیان فرموده‌اند که

مضمون تقریبی آن به ترجمه فلان شخص چنین است، چه مترجم دیگری ممکن است مضمون تقریبی دیگری به دست دهد که با نوشته مترجم اول انطباق کامل نداشته و احیاناً مغایر باشد.

اگر به ترجمه‌های حضرت شوقی ربّانی از آثار و الواح فارسی و عربی به انگلیسی توجه کنیم، ملاحظه می‌کنیم که آن ترجمه‌ها از نوع آزاد و مضمونی نیست، تحت اللفظی هم نیست، متمایل به روش نیمه رسمی است. حضرتش در این ترجمه‌ها همواره امانت را بر شیوایی مقدم داشته‌اند، و انطباق ترجمه با اصل از جمله در مورد کتاب ایقان شگفت‌آور است. کتاب مستطاب اقدس بر اساس همین روش به انگلیسی ترجمه شده و در آن اصل امانت در درجه اول اهمیت قرار گرفته است.

ترجمه مضمونی هر قدر هم دقیق باشد، ممکن است سوء تفاهماتی را سبب شود. برای نمونه مثالی از مترجمینی دیگر و کتابی دیگر مذکور می‌گردد هر چند اینگونه مثال‌ها در ترجمه‌های توقیعات مبارک کمیاب نیست. کتاب دیانت بهائی، آئین فراگیر جهانی (*The Bahá'í Religion, The Emerging Global Religion*) به فارسی روان ترجمه شده است. در صفحه ۱۳۴ آن کتاب جمله زیر آمده است:

"Bahá'ís believe, while local and secondary Houses of Justice will be under the guidance of God, the decisions of the Universal House of Justice are uniquely inspired and authoritative."

در ترجمه فارسی آمده است: «اهل بهاء معتقدند گرچه بیوت عدل خصوصی و محلّی در ظلّ هدایت حقّ تعالی می‌باشند، ولی این تنها بیت العدل اعظم الهی است که مرجع ملهم و مصون از خطا بوده و تصمیمات آن قطعی، معتبر و لازم الاجراست.» (صفحه ۱۷۸)

این ترجمه مضمونی و از نوع احساسی است یعنی مترجم جمله انگلیسی را خوانده و آنچه را خود فهمیده به فارسی بیان کرده است. فارسی‌زبانی که جمله بالا را می‌خواند با توجه به کلمه "تنها" که با کلمه "این" مورد تأکید قرار گرفته است به این مفهوم مخالف می‌رسد که: «بیوت عدل خصوصی و محلّی ملهم نیستند و تصمیماتشان قطعی و معتبر و لازم الاجرا نیست.» در حالیکه در متن انگلیسی چنین چیزی گفته نشده است و ما می‌دانیم که بیوت عدل خصوصی و محلّی که همان محافل روحانی ملی و محلّی‌اند هر چند مصون از خطا نیستند، می‌توانند جاذب الهامات الهی باشند و تصمیماتشان در بسیاری از موارد قطعی، معتبر و لازم الاجراست.

ترجمه زیر از جمله بالا هر چند از شیوایی دور است ولی به امانت نزدیک است و مطلب را بطوری که نویسندگان بیان کرده‌اند، بازگو می‌کند: «اهل بهاء معتقدند که هر چند بیوت عدل محلّی و خصوصی در ظلّ هدایت حقّ قرار دارند، ولی تصمیمات بیت العدل اعظم به وجهی یکتا و بی سابقه متأثر از الهام الهی و واجد اعتبار است.»

عنوان مجموعه *Call to the Nations* را مترجم دوم ندا به اهل عالم ترجمه کرده که منطبق با اصل

است و هیمنه و شیوایی آن را تا حدی در خود دارد. معلوم نیست بر چه اساسی مترجم اول عنوان کتاب را حال و آینده جهان نامیده است که نه تشابهی به اصل دارد و نه تأثیر و قدرت عنوان اصلی را حفظ کرده است. علت تنها روش ترجمه آزاد است که سلیقه شخصی مترجم را وارد ترجمه می‌کند. در پیشگفتار بیت العدل اعظم در مجموعه ندا به اهل عالم آمده است که:

"but the means to achieve it baffle even its most passionate advocates" که ترجمه

نیمه رسمی آن می‌تواند چنین باشد: «ولی چگونگی و سائل تحقق آن [نظم بدیع] حتی پرشورترین طرفدارانش را متحیر می‌سازد.» همین جمله در ترجمه اول چنین آمده است: «ولی حتی پرشورترین طرفدارانش در تحقق چنین نظمی خود را ناتوان می‌یابند.»

این ترجمه بجای آنکه مانند اصل خبر از وقایع و وسائط و وسائل غیر منتظر و متحیرکننده‌ای بدهد که موجب تحقق و استقرار نظم بدیع جهان آرای الهی خواهد شد، تنها از ناتوانی طرفداران پرشور امرش حکایت می‌کند، مطلبی که در اصل مطلقاً مطرح نشده است.

منظور آن است که وقتی مترجم روش ترجمه آزاد را برگزید، هر قدر هم دقت کند، دچار لغزش‌هایی از این قبیل خواهد شد. نتیجه آن است که تصویری که از حضرت ولی امرالله در ذهن فارسی‌زبانان ترسیم می‌شود با آنچه در ذهن غریبان وجود دارد، تفاوت خواهد داشت. به عبارت ساده‌تر آنان هیکل مبارک را نوعی می‌شناسند و ما نوعی دیگر.

چهارم - حضرت ولی امرالله در بسیاری از توقیعات خود جمله‌ها، بندها و گاه صفحاتی از الواح جمال مبارک و حضرت عبدالبهاء را نقل فرموده‌اند. مترجمین به حق سعی دارند که اصل این الواح را یافته و در ترجمه خود بگنجانند. در این مورد مترجم با دو مشکل مواجه است. مشکل اول آنست که بسیاری از این الواح عربی است، و نظر به اینکه بیشتر فارسی‌زبانان با زبان عربی آشنا نیستند، ممکن است به همین علت از مطالعه و فهم ترجمه محروم شوند. جناب فتح اعظم در این مورد روش مناسبی به کار برده است که می‌تواند سرمشقی برای دیگر مترجمین قرار گیرد و آن این است که مضمون جمله‌ها و بندهای عربی را به فارسی روانی در آخر کتاب آورده است. مشکل دوم آنکه اصل بعضی از این الواح بدست نیامده است. در این مورد مترجم ناچار است الواح منتخب را از انگلیسی به فارسی ترجمه کند و در ذیل آن بنویسد "ترجمه". این روش گاهی سبب تحیر خواننده می‌شود، چه خواننده عادی که می‌داند کتاب سراسر ترجمه است، ممکن است از ملاحظه لفظ "ترجمه" در زیر جمله یا بندی خاص دچار تعجب شود و نداند که منظور این است که اصل جمله یا بند مذکور فارسی یا عربی است که یافت نشده است. شاید بهتر باشد الواحی که در توقیعات مبارک نقل شده، اگر اصل آن عربی است و یا بدست نیامده و ناچار باید از انگلیسی ترجمه شود، به صورت مضمون تقریبی به زبان فارسی در ترجمه مذکور گردد تا متن کتاب یکدست فارسی و مطالعه آن آسان و روان باشد، و اصل عربی یا متن انگلیسی الواح مذکور در آخر کتاب به ترتیب شماره ثبت گردد. در این صورت مطالعه کتاب برای عموم علاقمندان از بهائی و غیر

بھائی، عربی دان و نفوسی کہ با عربی آشنایی ندارند، امکان پذیر و سادہ می شود، و ہم زمان اصل الواح نیز در دسترس خواستاران و پژوهندگان قرار می گیرد. جای تأسف است کہ بیشتر مترجمین مضمون الواح عربی را بہ فارسی مذکور نداشته اند و بہ همین دلیل ترجمہ های آنان برای بسیاری از فارسی زبانان، بویژہ غیر بھائیان کمتر قابل استفادہ است. این مشکل بویژہ در ترجمہ قد ظہر یوم المیعاد بہ چشم می خورد و خوانندہ حیران می ماند کہ این ترجمہ برای چہ گروہی نوشته شدہ است.

پنجم: نکتہ قابل ملاحظہ دیگر این است کہ بعضی از مترجمین برخی لغات و عبارات قدیمی و نامأنوس فارسی یا عربی را بہ کار بردہ اند، و معادل متداول آن را بہ صورت زیرنویس بدست دادہ اند. البتہ اگر این لغات و عبارات مربوط بہ الواح و آثار مبارکہ باشد، روش مذکور پسندیدہ است و جز آن چارہ ای نیست؛ ولی اگر مربوط بہ نوشتہ مترجم باشد دست کم بندہ را دچار شگفتی می کند کہ چرا همان معادل مأنوس را بجای اصل مغلّ و نامأنوس نگذاردہ اند. مثلاً در متن واژہ نامأنوس "تشحید" و در پانویس معادل آن "تحریک" را آورده اند در حالیکہ می توانستند "تحریک" را در متن قرار دهند و از لغت نامأنوس "تشحید" صرف نظر کنند. جای دیگر در اصل مرقوم داشته اند "بہ لون اخضر ملون" و در پانویس "سبز رنگ" کہ ترکیبی زیبا و زود فہم است و می تواند بجای اصل بنشیند.

ششم - مشکلات ناشی از سبک نگارش و عدم آشنایی کامل با فرهنگ فارسی یا انگلیسی و دستور زبان است.

● در بعضی ترجمہ ها واژہ هایی کہ بہ کار رفتہ یکدست نیست. مثلاً ہم بعضی کلمات نامأنوس قدیمی چون نطق و مخسوف و متوج و سیطرہ بہ چشم می خورد و ہم واژہ های تازہ و گاہ فرنگی مانند روند و الگو و جہان شمول و میرا و گاہ ترکیبی از لغت قدیمی و واژہ نو مانند "روند لن یتغیر".

● در بعضی موارد بہ نظر می رسد کہ مترجم با معنای ضمنی لغات (Connotation) آشنایی ندارد. بہ عنوان مثال عنایت بہ این ندارد کہ کلمہ "جہان وطنی" در زبان فارسی امروز معنای ضمنی "عدم علاقہ بہ وطن خاص" و "نفی میهن پرستی" را یافته است، و بنا بر این لزومی ندارد برای بیان آنکہ جہان وطن ہمہ افراد بشر است از این واژہ ویژه استفادہ شود. بجای آن می توان گفت "دنیا را یک وطن دانستن" و "جہان را یک میهن مشترک" شمردن.

● مشکلات ترجمہ دو جانبہ است. مترجمین فارسی بہ انگلیسی نیز دچار لغزش هایی شدہ اند. جناب نخجوانی در نطقی کہ گویا در ارض اقدس ایراد کردہ اند و بخشی از آن در کتاب ارکان نظم بدیع (صفحہ ۲۷۴) نقل شدہ است، بیان می کنند کہ:

«وقتی لوح کرمل در زمان حضرت عبدالہاء بوسیله احمد سہراب بہ انگلیسی ترجمہ شد و در مجلہ نجم باختر منتشر گردید، وقتی بہ کلمہ "تجری سفینہ اللہ علیک" می رسد، مترجم نمی دانستہ چطور ترجمہ کند. چون جریان سفینہ بر کوه امر غیر عادی است، لذا مترجم ترجمہ کردہ کہ عنقریب

کشتی‌های عالم به سوی تو، ای کوه کرمل، خواهند آمد. یعنی خیال کرده اشاره است به ورود زائرین و مسافرین و توریست‌ها برای زیارت کوه کرمل... کسی فکر نمی‌کرد که مقصود از این سفینه‌الله بیت العدل اعظم است و متفرعات آن.»

حالا در این مجمع بنده عرض می‌کنم که اگر مترجم برداشت شخصی و تعبیر و تفسیر خود را دخالت نمی‌داد و عین جمله را با آنکه ابهامی در بر دارد، ترجمه می‌کرد، این اشتباه پیش نمی‌آمد که بجای بیت العدل اعظم از توریست‌ها یاد شود. اینگونه اشتباهات درجه اول ناشی از آن است که مترجم با ادبیات دینی شرقی آشنایی چندانی ندارد.

به مورد دیگری نیز بنده برخورده‌ام که به عنوان نمونه ذکر می‌کنم. واژه "قرن" در زبان فارسی دو معنی دارد. یکی سده است یعنی یکصد سال، و دیگر دوره و عصر. کلمه قرن در الواح الهی مکّرر به معنای دوره و عصر به کار رفته است، مانند این قرن بدیع، این قرن عظیم، ای جوانان قرن یزدان. بعضی از مترجمین تصوّر کرده‌اند که در انگلیسی نیز Century هر دو معنی را حاوی است و مثلاً بجای آنکه قرن یزدان را The age of God ترجمه کنند آن را The Century of God ترجمه کرده‌اند. خواننده غربی از کلمه Century منحصرأ یکصد سال، آنهم در تقویم میلادی را فهم می‌کند و با توجه به تاریخ صدور لوح تصوّر می‌کند که در ادبیات بهائی "قرن بیستم" را قرن یزدان می‌نامند و شاید پاپی شود که قرن نوزدهم چه عنوان خاصی دارد.

مورد دیگر دو واژه "حجّ" و "زیارت" است که هر دو به انگلیسی Pilgrimage ترجمه شده است. در نتیجه بعضی از بهائیان غربی تصوّر کرده‌اند که زیارت اعتاب مقدّسه در ارض اقدس "حجّ" محسوبست و طالب لوح "حجّ" شده‌اند که مراسم لازم را در موقع زیارت مقام اعلیٰ و روضه مبارکه بجا آورند. در جهت عکس یعنی در ترجمه از انگلیسی به فارسی نیز در مورد توقیعات حضرت ولی امرالله شبیه اشتباهات بالا مکّرر روی داده است که یا ناشی از عدم آشنایی مترجم با معانی ضمنی واژه‌ها و عبارات انگلیسی و عمق فرهنگ غرب است و یا شاید نتیجه عجله و عادت است. برای مثال تنها یک نمونه ذکر می‌شود.

اصطلاح انگلیسی Commonwealth به معنای اتّحادیّه تعدادی جامعه‌های سیاسی یا غیر سیاسی است که در نقاط مختلف جهان واقع باشند، هر یک در حوزه خود دارای حقوق و استقلال کامل باشند، ولی نظر به وجه مشترکی که با هم دارند و یا چون در مورد یا مواردی مشترک المنافع‌اند، برای شکوفایی آن وجه مشترک و یا حفظ آن نفع همگانی، گرد هم آمده باشند.

در لغت‌نامه فشرده آکسفورد (*The Concise Oxford Dictionary*) نمونه چنین جامعه‌هایی اگر غیر سیاسی باشند، جامعه‌های طالب معرفت و دانش (*The Commonwealth of Learning*) که در سال ۱۶۶۴ تشکیل شد، مذکور است و نمونه جامعه‌های سیاسی و فرهنگی، اتّحادیّه کشورها و مناطقی که در

سابق جزء امپراتوری انگلستان بودند و بعد از جنگ دوّم جهانی به تدریج استقلال کامل یافتند و وجه مشترکشان وابستگی به زبان و فرهنگ انگلیسی است. در لغت‌نامه جدید ریدرز دایجست (*Readers Digest*) (طبع ۱۹۹۶، صفحه ۲۸۶) در تعریف این عبارت جمله زیر آمده است:

Communities or organizations of shared interest یعنی جامعه‌ها یا مؤسسه‌هایی که دارای علائق و منافع مشترک‌اند. بنا بر این ترجمه *The Bahà'ì Commonwealth* که حضرت ولیّ امرالله در تویعات خود مکرّر به کار برده‌اند باید مفاهیم زیر را در بر داشته باشد:

اول- جامعه‌هایی که متعدّدند و در نقاط مختلف جهان پراکنده‌اند.

دوّم- هریک از این جامعه‌ها برای خود مستقلّ بوده، تحت نفوذ و فرمانروایی جامعه‌های دیگر نیستند.

سوّم- این جامعه‌ها دارای وجه و علاقه و نفع مشترکی هستند، که در این مورد تعلق آنها به امر مبارک یعنی بهائی بودن آنهاست.

چهارم- به مناسبت این وجه مشترک این جامعه‌ها اتّحادیه‌ای جهانی با تشکیلاتی جهانی- بیت العدل اعظم و مرکز جهانی بهائی- بوجود آورده‌اند تا با هم هم‌آهنگ و همراه باشند و وجه و نفع مشترک خود را پیوروند. با در نظر گرفتن این چهار مشخصه می‌توان آن را «اتّحادیه جهانی جامعه‌های بهائی» ترجمه کرد. حضرت ولیّ امرالله به دفعات در تویعات خود فرموده‌اند که وقتی این اتّحادیه به مرحله بلوغ رسد و محافل محلی و ملی تبدیل به بیوت عدل محلی و خصوصی گردد، نمونه و الگویی به دنیا ارائه می‌کند که چگونه ملت‌های مختلف و مستقلّ دنیا نیز می‌توانند اتّحادیه‌ای جهانی بوجود آورند و صلح اصغر را عملی سازند و به جنگ و جدال و اختلاف و قتال خاتمه دهند.

در کتاب اقدس و ملحقات آن که اخیراً برای فارسی‌زبانان در آلمان به چاپ رسیده است، در قسمت یادداشت‌ها- یادداشت ۱۸۹ صفحه ۲۳۳- این اصطلاح از یکی از تویعات حضرت ولیّ امرالله «اتّحادیه جهانی بهائی» ترجمه شده است که با عبارت پیشنهادی بنده «اتّحادیه جامعه‌های جهانی بهائی» تقریباً منطبق است (یادداشت ۱۸۹ در ترجمه کتاب اقدس به انگلیسی در صفحه ۲۴۷ و ۲۴۸ آمده است) ولی در ترجمه تویع دور بهائی در سال ۱۹۳۸ بوسیله مترجمی که نامش بر بنده معلوم نیست این اصطلاح «حکومت عالمگیر بهائی» و در جای دیگر تویع «حکومات متّحده بهائی» ترجمه شده و از آن پس یعنی دورانی حدود شصت سال تقریباً همه‌جا بوسیله نویسندگان و مترجمین بهائی نقل قول گردیده است.

واژه "حکومت" در زبان فارسی به معنای دولت است که معادل انگلیسی آن *Government* می‌باشد که از اجزای عبارت *Commonwealth* نیست. بنده وارد بحث آنکه این ترجمه در ذهن فارسی‌زبانان، بویژه اگر غیر بهائی باشند، چه اثری می‌گذارد و به چه تعبیر و تفسیرهای نابجایی منجر می‌شود، نمی‌شوم، فقط مایلیم این واقعیت روشن شود که ترجمه مزبور صحیح نیست و ناشی از عدم آشنایی مترجم یا

مترجمان با عمق معنی و معانی ضمنی این عبارت بوده است، و بنا بر این هرگونه تعبیر و تفسیر و نتیجه گیری که مبنای آن این ترجمه باشد نیز صحیح نخواهد بود.

● مشکل دستور زبان: مترجمینی که سالیان دراز از ایران و مجامع فارسی زبان دور بوده اند و بیشتر با اجتماعات انگلیسی زبان در رفت و آمدند، گاه در ترجمه های خود از دستور زبان انگلیسی پیروی کرده اند. از جمله در آن زبان اسم نامعلوم (نکره) تقریباً همیشه با اضافه کردن حرف تعریف "یک" (a) مشخص می شود، ولی در زبان فارسی، با آنکه در سابق گاهی کلمه "یکی" برای اسم نکره بویژه در شعر به کار رفته است مانند: «یکی گربه در خانه زال بود» (سعدی) ولی در فارسی جدید دیگر از این روش پیروی نمی شود، و اسم را، از جمله، با اضافه کردن "ی" یا در مورد کلماتی که به "ه" غیر ملفوظ ختم می شود "ای" به آخر کلمه به حالت نکره در می آورند مانند: درویشی را ضرورتی پیش آمد (گلستان) نه آنکه یک درویش را یک ضرورت پیش آمد. "یک" را عموماً به معنای عدد واحد در فارسی امروز به کار می برند. «همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار» یعنی همه میوه درخت واحد و برگ شاخسار واحد. آقای پرویز ناتل خانلری در کتاب دستور زبان فارسی مقاله ای در این مورد دارد. او معتقد است که اگر بگوییم: «اگر یک جوان کوشش کند، موفق خواهد شد» صحیح نیست چه "یک" ممکن است مفهومی خلاف مقصود نویسنده به ذهن القا کند، و خواننده پندارد که غرض بیان حکمی یا نسبت دادن امری است به کسی، به شرط یکی بودن، یا تصریح به اینکه بیش از یکی نیست. در مثال بالا خواننده شاید تصور کند که اگر دو جوان کوشش نمایند، حکم دیگری جاری است.

یکی از بهترین مترجمین ما در ترجمه جمله ای از حضرت ولی امرالله آورده است که: «و بالاخره یک وطن پرستی کاذب و جنگاور به یک جهان دوستی و نوع پرستی تبدیل خواهد شد.» او اگر می نوشت: «و بالاخره وطن پرستی کاذب و جنگاور (جنگاور به معنی دلیر و شجاع است و بهتر بود بجای آن کلمه جنگ طلب و یا صلح ستیز را قرار می داد.) به جهان دوستی و نوع پرستی تبدیل خواهد شد.» صحیح تر و بهتر بود.

این قبیل اشتباهات دستوری در ترجمه بیانات مبارک قابل قبول نیست، و جای تعجب است که اعضای هیئت های تصویب تألیفات امری و ویراستارانی که در مورد مقاله های فارسی گاه مته بر خشخاش می گذارند و حتی در سبک و سلیقه نویسنده دخالت می کنند چگونه در مورد ترجمه هایی اعتنا و بی حرکت اند. شاید چون اصل مورد تصویب بوده است، ترجمه را هرچه باشد درست می پذیرند.

خلاصه و نتیجه

در این سخنرانی ابتدا صورت نسبتاً کاملی از توقیعات انگلیسی حضرت ولی امرالله تا آنجا که چاپ و منتشر شده و در دسترس بنده بوده است، ارائه شد، و شرح مختصری در مورد هریک از این توقیعات تا آنجا که وقت اجازه می داد، بیان گردید. ضمناً روشن شد که کدام یک از این توقیعات به فارسی ترجمه

شده و کدام یک هنوز برگردان نشده است. در نتیجه معلوم گردید که بسیاری از این توقیعات هنوز به فارسی درنیامده و ترجمه‌ها جز در یکی دو مورد محدود به یک نوبت بوده است. سپس شرحی کلی در مورد فنّ ترجمه بیان شد و کالبدشناسی ترجمه مورد بررسی قرار گرفت، و بر آن اساس ترجمه‌هایی که از توقیعات مبارک در دست است، ارزیابی گردید. ضمن تقدیر فراوان از مترجمین محترمی که وقت و دانش خود را روی عشق و ایمانشان به امر مبارک صرف این خدمت بزرگ کرده‌اند، بیان شد که روش این ترجمه‌ها از آزاد تا مضمونی و اقتباسی بوده است در حالیکه روش مناسب برای ترجمه توقیعات مبارک که مبین و مکمل آثار حضرت بهاء‌الله و حضرت عبداله‌اء است و باید قرن‌ها راهبر جامعه بهائی و راهنمای جهانیان باشد، روش رسمی یا نیمه رسمی است که کمتر دستخوش برداشت‌های شخصی و تعبیر و تفسیرهای فردی است و بیشتر معرّف شخصیت مبارک است تا چهره مترجم. به بعضی نواقص دیگر نیز چون لزوم توجه دقیق به معانی ضمنی لغات و عبارات چه در فارسی و چه در انگلیسی، و رعایت اصول دستور زبان و تجانس سبک نگارش، اشاره شد.

حال نتیجه می‌گیریم که با آنکه توقیعات عمومی حضرت ولیّ امرالله جزء لا ینفک آثار اصلی امر بهائی است، هنوز ترجمه کامل و دقیقی از این آثار در دست نداریم. آنچه داریم بعضی ترجمه‌های آزاد و اقتباسی است که هرچند سودمند است ولی خالی از نقص و کمبود نیست، و گاه ممکن است سوء تفاهماتی را سبب شود و منظور حضرت ولیّ امرالله را به خوبی نرساند. بنا بر این جا دارد که ترجمه کامل تمام توقیعات عمومی مبارک و بعضی توقیعات خصوصی که نکات عمومی در بر دارد، بر اساس روش رسمی یا نیمه رسمی، شبیه ترجمه کتاب اقدس از عربی به انگلیسی به صورت طرحی دراز مدّت مورد نظر قرار گیرد تا مثلاً طیّ ده سال آینده این ترجمه‌ها به تدریج آماده و در مجلّداتی مشابه با فهرست‌های لازم و کاغذ و جلد و چاپ مرغوب منتشر شود، و مورد استفاده رسمی و نقل قول و استناد باشد. انجام این مهمّ به نظر نگارنده کاری فردی نیست بلکه طرحی است که باید از طرف یکی از مؤسّسات فرهنگی بهائی سرپرستی شود و مترجمین متعدّدی در ظلّ هدایت و دستورالعمل‌های آن مؤسّسه به کار و کوشش دعوت شوند. این طرح چون تهیه دانشنامه‌ای بزرگ است که کاری است گروهی و نیاز به هم‌آهنگ کننده و ورزیده‌ای دارد و جزئیات کار از ادبی و فنی و مالی و زمان‌بندی باید از قبل مرتّب شود. اگر چنین گردد بعد از چندی مجلّدات این ترجمه‌ها یکی بعد از دیگری منتشر خواهد شد و کدام خانواده بهائی فارسی‌زبان است که داوطلب خرید این دوره نباشد و از آن سود وافر و دائمی نبرد.

یادداشت‌ها

1- Shoghi Effendi, *Bahá'í Administration, Selected Messages 1922 - 1932*; first published 1928; revised editions published in 1933, 1936, 1941, 1945; an expanded index was added to the 1968 edition; Four messages included in the 1968 edition, which also appeared in *Messages To America* have been deleted in the 1974 edition; reprinted 1995. Bahá'í Publishing Trust,

Wilmette, Ill. USA, 1995, 209 pages, ISBN: 0-87743-166-3.

2- Shoghi Effendi, *The World Order of Bahá'u'lláh, selected letters*, first published 1938, reprinted 1944, second edition with a new preface 1955, followed by three later reprints, third revised edition 1974, reprinted 1980..., Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Ill. USA, 1980, 234 pages, ISBN: 0-87743-031-4.

۳- نظم جهانی بهائی، منتخباتی از آثار صادره از قلم حضرت ولی امرالله، ترجمه و اقتباس از هوشمند فتح اعظم، مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی، کانادا، ۱۹۸۹، ۲۱۲ صفحه.

4- Shoghi Effendi, *The Dispensation of Bahá'u'lláh*, Bahá'í Publishing Trust, London, first edition 1947, reprinted 1981, 69 pages, ISBN: 0900125-46-2.

۵- دور بهائی، حضرت شوقی افندی، ترجمه لجنة ملی ترجمه آثار امری ایران از زبان انگلیسی، مؤسسه مطبوعاتی بهائی، دهلی جدید، ۱۱۴ بدیع (۱۹۵۸)، نستعلیق هندی، قطع کوچک، ۸۰ صفحه.

۶- دور بهائی، اثر خامه حضرت شوقی ربّانی، ترجمه لجنة ملی نشر آثار امری ایران، نشر سوم (نشر اول در طهران، نشر دوم در دهلی جدید)، لجنة ملی نشر آثار امری به زبانهای فارسی و عربی، آلمان غربی، خط نستعلیق، ۱۹۸۸، ۱۱۷ صفحه با فهرستهای مختلف، ISBN: 3-87037-939-1.

۷- جلوه مدنیت جهانی *The Unfoldment of World Civilization* اثر حضرت ولی امرالله، ترجمه جمشید فنائیان، مؤسسه مطبوعات امری هند در دهلی نو، ۱۹۸۶، ۱۱۱ صفحه.

8- Shoghi Effendi, *The Promised Day Is Come*, first published in 1941 with reprints in 1941 and 1961, revised edition in 1980, Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Ill. USA, 1980, 137 pages, ISBN: 0-87743-132-9.

۹- قد ظهر يوم الميعاد *The Promised Day Is Come* به قلم حضرت شوقی ربّانی، ترجمه از انگلیسی، ۱۹۴۱، ۷۸ صفحه، با ماشین دستی استنسیل تکثیر شده است، نام مترجم نیامده است.

10- Shoghi Effendi, *God Passes By*, Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Ill. USA, revised edition 1979, 436 pages, ISBN: 0-87743-020-9.

۱۱- کتاب قرن بدیع *God Passes By* اثر حضرت ولی امرالله، ترجمه نصرالله مودّت، چاپ دوم با تجدید نظر، مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی، کانادا، ۱۹۹۲، ۸۶۰ صفحه.

12- Shoghi Effendi, *Messages to America 1932 - 1946*, Bahá'í Publishing Trust, Willmette, Ill. USA, 1947.

13- Shoghi Effendi, *Citadel of Faith, Messages to America 1947 - 1957*, Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Ill. USA, first published 1965, third printing 1980, 178 pages, ISBN: 0-87743-011-X.

۱۴- حصن حصین شریعتالله، حضرت شوقی ربّانی، مجموعه توقیعات مبارک حضرت ولی امرالله خطاب به جامعه بهائیان امریکا ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۷، ترجمه فؤاد اشرف، مؤسسه ملی مطبوعات امری آلمان، چاپ اول ۱۹۹۷ در ۲۱۷ صفحه. ISBN: 3-87037-965-0.

15- Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World 1950 - 1957*, Bahá'í Publishing Trust, Willmette, Ill. USA, 1971, 182 pages, ISBN: 0-87743-036-5.

16- *The Advent of Divine Justice to the Bahá'ís in the USA and Canada*, 1938, published by the NSA of the USA, 1939 with further impressions - the third in 1956, new edition in 1963

with indexes, third edition 1969 with a preface by Paul Haney, second impression 1974, 90 pages, ISBN: 0-87743-044-6.

۱۷- ظهور عدل الهی، اثر حضرت شوقی ربّانی، ترجمه نصرالله موّدت از اصل انگلیسی *The Advent of Divine Justice*، نشر اوّل بوسیله مؤسسه مطبوعات امری ایران در طهران، نشر جدید در سال ۱۹۸۵ بوسیله لجنة امور احبّای ایرانی- امریکایی، ۱۸۹ صفحه، تجدید طبع در ۱۹۸۷ و ۱۹۸۹.

18- *Call to the Nations*, Extracts from the Writings of Shoghi Effendi, Bahá'í World Center, printed in Great Britain, 1977, 69 pages, ISBN: 085398-068-3.

۱۹- حال و آینده جهان از دیدگاه آئین بهائی، حضرت شوقی ربّانی، ترجمه جمشید فنائیان از انگلیسی: *Call to the Nations*, One world Publications, Great Britain, 1986, 90 pages, ISBN: 85168-000-4.

۲۰- ندا به اهل عالم، اثر قلم حضرت ولی امرالله، ترجمه و اقتباس هوشمند فتح اعظم از اصل انگلیسی *Call to the Nations* مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی در کانادا، ۱۹۹۳، ۹۵ صفحه.

21- *Unfolding Destiny, the Messages from the Guardian of the Bahá'í Faith to the Bahá'í Community of the British Isles*, Bahá'í Publishing Trust, London 1981, 531 pages, ISBN: 0900125-43-8.

22- *Messages of Shoghi Effendi to the Indian Subcontinent 1923 - 1957*, compiled and edited by Iran Furutan-Muhajir, Bahá'í Publishing Trust New-Delhi, first published 1970, revised and enlarged edition 1995, 469 pages, ISBN: 85091-87-0.

23- Shoghi Effendi, *Messages to the Anitpodes*, edited by Graham Hassal, Bahá'í Publications Australia, 1997, 472 pages, ISBN: 0909991-98-7.

24- *The Light of Devine Guidance, the Messages from the Guardian to the Bahá'ís of Germany and Austria*, Bahá'í Verlag Germany, volume one 1982, volume two 1985.

25- *High Endeavours, Messages to Alaska*, NSA of Alaska, 1976.

26- *Messages to Canada*, NSA of Canada, 1965.

۲۷- حیات بهائی، ترجمه از اصل انگلیسی *The Bahá'í Life*، منتخباتی از توقیعات حضرت ولی امرالله در مورد حیات بهائی، تهیه و تنظیم بوسیله بیت العدل اعظم (انگلیسی و فارسی)، مؤسسه مطبوعات امری ایران، چاپ جدید بوسیله لجنة امور احبّای ایرانی در امریکا، ویلمت ۱۹۸۳، با چاپ بعدی در ۱۹۸۷.

28- *The Dawn-Breakers, Nabil's Narrative of the Early Days of the Bahá'í Revelation*, translated from the original Persian and edited by Shoghi Effendi, Bahá'í Publishing Trust, Wilmette, Ill. USA, first published 1932 with later imprints in 1953, 1962, 1970, 1974; 685 pages, ISBN: 0-87743-010-1.

29- *The Dawn-Breakers*, abridged version, Bahá'í Publishing Trust Great Britain 1953; 507 pages, ISBN: 900 125 225 B 17.

۳۰- مطالع الانوار، تلخیص تاریخ نبیل زرنندی، ترجمه و تلخیص بوسیله عبدالحمید اشراق خاوری از ترجمه عربی، چاپ اوّل بوسیله مؤسسه مطبوعات امری ایران ۱۹۴۸ در ۶۵۱ صفحه، چاپ دوّم ۱۹۶۰، چاپ سوّم ۱۹۷۸، چاپ جدید از روی چاپ ۱۹۷۸ طهران بوسیله انتشارات مرآت در دهلی نو.

31- *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*, translated by Shoghi Effendi, Bahá'í

Publishing Trust Great Britain, first published 1949, revised edition 1978, 350 pages, ISBN: 0 900 125 38I.

۳۲- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، تنظیم از حضرت ولی امرالله که به انگلیسی تحت عنوان *Gleanings...* انتشار یافته است، نشر فارسی از لجنة نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی در آلمان، ۱۹۸۵ در ۲۲۲ صفحه، ISBN: 3-87037-921-9

۳۳- انجیل شریف، ترجمه جدید فارسی از زبان یونانی، انتشارات انجمن کتاب مقدس، طهران، چاپ اول ۱۹۷۶، چاپ سوم ۱۹۸۱، ۷۰۷ صفحه.

34- Gideon Toury, *The Search of a Theory of Translation*, Academic Press, Jerusalem 1980.

فلسفه اخلاق از دیدگاه حضرت ولی امرالله

بهر روز ثابت

در آثار حضرت ولی امرالله آثار فراوان و اشارات متعدّد در باب اخلاق می توان یافت. این اشارات یا در مورد ارزش ها و فضائلی است که بهائیان باید اکتساب کنند و یا در مورد سقوط و تنزل معیارهای اخلاقی در جوامع کنونی عالم انسانی می باشد. هر دو مورد از نظر ایشان مرتبط و وابسته می باشند. یعنی حقیقت اخلاق در دنیای معاصر نشانه بارز آنست که جامعه انسانی نیازمند صفات ممتاز و ارزش های متعالی دیانت بهائی می باشد. اما این صفات و ارزش ها باید در جامعه بهائی پرورش یابند تا این جامعه بتواند نمونه ای از روش نوین اخلاق را به دنیای خارج عرضه کند.

انتقاد شدید ایشان از تنزل مبانی اخلاق در فرهنگ و تمدن معاصر هم صراحت دارد و هم جامعیت. صراحت ایشان رفتار و عقایدی را که با معیارها و ارزش های اخلاقی امر مغایرت دارد مشخص ساخته و اهل عالم را از هر آنچه اصول کلی اخلاق را قربانی و وجه المصلحت نظریات سقیمه و تفاوت های ایدئولوژیک می سازد بر حذر می دارد.

جامعیت کلامشان هم در آنست که با دقت تمامیت جلوه های انحطاط اخلاقی را چه در حیات فردی و چه در روابط اجتماعی تشریح کرده و نشان می دهند که چگونه ضعف اخلاقی دامنگیر کلیه مؤسسات بشری گشته و توازن ساختارهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی آن را برهم زده است. حضرت ولی امرالله این مطالب را چنین بیان می فرمایند:

«ای یاران عزیز افسوس که عالم بشریت چه از لحاظ اخلاق انفرادی و چه از حیث روابط اجتماعی چنان از راه راست منحرف گشته و چنان رنج کشیده که به هیچ وجه حتی مساعی و تدابیر

سیاستمداران و زمامداران بی طرف و خوش نیت و ساعی و فداکار نیز نمی تواند به نجاتش پردازد. نه طرح‌ها و نقشه‌هایی که سیاستمداران و الامقام کشیده باشند و نه مبادی و اصولی که خبرگان بلند پایه علم اقتصاد وضع کرده باشند و نه تعالیمی که اخلاقیون در ترویجش کوشا هستند هیچیک نمی تواند بالمآل اساس و شالوده متینی را تدارک بیند که بر آن بتوان آینده این جهان آشفته را بنا نمود.

هرگز اصرار و الحاح خردمندان خوش نیت که مردمان را به بردباری و تفاهم نسبت به هم دعوت می نمایند جهان را آرام نسازد و تاب و توان از دست رفته‌اش را باز نگرداند. هرگز طرح نقشه‌های کلی و عمومی در تعاون و تعاضد بین المللی، هر قدر وسیع و دوراندیش باشد، ریشه فساد را که موازنه جامعه کنونی را برهم زده قلع و قمع نتواند... پس دیگر چاره‌ای نمی ماند مگر آنکه طرحی الهی را که حضرت بهاء الله در نهایت وضوح و بساطت در قرن نوزدهم اعلان فرموده به دل و جان بپذیریم زیرا آن طرح محتوی نقشه‌هایی است که خداوند متعال جهت حصول وحدت بشر در این عصر و زمان ارائه فرموده و هر یک از اجزاء مرکبه‌اش قادر است در مقابل نیروهای جانکاهی مقاومت نماید که اگر چاره نشود جسم علیل و مأیوس جامعه انسانی را به کلی به تحلیل خواهد برد.^۱

اما حضرت ولی امرالله را نمی توان تنها یک فیلسوف اخلاقی به شمار آورد. ایشان مسئولیت تبیین آیات و حفظ و صیانت و گسترش امر الهی را بر عهده داشتند. لذا می توان گفت که نظریات اخلاقی ایشان و مشاهداتشان از شرایط نابسامان تمدن مادی عصر حاضر انعکاسی از وظیفه اصلیشان به عنوان مبین آیات و مربی اخلاق در جامعه بهائی می باشد. یعنی مسئولیت تبیین و ولایت در نفس خود شامل یک تربیت اخلاقی می باشد. تربیتی که بایستی با افزایش شناخت و آگاهی از مظهر ظهور آغاز شود و سپس در حیات اجتماعی در قالب روابط و مؤسسات انسانی به صورت فضائل اخلاقی ظاهر شود. نکته دیگر آنکه تعریف دیدگاه اخلاقی حضرت ولی امرالله خارج از منظومه تعالیم جمال مبارک و توضیحات و آثار حضرت عبدالبهاء امکان پذیر نیست. تعالیم طلعات مقدسه این دیانت حلقات گسسته‌ای نیستند بلکه جلوه‌های یک حقیقت کلی واحد می باشند. پس ویژگی‌های دیدگاه اخلاقی حضرت ولی امرالله را بایستی در قالب جهان بینی کلی دیانت بهائی و جریان تکامل ارگانیک تعالیم آن جستجو کرد. حال جنبه‌هایی از دیدگاه اخلاقی حضرت ولی امرالله را مورد مطالعه قرار می دهیم.

۱- اخلاق و روحانیات

اهل مذهب و الهیون و فلاسفه ایدآلیست، خدا و مذهب و حقایق روحانی را مبدأ اخلاق و انگیزه عمل به تعالیم اخلاقی دانسته‌اند. فلاسفه مادی‌گرا که به تبع سنت فکری خود منکر وجود خدا و حقایق نامحسوس روحانی هستند اخلاق را مجموعه عقاید و ارزش‌هایی می دانند که بشر در اثر تجربه در طول تاریخ حیات اجتماعیش آموخته است. بر خلاف مذهبیهون که ارزش‌های اخلاقی را دارای مطلقیت

می‌دانند، مادیون آن ارزش‌ها را تابع شرایط محیط دانسته، معتقد به تغییر و تحوّل آنها در بستر زمان و تجربه هستند.

پس می‌توان نتیجه گرفت که جدال مابین دو مکتب اخلاق در حقیقت ریشه در تضاد فکری و فلسفی مابین دو تعبیر از واقعیت هستی دارد: تعبیر روحانی و تعبیر مادی. از دیدگاه حضرت ولیّ امرالله هر دو تعبیر در قالب سنتی‌شان نیاز به اصلاح و بازسازی دارند. تعبیر روحانی نیازمند آنست که تحوّل و تکامل را به عنوان اصل حاکم بر حیات مادی و اجتماعی بپذیرد تا بتواند از قشری‌گرایی و سکون فکری بپرهیزد. تعبیر مادی باید عامل روحانی را به عنوان اصل متعالی و ارتقاء دهنده ارزش‌ها مورد تأیید قرار دهد تا خود را از تنزّل در مادی‌گرایی بحت نجات بخشد. لذا روحانیت و اخلاق از طرفی هماهنگ و یگانه‌اند و از طرف دیگر دو واقعیت جدا و مستقلّند. روحانیت و اخلاق را واقعیت یگانه‌ای می‌دانیم چرا که اخلاق همان جلوه روحانیت در حیات اجتماعی و روابط انسانی می‌باشد که به صورتی تکاملی قوای مکنونه‌اش را به عرصه شهود آورده است. روح و اخلاق را از یکدیگر تمایز می‌دهیم و دو واقعیت مستقلّ می‌شماریم چرا که روح بایستی استقلال خود را حفظ کند تا همواره بتواند همچون مغناطیس ارزش‌های اخلاقی را به سوی عوالم و آرمان‌های لانه‌ای روحانی ارتقاء دهد.

۲- بُعد اجتماعی و مسئله اقتصاد الهی

آثار حضرت ولیّ امرالله بنا بر سنت آئین بهائی مبدأ اخلاق را در حقائق روحانی وجود جستجو می‌کند اما در عین حال به طرزی بدیع آن را مقوله‌ای اجتماعی و تاریخی نیز محسوب می‌دارد. اشاره ایشان به اقتصاد الهی نظمی را برای آینده جهان تصویر می‌کند که از طرفی زندگی اقتصادی و ایجاد تعادل و تبادل هیئت جامعه را در بر دارد و از طرف دیگر معطوف به ارزش‌های اخلاقی می‌باشد.

می‌دانیم که روابط اجتماعی از ابتدائی‌ترین نظام‌های تاریخی تا پیچیده‌ترین اشکال تمدنی آن بر رابطه و پیوند مشترک انسان‌ها و جریان ناگسستنی تبادل یعنی دادن و گرفتن استوار بوده است. این تبادل که ناشی از خواصّ لازمه هیئت جامعه می‌باشد در وهله اول در روابط مادی و اقتصادی ظاهر می‌شود و سپس در مراتب فرهنگی امتداد می‌یابد. فعالیت‌های اقتصادی در تعریف کلی شامل تلاش‌هایی می‌شود که اشکال و انحاء مختلف تبادل را در طول تاریخ به نمایش می‌گذارد. به زبان دیگر جنبه مادی حیات اجتماعی انعکاسی از روابط اقتصادی می‌باشد. اما نظام اخلاقی در حقیقت روح حیات اقتصادی می‌باشد. چون این دو با هم بیامیزند تمدن اخلاقی شکوفا می‌شود و چون از هم بپرهیزند روابط اقتصادی و اجتماعی و قوانین بازار تابع نیازهای غریزی انسان می‌شوند. به نظر می‌رسد که اشاره حضرت ولیّ امرالله به اقتصاد الهی تأکیدی باشد بر لزومیت یک اتحاد تاریخی در سطح جهانی مابین اخلاق و اقتصاد برای ظهور یک نظام جدید اجتماعی.

در گذشته فلسفه اخلاقی اقتصاد در آثار فلاسفه و جامعه‌شناسانی چون افلاطون، ارسطو، سنت

اگوستین، هابز، لاک، روسو، آدام اسمیت، کانت، هگل و مارکس مورد بحث قرار گرفته است. در تمام این مطالعات اقتصاد نه به مفهوم امروزی (که در تجزیه و تحلیل‌های ریاضی و آماری خلاصه می‌شود) بلکه به عنوان بخشی از فلسفه و اخلاق و جهان‌بینی تاریخی در سیر تحوّل نظام ارزش‌های اجتماعی بررسی گردیده است.

دیدگاه حضرت ولیّ امرالله از اقتصاد الهی ناظر به ایجاد تعادل و تبادل و تعاضد طبیعی هیئت جامعه بین‌المللی است. از طرفی ریشه در واقعیت‌گرایی دارد و از طرف دیگر از آرمان اخلاقی بهره‌مند است. واقعیت‌گرا می‌باشد چراکه تغییر نهادها و مؤسسات مادی و اقتصادی حیات اجتماعی بشری را لازمه ایجاد یک نظم نوین جهانی می‌داند. به آرمان‌گرایی معطوف است از این رو که انسان را تنها تابع کارکرد اقتصاد نمی‌داند بلکه او را موجودی اساساً اخلاقی محسوب می‌دارد که می‌تواند به قوه اخلاق از بردگی نیازهای مادی برهد و از افراط در حوائج مادی پرهیزد و روابط اقتصادی را سکوی جهش اخلاقی و استقرار عدالت اجتماعی سازد.

۳- تحوّل تاریخ و اخلاق

تبیّنات و توضیحات حضرت ولیّ امرالله نشان می‌دهد که فلسفه اخلاق دیانت بهائی به صورت عنصری زنده در بستر آراء و اندیشه‌ها و تحولات عصر جدید حرکت می‌کند اما استقلال و انسجام و حرکت پیش‌رونده خود را حفظ می‌نماید.

حضرت ولیّ امرالله نظریه ظهور تدریجی مظاهر مقدسه الهی را که جوهر تعالیم بهائی محسوب می‌شود و اساسش در کتاب ایقان تصریح و جلوه‌هایش در تبیینات حضرت عبدالبهاء تشریح گشته زیربنای دیدگاهی ارگانیک برای توضیح فلسفه اخلاق بهائی قرار دادند. ایشان منشأ بحران اخلاقی تمدن فعلی را در سرپیچی بشرطاغی و سرکش از قبول پیام جمال مبارک می‌دانند. یعنی چون بشر از مبدأ و سر منشأ تجدید حیات روحانیش غافل مانده بالنتیجه معیار اخلاقیش را نیز از کف داده است. اما دیدگاه حضرت ولیّ امرالله تنها به این مطلب خلاصه نمی‌شود. ایشان این مفهوم عمومی را که در همه ادیان تکرار شده به جریان فراز و نشیب تمدن و فرهنگ در طول تاریخ مرتبط می‌سازند و با قوانین کلیه تحوّل و تکامل وجود آشتی می‌دهند و نفس همین بحران اخلاقی را موجب ظهور قوای می‌دانند که سبب انتباه عالم خواهد شد و به رشد تمدنی جدید منجر خواهد گردید.

از دیدگاه حضرت ولیّ امرالله ارزش‌های روحانی و اخلاقی مرکز ثقل تمدن و فرهنگ محسوب می‌شوند. چون این ارزش‌ها را از هم بگسلند تمدن دچار عدم تعادل می‌شود و آثار بحران تمام شئون و مؤسسات اجتماعی را در بر می‌گیرد. ایشان به نقش فرهنگ‌ساز پیامبران در احیاء ارزش‌های روحانی و اخلاقی اشاره می‌کنند و معتقدند که فراز و نشیب تمدن وابسته به تولّد و زوال دوران‌های ادیان می‌باشد. دیدگاه ایشان تجدید دورانی تمدن را تابع حرکتی تکاملی نیز می‌بیند که سیر تحوّل تاریخ را به مثابه نشو و

ارتقای حیاتی از مرحله‌ای به مرحله بالاتر سوق داده است. همچون حرکت کمالیه ظهورات الهیه انعدام یک تمدن بذر تمدن جدید را به همراه می‌آورد و تمدن جدید مشابه رشد حیاتی یک عنصر زنده به مدار بالاتری جهش می‌یابد.

هرچند دیدگاه حضرت ولیّ امرالله به حرکت و تکامل معطوف است اما آثارشان نظرگاهی متفاوت در مورد حرکت و مقصد تکامل در تاریخ عرضه می‌دارد. بر اساس این نظرگاه تکامل نوع بشر حرکتی روحانی است که بایستی با ظهور عقل و قوای وجدان و کمال اخلاق به بلوغ خود رسد. ثمره این بلوغ در کرة ارض وحدت عالم انسانی و ظهور عدل الهی و صلح عمومی خواهد بود. بر این اساس تنازع بقا از خصائص طبیعی تکامل نبوده بلکه از علائم و تشنجات دوران ناپختگی و کم‌خردی نوع بشر است که باید این دوران استحاله را طی کند و به شایستگی روحانی و اخلاقی که برای آن خلق شده دست یابد. حضرت ولیّ امرالله روشن می‌فرمایند که تکامل چون در هر مرحله در قالب غائی و ثمره نهائی کمال اخلاقی سنجیده شود مرحله‌ای نسبی از مراحل رشد را به منصفه ظهور می‌رساند و لذا حالتی از نفی دیالکتیکی را در خود نهفته دارد که بایستی در جریان تحولاتش به سمت مراتب بالاتر به وحدت کامل تر ارزش‌های فراگیرتر منجر شود.

پس مشاهده می‌شود که حضرت ولیّ امرالله اخلاق بهائی را در قالب جهان‌بینی کلی و فلسفه تاریخ این دیانت مورد مطالعه قرار می‌دهند. در باب تکامل و حرکت تاریخ برخی از متفکرین معاصر نیز عقاید مشابهی مطرح ساخته‌اند اما دیدگاه حضرت ولیّ امرالله همچون جریان آب وسیعی است که در مسیر خود به رودخانه‌ها و جریانات دیگری می‌پیوندد و آنها را در خود جذب می‌کند اما به آنها خلاصه نمی‌شود و همچنان در پهنای خود مستقلاً به جلو می‌رود. ریشه این استقلال و انسجام ارگانیک را بایستی در آن دانست که نظریات ایشان از سرچشمه تعالیم حضرت بهاءالله ریشه می‌گیرد و در سنت و آئین تبیین که به دست حضرت عبدالبهاء غرس گشته به حرکت تکاملی خود ادامه می‌دهد. بر این مبنا ایشان حرکت تاریخ و تکامل اجتماعی و اخلاقی را با جریان ظهورات متتابعه مظاهر الهی مترادف دانسته و نقطه عطف آن را که بایستی به ظهور تمدن الهی در کرة ارض منتهی شود نتیجه ظهور حضرت بهاءالله می‌دانند. بر اساس نظرگاه حضرت ولیّ امرالله، مظاهر ظهور محرک وجود و مبدأ تحوّل و آغازگر تاریخ و بانی اخلاق و تمدنند. قوه نافذ ایشان است که از عالم معنوی جریان حیات و بقا را هر دم به عالم هستی می‌دمد.

حضرت ولیّ امرالله انسان را موجودی می‌دانند که در مسیر اکتساب کمال اخلاقی در حرکت است. این حرکت از گذشته به سوی آینده و از حالت جنینی به سمت درجات متعالی بلوغ معطوف است. گذر از مرحله غریز حیوانی به مقامات انسانی و خروج از حالت خشم و پرخاشگری بدوی به صلح و آشتی عمومی را بایستی مراتب متابعه این حرکت کمالی دانست. بر این اساس حضرت ولیّ امرالله بحران اخلاقی معاصر را از علائم اجتناب‌ناپذیر تجدید و تحوّل تاریخی تمدن بر شمرده و آن را نشانه‌گذر عالم

انسانی از مرحله صباوت به مقام بلوغ و "احسن التکویم" می‌دانند.

رشد و تکامل طبیعی و تجلیات اخلاقی

حضرت ولیّ امرالله تأکید می‌فرمایند که نوع بشر قطعاً مراحل متابعه تکامل را طی کرده و عصر شیرخوارگی و کودکی را پشت سر گذاشته است. از طرف دیگر بیانات و آثار ایشان به نحوی قوی به ظلمت اخلاقی عصر حاضر نیز اشاره می‌کند که نوع بشر را به قهقرای فساد اخلاقی سوق داده و او را در معرض خطرات بی‌شمار قرار داده است. برای برخی ممکن است این سؤال پیش آید که چگونه می‌توان قطعیت رشد تکاملی را با موقعیت اسف‌انگیز اخلاقی بشر آشتی داد. آیا می‌توان واقعیت رشد و ارتقاء را با شرایط اخلاقی نوع انسان که به نظر می‌رسد همواره حالت قهقرایی داشته هماهنگ دانست؟ در پاسخ به این سؤال آثار حضرت ولیّ امرالله از طرفی واقعیت تاریخی و غیرقابل اجتناب رشد و تکامل طبیعی و اجتماعی نوع انسان را تأکید می‌کند و آن را زمینه ظهور و بروز جلوه‌های وسیع تر کمال اخلاقی می‌داند و از طرف دیگر تحقق کمال اخلاقی را در هر مرحله رشد مشروط به اراده آزاد انسان و مسئولیت و انضباط فردی می‌داند.

می‌توان گفت رشد از دیدگاه حضرت ولیّ امرالله به دو معنا تعبیر گردیده است. اول رشد جسمانی و فکری و دوم رشد اخلاقی. رشد جسمانی که به ظهور قوای فکری می‌انجامد حالت ارگانیک و غیر قابل اجتناب دارد. یعنی در حالت طبیعی هر موجود انسانی بدون استثناء محاط در قواعد و قوانین کلی رشد و تکامل است. رشد جسمانی و فکری زمینه را برای رشد اخلاقی مهیا می‌کند. یعنی ترقی جسمانی هدفش ظهور فکر است و غایت فکر و عقل آنست که به رشد فضائل و استعدادات اخلاقی که توانایی کسب آن به صورت بالقوه در نهاد انسان موجود است مدد رساند.

البته رشد و ارتقاء مطلوب آنست که مراحل مختلفه آن با هماهنگی و توازن صورت پذیرد و کمال مرحله پائین، زمینه رشد مرحله بالاتر گردد. یعنی رشد جسمانی به طرز متعادل به ظهور و بروز قوای عقلانی بیانجامد و سپس فضائل و استعدادات اخلاقی که با نور عقل منور گشته از هیکل انسانی ساطع شود. اما تحقق رشد اخلاقی امری نیست که به دنبال رشد جسمانی و فکری به صورت خطی حاصل گردد. رشد اخلاق نیازمند تربیت روحانی و تمرین اراده و ایجاد تعادل میان آزادی انسانی و جبر قوای طبیعی می‌باشد. انسان چون اراده آزاد دارد برای او هم احتمال رشد و هم امکان سقوط اخلاقی در هر مرحله رشد طبیعی به قوت خود باقی می‌ماند.

به همین قیاس تاریخ جوامع انسانی هم جلوه‌ای از رشد و تحوّل اجتماعی است و هم انعکاسی از تنش دائمی اخلاق. لذا بحران فعلی اخلاقی نشانه آن نیست که رشد و تحوّل اجتماعی و جلوه‌های فکری تمدنی صورت نگرفته بلکه حاکی از آن است که چون روابط اجتماعی پیچیده تر شده اصول اخلاقی از جمله اصل تعاون و تعاضد که سبب وحدت نظام‌های بدوی بود حال نیازمند ظهورات و بروزات

کامل تری است. به زبان دیگر تدنی اخلاقی عصر حاضر با آثار و علائم رشد و تکامل اجتماعی مابینت ندارد. بلکه بر عکس شدت و حدت بحران اخلاقی معاصر نشانه و دلیل زنده آنست که جهش و تکاملی بنیانی در حیات اجتماعی در حال تحقق و ظهور است و این جهش ارزش‌های اخلاقی جدیدی را می‌طلبد که با مقتضیات روابط بین‌المللی و روح عصر جدید هم‌آهنگی داشته باشد.

حرکت ارگانیک تاریخ و مسئولیت اخلاق فردی

حضرت ولیّ امرالله سیر تکامل جوامع بشری را جریانی ارگانیک می‌دانند و جنگ‌ها و بی‌عدالتی‌ها و نابسامانی‌های تاریخ پرمخت انسان را به ناپختگی و عدم کمال دوران طفولیت تشبیه می‌فرمایند. از این نظر می‌توان استنتاج کرد که قضاوت اخلاقی در مورد اعمال گذشته انسان تا حدودی منوط و مشروط به ملاحظه مقتضیات نشو و ارتقاء و شرایط اجتناب‌ناپذیر تکاملی و تاریخی که بر حیات جمعی او مسلط بوده می‌باشد. از طرف دیگر از دیدگاه حضرت ولیّ امرالله انسان موجودی مختار است. مهره‌ای بی‌جان در چرخ تاریخ نیست. او را نمی‌توان به عذر تاریخ از مسئولیت اخلاقیش مبری دانست. حضرت ولیّ امرالله موضع اخلاقی فرد را زمینه‌ای تاریخی می‌بخشند اما مسئولیت فرد را در هیچ مرحله تکامل اجتماعی مستثنی از تعالیم اخلاقی نمی‌دانند.

دو جنبه تاریخی و فردی در حقیقت مکمل یکدیگرند. اگر آنها را جدا در نظر گیریم ناچار بایستی به دوگانگی مزمن فلسفه اخلاق قائل شویم. یا شناخت اخلاق را پدیده‌ای فردی و خارج از مقتضیات جمعی بدانیم و یا آن را صرفاً نتیجه مقتضیات طبیعی تکاملی و عوامل تاریخی محسوب داریم. در این حال برداشت اول به مطلق‌گرایی افراطی می‌انجامد و برداشت دوم به نسبی‌گرایی بحث‌آشتی جنبه فردی و تاریخی ایجاب می‌کند که بحث اخلاق را شامل دو جنبه کلی و عمومی، و خصوصی و تاریخی بدانیم. بر اساس جنبه کلی و عمومی ارزش‌های اخلاقی بخش ثابت حیات اجتماعی هستند. تمدن و فرهنگی را نمی‌توان یافت که با مفاهیم کلی عدالت و انصاف و راستی و درستی و بخشش و ایثار آشنا نباشد. حتی در ماورای تفاوت‌های شدید سنتی و فرهنگی می‌توان نیازها و واکنش‌های یکسانی را در ارتباط با مسائل اخلاقی در همه جوانب یافت. جنبه کلی و عمومی اخلاق با غایتی در ارتباط است که شخص را قادر می‌سازد تا از محدودیت‌های تاریخیش فراتر رود. از طرف دیگر جنبه خصوصی و تاریخی اخلاق تحوّل و تغییر را به رسمیت می‌شناسد و معتقد است که ارزش‌های اخلاقی در بستر تاریخ به صورتی ارگانیک ابعاد وسیع‌تری می‌یابند و قوای مکنونه آنها فرصت ظهور و بروز بیشتری پیدا می‌کند. لذا هر مرحله ترقی اجتماعی استعدادات اخلاقی کامل تری را در خود نهفته دارد.

به نظر می‌رسد که حضرت ولیّ امرالله در آشتی این دو دیدگاه سه اصل اساسی را مورد نظر قرار داده‌اند. اصل اول آنست که تاریخ و سیر تکامل اجتماعی انسان از ماهیتی اخلاقی برخوردار است. یعنی ایشان اخلاق را از خارج بر تاریخ تحمیل نمی‌کنند بلکه تاریخ را در نفس خود پدیده‌ای اخلاقی

محسوب می‌دارند. بر اساس اصل دوّم تاریخ اجتماعی و روح اخلاقی آن از قوانین تکامل ارگانیسم برخوردارند و به سمت هدف مشخصی در حرکتند. هدف این جریان ایجاد مراحل مختلفه وحدت اجتماعی بوده که بایستی در غایت خود به تحکیم وحدت عالم انسانی منجر گردد. و بالاخره اصل سوّم آنست که عدالت محرّک و عامل انسجام جنبه تاریخی اخلاق بوده و ثمره آن بایستی به صورت وحدت کلی نوع بشر ظاهر گردد.

یادداشت‌ها

- ۱- فتح اعظم، هوشمند؛ نظم جهانی بهائی؛ مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی، ۱۹۸۹ م، صص ۴۶-۴۷. همچنین به ظهور عدل الهی و قد ظهر یوم المیعاد مراجعه شده است.
منابع غیر بهائی که در تهیه این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است به شرح زیر است:
- Singer, Peter (edited by); *A Companion to Ethics*; Blackwell Publishers, Oxford, 1993.
- Ashby, Warren; *A Comprehensive History of Western Ethics*, Prometheus Books, Amherst (N.Y.), 1997.

نگاهی به تاریخ امر در دوره ولایت (۱۹۲۱-۱۹۵۷)

سیامک ذیحی مقدم

مقدمه

با صعود حضرت عبدالبهاء در نوامبر ۱۹۲۱ عصر رسولی امر حضرت بهاءالله به انتها رسید و با آغاز عصر تکوین فصل جدیدی در تاریخ امر الهی گشوده شد. در آن زمان معدودی جوامع بهائی در پاره‌ای از نقاط عالم موجود بود، اما غالباً کوچک و پراکنده، و ارتباط میان آنها بسیار محدود بلکه مفقود بود. پیروان امر الهی اعم از یاران دیرین در مهد امرالله و یا مؤمنان جدید در مغرب زمین درکشان از برخی حقائق و مبادی امر الهی به طور نسبی محدود و نارسا بود. در جوامع بهائی نوپدید، هویت بهائی مبهم بود و استقلال آئین جدید به درستی برای همگان مفهوم نشده بود. در ایران به علت تضییقات، بسیاری از اهل ایمان هنوز به قید تقیه متمسک و از اظهار حقائق امر جدید معذور بودند. در عرض ۳۶ سال دوره ولایت تحولات چشمگیری روی داد که سیمای امرالله را به کلی دگرگون ساخت. در خاتمه این دوره، با انتشار وسیع امر در سطح جهان و ترجمه آثارش به بسیاری از زبان‌های رایج عالم، یک جامعه جهانی پدیدار شده بود که اعضایش از طریق درک عمیق تر حقائق و مقاصد آئین جدید، و نیز به واسطه مؤسسات جدید التأسيس نظم اداری، وحدت نظر و عمل یافته، بر طبق نقشه‌هائی منظم به فتح روحانی عالم و تاسیس مدنیت جهانی قائم بودند. در این دوره کوتاه بود که شالوده مؤسسات نظم اداری بهائی، نظمی که در عین حال ضامن وحدت این جامعه نوظهور بود، نهاده شد و استحکام یافت. و در همین دوره بود که مرکز جهانی امرالله به نحوی بی سابقه توسعه و تکامل پیدا کرد.

حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع اشاره می‌فرمایند که اقدامات اهل بهاء در طی ۲۳ سال اول عصر تکوین اهداف سه‌گانه ذیل را مد نظر داشته است: نخست تأسیس و استقرار نظم بدیع؛ دوم اعلان و اثبات استقلال امرالله؛ سوم توسعه نطاق امرالله و ازدیاد عدد پیروان آئین الهی.^۱ بیان مبارک به حقیقت در مورد تمام اقدامات انجام شده از سوی جامعه یاران در سراسر دوره ولایت مصداق دارد. این اقدامات به نحوی اساسی در تحولات جامعه بهائی و تعیین مسیری که در این عصر پیموده مؤثر بوده است. این مقاله نگاهی است گذرا به تاریخ امر در دوره ولایت از منظر فعالیت‌ها و اقدامات جامعه بهائی در جهت نیل به اهداف سه‌گانه فوق. اگرچه دوره ولایت با صعود حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۵۷ در نیمه راه نقشه ده ساله (۱۹۵۳-۱۹۶۳) به انتها رسید، اما از آن جا که اهداف این نقشه از پیش تعیین شده و از این رو پیروزی‌های به دست آمده در ظل این نقشه در حقیقت تحت هدایت و قیادت هیکل مبارک بود، بجا است اگر تحولات امرالله را تا خاتمه نقشه ده ساله دنبال نمائیم.

جامعه بهائی در آغاز عصر تکوین

در طی نه سال دور بیان گسترش امر الهی به دو مملکت ایران و عراق منحصر بود. در سی و نه سال عهد ابهی سیزده مملکت دیگر وارد دایره امرالله گردید و در عهد میثاق، یعنی بیست و نه سال آخر عصر رسولی، بیست مملکت دیگر به روی امرالله گشوده شد. بدین ترتیب در آغاز عصر تکوین پیروان امر الهی در ۳۵ کشور و سرزمین مستقر بودند.^۲ از این ممالک بسیاری در سال‌های آخر عهد میثاق فتح شده بودند و شمار یاران در آنها محدود بود. در امریکای مرکزی و جنوبی تنها یک خانم از اجباء در شهر بهیته (باهیا) در برزیل ساکن بود (یک مرکز امری).^۳ در تمام قاره استرالیا شمار یاران به دو نفر منحصر بود (یک مرکز امری). در اقلیم وسیع هندوستان شمار مراکز امری از ۶ افزون نبود.^۴ در آلمان، موطن بزرگ‌ترین جامعه بهائی قاره اروپا، شمار مراکز امری فقط به حدود ۱۵ می‌رسید.^۵ در امریکا که مقدر بود در عصر تکوین در جمیع اقدامات پیروان امرالله در سراسر جهان نقشی ممتاز ایفاء نماید شمار مراکز امری از ۳۹ تجاوز نمی‌کرد.^۶ اما در ایران، زادگاه امرالله و موطن بزرگ‌ترین جامعه بهائی عالم در طول دوره مورد نظر اگرچه تعداد مراکز امری بسیار بود، اما یاران از آزادی محروم و به علاوه به خاطر شرائط اجتماعی آن زمان نیمی از ایشان یعنی بانوان اجباء از مشارکت در فعالیت‌های امری و حیات اجتماعی جامعه بهائی بی‌بهره بودند.

طبیعتاً ارتباط میان جوامع بهائی در کشورهای مختلف نیز بسیار محدود و همکاری مابین آنها تقریباً مفقود بود. مهاجران بهائی در بعضی از کشورها و از جمله ایشان، یاران امریکائی که در ایران به خدمت قائم بودند، واسطه ارتباط میان جوامع بهائی مختلف بودند. همچنین معدودی از نشریات امری چون نجم‌باختر که به زبان انگلیسی منتشر و شماره‌های آن اکثراً حاوی بخشی به فارسی نیز بود و

در میان احبّای مشرق‌زمین هم توزیع می‌شد تا حدودی جوامع بهائی را به یکدیگر ارتباط داده، حسّ وحدت را در میان ایشان تولید می‌نمود.^۷

در شماری از جوامع بهائی بعضی از مؤسسات نظم اداری، آن هم به صورتی بسیار ابتدائی، موجود بود. در ایران چند سال بعد از نزول کتاب اقدس عده‌ای از یاران به ابتکار خویش به تأسیس "محافل شوری" اقدام نموده بودند و در عهد میثاق بر تعداد و قوام نسبی آنها افزوده شده بود. در امریکا، ترکمنستان، قفقاز و برخی ممالک دیگر نیز معدودی محافل شور وجود داشت. ولی هیچ یک از این محافل بر اساسی متین و صحیح مبتنی نبود. اصولاً در این زمان در عالم بهائی نظامات و ضوابط اداری به طور شایسته معین و مشخص نشده بود و نحوه انجام امور به هیچ وجه یکسان و مشابه نبود.^۸ برای مثال نحوه انتخاب این محافل، موعد تجدید انتخاب، حوزه اختیارات و قدرت آنها، روابط بین محافل و سلسله مراتب مؤسسات امرالله در یک مملکت، سن بلوغ اجتماعی (ورود به ۲۲ سالگی)، افرادی که می‌توانستند به عضویت محافل انتخاب شوند و افرادی که حق ابداء رأی داشتند، و مسائلی نظیر اینها هنوز روشن نشده بود. برای تشکیل محافل و انتخاب آنها از جمله ضروری بود که اعضای جامعه بهائی و محدوده جغرافیائی جوامع محلّی تعیین شود و این مستلزم تسجیل و ثبت نام احباء بود. تسجیل یاران به نوبه خود مستلزم تعیین ضوابطی برای عضویت در جامعه بهائی بود.

از طرف دیگر یاران هنوز برخی از اصول اعتقادات و مبادی امرالله را کاملاً درک ننموده بودند. برای مثال مسأله استقلال امر الهی به عنوان شریعتی جدید همانند مسیحیت و اسلام برای بسیاری از مؤمنین جدید آشکار نشده بود. همچنین عموم احباء تصوّر روشنی از پدیده‌ای به نام نظم اداری بهائی نداشته و از اصول آن کاملاً مطلع نبودند. لزوم تشکیلات و نظم اداری و اطاعت از مؤسسات امرالله بیش از هر مسأله دیگر در آغاز این دوره سبب لغزش عده‌ای گردید. همچنین اصل وحدت عالم انسانی یعنی محور جمیع تعالیم این دور بدیع بدون شکّ در نظر اکثریت یاران همان اخوت و برادری و محبت میان بشر بود که از دیرباز پیامبران، اهل ادیان را به آن دعوت نموده بودند. حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء در الواح و آثار خویش اصول کلی نظام آینده جهان را ترسیم نموده بودند و برخی از این آثار به انگلیسی ترجمه شده و در دسترس یاران در غرب قرار گرفته بود. همچنین حضرت عبدالبهاء در خطابات خود به اهل اروپا و امریکا برخی از اصول اجتماعی امر الهی و مثلاً ضرورت صلح عمومی و تشکیل محکمه کبری را تشریح فرموده بودند. با وجود این هنوز درک یاران از مسائلی نظیر حکومت جهانی و متفرعات آن، در مقایسه با تبییناتی که بعداً از قلم حضرت ولیّ امرالله صادر شد، بسیار سطحی بود. بدیهی است در میان یاران شرق به خاطر عقب‌ماندگی عمومی مشرق‌زمین و مشکلات خاص احباء که اکثریت ایشان هنوز در مهد امرالله گرفتار تزییقات بودند، اندیشه یک نظم جهانی کم‌تر مورد تفکر و تعمق قرار می‌گرفت. اما در پهنه

مغرب‌زمین نیز که در دامان فرهنگ غالب و سلطه‌جوی خویش اولین اندیشمندان و متفکرانی را پرورده بود که از اتحاد عالم سخن رانده بودند، درک یاران از اندیشه وحدت عالم انسانی خام و ناپخته می‌نمود. یاران غرب اگرچه در مقایسه با برادران دینی‌شان در شرق در مورد مسائل مربوط به نظام عالم افق فکری وسیع‌تری داشتند اما ایشان نیز تحت تأثیر فرهنگ مسیحی که نجات فرد را هدف حیات قلمداد می‌کند محدودیت‌های فکری مخصوص خویش را دارا بودند. بیان زیر از توفیق مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ حضرت ولیّ امرالله (به انگلیسی) چون از این منظر مطالعه شود نمایانگر این نکته است. می‌فرماید:

«باید اشتباه نشود که اصل وحدت عالم انسانی که محور جمیع تعالیم حضرت بهاءالله است صرفاً منبعث از اظهار احساساتی ناسنجیده و بیان امیدی مبهم و نارسا نیست و نباید آن را منحصرأ ناشی از آرزوی احیاء روح اخوت بشری و خیرخواهی بین مردم انگاشت و هدفش را فقط در این دانست که بین افراد بشر و ملل و اقوام تعاون و تعاضدی حاصل گردد... پیامش فقط متوجه افراد نیست بلکه [در وهله اول] به روابط ضروری‌های ... مربوط می‌شود که ممالک و ملل را به هم پیوند می‌دهد و عضو یک خانواده بشری می‌نماید...»^۹

در آغاز عصر تکوین تحت هدایت حضرت ولیّ امرالله، تأسیس مؤسسات نظم بدیع وجهه همت یاران قرار گرفت. به تدریج که مرحله تأسیس این مؤسسات در عالم به پیش می‌رفت، هیکل مبارک با صدور توقیعات و مکاتبات پی در پی خویش، همزمان دیدگاه یاران را وسعت داده و درک ایشان را از موقعیت کنونی عالم و تحولات آینده آن و نیز نقشی که اجباء در این مورد می‌بایست ایفاء نمایند عمیق‌تر می‌نمودند. پس از آن بود که یاران توانستند از طریق بینش عمیق‌تر خویش نسبت به تعالیم امر الهی و نیز به یاری تشکیلات و مؤسسات نوظهور، به نحوی مؤثر به ترویج و انتشار امر الهی در عالم قیام نمایند.

تأسیس و استقرار مؤسسات نظم بدیع

پس از صعود حضرت عبدالبهاء، حضرت ولیّ امرالله علی رغم لطمه شدید وارده در اثر صعود هیکل مبارک و نیز بارگران مسؤولیت عظیمی که الواح وصایا بر دوش حضرتش نهاده بود به سرعت در جهت تنفیذ نوایای مبارک قیام نمودند. مضامین الواح وصایای حضرت عبدالبهاء تأسیس بیت العدل اعظم الهی، رکن ثانی نظم بدیع و تاج مؤسسات آن را متضمّن بود و نیز حضرت عبدالبهاء در الواح نقشه ملکوتی فرمان فتح روحانی عالم و انتشار امرالله به تمامی نقاط جهان را از پیش صادر فرموده بودند. اجرای این هر دو امر مستلزم تأسیس و استقرار مؤسسات نظم بدیع الهی در عالم بود. محافل محلی و ملی در حکم اساس نظم بدیع و قواعد و ارکان بیت العدل اعظم بوده و لزوماً

تشکیل بیت العدل اعظم تنها زمانی ممکن بود که این محافل از پیش در عالم به وجود آمده و قوام یافته باشند. حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹ (به زبان انگلیسی)، پس از بیان این نکته که با تأسیس محافل ملی در ایران و کشورهای مجاور تحت سلطه شوروی مطابق اصول و ضوابط معین شده در الواح حضرت عبدالبهاء شرط لازم برای تأسیس بیت العدل اعظم فراهم خواهد شد این مطلب مهم را اضافه می‌فرمایند:

«... تا زمانی که اعضاء آن محافل [محافل ملی شرق و غرب] قادر نباشند به عنوان نماینده کامل بهائیان کشور خود انجام وظیفه نمایند و نیز مادام که در خدمات خویش به هیکل امرالله تجربه و متانت و کمال لازم را نیافته باشند البته قادر نخواهند بود که به آن وظیفه مقدس [انتخاب بیت العدل اعظم] مباشرت ورزند و پایه‌ای روحانی را برای تشکیل چنان معهد اعلائی در جهان بهائی تدارک بینند.»^{۱۰}

همچنین اجرای مؤثر و منظم فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء ایجاب می‌نمود که مؤسساتی در عالم موجود باشد که به طرح، اداره و اجرای نقشه‌های تبلیغی اقدام نماید. موفقیت‌های تبلیغی یاران امریکا در سال‌های آخر قرن اول بهائی نقش اساسی و مهم مؤسسات نظم اداری را در این امر به اثبات رساند. حضرت ولی امرالله در اشاره به پیروزی‌های یاران امریکا می‌فرماید: «... اگر بگوئیم این موفقیت‌های جسمیه که در سیبیل تبلیغ و اعلاء کلمه الله حاصل شده مرهون نظم جدید التأسیس الهی و اجراء نقشه عظیمه مولای خون محسوب... راه اغراق و مبالغه نه پیموده‌ایم.»^{۱۱} بنا بر این ملاحظات، تأسیس محافل روحانی سرلوحه اقدامات حضرت ولی امرالله قرار گرفت.

هیکل مبارک در اوائل سال ۱۹۲۲ عده‌ای از یاران برجسته و فعال جامعه را از سراسر عالم برای مشورت در زمینه شرائط و لوازم تأسیس بیت العدل اعظم به ارض اقدس دعوت نمودند و همچنین در مکاتبات خود به یاران شرق و غرب در خصوص اهمیت تأسیس محافل روحانی تأکید فرمودند. در یکی از نخستین مکاتبات خود به یاران امریکا، مورخ ۵ مارس ۱۹۲۲، یعنی کمی بیش از سه ماه پس از صعود حضرت عبدالبهاء، هیکل مبارک به اهمیت تشکیل محافل روحانی و نیز اقدام در جهت انتخاب دو مرحله‌ای محفل ملی، هیأتی که می‌بایست نماینده جمیع اجزاء و محافل روحانی در امریکا باشد، اشاره می‌فرمایند و بیاناتی را از حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء در باره مقام، وظائف و اختیارات تامه محافل روحانی و نیز خصائل اعضاء آن شاهد آورده، در اطاعت و انقیاد یاران نسبت به این محافل تأکید می‌فرمایند. ائتلاف و همکاری میان محافل محلی، و به خصوص مابین محافل محلی و محفل ملی را از لوازم وحدت امرالله و جامعه یاران و موفقیت اقدامات ایشان می‌شمارند و حتی در مورد اموری که در حوزه اختیارات محفل ملی قرار می‌گیرد و نیز تشکیل لجنات ملی دستورات لازم را صادر می‌فرمایند.^{۱۲} همزمان هیکل مبارک به یاران امریکائی حاضر در

ارض اقدس تأکید فرمودند که هیأت تنفیذیه مشرق الاذکار باید هدایت امور امری را در آن کشور در دست خود گیرد و صرفاً وسیله اجرای منویات و تصمیمات مّخذّه نمایندگان مؤتمر ملی یاران آن سامان نباشد.^{۱۳} حضرت ولیّ امرالله همچنین به یاران حاضر از آلمان و انگلیس در خصوص تشکیل محافل محلی و ملی تأکیدات لازمه را شفاهاً ابلاغ فرمودند.^{۱۴} اهمّیت محافل روحانی موضوع اصلی یکی از نخستین توقیعات مبارک خطاب به محفل روحانی طهران نیز می‌باشد. حضرت ولیّ امرالله در توقیع مورّخ ۱۵ شباط (فوریه) ۱۹۲۲ اجتای ایران را به واسطه محفل روحانی طرف خطاب قرار داده و تأکید می‌فرماید که امور امری از فردی و جمعی به محافل روحانی، و امور مهمّ مربوط به کشور به "محفل مرکزی" (یعنی محفل روحانی طهران) مراجعه شود و نیز در خصوص اهمّیت مشورت بیاناتی را از جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء شاهد می‌آورند.^{۱۵} مشابه این مضامین در توقیعات مبارک خطاب به یاران دیگر ممالک نیز آمده است.^{۱۶}

از همان سال‌های اوّلیه دوره ولایت به تدریج محافل روحانی محلی که فی الحقیقه اسّ اساس نظم بدیع امر الهی هستند در سراسر عالم بر طبق اصول و معیارهای واحدی تأسیس شدند. به فاصله کوتاهی پس از آنکه یاران به تأسیس محافل محلی اقدام نمودند حضرت ولیّ امرالله جوامع بهائی را به تشکیل اوّلین محافل ملی مأمور فرمودند. هیکل مبارک در توقیع مورّخ ۱۲ مارس ۱۹۲۳ (به انگلیسی) خطاب به یاران امریکا، بریتانیا، آلمان، فرانسه، سویس، ایتالیا، ژاپن و قاره استرالیا (Australasia)،^{۱۷} به اهمّیت حیاتی تشکیل فوری محافل ملی در کشورهایی که شرائط مناسب برای ایجاد این مؤسسات فراهم و نیز عدد پیروان امرالله به میزان کافی رشد کرده بود همچون امریکا، بریتانیا و آلمان اشاره نموده، نحوه انتخاب و نقش و وظائف این محافل را تشریح فرمودند.^{۱۸} در همان سال اوّلین محافل ملی عالم بهائی، یعنی محافل روحانی جزائر بریتانیا، آلمان و هندوستان رسماً تأسیس شدند.^{۱۹} پیش از این، هیکل مبارک در توقیع مورّخ ۲۷ شباط ۱۹۲۳ خطاب به یاران شرق، ضمن اشاره به اهمّیت محافل مرکزی و تشریح نحوه انتخاب این محافل، تأکید فرموده بودند که تأسیس آنها در شرق منوط به وجود اسباب و مراعات حکمت است و به خصوص در مورد ایران اضافه فرموده بودند که «اقدام به این امر عظیم مرتّباً مکملاً حسب القانون در این ایام حاضره صعب و مشکل و از وجنات احوال چنان معلوم می‌گردد که مخالف حکمت و منافی راحت و آسایش و امنّیت یاران است.»^{۲۰} هیکل مبارک در همین توقیع بار دیگر اشاره می‌فرماید که تا زمان تشکیل محفل مرکزی ایران، محفل روحانی طهران باید به عنوان محفل مرکزی انجام وظیفه نماید.^{۲۱}

در امریکا محفل روحانی ملی اوّل بار در سال ۱۹۲۵ مطابق موازین مشروحه در توقیعات مبارکه انتخاب شد. از میان کشورهای اسلامی محفل روحانی ملی مصر و سودان پیش از دیگران و در سال ۱۹۲۴ تشکیل شد. در ایران از جمله به علت تضحیقات و نیز عدّه زیاد یاران که تهیّه و تنظیم احصائیه‌هایی کامل و دقیق را مشکل می‌نمود، تشکیل محفل ملی پیش از رضوان ۹۱ بدیع (۱۹۳۴)

میلادی) میسر نگردید. یکی از شرایط لازم برای تأسیس محفل ملی در ایران تشکیل مؤتمر ملی مرکب از نمایندگان جمیع یاران ایران (و نه فقط شماری از قسمت‌های امری) بود. در این رابطه تشکیل نخستین "انجمن شوروی روحانی ملی ایران" در سال ۱۹۲۷ که در آن نمایندگان ۹ ایالت و ولایت مهم کشور حضور یافتند قدمی مهم محسوب می‌شد.^{۲۲} در سال بعد دومین انجمن شوروی روحانی که در حقیقت اولین مؤتمر نماینده کافه یاران بود تشکیل شد و بعد از آن این مجمع همه ساله در ایران برگزار شد. اگرچه به دستور حضرت ولی امرالله تا سال ۱۹۳۴ که "محفل روحانی ملی بهائیان ایران" تأسیس گردید محفل روحانی طهران کماکان به عنوان محفل مرکزی ایران انجام وظیفه نموده و انجمن شوروی روحانی به انتخاب محفل مرکزی مبادرت نمود،^{۲۳} اما وکلای مجتمع در طهران در رفع موانع و مشکلات موجود در راه انتخاب محفل ملی مشورت نموده و با همکاری ایشان بود که محدوده و حوزه قسمت‌های امری کشور دقیقاً تعیین و به تدریج احصایه‌های این قسمت‌ها تهیه شد و نهایتاً محفل ملی یاران ایران انتخاب گردید.

تأسیس نظم بدیع در عالم با موانع و مشکلاتی همراه بود. در سال‌های اولیه دوره ولایت مسأله‌ای بنیادی و مهم به دفعات مطرح می‌شد و آن مسأله مشروعیت و ضرورت نظم اداری بهائی بود. این مسأله به نقض عهد عده‌ای منجر شد و هنوز پس از گذشت چندین سال از آغاز عصر تکوین موجب بروز شبهه و تردید در میان برخی از یاران می‌گردید. حضرت ولی امرالله در یکی از تویقات مبارک به یاران غرب (توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰) به این نکته بدین نحو اشاره می‌فرماید:

«مکاتیبی که در این ایام اخیر به ارض اقدس رسیده غالباً از پیشرفت‌های پیروزمندانه امر الهی حکایت می‌کند. معدودی نیز حاوی شبهات و توهمات است در باره اصالت مؤسسات امرالله که از آئین حضرت بهاءالله جداشدنی نیست. این توهمات را نجواکنان، نفوسی که یا از اصول ظهور حضرت بهاءالله بی‌خبرند و یا مقصدشان کشت تخم نفاق در قلوب مؤمنان است به گوش دیگران می‌رسانند.»^{۲۴}

عده‌ای اصل تمرکز قدرت در دست مؤسسات منتخب یاران را منافی آزادی فردی محسوب می‌نمودند و برخی نیز امرالله را صرفاً مجموعه‌ای از تعالیم روحانی و اجتماعی می‌پنداشتند و نظم اداری را در تضاد با روح امرالله تلقی می‌کردند.^{۲۵} این گروه بودند که شبهاتی را در مورد اعتبار مؤسسات نظم اداری القاء می‌نمودند. اما مشکل اصلی در حقیقت این بود که در آغاز، یاران عموماً ماهیت و مقصد نظم اداری امرالله را به درستی درک نمی‌نمودند.

در کنار این مسأله بنیادی مسأله مهم دیگری نیز مطرح بود و آن تعلیم و تربیت یاران در آن دسته از اصول و قوانین نظم بدیع الهی بود که مغایرت با آداب و عقائد رائج داشت. اطاعت از محفل و پیروی از تصمیم اکثریت اعضاء برای افرادی که به سبب اطلاعات وسیع خود و یا نفوذ و قدرت در

میان یاران سابقاً از مرجعیت و ریاستی برخوردار بودند و از همین رو آراء و عقائد ایشان معتبرتر شمرده می‌شد سهل و آسان نبود. از سوی دیگر، نفوسی که در گذشته به تمکین و اطاعت از یاران صاحب‌نظر خو گرفته بودند اکنون می‌بایست به نحوی فعال و با حقوق متساوی در تشکیلات و اداره امور امرالله مشارکت نمایند. در امریکا مشکلی اساسی‌تر سال‌ها دام‌نگیر جامعه یاران بود. از جمله خصوصیات ویژه نظم اداری بهائی که آن را از سایر انظمه عالم ممتاز و متمایز می‌سازد این اصل است که نمایندگان منتخب یاران تنها در مقابل حقّ مسؤول می‌باشند، نه در برابر جمع احباء و منتخبین خود. تضادّ اساسی این اصل نظام بهائی با نظام دموکراسی که مردم را منشأ و منبع قدرت شمرده، زمامداران و مسؤولین امور را بالنیابه از ایشان صاحب قدرت و مجری اراده ایشان قلمداد می‌کند و در مقابل ایشان مسؤول می‌شمارد واضح و روشن است. نحوه عمل هیأت تنفیذیه مشرق الاذکار در امریکا که بعدها جای خود را به محفل ملی این کشور داد نمایانگر اجرای این اصل نظام دموکراسی در جامعه بهائی بود. این مسأله در طی چند سال اول دوره ولایت منجر به کشاکش میان کانونشن ملی و محفل روحانی مرکزی امریکا شد و آخرین بار در سال ۱۹۳۴ موجب بروز بحرانی جدی گردید که تنها بعد از مداخله مستقیم هیکل مبارک رفع شد.^{۲۶} در سال‌های نخست دوره ولایت، انتقاد علنی از اعضای محافل، تصادم میان افراد بانفوذ جامعه با این محافل، و تصادم بین محافل محلی و محفل ملی امری نادر نبود.

عدم آشنائی یاران با اصول و ضوابط نظم اداری ایجاب می‌نمود که حضرت ولی امرالله اقدامات ایشان را مستمرّاً هدایت نمایند. در این امر هیکل اطهر همواره مسائلی را که مربوط به اصول نظم اداری بهائی بود تبیین نموده، حلّ مسائل دیگر را به عهده خود محافل واگذار می‌کردند. در عین حال، استقرار مؤسسات امرالله بر مبنائی صحیح مستلزم گذشت زمان و اندوختن تجربه بود و ناگزیر اشتباهاتی روی می‌داد. برای مثال نمایندگان یاران در بریتانیا و ایرلند اعضای محفل مرکزی (ملی) را در فاصله سال‌های ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۶ همه ساله از میان خود، و نه عموم یاران مقیم بریتانیا و ایرلند، انتخاب می‌نمودند. این تقیصه در انتخاب سال ۱۹۲۷ رفع شد اما در مقابل، چون دو نفر آراء برابر دریافت نمودند، در سال مزبور ۱۰ نفر به عضویت محفل ملی انتخاب شدند. جالب توجه اینکه در میان این ۱۰ نفر یک کشیش مسیحی نیز دیده می‌شد.^{۲۷}

تشکیل محافل جدید محلی و ملی تحت هدایت حضرت ولی امرالله در سال‌های بعدی دوره ولایت ادامه یافت. در سال ۱۹۴۴ شمار محافل محلی قریب به ۵۰۰ رسیده و ۷ محفل روحانی ملی در عالم موجود بود.^{۲۸} چند سال بعد در اوائل سال مقدّس (صدمین سال بعثت سرّی جمال ابهی)^{۲۹} و در آستانه نقشه ده ساله جهاد کبیر اکبر که در رضوان ۱۹۵۳ میلادی افتتاح شد تعداد محافل روحانی محلی به حدود ۶۱۰ بالغ شده بود^{۳۰} و رقم محافل روحانی ملی و مرکزی در رضوان همان سال به ۱۲ افزایش یافت. از اهداف مهم نقشه ده ساله «ترتید عده محافل مرکزی روحانی به بیش از چهار برابر»

از طریق تشکیل ۴۸ محفل روحانی مرکزی جدید بود. با احتساب آن عده از محافل روحانی ملی که از قبل تشکیل شده بودند شمار محافل ملی می‌بایست در خاتمه نقشه (رضوان ۱۹۶۳ میلادی) به ۵۷ می‌رسید. در زمان صعود حضرت ولی‌ امرالله در نوامبر ۱۹۵۷ تعداد محافل روحانی محلی از ۱۰۰۰ تجاوز نموده و رقم محافل ملی به ۲۶ بالغ شده بود. در پایان نقشه، رقم محافل محلی از ۳۴۰۰ گذشته و شمار محافل ملی به ۵۶ رسیده بود.^{۳۱} (آمار مربوط به پیشرفت امرالله در چند سال مختلف در جدول شماره ۱ در صفحه ۱۷۷ آمده است.)

در ظل محافل محلی و ملی تعداد بسیاری لجنات محلی و ملی به تدریج تأسیس شدند. بسیاری از این لجنات نخست در امریکا تشکیل شدند و سپس یاران در نقاط دیگر عالم با الهام گرفتن از توقیعات حضرت ولی‌ امرالله و نیز یاران امریکای شمالی لجناتی مشابه ایجاد نمودند. همچنین صندوق‌های خیریه نیز به تدریج تأسیس شدند.

از اقداماتی که در استحکام اساس نظم بدیع امر الهی بسیار مؤثر بوده ثبت و تسجیل محافل روحانی اعم از ملی و محلی است که جامعه بهائی امریکای شمالی در آن پیشاهنگ بود. محفل ملی امریکا و کانادا در سال ۱۹۲۷ قانون اساسی جامعه بهائیان امریکای شمالی را تهیه نمود که به زبان‌های دیگر ترجمه و با تغییراتی در جوامع بهائی دیگر کشورهای جهان مورد استفاده قرار گرفت.^{۳۲} همچنین محفل محلی نیویورک برای نخستین بار نظامنامه محفل محلی را تدوین نمود و این سند نیز متعاقباً مورد استفاده دیگر جوامع محلی در امریکا و سایر نقاط عالم قرار گرفت. تهیه این اسناد شرط لازم جهت تسجیل این محافل به عنوان مؤسساتی مدنی و یا مذهبی به شمار می‌رفت، و در پی آن بسیاری از محافل محلی و ملی برای به ثبت رسیدن اقدام نمودند. نخستین محفل ملی که به تسجیل مقامات دولتی رسید محفل ملی ایالات متحده امریکا و کانادا بود (۱۹۲۹). تا سال ۱۹۴۴ میلادی که یک قرن از طلوع امر بدیع می‌گذشت ۶ محفل ملی به تسجیل مقامات دولتی در کشورهای متبوعه خود رسیده بودند که یکی از آنها، یعنی محفل ملی آلمان و اطریش، در سال ۱۹۳۷ منحل شده بود. رقم محافل ملی تسجیل شده در آستانه نقشه ده ساله به ۹ رسیده و در پایان نقشه به ۴۳ افزایش یافته بود.

تسجیل محافل ملی و محلی از این نظر حائز اهمیت بود که به دنبال آن محافل مزبور می‌توانستند اوقاف امری تأسیس نمایند. در امریکا در پی ثبت محافل محلی و محفل ملی، اوقاف امری به سرعت فزاینده‌ای تأسیس شد به طوری که در سال ۱۹۴۴ ارزش اوقاف ملی بهائی در این کشور به ۱,۷۵۰,۰۰۰ دلار بالغ می‌شد. در آستانه نقشه ده ساله ارزش اوقاف و املاک ملی بهائی در امریکا به حدود ۳,۰۷۰,۰۰۰ دلار و در پایان نقشه به بیش از ۵,۱۱۹,۰۰۰ دلار می‌رسید. در همین تاریخ ارزش موقوفات ملی بهائی در سراسر عالم به ۱,۰۵۰,۰۰۰ دلار تخمین زده می‌شد. به این مبلغ باید ارزش اوقاف محلی بهائی را که میزان آن در سراسر عالم به ۳,۰۰۰,۰۰۰ دلار تخمین زده می‌شد و نیز اوقاف

بین المللی بهائی را در ارض اقدس افزود. در این میان، اماکن متبرّکه و اوقاف ملّی بهائی در ایران به سبب ارزش تاریخی و نیز وسعت و تعدّد آنها از اهمّیت خاصی برخوردار است. در آغاز دوره ولایت اماکن متبرّکه امری در ایران منحصر به بیت مبارک حضرت اعلی در شیراز (کعبه اهل بهاء، بیت الله الحرام) و بیت مبارک حضرت بهاء الله در تاکر مازندران بود. اما در طی این دوره موقوفات امری در ایران به نحو چشمگیری توسعه یافت و از جمله اراضی امّ المعابد ارض طاکه وسعت آن از سه و نیم میلیون متر مربع افزون بود و نیز تعداد کثیری از اماکن متبرّکه و تاریخی را در بر می گرفت. از این میان باید از محلّ سیاه چال طهران نام برد که بعد از بیت مبارک شیراز مقدّس ترین مکان در مهد امرالله محسوب می شود.^{۳۳} خرید زمین سیاه چال از اهداف نقشه ده ساله تعیین شده بود که در بهار ۱۹۵۴ توسط جناب حبیب ثابت خریداری شده و سند مالکیت آن به زودی به نام ایادی امرالله و امین حقوق الله جناب ولی الله و رقا انتقال یافت. همچنین در ترکیه نیز برخی از اماکن متبرّکه به تصرف امر درآمد. یادآوری می شود که در همین دوره بیت اعظم در بغداد از تصرف امر خارج شد.

حظائر قدس نیز که اول بار در تاریخ امر در ایران ایجاد شده بود به تدریج در دیگر نقاط عالم تأسیس شد. در سال ۱۹۴۴ تعداد حظائر قدس ملّی به ۶ و در آستانه نقشه ده ساله به ۸ رسید. از اهداف نقشه ده ساله ازدیاد عدد این حظائر به هفت برابر بود. این هدف تحقق یافت و در پایان نقشه شمار حظائر قدس ملّی در عالم بهائی به ۵۶ می رسید. در همین دوره حظیره القدس طهران به تصرف دشمنان امر درآمد (در قضیه فلسفی، ۱۹۵۵) ولی بعداً به جامعه بهائی مسترد شد.

در این دوره ساختمان مشرق الاذکار شیکاگو که سنگ زاویه آن را حضرت عبدالبهاء به دست مبارک خویش وضع فرموده بودند تکمیل و چند مشرق الاذکار جدید در عالم بهائی تأسیس شد. از جمله اهداف نقشه ده ساله تأسیس دو مشرق الاذکار در عالم بود: امّ المعابد ایران مشرف به شهر طهران، و امّ المعابد قاره اروپا در نزدیکی فرانکفورت. در مورد مشرق الاذکار طهران، پس از واقعه فلسفی در سال ۱۹۵۵ دیگر آشکار بود که بنای آن در طول نقشه ده ساله ممکن نخواهد شد. در مقابل، برای جبران محرومیت یاران ایران، حضرت ولی امرالله دستور به تأسیس دو امّ المعابد دیگر در عالم بهائی فرمودند؛ اولی در قاره آفریقا (کامپالا) و دیگری در قاره استرالیا (سیدنی). بنای دو مشرق الاذکار اخیر در موعد مقرر خاتمه یافت اما مشرق الاذکار فرانکفورت در خاتمه نقشه کاملاً تمام نشده بود. مشرق الاذکار عشق آباد، نخستین مشرق الاذکار عالم بهائی، در اوائل این دوره از سوی مقامات اتحاد جماهیر شوروی تصرف و از دست جامعه بهائی خارج شد.

اولین مدرسه تابستانه عالم بهائی در سال ۱۹۲۷ در گیزرویل (Geyserville) در کالیفرنیا تأسیس شد. این نوع مدارس به تدریج در دیگر ایالات امریکا و نیز دیگر کشورهای جهان به وجود آمد و نقش خود را در توسعه و استحکام اساس نظم اداری بهائی ایفاء نمود. به همین ترتیب، تحوّل مؤسسه ضیافت نوزده روزه، تماس و همکاری جامعه بهائی با انجمن های خیریه و سازمان های با اهداف

بشردوستانه، تماس با اولیای امور و نیز سازمان‌های بین‌المللی به ویژه برای مدافعه از حقوق مسلوبهٔ احبّاء در ایران همگی در استحکام اساس نظم اداری بهائی مؤثر بوده‌اند.

تأسیس هیأت بین‌المللی بهائی^{۳۴} (۹ ژانویه ۱۹۵۱) که به فرمودهٔ مبارک مقرر بود «مقدمهٔ تأسیس محکمهٔ علیا در ارض میعاد و منتهی به انتخاب اعظم هیأت تشریحیهٔ عالم بهائی و دیوان عدل الهی» گردد^{۳۵} و نیز انتصاب ایادی امرالله و بسط و توسعهٔ این مؤسسه گام‌های جدیدی در تحوّل و تکامل نظم اداری بهائی به شمار می‌روند. حضرت ولیّ امرالله ۲۷ نفر را در سه نوبت (۲۴ دسامبر ۱۹۵۱، ۲۹ فوریه ۱۹۵۲ و اکتبر ۱۹۵۷) و ۵ نفر را نیز جداگانه به سمت ایادی امرالله منصوب فرمودند.^{۳۶} بعداً ۵ هیأت معاونت - یک هیأت برای هر یک از قارّات عالم - تعیین شدند (رضوان ۱۹۵۴). این هیأت‌ها می‌بایست در وهلهٔ اوّل در اجرای اهداف نقشهٔ ده ساله مساعدت نموده و بعداً وظیفهٔ صیانت امرالله را نیز عهده‌دار شوند. هیکل مبارک در آخرین توقیع خویش (مورّخ اکتبر ۱۹۵۷) ایادی امرالله را مأمور فرمودند که ۵ هیأت معاونت جدید مخصوص صیانت تعیین کنند. مقرر بود بعد از انتصاب ۵ هیأت جدید، هیأت‌های پیشین صرفاً به وظیفهٔ تبلیغ و انتشار امرالله بپردازند.

در سال‌های نخستین دورهٔ ولایت بود که جوامع بهائی قفقاز و ترکمنستان مورد هجوم اولیای امور در جماهیر شوروی واقع شدند و مؤسسات امرالله منحلّ و برگزیدگان و امنای یاران اکثراً تبعید و سایرین به ایران اخراج شدند. در سال ۱۹۳۷ دولت آلمان نازی تشکیلات امر را در این کشور ممنوع اعلام نموده، آثار امری را ضبط و عده‌ای از یاران را توقیف و مسجون نمود. در اثر این حملهٔ شدید جامعهٔ یاران در این سامان موقتاً از هم پاشید اما در سال‌های نخست بعد از جنگ جهانی دوم به سرعت تجدید حیات نمود. جامعهٔ پیروان امرالله در ایران در آغاز این دوره با روی کار آمدن دودمان پهلوی (۱۹۲۵) آزادی نسبی به دست آورد، اما این آسایش دوامی نیافت و به زودی در پی "حرکت رجعیه"^{۳۷} دیگر بار یاران ایران مقهور دشمنان امرالله از طبقهٔ علماء گردیدند. در دسامبر ۱۹۳۴ مدارس تربیت طهران برای همیشه تعطیل شدند. پیش از آن مدرسهٔ توکل قزوین تعطیل شده بود (۹۰ بدیع) و بعداً نیز ۱۹ مدرسهٔ بهائی دیگر تعطیل شدند.^{۳۸}

در مقابل دو جامعهٔ قدیم ترکستان و قفقاز که عملاً نابود شدند جوامع بهائی در دویست نقطهٔ دیگر در عالم به وجود آمده، رو به رشد و تکامل نهادند. در خاتمهٔ دورهٔ ولایت، اساس و قالب مؤسسات نظم بدیع در جهان شکل گرفته و در رضوان ۱۹۶۳، در پایان نقشهٔ ده ساله، این مؤسسات به زیور تاج خویش یعنی بیت العدل اعظم الهی مزین گردیدند.

مؤسسات بین‌المللی امرالله در مرکز جهانی بهائی

به موازات تأسیس مؤسسات محلی و ملی در سراسر عالم، دورهٔ ولایت شاهد ظهور و یا ادامهٔ تکامل بسیاری از مؤسسات بین‌المللی بهائی بود. تحوّلات مرکز روحانی و اداری عالم بهائی در ارض اقدس

از زمان نزول لوح کرم‌ل و تعیین محلّ استقرار رمس اطهر حضرت اعلی آغاز شده بود. این تحولات پس از صعود حضرت عبدالبهاء سرعت یافت و تا سال ۱۹۵۷ اقدامات بسیار مهمی صورت گرفت. تأسیس مرکز روحانی جهانی اهل بهاء در ارض اقدس از پیش یعنی از زمانی که حضرت بهاء‌الله محلّ استقرار عرش حضرت اعلی را تعیین فرموده بودند آغاز شده بود.^{۳۹} حضرت ولیّ امرالله در مرحله اول تشیید بنای مقام حضرت اعلی را مدّ نظر قرار دادند. در سال ۱۹۲۹ سه حجره باقی‌مانده از نه حجره مقام اعلی به همت حاجی محمود قصابچی ساخته شد و بدین ترتیب بنای اصلی ضریح مطهر ("قدس الاقداس") کامل گردید.^{۴۰} سپس در بجنوبه جنگ جهانی تصمیم قطعی در مورد تکمیل این بنا گرفته شد و در ۲۳ مه ۱۹۴۴ به مناسبت صدمین سال اظهار امر حضرت اعلی به جامعه پیروان امرالله ابلاغ گردید. در همان روز نقشه قبه ذهبی آن مقام در مجمع عده‌ای از یاران در حیفا ارائه شد.^{۴۱} متعاقباً در نوروز ۱۹۴۹ یعنی چهل سال پس از استقرار عرش حضرت اعلی در قلب کرم‌ل اولین سنگ رواق مقام اعلی گذارده شد و به تدریج طبقه اولای این بنا (رواق و تاج اول مقام اعلی) و سپس طبقه دوم و مناره‌های هشت‌گانه آن (تاج دوم مقام اعلی) و نهایتاً طبقه سوم آن مقام ساخته و تکمیل گردید.^{۴۲} در نوروز ۱۹۵۱ تصمیم قطعی در خصوص تهیه مقدمات بنای قبه ذهبی مقام اعلی (تاج سوم این بنا) به عالم بهائی اعلان شد^{۴۳} و بنای آن در پایان سنه مقدسه در اکتبر ۱۹۵۳ مقارن انعقاد چهارمین مؤتمر بین القارات (دهلی نو) اتمام یافت و با اتمام مقام اعلی مرکز روحانی جهانی اهل بهاء «باحسنا و اکملها پس از شصت سال انتظار تأسیس یافت.»^{۴۴} ضمناً در دوره ولایت حدائق مقام اعلی احداث شد و طبقات مقام امتداد یافت.

اما در مورد مرکز اداری جهانی امرالله، اولین قدم در جهت تأسیس آن در خاتمه دهه ۱۹۳۰ برداشته شد. پس از صعود حضرت ورقه مبارکه علیا در سال ۱۹۳۲، مقام حضرتش در جوار مقام اعلی تأسیس شده بود. در ۲۵ دسامبر ۱۹۳۹ رمسین اطهرین میرزا مهدی غصن اطهر و آسیه خانم امّ حضرت عبدالبهاء از جوار قبرستان اسلامی نبی صالح در خارج شهر عکاء به جوار مقام اعلی و در نزدیکی مقام حضرت ورقه مبارکه علیا انتقال یافت و بر شکوه روحانی جبل کرم‌ل افزوده شد و با استقرار این "مراقد شریفه ثلاثه"، «محور و مرکز دوائر و تأسیسات و معاهد اداری امریه» قوس کرم‌ل تعیین گشت.^{۴۵} با این اقدام که به فرموده حضرت ولیّ امرالله «قدم اول در سبیل تأسیس مرکز بین المللی اداری جامعه پیروان امر اقدس اسنی» محسوب می‌شد^{۴۶} «تباشیر وعود و بشارات لوح کرم‌ل آشکار و پدیدار گردید.»^{۴۷}

تأسیس دارالآثار بین المللی بهائی، اولین بنا از ابنیه حول مراقد منوره منیره، در اهداف نقشه ده ساله منظور گردید. قبلاً در دهه ۱۹۲۰ محفظه آثار ارض اقدس تأسیس شده بود.^{۴۸} سپس در سال‌های نخست دهه ۱۹۳۰، اول دو حجره مجاور رمس حضرت اعلی و بعد حجره سوم نیز به عنوان محفظه آثار ترتیب داده شد و متعاقباً محفظه آثار فرعی در جوار مقام حضرت ورقه مبارکه علیا

اضافه گردید.^{۴۹} تعیین محلّ دارالآثار بین المللی مستلزم تهیه قطعه زمینی از تملکات خواهر فرید، فرح اسپراگ بود. نامبرده مبلغی گزاف برای آن مطالبه می نمود ولی سرانجام از وی سلب مالکیت شده (نوامبر ۱۹۵۴)، این قطعه به تصرف امر درآمد و به زودی محلّ قوس جبل کرمل تعیین و کار حفّاری محلّ دارالآثار بین المللی آغاز شد (مارس ۱۹۵۵). بنای دارالآثار در سال ۱۹۵۷ قبل از صعود حضرت ولی امرالله اتمام پذیرفت. با تأسیس دارالآثار بین المللی که به فرموده مبارک «مقدمه تأسیس مرکز عظیم الشان اداری جهانی بهائیان در آن جبل مقدّس» محسوب می شد «جریان سفینه الله» (یعنی «سفینه احکام») مذکور در لوح کرمل آغاز شده بود.^{۵۰}

تعیین محلّ مشرق الاذکار ارض اقدس و خرید اراضی آن نیز از اهداف نقشه ده ساله تعیین شده بود. حضرت عبدالبهاء از پیش میسن ریمی را به عنوان مهندس این بنا تعیین فرموده بودند.^{۵۱} نقشه و مدل این مشرق الاذکار مقارن آغاز نقشه ده ساله آماده شده و در دوّمین مؤتمر بین القارات (شیکاگو) در ایام رضوان سال ۱۹۵۳ به معرض نمایش گذارده شد. حضرت ولی امرالله محلّ مشرق الاذکار را خود در سال اوّل نقشه ده ساله «در بقعه‌ای که به قدوم جمال ابهی و صدور لوح کرمل مشرف و مفتخر گشته» تعیین نمودند.^{۵۲} و اراضی آن متعاقباً پس از دو سال مذاکره خریداری شد.^{۵۳} خرید اراضی حول اماکن متبرّکه بهائی برای محافظه شأن و مقام آنها و نیز تزئین و زیبایی این اماکن از آغاز دوره ولایت مورد نظر هیکل مبارک بود. مساحت اراضی تحت تصرف امرالله در کوه کرمل در آغاز این دوره احتمالاً از ۱۰,۰۰۰ متر مربع تجاوز نمی نمود. در سال ۱۹۵۷ در خاتمه حیات مبارک مساحت این اراضی به ۲۳۰,۰۰۰ متر مربع رسیده بود. اراضی حول روضه مبارکه و قصر بهجی نیز در آغاز این دوره از حدود ۱۰۰۰ متر مربع تجاوز نمی نمود در حالی که مساحت آنها در سال ۱۹۵۷ به ۲۵۷,۰۰۰ متر مربع می رسید.^{۵۴}

توسعه اراضی کوه کرمل که کوه مقدّس یهودیان به شمار می رود با مشاغل فراوانی توأم بود. در دهه ۱۹۲۰ و سال‌های بعد، متعاقب ازدیاد بی سابقه شمار مهاجران یهود، اولیای امور و مهاجران جدید در خرید اراضی کوه کرمل و شهر حیفا و اطراف و نواحی آن نهایت کوشش را می نمودند.^{۵۵} ضمناً قسمت وسیعی از این اراضی به صورت قطعاتی کوچک در تصرف ناقضین و دشمنان امرالله بود و تهیه آنها به سهولت ممکن نبود. اما اراضی حول روضه مبارکه و قصر بهجی نیز در تصرف خاندان مسلمان بیضون بود که از دشمنان دیرین و پرکین امرالله محسوب و با ناقضین نیز در ارتباط بودند و از این رو تهیه این اراضی ممکن نمی شد تا اینکه به دنبال جنگ استقلال کشور اسرائیل که حدود ۶۰۰,۰۰۰ نفر از اعراب فلسطین وطن خود را ترک گفتند، خاندان بیضون نیز املاک خود را رها کرده و در پی آن این املاک به تصرف دولت اسرائیل درآمد. در این زمان قطعه زمینی به مساحت قریب ۱۳۰,۰۰۰ متر مربع در نزدیکی دریاچه جلیل در تصرف خانواده‌ای از احباب از اعقاب میرزا محمد قلی برادر باوفای جمال مبارک بود و دولت اسرائیل به جهت موقعیت سوق

الجیشی این اراضی که در مجاورت مرز مشترک سوریه و اردن قرار داشت به جدّ مایل به تهیه این اراضی بود. حضرت ولیّ امرالله در ابتدا با فروش این اراضی موافقت فرمودند اما پس از آنکه امکان تعویض این اراضی با اراضی بیضون در حول روضه مبارکه مطرح شد هیکل مبارک این پیشنهاد را تصویب فرمودند و مذاکرات طولانی با مقامات دولتی در این خصوص آغاز شد. سرانجام صبح روز ۱۲ نوامبر ۱۹۵۲ اسناد این معامله به امضای طرفین رسید.^{۵۶} مساحت اراضی حول قصر بهجی که پیش از این تاریخ به ۴,۰۰۰ متر مربع محدود بود اکنون به ۱۵۹,۰۰۰ متر مربع افزایش یافته بود. در بعد از ظهر همان روز (۱۲ نوامبر) حضرت ولیّ امرالله عازم بهجی شدند تا نقشه لازم را برای تزئین اراضی حول روضه مبارکه تهیه فرمایند. هیکل مبارک در عرض ۴-۵ روز طرح لازم را تهیه و فوراً به تأسیس حرم اقدس در جوار روضه مبارکه اقدام نمودند. ظرف دو ماه و نیم مساحتی به وسعت ۱۳,۰۰۰ متر مربع تسطیح و تزئین شده بود.^{۵۷} تأسیس حرم اقدس به فرموده مبارک «مقدمه تشیید ضریح اقدس اطهر امنع ارفع ابهی در سنین آتیه است»^{۵۸} وسعت این اراضی که در عرض یک روز به تصرف امر درآمده بود برابر با وسعت اراضی ای بود که در مدت شصت سال در کوه کرمل به تصرف امرالله درآمده بود. مدتی پس از این واقعه، فتح و ظفری جدید نصیب جامعه امر شد بدین ترتیب که در مارس ۱۹۵۳ زمینی در کوه کرمل به مساحت بیش از ۲۳,۰۰۰ متر مربع که هیکل مبارک مدت سی سال متمادی اراده خرید آن را داشتند به تصرف امر درآمد.^{۵۹}

در همین دوره قصر مزرعه که از اوقاف اسلامی محسوب و خالی مانده بود پس از مراجعه مستقیم به نخست وزیر دولت اسرائیل دیوید بن گوریون به اجاره به جامعه بهائی واگذار شد (دسامبر ۱۹۵۰).^{۶۰} حجره مسکونه حضرت بهاءالله در قشله نظام نیز تخلیه و از اماکن مقدسه بهائیان محسوب شد (اوائل ۱۹۵۱).^{۶۱} چای خانه و مسافرخانه بهجی نیز در سالهای آخر حیات حضرت ولیّ امرالله به تصرف امر درآمدند.^{۶۲} اما دو بیت عودی خمّار و عبود و نیز باغ رضوان و دو باغ مجاور آن در عکاء و بیت مبارک حضرت عبدالبهاء در حیفا پیش از آغاز دوره ولایت در تصرف امر بوده و همچنان باقی ماندند.^{۶۳}

از دیگر انتصارات مهم دوره ولایت طرد و نفی ناقضین از قصر بهجی و اراضی روضه مبارکه بود. مدت کوتاهی پس از صعود حضرت عبدالبهاء میرزا بدیعالله و یارانش به تدبیر و تحریک میرزا محمد علی ناقض اکبر که مدعی اولویت در تولیت روضه مبارکه بود کلید آن مقام را از آقا ابوالقاسم خراسانی پاسبان و باغبان روضه مبارکه غصب نمودند (۳۰ ژانویه ۱۹۲۲). مقصد ناقضین که سالها در جهت تحقق آن کوشیدند این بود که تولیت روضه مبارکه را به دست آورده و یا در این امر با حضرت ولیّ امرالله شریک گردند. پس از غصب کلید به عنف، به علت هیجان حاصله در جمع احباب در ارض اقدس، به دستور حاکم عکاء کلید روضه مبارکه به مقامات دولتی تسلیم شد و ضریح مطهر بر روی احباب و ناقضین هر دو مسدود ماند. حضرت ولیّ امرالله به مقامات رسمی متوسّل

شدند و پس از تحقیقات کامل، حاکم فلسطین (مندوب سامی High Commissioner) در ۸ فوریه ۱۹۲۳ دستور صادر نمود که کلید آن مقام را به همان پاسبان تسلیم نمایند. این قضیه باعث شد که نیت سوء و افتراءات ناقضین بر اولیای امور روشن شود. اما قصر بهجی از زمان صعود حضرت بهاءالله در تصرف ناقض اکبر و همراهانش درآمده و مسکن خصوصی ایشان شده بود. در اثر غفلت ناقضین، قصر رو به خرابی نهاده و احتمال می‌رفت که سقف آن فرو ریزد. ناقض اکبر به حضرت ولی امرالله متوسل شده بود تا تعمیر قصر را عهده‌دار شوند ولی هیکل مبارک اقدام به این کار را مشروط به تخلیه قصر فرموده بودند. سرانجام در نوامبر ۱۹۲۹ یعنی قریب ۴۰ سال پس از صعود حضرت بهاءالله، ناقض اکبر به تخلیه قصر بهجی ناگزیر شده و تعمیر آن آغاز گشت. دو سال بعد که تعمیر قصر بهجی خاتمه یافت حضرت ولی امرالله موفق شدند نظر مساعد مندوب سامی فلسطین را جلب نمایند که قصر بهجی به عنوان زیارتگاه اداره شود و دیگر بار به صورت مسکن خصوصی درنیاید (اوائل ۱۹۳۲).^{۶۴}

در سال ۱۹۵۲ دولت اسرائیل روضه مبارکه و قصر بهجی را که قبلاً از سوی مقامات انگلیسی به عنوان زیارتگاه شناخته شده بودند به این عنوان به رسمیت شناخت. اما هنوز بیت مجاور قصر در تصرف ناقضین و از جمله سال‌ها مسکن میرزا مجدالدین محرک ناقض اکبر بود.^{۶۵} در ۱۱ مه ۱۹۵۶ وکلای نماینده هیأت بین‌المللی بهائی به مقامات دولتی مراجعه و تقاضا نمودند که املاک ناقضین در حرم اقدس و نزدیکی روضه مبارکه و قصر بهجی از تصرف ایشان خارج شده و به مالکیت امر درآید. مطابق قانون، دولت مجاز بود اراضی‌ای را که استفاده عمومی داشت تملک نموده و آن را به مقامات مسؤول واگذار نماید تا به نحو مطلوب از آن بهره‌برداری شود. در پی این اقدام، مقامات دولتی به سلب مالکیت از ناقضین دستور دادند (۲۰ دسامبر ۱۹۵۶) ولی ناقضین از رأی صادره استیناف خواسته قضیه را به دادگاه عالی بردند. دادگاه عالی در ۳۱ مه ۱۹۵۷ حکم قبلی را تثبیت نمود. اگرچه ناقضین مجدداً کوشیدند تا اجرای حکم صادره را به تعویق اندازند اما در نهایت در عرض کم‌تر از سه ماه از حول روضه مبارکه رانده شدند و حرم اقدس پس از گذشت بیش از شصت و پنج سال برای همیشه از وجود ایشان پاک شد (اوت ۱۹۵۷). مالکیت بیت ناقضین و قطعه زمین‌های کوچکی که در تصرف ایشان بود متعاقباً به نام شعبه اسرائیل محفل ملی امریکا انتقال یافت و بیتی که سال‌ها مسکن میرزا مجدالدین بود در دسامبر همان سال یعنی مدت کوتاهی پس از صعود حضرت ولی امرالله با خاک یکسان شد.^{۶۶} در بدایت این اقدام، هیکل اطهر به ایادی امرالله آقای لروی آیواس که در سمت منشی یا دبیر کل (Secretary General) هیأت بین‌المللی بهائی در مراجعات به دادگاه و تماس با مقامات دولتی می‌بایست نقشی فعال ایفاء نماید فرموده بودند که آنچه ایشان تا آن هنگام برای امر انجام داده بود - که شامل خدمات نامبرده در تشیید و تکمیل مقام اعلی نیز می‌شد - همانند نقره بود و این خدمت اخیر همانند طلا.^{۶۷} لازم به تذکر است که سند مالکیت روضه مبارکه و قصر

بهجی و بیت مجاور آن تا این زمان به نام ناقضین بود و نخست پس از صعود حضرت ولی امرالله، به فاصله قریب یک ماه، اسناد مالکیت آنها به نام جامعه بهائی انتقال یافت (۲ دسامبر ۱۹۵۷، ساعت ۱۰ و ۲۵ دقیقه بامداد).^{۶۸}

معافیت موقوفات امری در ارض اقدس از مالیات ملی و محلی از دیگر پیروزی‌های مهم دوره ولایت است. بنای مقام حضرت ورقه علیا مقدمه این امر گردید. متعاقب ورود محموله حاوی سنگ‌های بنای مزبور به بندر حیفا در نوامبر ۱۹۳۲، حضرت ولی امرالله در صدد کسب معافیت آنها از عوارض گمرکی برآمده و پس از موفقیت در این مورد، برای معافیت اراضی و املاک امری اقدام نمودند.^{۶۹} در مه ۱۹۳۴ به دستور مندوب سامی دولت انگلیس اراضی جامعه بهائی در کوه کرمل از مالیات معاف شدند.^{۷۰} به تدریج اماکن متبرکه جامعه بهائی در عکاء نیز از مالیات و عوارض ملی و محلی معاف شدند و تا سال ۱۹۴۴ قصر بهجی نیز مشمول این معافیت شده بود.^{۷۱} پس از تأسیس دولت اسرائیل، علی‌رغم افزایش بی‌سابقه اوقاف امری، معافیت تمامی آنها از مالیات ملی و محلی مورد قبول مقامات دولتی قرار گرفت.^{۷۲}

در همین دوره شعبه‌های اسرائیل محفل ملی امریکا و چند محفل ملی دیگر تأسیس شدند و بدین وسیله موقعیت اوقاف امری در ارض اقدس تحکیم گردید و بر شأن و منزلت امر در انظار اولیای امور در این کشور افزوده شد.

اعلان استقلال امر الهی

حضرت ولی امرالله در آثار خویش تحوّل آئین الهی را طی هفت مرحله تعیین و خصیصه هر مرحله را تعریف فرموده‌اند. این مراحل هفتگانه عبارتند از: مجهولیت، مقهوریت، انفصال، استقلال، رسمیت، حکومت بهائی، سلطنت جهانی بهائی. وجه امتیاز مرحله استقلال این است که استقلال آئین حضرت بهاءالله در انظار زمامداران عالم به اثبات رسد و اهل بهاء از حقوق و مزایای مساوی با حقوق پیروان ادیان معتبر عالم چون مسیحیت و اسلام برخوردار شوند.^{۷۳} جوامع بهائی در کشورهای مختلف اکنون در یکی از مراحل نخست این سیر و تحوّل بسر می‌برند. هیچ یک از این جوامع به مرحله رسمیت نرسیده است. اگرچه سیر جوامع مختلف بهائی از این مراحل همزمان نبوده، اما طبیعتاً آنچه در یک نقطه از عالم روی می‌دهد در تحولات امرالله در دیگر نقاط مؤثر است.

حضرت ولی امرالله از آغاز عصر تکوین این هدف را مد نظر خویش قرار دادند که جوامع بهائی به طور کلی به سوی مرحله استقلال سوق یابند. کراراً به این نکته اشاره شده که چگونه بر خلاف حضرت عبدالبهاء که تا آخرین لحظات حیات مبارک در مسجد حاضر شده نماز می‌گزاردند، حضرت ولی امرالله از همان آغاز به روش دیگری سلوک نموده و از جمله از حضور در مسجد خودداری فرمودند. به عبارت دیگر رشته‌ای که به اقتضای حکمت، امر الهی را تا این زمان به

شریعت اسلام پیوند داده و سبب حفظ جامعه نوظهور بود اکنون سد راه پیشرفت امرالله شده و به ضرورت می‌بایست گسسته شود. مسأله به رسمیت شناختن استقلال امرالله از این نظر حائز اهمیت است که بر شأن و نفوذ امرالله در انظار رؤساء و قاطبه اهل عالم می‌افزاید. در عین حال برای رسیدن به مرحله استقلال، کسب انفصال کامل امرالله از ادیان گذشته ضروری است. تا زمانی که آئین الهی فرقه و یا تلفیقی از ادیان گذشته محسوب شده و در انظار زمامداران و اندیشمندان فاقد هویت مشخص و متمایزی باشد، جامعه بهائی در برزخ قرار گرفته، از نیل به حقوق حقه خود باز می‌ماند. بدیهی است که معاندین امرالله هر یک به انگیزه‌ای سعی داشته و دارند که امرالله را بدعتی در اسلام جلوه دهند؛ اهل اسلام در درجه اول برای توجیه ادامه تزییقات و سلب آزادی از یاران، و مسیحیان به منظور کسر شأن دیانت جدید در انظار غربیان، به ویژه دولتمردان. از این رو مسأله انفصال امرالله، اگرچه در وهله اول نتایجش متوجه یاران مقیم کشورهای اسلامی است، اما در عین حال انعکاسی وسیع در عالم غرب دارد، و به همین دلیل از اهمیت بسیاری برخوردار است.

با آغاز دوره ولایت، تأکید بر هویت خاص بهائی اهمیت یافت. عدم جواز تقیه و مراجعه به محضرهای اسلامی برای عقد ازدواج، و قطع ارتباط با مسجد و کلیسا و معاهد ادیان گذشته به طور کلی، احتراز از پیروی مناسک و رسوم ادیان گذشته، اجرای احکام کتاب اقدس به اقتضای موقعیت و امکانات، و مسائلی نظیر آن تدریجاً و کراراً گوشزد اهل بهاء در شرق و غرب عالم شد. آنچه محرک و مؤید قیام و اقدام یاران به اعلان استقلال امرالله شده و نتایج عظیم در پی داشت حادثه‌ای به ظاهر کوچک بود که در همان آغاز دوره ولایت در یکی از قراء مصر روی داد. در قریه کوم الصعایدیه در بخش ببا در استان بنی سوئیف، سه نفر از یاران به کفر و ارتداد متهم شده، نهایتاً به حکم دادگاه شرع ببا مجبور به فسخ عقد ازدواج خویش با همسرانشان شدند. مسأله حائز اهمیت در این قضیه اینکه حکم صادره از سوی دادگاه (۱۰ مه ۱۹۲۵) که متعاقباً از سوی مفتی مصر و قاضی القضاة قاهره یعنی بالاترین مراجع دینی کشور تأیید شد، به صراحت به استقلال آئین بهائی شهادت داده، آن را دیانتی جدید با اصول و احکام خاص خویش برشمرد. با این اقدام، به فرموده حضرت ولی امرالله معاندین دینی امرالله خود «اولین قدم را... در سبیل استقلال آئین اعزّ اقدس اکرم برداشتند»^{۷۴} چند سال بعد در پی ضوضای عوام، مفتی مصر فتوایی صادر نمود که طبق آن، یاران از دفن اموات خود در قبرستان‌های اسلامی ممنوع گردیدند (۱۱ مارس ۱۹۳۹). این اقدامات دشمنان امرالله وسیله‌ای به دست یاران داد که به اولیای امور مراجعه و با استناد به حکم و فتوای صادره از سوی مقامات شرعی در مصر در احراز برخی از حقوق خود مداومت نمایند.

در پی اقدام یاران در مصر، ایران، امریکا و فلسطین موقعیت‌هایی نصیب جامعه بهائی شد. در مصر در وهله اول دو قطعه زمین در قاهره و اسماعیلیه تسلیم یاران شد تا به عنوان قبرستان بهائی مورد استفاده قرار گیرد. در ایران در ابتدا حکم عدم جواز تقیه و کتمان عقیده اعلان و به تدریج تنفیذ

گردید. در این خصوص در سال ۱۹۲۷ حضرت ولی امرالله نخست طی یک تلگراف و سپس در تویعی جداگانه دستور اکید صادر فرمودند که یاران هنگام تهیه شناسنامه (سجل احوال) عقیده خود را به صراحت ابراز نموده، از کتمان و تظاهر خودداری کنند.^{۷۵} همچنین اجرای قوانین کتاب اقدس با ملاحظه حکمت، مورد توجه قرار گرفت و در مورد نماز و روزه و ازدواج و طلاق و ارث و تدفین و شرب افیون و مشروبات الکلی، احکام مربوطه به مرحله اجراء درآمد. در مورد تدفین، تمام قوانین مربوطه به استثنای حکم جهت دفن میت تنفیذ شد. در مورد حکم اخیر، به دستور حضرت ولی امرالله قبله اسلامی تا زمان اعلان امرالله ملاک عمل یاران قرار گرفت.^{۷۶} در همین دوره گلستان‌های جاوید به تدریج در مراکز امری کشور احداث شد. حکم عدم جواز تقیه در مورد ازدواج بهائی نیز مورد تأکید قرار گرفت و مقرر شد که هنگام ثبت ازدواج در دفاتر مربوطه، یاران اعتقاد خود را علناً بیان نموده و متذکر شوند که مراسم عقد بهائی در مورد ایشان اجرا شده است. بعداً جهت تنفیذ حکم مزبور مقرر شد تخطی از آن به طرد اداری منجر گردد و متخلف از حق انتخاب و عضویت محافل روحانی محروم شود. اقدام یاران ایران برای احراز حقوق حقه خویش به عنوان پیروان دینانی مستقل از جمله سبب شد که ستون مذهب در گذرنامه حذف شود.^{۷۷}

در امریکا، نخست محفل روحانی شیکاگو از اولیای امور در ایالت ایلینوی تقاضا نمود ازدواج بهائی را به رسمیت شناخته، محفل روحانی را در اجرای آن مجاز شمارند. در پی اعلان موافقت این مقامات با تقاضای محفل روحانی شیکاگو (سپتامبر ۱۹۳۹)، محافل روحانی در دیگر ایالات امریکا نیز برای تسجیل ازدواج بهائی اقدام نموده، در چند ایالت دیگر نیز ازدواج بهائی به رسمیت شناخته شد. در خاتمه نقشه ده‌ساله، عقدنامه بهائی در بیش از ۳۰ ایالت در امریکا تسجیل شده بود.^{۷۸}

اما بزرگ‌ترین موفقیت حاصله در طول دوره ولایت در عرصه استقلال امرالله، در ارض اقدس نصیب جامعه بهائی گردید. از پیش مقامات انگلیسی در فلسطین به استقلال امرالله اذعان نموده، ازدواج بهائی را به رسمیت شناخته و اوقاف امری را از مالیات معاف نموده بودند.^{۷۹} پس از تأسیس دولت اسرائیل رؤسای این دولت نیز «اقرار به رسمیت و استقلال آئین بهائی نموده»،^{۸۰} اماکن متبرکه و اوقاف بهائی را از مالیات ملی و محلی معاف داشته، ایام محرمه و عقدنامه بهائی را به رسمیت شناختند.^{۸۱} لازم به تذکر است که در همین دوره، عقدنامه بهائی در برخی از کشورهای دیگر نیز به تسجیل مقامات دولتی رسید.^{۸۲} نیل به این پیروزی در چند کشور اسلامی از جمله عراق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. البته بعدها در برخی از کشورهای اسلامی رسمیت اعطائی به عقدنامه بهائی الغا شد.

از اهداف نقشه ده‌ساله تأسیس "محکمه علیا" (Bahá'í International Court) در ارض اقدس و ۶ محکمه ملی بهائی در ممالک اسلامی در پایتخت‌های عراق، ایران، مصر، هندوستان، پاکستان و افغانستان بود.^{۸۳} مقصد این بود که این محکمه‌ها رسماً صلاحیت اجرای احکام کتاب اقدس را در

امور مربوط به احوال شخصیه اهل بهاء احراز نمایند. در عین حال حضرت ولی امرالله پیش‌بینی می‌نمودند که شاید تحقق این هدف به علت گرایش به جدائی دین از سیاست در این قسمت از عالم و تبدیل محکمه‌های شرعی به مدنی میسر نشود.^{۸۴} در عمل هیچ یک از این محاکم تأسیس نشد.

توسعه نطق امرالله

بسط و توسعه دائره نفوذ آئین الهی مستلزم ازدیاد عدد پیروان و مراکز امری و گسترش جغرافیائی امرالله در عالم، اقبال نفوس از نژادها، اقوام و قبائل مختلف، و طبع، ترجمه و انتشار آثار امری است. حضرت عبدالبهاء در الواح نقشه ملکوتی خطاب به احبای شمال امریکا فرمان فتح روحانی عالم را صادر نموده و طرح آن را ارائه فرموده بودند. فرمان الهی ضمن چهارده لوح در بحبوحه جنگ جهانی اول (مارس ۱۹۱۶ - مارس ۱۹۱۷) صادر شده بود. از اینها ۵ لوح قبل از خاتمه جنگ به امریکا رسیده بود. اما همه این الواح اول بار در "مؤتمر میثاق" که از ۲۶ تا ۳۰ آوریل ۱۹۱۹ در نیویورک برگزار شد به نظر حاضران رسید و مورد گفتگو قرار گرفت.^{۸۵} در پی آن تنی چند از یاران از جمله مارثا روت به تبلیغ امرالله در پهنه جهان قیام نمودند، اما نشر این الواح در این مرحله به قیامی عمومی برای انتشار امرالله در عالم منجر نگردید و اقدامات انجام شده عمدتاً محدود به امریکا بود.^{۸۶} در عین حال مؤسسات و تشکیلاتی که کافل دوام و استمرار فعالیت‌های تبلیغی باشد موجود نبود. حضرت ولی امرالله زمانی فرموده بودند که تقریباً هیچ چیزی از آنچه فخر المبلّغین و المبلّغات مارثا روت به آن نائل شده بود باقی نمانده بود چه که در آن زمان هیچ مؤسسه و برنامه‌ای موجود نبود که زحمات او را دنبال کند و بذرها کشته را به ثمر رساند.^{۸۷} با تأسیس و استقرار مؤسسات نظم بدیع در عالم، ابزار لازم برای اجرای مؤثر و منظم فرمان تبلیغی حضرت عبدالبهاء فراهم شد.

فتح روحانی ممالک عالم لزوماً می‌بایست مطابق نقشه‌هایی منظم انجام گیرد. نخستین مرحله از تنفیذ فرمان حضرت عبدالبهاء با افتتاح نقشه هفت ساله اول احبای شمال امریکا که از رضوان ۱۹۳۷ تا رضوان ۱۹۴۴ ادامه یافت آغاز شد. حضرت ولی امرالله نقشه هفت ساله اول را بنفسه طرح و تنظیم فرمودند. این نقشه که "اعظم مشروع" قرن اول بهائی محسوب می‌شود^{۸۸} سه هدف را دنبال می‌نمود:

- ۱- تکمیل تزیینات خارجی امّ المعابد غرب؛ ۲- تأسیس یک محفل روحانی در هر یک از ایالات امریکا و ولایات کانادا؛ و ۳- تأسیس یک مرکز امری در هر یک از جمهوری‌های امریکای لاتین.

نقشه هفت ساله با موفقیت کامل به انجام رسید. در پی اجرای این نقشه مراکز امری در ایالات متحده امریکا که شمار آنها در آغاز نقشه به ۳۰۰ می‌رسید از ۱۳۰۰ تجاوز نمود. دائره امرالله در قاره امریکا از شمال آلاسکا در نزدیکی مدار قطب شمال تا جنوبی‌ترین شهر این قاره یعنی شهر مجلانیس (ماژلان) در شیلی امتداد یافت^{۸۹} و مراکز امری در تمامی جمهوری‌های مرکزی و جنوبی امریکا تأسیس شد.^{۹۰} بدین ترتیب اساس امرالله در قاره امریکا که مقدر بود نقشی اساسی در انتشار امرالله به

سایر نقاط عالم در ظلّ نقشه ملکوتی ایفا کند تحکیم گردید.

یک سال پس از آغاز نقشه هفت ساله اول یاران امریکا، محفل روحانی ملی هندوستان، پاکستان و برمه نقشه شش ساله‌ای را به ابتکار خویش آغاز نمود که با موفقیت به انجام رسید (آوریل ۱۹۳۸-۱۹۴۴).^{۹۱} با افتتاح قرن دوم بهائی، چندین محفل روحانی ملی به اجرای نقشه‌های تبلیغی مبادرت نمودند. این نقشه‌ها عبارت بودند از: نقشه شش ساله محفل روحانی ملی جزائر بریتانیا (رضوان ۱۹۴۴ - ۹ ژوئیه ۱۹۵۰)؛ نقشه هفت ساله دوم یاران امریکا (رضوان ۱۹۴۶ - رضوان ۱۹۵۳)؛ نقشه چهار ساله و نیم هندوستان و پاکستان و برمه (۹ ژانویه ۱۹۴۶ - ۹ ژوئیه ۱۹۵۰)؛ نقشه چهل و پنج ماهه یاران ایران (۱۱ اکتبر ۱۹۴۶ - ۹ ژوئیه ۱۹۵۰)؛ نقشه شش ساله استرالیا (۱۹۴۷-۱۹۵۳)؛ نقشه سه ساله عراق (۱۹۴۷-۱۹۵۰). اهداف این نقشه‌ها عبارت بودند از:

«... تأسیس محافل روحانیه در عواصم ده مملکت از ممالک مستقله قاره اوروپ و اتمام و اکمال تزئینات داخله امّ المعابد غرب در ایالات متّحده و اقامه سه رکن از ارکان بیت عدل اعظم و تشکیل سه محفل مرکزی در اقلیم کندا و جمهوریات جنوبی و مرکزی قاره امریکا و ایجاد نوزده محفل روحانی در عواصم جزیره ایرلند و ویلس و اسکاتلند و مراکز دیگر در جزائر بریتانیای عظمی و اعاده تشکیل محافل منحلّه و تأسیس نود و پنج مرکز در ایالات و ولایات موطن اقدس جمال ابهی و مضاعفه عدد محافل روحانیه موجوده در کشور هند و برما و تشکیل سی و هشت مرکز در قاره استرالیا و استحکام اساس دین مبین و ازدیاد مراکز امریه در شطّ العرب و الویه تابعه خطه مبارکه عراق و اتّساع دائره جامعه جدید التّاسیس در جمهوریات مرکزی و جنوبی قاره امریکا و تأسیس محفل روحانی در امارت بحرین و ارض حجاز و عاصمه افغانستان و تشکیل مراکز جدید در یمن و احسا و امارت کویت و عدن و عمان از اقلیم عربستان».^{۹۲}

در کانادا، پس از تأسیس محفل روحانی ملی در رضوان ۱۹۴۸، یاران این سامان متعهد اجرای نقشه پنج ساله خویش شدند. محفل روحانی ملی آلمان و اطریش که بعد از خاتمه جنگ جهانی مجدداً در سال ۱۹۴۶ تشکیل شده بود و نیز محفل روحانی ملی مصر و سودان هر یک در سال ۱۹۴۸ نقشه پنج ساله‌ای را آغاز نمودند که مقرر بود مقارن افتتاح نقشه ده ساله به پایان رسد. با تشکیل محافل ملی امریکای مرکزی و جنوبی در رضوان ۱۹۵۱، هر یک از این دو محفل نیز عهده‌دار اجرای نقشه تبلیغی خویش شدند. در همان سال، محفل روحانی ملی هندوستان، پاکستان و برمه برای بار سوم به ابتکار خود نقشه‌ای را طرح و به مرحله اجرا گذارد (نقشه ۱۹ ماهه، سپتامبر ۱۹۵۱ - رضوان ۱۹۵۳).

از میان محافل ملی، محفل ملی امریکا و کانادا بار عمده اهداف این نقشه‌ها را متحمل بود به طوری که علاوه بر اهداف داخله که از جمله تشکیل محفل ملی مستقل کانادا را شامل می‌شد، در

سی کشور دیگر نیز اهدافی را دنبال می نمود. از این همه، اهداف اروپائی نقشه هفت ساله از اهمیت خاصی برخوردار بودند. موفقیت حاصله در اجرای اهداف نقشه موجب شد که حضرت ولی امرالله در طول نقشه هدف های جدیدی را در آفریقا و اروپا به محفل ملی ایالات متحده آمریکا واگذار نمایند که از جمله تأسیس محفل ملی ایتالیا و سوئیس، اشرف ثمره اقدامات این محفل در اروپا را شامل می شد (رضوان ۱۹۵۳).

در ایران اهداف نقشه چهل و پنج ماهه مزید بر آنچه تعیین شده بود و زودتر از موعد مقرر تحقق پیدا کرد. در رضوان ۱۹۵۰ به ازای تشکیل مجدد ۶۲ محفل منحلّه و تأسیس ۲۰ جمعیت و ۱۳ مرکز منفرد جدید در داخل ایران، ۹۳ محفل، ۳۷ جمعیت و ۲۴ مرکز منفرد مجدداً تشکیل و یا برای نخستین بار تأسیس شده بود. در خارج ایران در مقابل تشکیل محافل روحانی کابل، مکه و بحرین و ۴ جماعت در شبه جزیره عربستان، ۴ محفل و ۶ جماعت یا مرکز منفرد تشکیل شده بود.^{۹۳}

در ایران علاوه بر نقشه چهل و پنج ماهه، نقشه چهار ساله نسون نیز به مرحله اجرا گذارده شد (۱۹۴۶-۱۹۵۰).^{۹۴} در نتیجه اجرای این نقشه زمینه برای احراز مساوات کامل اداری بانوان در ایران که بعداً از اهداف نقشه ده ساله تعیین شد فراهم گشت و بانوان ایران با آغاز سال دوم نقشه ده ساله (رضوان ۱۹۵۴) حق عضویت در محافل ملی و محلی را کسب نمودند.^{۹۵} یادآوری می شود که قبلاً در سال ۱۹۲۳ "قدم اول" در جهت مساوات حقوق رجال و نساء در ایران، با اعطای حق ابدای رأی به بانوان برداشته شده و سپس از رضوان ۱۹۳۷ عضویت ایشان در لجنه های مرکزی و محلی در جمیع ولایات ایران ممکن شده بود.^{۹۶}

از پیروزی های مهمی که نصیب شد پیشرفت چشمگیر امر در قاره آفریقا بود. در آوریل ۱۹۵۱ نقشه دو ساله آفریقا آغاز شد. پنج محفل مرکزی، یعنی محافل روحانی ایالات متحده آمریکا، مصر و سودان، ایران، هندوستان و پاکستان و برمه، و جزائر بریتانیا به هدایت محفل اخیر برای نیل به اهداف این نقشه با یکدیگر همکاری می کردند. حصول موفقیت هائی بیش از اهداف تعیین شده و اهم از آن، قیام مؤمنان جدید به تبلیغ و شرکت در فتح روحانی اقالیم غیرمفتوحه باقی مانده، دو خصوصیت بارز نقشه آفریقا محسوب تواند شد. در اثر اقدامات انجام شده، در عرض یک سال متجاوز از ۲۵۰ نفر به امر مبارک اقبال نمودند که بشارت آن را حضرت ولی امرالله ضمن توقیع نوروز ۱۱۰ بدیع (۱۹۵۳ میلادی) به یاران در شرق ابلاغ فرمودند.^{۹۷} این نخستین باری بود که هیکل مبارک ضمن یکی از توقیعات مبارکه عمومی خویش به یاران شرق، به ذکر ارقام محافل و مراکز امریه اکتفا نموده، عدد نفوس مقبله را نیز ذکر می فرمودند. همچنین به عبارت «یدخلون فی دین الله افواجا» استناد نموده،^{۹۸} در واقع به تلویح تحقق اقبال گروه های مردم را در این قاره و جزائر مجاوره آن پیش بینی می فرمودند. بیانات مبارک نمایانگر استعداد روحانی آفریقا است، قاره ای که به فرموده حضرتش بر خلاف دیگر قارات عالم از آلودگی مادیات برکنار مانده بود.

قیام یاران در ظلّ نقشه‌های تبلیغی "مقدمه" تحقّق بشارت کتاب دانیال نبی بود^{۹۹} که تحقّق آن به طور کامل منوط به فتح و تسخیر دیگر ممالک عالم در ظلّ نقشه ده ساله جهاد کبیر اکبر بود.^{۱۰۰} با اجرای این نقشه‌ها که محافل روحانی ملی کشورهای مختلف مستقلاً به طرح و تنفیذ آنها اقدام نموده بودند، این محافل «لیاقت و استعداد لازم جهت اقدام و اشتراک» در اجرای نقشه ده ساله را کسب نمودند.^{۱۰۱}

نقشه ده ساله جهاد جهانی روحانی

صد سال پس از دعوت سری جمال ابهی در سیاه چال طهران و در آستانه افتتاح نقشه ده ساله، امرالله در ۱۲۸ کشور و سرزمین از «اقصی شمال به اقصی جنوب عالم و از شرق اقصی به غرب اقصی»^{۱۰۲} نفوذ نموده و عدد مراکز امریه در عالم به ۲۵۰۰ رسیده بود. عدد زبان‌هائی که نشریات امری به آنها ترجمه و منتشر شده بود به ۷۱ بالغ و ترجمه آثار به ۱۵ زبان دیگر در دست انجام بود. نمایندگان ۳۰ نژاد از نژادهای عالم و ۲۳ قبیله از قبائل مختلف آفریقا در ظلّ امرالله وارد گشته بودند.^{۱۰۳} نقشه ده ساله در واقع مرکب از ۱۲ نقشه تبلیغی ملی بود که همزمان توسط ۱۲ محفل روحانی ملی به مرحله اجرا گذارده می‌شد. این نقشه چهار مقصد اصلی را مدّ نظر داشت: ۱- توسعه و تقویت مؤسسات امرالله در ارض اقدس؛ ۲- تقویت جامعه بهائی در ممالکی که دارای محافل ملی بوده و می‌بایست به عنوان مراکز اداری جهت تنفیذ نقشه‌های تبلیغی ملی عمل کنند؛^{۱۰۴} ۳- استحکام اساس امرالله در کلیه ممالکی که از پیش فتح شده بودند؛ ۴- فتح ۱۳۱ کشور و سرزمین دیگر از میان ممالک مستقله و اقلیم تابعه و جزائر مهمه عالم.^{۱۰۵} نیل به این مقاصد اصلی مستلزم تحقّق ۲۷ هدف مشخص بود،^{۱۰۶} از جمله «مضاعفه عدد اقلیم که در ظلّ امر الهی وارد گشته»، «ازدیاد عدد لغاتی که آثار امریه به آن ترجمه و طبع شده و یا در دست ترجمه است به بیش از دو برابر»، «مضاعفه عدد مشارق اذکار در جامعه بهائی»، «تنظیم و تدوین احکام منصوصه کتاب مقدّس اقدس»، «بنای محفظه آثار بین المللی»، «تزیید عدّه محافل مرکزی روحانی به بیش از چهار برابر»، «تأسیس شش مؤسسه مطبوعات ملی بهائی»، «اشتراک اماء الرّحمن ایران در عضویت محافل روحانی ملی و محلی»، «تأسیس مطبعه ملی بهائی در عاصمه ایران»، «در صورت امکان انضمام یازده جمهوریّت که از اجزاء اتّحاد جماهیر شوروی محسوبند و دو کشور از کشورهای اروپا که مرتبط و تحت نفوذ آن هیأت است به دائره نظم اداری امر الهی» و «انعقاد کنگره جهانی بهائی در جوار باغ رضوان» در بغداد.

مطابق نقشه ده ساله می‌بایست ۱۳۱ اقلیم و جزیره جدید فتح شود که این رقم از جمله تمامی اقلیم باقی‌مانده مذکور در الواح نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء و نیز جمهوری‌های اتّحاد جماهیر شوروی که هنوز در ظلّ امر وارد نشده بودند را شامل می‌شد. دو برابر نمودن مشارق اذکار بهائی مقرر بود از طریق تأسیس امّ المعابد ایران مشرف به شهر طهران و امّ المعابد اروپا در نزدیکی

فرانکفورت صورت گیرد. اما جهت ازدیاد عدد محافل روحانی ملی به چهار برابر تشکیل ۴۸ محفل روحانی ملی جدید در نظر گرفته شده بود که با احتساب محافلی که از قبل موجود بود شمار محافل ملی در پایان نقشه می‌بایست به ۵۷ می‌رسید.

با آغاز سال مقدّس و افتتاح رسمی نقشه ده ساله در رضوان ۱۹۵۳، اولین مرحله نقشه که فتح اقلیم و جزائر جدید را شامل می‌شد با سرعت چشمگیری پیشرفت نمود به طوری که تا رضوان ۱۹۵۴ مهاجرین در ۱۰۰ اقلیم از ۱۳۱ اقلیم مذکور در نقشه مستقر شده بودند. اهداف مراحل بعدی نقشه نیز به سرعت به اجرا درآمد و این پیروزی‌ها سبب سرور موفور حضرت ولیّ امرالله در سال‌های آخر حیات مبارک شد. هیکل مبارک در تویع نوروز ۱۱۳ بدیع، آخرین تویع عمومی صادره از قلم حضرتش خطاب به یاران شرق، به قیام و اقدام نفوس جدید الاقبال به خدمات امری در ممالک فتح شده اشاره نموده و می‌فرمایند که «در نتیجه این فوز مبین مروّجین امر نازنین در این اقلیم از آنچه مأمول بوده و در نقشه ده ساله تصریح و تعیین گشته تجاوز نموده‌اند و به مقامی رسیده‌اند که احدی در آغاز این [جهاد] کبیر اکبر تصوّر چنین فتح و پیروزی و فلاح و نجاح را قطعاً نمی‌نمود.»^{۱۰۷}

در خاتمه نقشه (رضوان ۱۹۶۳) اگرچه فتح روحانی جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی و نیز کشورهای تحت سلطه کمونیسم که جزو اهداف نقشه منظور شده بودند (همچنان که حضرت ولیّ امرالله نیز پیش‌بینی می‌فرمودند) ممکن نشد اما در مقابل، اقلیم و جزائر دیگری به تسخیر امر الهی درآمد و هدف ۱۳۱ اقلیم و جزیره جدید در ظلّ امر تحقّق یافت.

در مجموع، پیروزی‌های به دست آمده بیش از میزان تعیین شده در نقشه ده ساله بود. مطابق نقشه می‌بایست شمار زبان‌هایی که آثار بهائی به آنها ترجمه و نشر شده بود از ۸۶ به ۱۷۷ افزایش یابد (۹۱ زبان جدید)، یعنی کمی بیش از دو برابر شود. در پایان نقشه آثار امری به ۲۲۰ زبان جدید ترجمه و طبع شده بود، یا به عبارت دیگر، در طول نقشه شمار این زبان‌ها به بیش از سه برابر افزایش یافته بود. همچنین ۷ مؤسسه مطبوعات بهائی (به جای ۶ مؤسسه تعیین شده) تأسیس شدند و در مقابل خرید محلّ ۱۱ مشرق الاذکار، زمین ۴۶ مشرق الاذکار خریداری شد. شمار نژادهای عالم که در نطق امر وارد شده بودند از ۳۰ به ۷۱ افزایش یافت و ۳۴۹ قبیله از قبائل مختلف آفریقا (در قبال ۲۳ در آغاز نقشه) در ظلّ امرالله وارد گشتند.

از اهداف نقشه ده ساله یکی هم «تحکیم روابط بین جامعه بین المللی بهائی و هیأت امم متّحده» بود.^{۱۰۸} قبلاً اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل متّحد در ۲۶ مارس ۱۹۴۸ جامعه بین المللی بهائی (Bahá'í International Community) را به عنوان یک سازمان غیردولتی (NGO) به رسمیت شناخته بود. در اهمّیت این قضیه کافی است اشاره شود که حضرت ولیّ امرالله آن را مقدمه اعلان رسمیت آئین حضرت بهاءالله در سراسر عالم محسوب فرموده‌اند.^{۱۰۹} از این تاریخ برای نمایندگان جامعه بهائی میسر شده بود که در کنفرانس‌ها و اجتماعاتی که از سوی سازمان ملل متّحد تشکیل

می‌شد شرکت کرده، نظرهای جامعهٔ بهائی را گوشزد حاضران نموده و از این طریق روابط جامعهٔ بین المللی بهائی را با سازمان ملل متحد تحکیم بخشند. شناسائی اعطائی به جامعهٔ بهائی در عین حال برای جوامع بهائی که در کشورهای شرقی تحت تزییقات بسر برده و می‌برند اثراتی محرز داشته و دارد.^{۱۱۰} لازم به تذکر است که قبلاً دفتر بین المللی بهائی در بهار سال ۱۹۲۵ در ژنو در مرکز مجمع اتفاق ملل (یا "جمعیت امم") تأسیس شده و این دفتر نیز تا حدودی در ایجاد روابط با سازمان مذکور که در زمان خود بالاترین مرجع بین المللی محسوب می‌شد کسب موفقیت نموده بود.

علاوه بر بسط و گسترش امرالله در پهنهٔ عالم و نیز ترجمهٔ آثار امری به زبان‌های مختلف، دورهٔ ولایت شاهد افزایش عدد و وسعت نشریات ادواری بهائی نیز بود. علاوه بر مجلاتی که انتشار آنها از زمان حضرت عبداله‌البهاء شروع شده و در این دوره ادامه پیدا کرد،^{۱۱۱} نشریات جدیدی نظیر الاشراق (*The Dawn*) در برمه (۱۹۲۳) و *Herald of the South* در استرالیا و نیوزیلند (۱۹۲۵)، و نیز مجلات اخبار امری در کشورهای مختلف از جمله امریکا، آلمان، انگلستان، استرالیا و نیوزیلند پدیدار شدند. در میان نشریات ادواری، از همه مهم‌تر کتاب "عالم بهائی" (*The Bahá'í World*) بود که شمارهٔ نخست آن در سال ۱۹۲۶ تحت عنوان "سالنامهٔ بهائی" (*Bahá'í Year Book*) منتشر شد.

اشتهار امر الهی

برشماری تحولات کلی تاریخ امر در دورهٔ ولایت کامل نخواهد بود اگر به حوادث مهمی که بر اشتهار امر الهی افزود اشاره‌ای نشود. انتشار امرالله در سطح عالم بیش از پیش صیت امر الهی را بلند نمود. اما در عین حال سه حادثهٔ مهم نیز به نحوی اساسی در اشتهار امر الهی مؤثر واقع گردید، یعنی غضب و تصرف بیت اعظم در عراق، اقبال ملکهٔ رومانی به امر مبارک و اعلان‌های عمومی وی، و حملهٔ شدید دشمنان دیرین در موطن جمال ابهی در اواخر این دوره.

اولین حمله بر امرالله از سوی دشمنان خارج، از ناحیهٔ حزب شیعه در عراق صدور یافت. مدت کوتاهی پس از صعود حضرت عبداله‌البهاء شیعیان عراق به تصرف بیت اعظم در بغداد مبادرت نمودند. به دنبال پیگیری احباب، این قضیه از محکمهٔ شرعی جعفری نخست به محاکم مدنی و سپس به دادگاه عالی عراق ارجاع شد ولی به علت همراهی پادشاه و سیاسیون کشور با علمای شیعه رفع ظلم از احباب نشد. نهایتاً قضیهٔ بیت مبارک به مجمع اتفاق ملل ارجاع شد و در آن جا پس از تحقیق، تعدی شیعیان به اثبات رسیده، شهادتنامه‌ای از سوی مجمع مزبور منتشر شد و دستور لازم به حکومت بریتانیا برای محافظهٔ حقوق احباب صادر شد ولی این اقدام نیز مثمر واقع نشد و کماکان بیت اعظم در تصرف شیعیان باقی ماند. اما در اثر این اقدام دشمنان امرالله، نام آئین الهی گوشزد بسیاری از زمامداران و مردم عالم شد.

اقبال ماری ملکهٔ رومانی به امر الهی، اولین نفس از بین تاجداران عالم که به نصرت شریعت ابهی

قیام نمود و هفت اعلان پی در پی وی که ضمن آنها به صرافت طبع به عظمت مقام حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء و ستایش از آئین جدید و نیز رسالت حضرت محمد زبان گشود به نوبه خود بر شهرت امر الهی بسی افزود. سه اعلان نخست این ملکه در قریب به ۲۰۰ روزنامه در امریکا و کانادا منتشر شد (۱۹۲۶) و بعداً به زبان‌های دیگر ترجمه و در چند کشور دیگر نیز به طبع رسید. بنا به اظهار محفل ملی امریکا شمار نسخ جرائد و مجلات خارجی که این سه اعلان را منتشر نمودند از ده میلیون افزون بود.^{۱۱۲} این ملکه آخرین بار دو سال قبل از صعود خویش که در ژوئیه ۱۹۳۸ روی داد به عظمت آئین بدیع شهادت داد.

اما آخرین واقعه مهم این دوره که به اشتها بی سابقه آئین الهی منتهی شد تضيیقات وارده بر جامعه یاران در قضیه فلسفی بود. در ایام رمضان سال ۱۹۵۵ (آوریل - مه) شیخ محمد تقی فلسفی در مسجد خوئی‌های طهران به شدت به امرالله و احباب حمله نمود و سخنان وی از رادیوی ملی در سراسر کشور پخش شد و ضمناً حمله به امرالله در جرائد و مطبوعات نیز منعکس گردید. در ۲ مه پلیس حظیره القدس ملی را بست و از اجتماع یاران در جلسه آخرین روز انجمن شور روحانی ملی جلوگیری نمود. در ۷ مه حظیره القدس ملی به اشغال ارتش درآمد. بر اثر این تحریکات احباب در سراسر کشور مورد حمله دشمنان قرار گرفته و حظائر قدس محلی در بسیاری از نقاط کشور ضبط گردید. در ۱۷ مه وزیر کشور در مجلس اعلان نمود که آئین بهائی را غیرقانونی اعلام نموده و به ضبط حظائر قدس دستور داده است. در ۲۲ مه قبه حظیره القدس ملی ایران با حضور و مشارکت افسران برجسته ارتش و نیز شیخ محمد تقی فلسفی تخریب شد. بیت مبارک شیراز دو بار مورد حمله و لطمه قرار گرفت و بیت خال اعظم در نزدیکی آن تخریب گردید. انتشار عکس‌های مربوط به تخریب قبه حظیره القدس ملی در طهران عوام را بیش از پیش تحریک نمود. در هرمزک یزد هفت نفر از یاران به طرز فجیعی به شهادت رسیدند (۲۸ ژوئیه) و عده‌ای دیگر به شدت مجروح شدند. بعداً در خراسان بیش از ۸۰ نفر از رجال و نساء احباب را پالان و افسار نموده، چهار دست و پا در کوچه و بازار گردانیدند.^{۱۱۳} به زودی پس از آغاز این تضيیقات، یاران در سراسر جهان به هدایت حضرت ولی امرالله با ارسال بیش از هزار نامه و تلگراف به مقامات ایران تظلم نمودند. به دنبال عدم اعتنای این مقامات، نمایندگان جامعه بین المللی بهائی به هیأت نمایندگان سازمان ملل متحد در ژنو متوسل شده با ارائه مدارک مستند دفع ظلم را از یاران ایران مطالبه نمودند (ژوئیه - اوت). در پی انعکاس این واقعات در سازمان ملل، دبیر کل این سازمان هیأتی را تعیین نمود و با نمایندگی دولت ایران در این خصوص تماس گرفته شد و به زودی دفع ظلم از یاران گردید به طوری که «مقاومت و مهاجمه شدید بر حزب مظلوم در شهر رمضان مبدل به محافظت و صیانت پیروان ستم‌دیده حی قیوم در ایام محرم و صفر گشت».^{۱۱۴}

اهمیت این واقعه به حدی است که به فرموده حضرت ولی امرالله در اثر آن جامعه بهائی به مرحله

جدیدی از تحوّل خود وارد گردید. پیش از این تاریخ، مرحله تأسیس و استحکام نظم بدیع الهی سپری شده بود، و اکنون با حدوث این پیش آمد مرحله دوّم که مرحله ترویج و اتّساع نطاق امرالله بود به انتها رسیده و مرحله «اشتهار و ارتفاع صیت امر حضرت کردگار» آغاز شده بود.^{۱۱۵} مطابق بیان هیکل مبارک، در مرحله اخیر در میقات معین زمامداران سیاسی و علمای مذهبی و عموم مردم بر ضدّ امر قیام نموده و این حرکت ایشان به نوبه خود موجب «اعلان» آئین یزدان در تمام جهان خواهد شد، و در پی این اعلان نیز بشارت «یدخلون فی دین الله افواجا» تحقّق خواهد یافت.

خاتمه

در پایان عصر رسولی و آستانه عصر تکوین امرالله تنها در معدودی از کشورها و جزائر جهان انتشار یافته بود. شمار پیروان آن در اکثر جوامع اندک و در بعضی نقاط انگشت شمار، و درک ایشان از حقائق امر بدیع و مقاصد آن محدود بود. همچنین تنها معدودی مؤسّسات نوپای امرالله در برخی از کشورها از پیش تأسیس شده بودند که هیچ یک بر اساس صحیحی استوار نبودند و به طور کلی اصول نظم اداری بهائی تبیین و تفهیم نشده بود. اهل عالم عموماً از وجود جامعه بهائی بی اطلاع، و آن عده که از وجودش آگاه بودند از شأن و مقام امر بدیع غافل، بلکه آن را فرقه ای اسلامی و فاقد هویت می پنداشتند که جدیداً سربرآورده و چه بسا به زودی، خود دچار انشعاب شده و از صفحه روزگار محو گردد.

در طیّ ۳۶ سال دوره ولایت، اهداف و مقاصد عالیّه امرالله تبیین و به صراحت اعلان شد، اساس مؤسّسات نظم بدیع در بسیاری از نقاط عالم مستقرّ شد و در ظلّ هدایت حضرت ولیّ امرالله و این مؤسّسات نوپدید، نقشه های تبلیغی به مرحله اجرا درآمده، امرالله در اکثر ممالک و جزائر عالم نفوذ نمود و جامعه بهائی به جامعه ای جهانی که پیروانش نماینده کثیری از نژادها، اقوام و ملل عالم محسوب تبدیل شد. این همه چهره جامعه بهائی را دگرگون ساخت و بر شهرت و اعتبار پیروان آئین جدید که در چنین مدّت کوتاهی، علی رغم شمار اندک خویش و قوای مادی محدود این چنین رشد و تحوّل را پدید آورده بودند افزود.

حضرت عبدالبهاء در دو لوح مبارک، در اشاره به بشارت ۱۳۳۵ مذکور در کتاب دانیال نبی، تقدّم امرالله را در آن زمان چنین توصیف می فرمایند: «در آن تاریخ آثار علوّ و امتناع و سموّ و اعتلا از برای کلمه الله در شرق و غرب حاصل گردد» و نیز «تعالیم الله تتمکن فی الارض حقّ التّمکن و تملأ الانوار مشارق الارض و مغاربها».^{۱۱۶} بشارت دانیال به خاتمه نقشه ده ساله، یعنی سال ۱۹۶۳ میلادی اشاره دارد.^{۱۱۷} در این زمان جامعه بهائی به جامعه ای جهانی تبدیل شده و تعالیم الهی چنانچه در لوح مبارک مذکور آمده در ارض تمکن یافته بود.

رضوان ۱۹۶۳	اکتبر ۱۹۵۷	خاتمه ۱۹۵۲	۱۹۴۴	
۵۶	۲۶	۱۱	۷	محافل ملی
> ۳۵۵۰	> ۱۰۰۰	> ۶۱۰	> ۴۹۰	محافل محلی
۴۳		۹	۵	محافل ملی تسجیل شده
۵۶	۴۸	۸	۶	حظائر قدس ملی
۴			۲	مشرق الاذکار
۲۵۹	۲۵۴	۱۲۸	۷۸	ممالک مستقله و اقالیم تابعه
> ۱۱۰۷۰	۴۵۰۰	۲۵۰۰		مراکز امری
۳۰۹	۲۳۷	۷۱		لغات
۷۱		۳۰	۳۱	نژادها
۳۴۹		۱۲		قبائل افریقا
۸۳				قبائل سرخپوست قاره امریکا
۸۷				قبائل و اقوام شبه قاره هند و اقیانوس آرام و اقیانوس هند

جدول ۱: آمار مربوط به پیشرفت امرالله در سال‌های مختلف دوره ولایت و در خاتمه نقشه ده ساله. ۱۱۸

یادداشت‌ها

- ۱- حضرت ولی امرالله، کتاب قرن بدیع، نشر دوم (دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۱۴۹ ب، ۱۹۹۲ م)، ص ۶۶۷؛ Shoghi Effendi, *God Passes By*, rev. ed. (Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1974), p. 329.
- ۲- شمار سرزمین‌هائی که در پایان عهد ابهی و عهد میثاق به روی امر الهی گشوده شده بودند بسته به اینکه حدود این سرزمین‌ها بر مبنای چه معیاری تعیین شود می‌تواند متفاوت باشد. حضرت ولی امرالله در تویق نوروز ۱۱۰ بدیع اسامی ۱۱ مملکت و اقلیم را که در عهد ابهی به روی امر گشوده شده بودند به ترتیب زیر ذکر می‌فرمایند: ۱- مهد امر (ایران)؛ ۲- عراق عرب؛ ۳- روم (ترکیه)؛ ۴- هندوستان؛ ۵- قفقازیا؛ ۶- برما؛ ۷- ترکستان؛ ۸- مصر؛ ۹- سودان؛ ۱۰- سوریه؛ ۱۱- لبنان (حضرت ولی امرالله، تویقات مبارکه [لانگنهاین: لجنه ملی نشر آثار امری، ۱۴۹ ب، ۱۹۹۲ م]، صص ۴۲۲-۴۲۳). اما مثلاً در دو جزوه که در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۲ به زبان انگلیسی به طبع رسیده، به ترتیب از ۱۳ و ۱۵ مملکت نام می‌برند. هیکل مبارک در جزوه منتشره به سال ۱۹۵۲، پاکستان و اسرائیل را که در آن زمان دولی مستقل تشکیل داده بودند جدا از هندوستان و سوریه ذکر نموده و نیز به جای قفقاز، از سه جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان نام می‌برند. بدین ترتیب شمار ممالک فتح شده در خاتمه عهد ابهی به ۱۵ و در خاتمه عهد میثاق به ۳۵ بالغ می‌شود. ن ک به:

Shoghi Effendi, *The Bahá'í Faith, 1844-1950: Information Statistical and Comparative* (Wilmette: Bahá'í Publishing Committee, 1950), p. 4; idem, *The Bahá'í Faith, 1844-1952:*

Information Statistical and Comparative (Wilmette: Bahá'í Publishing Committee, 1953), p. 6.

شمار ممالک مفتوحه را در خاتمه عصر رسولی به نحو دیگری ۳۷ نیز می‌توان تعیین نمود. ن ک به:

The Bahá'í World, vol. 14 (Haifa: The Universal House of Justice, 1974), p. 143.

۳- حضرت ولی امرالله، تویعات مبارکه، ص ۳۴۶. در مورد نام شهر "بهیه" ن ک به تویع نوروز ۱۰۱ بدیع، ایضاً، ص ۲۴۳.

۴- ایضاً، ص ۳۵۰.

۵- مسعود برجیس، نظری به تاریخ امر بهائی در کشور آلمان، قسمت سوم، پیام بهائی، شماره ۱۰۴ (زویة ۱۹۸۸)، ص ۱۲.

۶- حضرت ولی امرالله، تویعات مبارکه، ص ۳۳۱.

۷- در کنار نجم باختر که از سال ۱۹۱۰ (ابتدا تحت عنوان *Bahai News*) در امریکا به طبع می‌رسید، در اواخر عهد میثاق نشریات دیگری نظیر البشارت (*Bahá'í News*) در هندوستان (به دو زبان فارسی و انگلیسی از مارس ۱۹۲۱)، "شمس حقیقت" (*Sonne der Wahrheit*) در آلمان (مارس ۱۹۲۱)، "نجم خاور" (*Star of the East*) در ژاپن (اکتبر ۱۹۲۰)، خورشید خاور در ترکستان (۱۹۱۷)، و "اطفال ملکوت" (*The Children of the Kingdom*) و "حقیقت" (*Reality*) (۱۹۱۹) در امریکا آغاز به انتشار نموده بودند. اولین شماره مجله اخبار امری ایران نیز در سال ۱۳۰۰ شمسی (۱۹۲۱) منتشر شد، ولی در انتشار آن گاه وقفه حاصل می‌شد.

۸- در مجله نجم باختر ترجمه سخنان جناب فاضل مازندرانی در مؤتمر سالانه یاران امریکا (نیویورک، ۲۹ آوریل ۱۹۲۰) در باره محافل روحانی در ایران آمده است. از متن این مقاله چنین برمی‌آید که انتخاب محافل روحانی در ایران در این زمان در دو مرحله صورت می‌گرفته و وکلای یاران که در مرحله نخست انتخاب می‌شدند از بین خویش (و نه عموم یاران مقیم ناحیه خود) اعضای محفل روحانی محلی را انتخاب می‌نمودند. ن ک به:
Star of the West, vol. 11, no. 10 (8 September 1920), pp. 155-58; *ibid*, vol. 11, no. 11 (27 September 1920), pp. 195-97.

۹- حضرت ولی امرالله، نظم جهانی بهائی: منتخباتی از آثار صادره از قلم حضرت ولی امرالله، ترجمه و اقتباس هوشمند فتح اعظم (دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۱۴۶ ب، ۱۹۸۹ م)، صص ۵۹-۶۰. همچنین ن ک به:
Shoghi Effendi, The World Order of Bahá'u'lláh (Wilmette: Bahá'í Publishing Committee, 1944), pp. 42-3.

۱۰- نظم جهانی بهائی، ص ۱۲؛ *World Order of Bahá'u'lláh*, p. 7.

۱۱- کتاب قرن بدیع، ص ۷۸۶؛ *God Passes By*, p. 396.

12- Shoghi Effendi, *Bahá'í Administration: Selected Messages 1922-1932* (Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1974), pp. 20-4.

۱۳- "هیأت تنفیذیه مشرق الاذکار" (Executive Board of Bahá'í Temple Unity) در سال ۱۹۰۹ تأسیس شده بود.

14- Ruhiyyih Rabbání, *The Priceless Pearl* (London: Bahá'í Publishing Trust, 1969), p. 56.

۱۵- حضرت ولی امرالله، تویعات مبارکه: ۱۹۲۶-۱۹۲۶ (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ ب)، ج ۱، صص ۴-۶.

۱۶- از جمله ن ک به تویع مورخ شباط ۱۹۲۲ خطاب به محفل روحانی بمبئی (ایضاً، ص ۱۰).

۱۷- اسم Australasia عموماً بر استرالیا، نیوزیلند، گینه جدید و جزائر مجاور واقع در اقیانوس آرام اطلاق می‌شود. اما البته در زمان صدور تویع مبارک در مارس ۱۹۲۳ تنها استرالیا و نیوزیلند فتح شده بودند. ضمناً در آثار

حضرت ولی امرالله به انگلیسی گاه اسم Australasia تنها بر استرالیا، تاسمانیا و نیوزیلند اشاره دارد و جزائر مجاور نظیر گینه جدید و فیجی جزو آسیا محسوب شده‌اند. (برای نمونه ن ک به Bahá'í Faith, 1844-1952, p. 66). در تویعات فارسی هیکل مبارک، عنوان "قاره استرالیا" گاه به تنهایی بر سرزمین اصلی کشور استرالیا اطلاق شده و گاه نیوزیلند (و تاسمانیا) را نیز شامل می‌شود. (برای نمونه ن ک به تویعات مبارکه، صص ۴۵۴، ۴۶۹، ۴۷۵، ۴۸۳-۴۸۴، ۴۹۰، ۴۹۲).

18- Bahá'í Administration, pp. 39-41.

۱۹- ن ک به: Shoghi Effendi, *God Passes By*, p. 333. (تاریخ رسمی تشکیل این محافل در دو جزوه حاوی آمار پیشرفت امرالله که در یادداشت شماره ۲ از آنها یاد شد نیز قید شده است). در برخی منابع ذکر شده که در زمان حضرت عبدالهاء دو محفل روحانی ملی در عالم موجود بوده است، یعنی محفل ملی امریکا و محفل ملی ایران: Rúhíyyih Khánum, *Twenty-Five Years of the Guardianship* (Wilmette: Bahá'í Publishing Committee, 1948), p. 8. متذکر می‌شود که حضرت ولی امرالله در مکاتبات انگلیسی خویش از محفل روحانی منتخب یاران در امریکا حتی قبل از اینکه محفل ملی در این کشور رسماً تأسیس شود با عنوان "National Spiritual Assembly" یاد فرموده‌اند. (برای نمونه ن ک به Bahá'í Administration, pp. 27, 30, 32, 33. همچنین ن ک به حضرت ولی امرالله، تویعات مبارکه، ج ۱، ص ۱۳۵). اما همان طور که در متن آمده، تاریخ تأسیس رسمی اولین محافل روحانی ملی عالم را باید سال ۱۹۲۳ محسوب داشت و محفل ملی امریکا نیز رسماً در سال ۱۹۲۵ تأسیس شده است.

۲۰- تویعات مبارکه، ج ۱، ص ۱۳۶.

۲۱- ایضاً. قبلاً هیکل مبارک در تویع مورخ ۱۵ شباط ۱۹۲۲ اشاره فرموده بودند که مهام امور و نیز اموری که محافل محلی در آن اختلاف نظر دارند باید به «محفل روحانی مرکزی اقلیم که در طهران است» مراجعه شود (ایضاً، صص ۵-۶). متعاقباً نیز در تویع مورخ تموز (ژوئیه) ۱۹۲۵ خطاب به یاران در صفحات شرق فرمودند که «اقدام و اهم نقطه امریه هر اقلیمی موقتاً محفل مرکزی آن اقلیم نامیده شد.» و سپس اسامی ۶ محفل را که هر یک در آن زمان به عنوان محفل مرکزی اقلیم خویش انجام وظیفه می‌نمود به این شرح نام می‌برند: محفل طهران (ایران)، محفل بادکوبه (قفقازیا)، محفل عشق آباد (ترکستان)، محفل بغداد (عراق)، محفل اسلامبول (ترکیه) و محفل حیفا (فلسطین و سوریه) (ایضاً، صص ۲۴۳-۲۴۴). در تویعات مبارک عنوان «محفل مرکزی» همچنین به معنی محفل ملی یا منطقه‌ای نیز به کار رفته است. برای نمونه ن ک به حضرت ولی امرالله، تویعات مبارکه، صص ۲۴۵، ۳۴۱-۳۴۲. عنوان انگلیسی "National Spiritual Assembly" هم در مورد «محفل مرکزی» در مفهوم خاص خود و هم در مورد محفل ملی و محفل منطقه‌ای استعمال شده است. برای نمونه در مجلد اول «عالم بهائی» که در سال ۱۹۲۶ تحت عنوان «سالنامه بهائی» منتشر شده، محافل روحانی مرکزی ترکستان، قفقاز، عراق و ایران در کنار محافل روحانی ملی امریکا و کانادا، آلمان، هندوستان و برمه و پاکستان، جزائر بریطانیا و مصر در یک فهرست ذیل عنوان "National Spiritual Assemblies" ذکر شده‌اند، اگرچه نحوه انتخاب آنها متفاوت بوده است:

Bahá'í Year Book (New York: Bahá'í Publishing Committee, 1926), p. 101.

۲۲- ن ک به: Shoghi Effendi, *Bahá'í Administration*, pp. 144-45. (تویع مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۲۷). همچنین ن ک به حضرت ولی امرالله، تویعات مبارکه: ۱۹۲۷-۱۹۳۹ (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ ب)، ج ۲، ص ۵۷ (تویع مورخ نوامبر ۱۹۲۷). یادآور می‌شود که در همین سال (یعنی ۱۳۱۶ هـ ش) قانون تقسیمات کشوری و قانون اصلاح این قانون به تصویب رسید (۱۶ آبان و ۱۰ دی) و مطابق آن کشور به جای ایالات و ولایات و بلوکات سابق، به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان و ۲۹۰ بخش تقسیم شد.

۲۳- ن ک به تویع مورخ تموز (ژوئیه) ۱۹۲۸، تویعات مبارکه، ج ۲، ص ۹۲.

۲۴- نظم جهانی بهائی، ص ۱۹ (تویع مبارک تحت عنوان «ملاحظات بیشتر در باره نظم جهان‌آرای الهی».

همچنین ن ک به توفیق مبارک "نظم جهان آرای الهی"، ایضاً، ص ۷). شاید بیان مبارک ناظر به فعالیت های احمد سهراب و تأثیرات آن در جامعه بهائی باشد. نامبرده قریب یک سال پیش از صدور این توفیق، یعنی در آوریل ۱۹۲۹ همراه با عده ای دیگر "انجمن تاریخ جدید" (New History Society) را در نیویورک تأسیس نموده و به مخالفت با محفل محلی نیویورک و محفل ملی امریکا و به طور کلی تشکیلات امرالله برخاسته بود. در این مورد ن ک به:

Peter Smith, *The Babi and Baha'i Religions: From Messianic Shi'ism to a World Religion* (Cambridge: Cambridge University Press, 1987), pp. 124-25.

۲۵- دو توفیق "نظم جهان آرای الهی" ("The World Order of Bahá'u'lláh") و "ملاحظات بیشتر در باره نظم جهان آرای الهی" ("The World Order of Bahá'u'lláh: Further Considerations") (مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۹ و ۲۱ مارس ۱۹۳۰) در حقیقت منعکس کننده ایراداتی است که در آن زمان از سوی عده ای بر نظم اداری وارد می شد. این دو توفیق مبارک در مجموعه *World Order of Bahá'u'lláh* (صص ۳-۱۲ و ۱۵-۲۶) به طبع رسیده اند. ۲۶- در مورد این بحران ن ک به مقاله زیر:

Loni Bramson-Lerche, "Some Aspects of the Development of the Bahá'í Administrative Order in America, 1922-1936," Moojan Momen (ed.), *Studies in Bábí and Bahá'í History*, vol. 1 (Los Angeles: Kalimát Press, 1982), pp. 284-95.

27- Phillip R. Smith, "The Development and Influence of the Bahá'í Administrative Order in Great Britain, 1914-1950," Richard Hollinger (ed.), *Community Histories: Studies in the Bábí and Bahá'í Religions*, vol. 6 (Los Angeles: Kalimát Press, 1992), pp. 165-66.

۲۸- محفل ملی آلمان و اطریش، یکی از اولین محافل روحانی مرکزی در عالم بهائی، در سال ۱۹۳۷ به دستور مقامات آلمان نازی منحل شده بود.

۲۹- حضرت ولی امرالله سنه تسع یا سنه بعد حین (۱۲۶۹ ه ق) را که در آن بعثت سزى جمال اقدس ابهى واقع شده "سنه مقدسه" محسوب فرموده اند و صدمین سال بعثت سزى مبارک را نیز "سنه مقدسه" (یا "سنه مقدسه مبارکه") نامیده اند (از جمله ن ک به توفیقات مبارکه، صص ۴۱۷، ۴۲۸-۴۳۰، ۵۲۲-۵۲۳). اول محرم سال ۱۲۶۹ ه ق در غروب ۱۵ اکتبر ۱۸۵۲ م شروع شده و از این رو صدمین سالگرد دعوت سزى مبارک (سال مقدس) در غروب ۱۵ اکتبر ۱۹۵۲ (اول شهر العلم ۱۰۹ ب) آغاز شده است. حضرت ولی امرالله در تلگراف مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۵۲ (به انگلیسی) افتتاح سال مقدس را اعلان فرمودند. ن ک به: Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World, 1950-1957* (Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1971), p. 40.

30- Shoghi Effendi, *Bahá'í Faith, 1844-1952*, pp. 27-38.

۳۱- برای اسامی ۴۸ محفل روحانی ملی جدید که می بایست مطابق نقشه ده ساله تا رضوان ۱۹۶۳ تأسیس شوند ن ک به ایضاً، ص ۶۸. برای اسامی ۵۶ محفل روحانی ملی که در رضوان ۱۹۶۳ تأسیس شدند از جمله ن ک به: Hands of the Cause of God Residing in the Holy Land, *The Bahá'í Faith, 1844-1963: Information Statistical and Comparative* (Haifa: Hands of the Cause of God Residing in the Holy Land, 1963), pp. 23-4.

۳۲- "قانون اساسی" یا "دستور" جامعه بهائی (Bahá'í National Constitution) حاوی دو بخش است: بیان نامه هیأت امضاء (Declaration of Trust) و نظامنامه محفل روحانی ملی (By-Laws) (ن ک به Shoghi Effendi, *God Passes By*, p. 335). متن قانون اساسی جوامع بهائیان چند کشور از جمله ایالات متحده امریکا و ایران در مجلد دوازدهم کتاب "عالم بهائی" آمده است:

The Bahá'í World, vol. 12 (Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1956), pp. 393-430.

- ۳۳- ن ک به بیان حضرت ولی امرالله در توفیق نوروز ۱۱۱ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۵۵۲.
- ۳۴- عنوان "هیأت بین المللی بهائی" در توفیعات فارسی حضرت ولی امرالله آمده است (ن ک به توفیعات مبارکه، صص ۴۰۹، ۴۵۶). معادل آن در توفیعات انگلیسی هیکل مبارک عنوان International Bahá'í Council است که عموماً به "شورای بین المللی بهائی" ترجمه می شود (برای مثال ن ک به حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ترجمه فؤاد اشرف [لانگنهاین: لجنة ملی نشر آثار امری، ۱۵۴ ب، ۱۹۹۷ م]، ص ۱۹۲). عنوان اخیر اکنون برای یاران فارسی زبان آشنا تر از عنوان "هیأت بین المللی بهائی" است.
- ۳۵- حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ص ۴۵۶ (همچنین ن ک به ایضاً، ص ۴۰۹).
- ۳۶- حضرت ولی امرالله چند نفر را نیز پس از صعودشان به نام ایادی امرالله تسمیه فرموده اند.
- ۳۷- ن ک به حضرت ولی امرالله، توفیق رضوان ۱۰۵ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۳۳۸.
- 38- *The Bahá'í World*, vol. 18 (Haifa: Bahá'í World Centre, 1986), pp. 388-89.
- ۳۹- حضرت ولی امرالله در آثار و بیانات خویش تأکید فرموده اند که مؤسس مقام اعلی حضرت بهاءالله هستند و "بدایت تأسیس" را تعیین محل مقام حضرت اعلی محسوب فرموده اند. (ن ک به توفیعات مبارکه، صص ۳۶۵، ۳۶۹، ۳۸۲؛ اسفندیار قباد، خاطرات اسفندیار قباد [طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ ب]، صص ۱۰۷-۱۰۸).
- 40- David S. Ruhe, *Door of Hope: A Century of the Bahá'í Faith in the Holy Land*, rev. ed. (Oxford: George Ronald, 1986), p. 168; Cf. Rúhíyyih Rabbani, *The Guardian of the Bahá'í Faith* (London: Bahá'í Publishing Trust, 1988), p. 117.
- حضرت ولی امرالله محل و موقع این سه حجره را در ماه مه ۱۹۲۵، هنگام تشرّف جناب ذکرالله خادم، مشخص فرموده بودند. ن ک به ذکرالله خادم، به یاد محبوب (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ ب)، صص ۳۰۸-۳۰۹. برای عنوان "قدس الاقداس" ن ک به حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۰۸ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۳۶۸.
- ۴۱- توفیعات مبارکه، صص ۳۷۸-۳۷۹؛ همچنین ن ک به تلگراف مورخ ۲۳ مه ۱۹۴۴:
- Shoghi Effendi, *The Unfolding Destiny of the British Bahá'í Community* (London: Bahá'í Publishing Trust, 1981), p. 166.
- ۴۲- حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، صص ۳۷۹-۳۸۰، ۴۰۵، ۴۵۸.
- ۴۳- ایضاً، ص ۳۶۴. در مورد تاج های سه گانه مقام اعلی علاوه بر مأخذ مذکور در یادداشت بالا ن ک به توفیق مورخ ۳۰ اوت ۱۹۵۳: Shoghi Effendi, *Unfolding Destiny*, p. 321.
- ۴۴- حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ص ۵۲۳.
- ۴۵- ایضاً، ص ۳۷۸. همچنین ن ک به ایضاً، صص ۲۴۱-۲۴۲، ۵۶۴.
- ۴۶- ایضاً، ص ۲۴۲.
- ۴۷- ایضاً، ص ۳۷۸.
- ۴۸- حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ تموز ۱۹۲۵ می فرمایند: «همچنین محفظه آثاری در ارض اقدس اخیراً تشکیل گشته.» (توفیعات مبارکه، ج ۱، ص ۲۴۸). در خاطرات آقای اسفندیار قباد در ضمن شرح تشرّف اول ایشان به ارض اقدس در سال ۱۹۲۴ آمده است که زائرین در روز ۲۱ آوریل به مناسبت عید رضوان، به زیارت شمایل های مبارک حضرت بهاءالله و حضرت اعلی نائل شدند. در آن زمان این شمایل ها در قاب و جبهه های مخصوص خود در کنار برخی آثار مبارکه دیگر در بیت مبارک حضرت عبدالبهاء در اطاق کوچکی که مخصوص حضرت ورقه مبارکه علیا بود نگهداری می شد و محفظه آثار به این اطاق منحصر بود (قباد، خاطرات اسفندیار قباد، صص ۳۴-۳۵، ۸۳).
- 49- *The Bahá'í World*, vol. 4 (New York: Bahá'í Publishing Committee, 1933), pp. 98-9; *The Bahá'í World*, vol. 13 (Haifa: The Universal House of Justice, 1970), pp. 429-30; Rabbani,

Priceless Pearl, pp. 263-64; Shoghi Effendi, *God Passes By*, p. 347.

همچنین ن ک به جواد قوچانی، خاطرات فراموش‌نشده‌ی (دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۱۵۴ ب، ۱۹۹۸ م)، صص ۷۱-۷۲، ۸۱-۸۲.

۵۰- توفیق نوروز ۱۱۱ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۵۶۰. هیکل مبارک در توفیق نوروز ۱۰۱ بدیع جریان سفینه احکام را در ارتباط با نزول کتاب اقدس ذکر می‌فرماید (ایضاً، ص ۸۷).

51- Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, pp. 13, 149.

همچنین ن ک به حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ص ۴۰۸.

۵۲- حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۱۱ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۵۵۴. همچنین ن ک به:

Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, p. 63; Anita Ioas Chapman, *Leroy Ioas: Hand of the Cause of God* (Oxford: George Ronald, 1998), pp. 213, 216; Ruhe, *Door of Hope*, p. 186.

53- Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, p. 95 (See also *ibid*, pp. 78-9); Chapman, *Leroy Ioas*, pp. 213-16.

54- Rabbani, *Guardian of the Bahá'í Faith*, p. 121.

۵۵- حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ص ۳۷۶؛ ایضاً، توفیعات مبارکه، ج ۱، صص ۲۵۵-۲۵۷. شمار یهودیان فلسطین در سال ۱۸۸۰ به ۲۰,۰۰۰-۲۵,۰۰۰ نفر می‌رسید. در بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۵ بیش از ۲۵۰,۰۰۰ یهودی به این سرزمین مهاجرت کردند و در آستانه استقلال دولت اسرائیل شمار یهودیان به حدود ۶۵۰,۰۰۰ نفر رسیده بود.

۵۶- ن ک به: Chapman, *Leroy Ioas*, pp. 207-08; Ruhe, *Door of Hope*, pp. 118-19, 207-08.

توفیق نوروز ۱۱۰ بدیع در باره خاندان بیضون و خرید اراضی حول روضه مبارکه می‌فرماید: «در این سنه مقدسه که صدمین سال بعثت آن موعود امم و محیی رمم است پس از خذلان ناقضین حسود و جحود و در نتیجه مغلوبیت و هزیمت دشمنان دیرین امر حضرت رب العالمین که مدت شصت سال با ناقضین پرکین عهد جمال مبین مرتبط و در طوفان مفتشین معین و مؤید و مهماندار اعدای امرالله و در سنین عدیده به توهین و تحقیر آن مقام مقدس مشغول و تعدی بر اراضی مجاوره آن مقام اطهر نموده، اراضی وسیعه وقف آن روضه مقدسه گشت.» (حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ص ۴۶۰).

۵۷- حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ص ۴۶۱؛ *Bahá'í World*, vol. 12, p. 146.

۵۸- توفیعات مبارکه، ص ۴۶۱.

۵۹- ن ک به ایضاً، ص ۴۶۰ و نیز تلگراف نوروز ۱۹۵۳ خطاب به یاران غرب: *Bahá'í World*, vol. 12, p. 35.

Chapman, *Leroy Ioas*, p. 209.

۶۰- از جمله ن ک به حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ص ۵۵۵؛ Ruhe, *Door of Hope*, pp. 93-4.

العدل اعظم الهی در مارس ۱۹۷۳ بشارت خرید قصر مزرعه را به مناسبت نوروز ۱۳۰ بدیع به جامعه بهائی اعلان فرمودند.

۶۱- حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۰۸ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۴۰۷. همچنین ن ک به: *Bahá'í World*,

vol. 12, p. 44.

62- Rabbání, *Priceless Pearl*, p. 233; cf. Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, p. 95.

63- Rabbání, *Priceless Pearl*, p. 228.

64- *Ibid*, pp. 231-32.

۶۵- میرزا مجدالدین در سال ۱۹۵۵ فوت کرد.

66- Chapman, *Leroy Ioas*, pp. 194-96; cf. *The Ministry of the Custodians, 1957-1963* (Haifa:

Bahá'í World Centre, 1992), p. 80.

67- Chapman, *Leroy Ioas*, p. 194.

68- Ibid, p. 197.

69- Rabbání, *Priceless Pearl*, p. 279.

70- Ibid, pp. 269, 285.

71- Shoghi Effendi, *God Passes By*, p. 356.

۷۲- از جمله نك به حضرت ولّی امرالله، توفیق نوروز ۱۱۱ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۵۵۵.

۷۳- حضرت ولّی امرالله مراحل تحوّل امر الهی و خصوصیات هر مرحله را به اختصار در کتاب قرن بدیع، توفیق نوروز ۱۱۰ بدیع و نیز توفیق مورخ ۴ مه ۱۹۵۳ (به انگلیسی) بیان فرموده‌اند. نك به: *God Passes By*, p. 364. توفیعات مبارکه، صص ۵۰۱-۵۰۲؛ *Messages to the Bahá'í World*, p. 155.

۷۴- توفیق نوروز ۱۰۱ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۲۲۷. همچنین نك به توفیق مورخ شباط ۱۹۲۷، توفیعات مبارکه، ج ۲، ص ۱۷.

۷۵- توفیق مورخ ۹ نوامبر ۱۹۲۷، توفیعات مبارکه، ج ۲، صص ۴۵-۴۶. در این زمان مقرّر شده بود که ایرانیان نام و نام خانوادگی داشته باشند و بعداً تحولات دیگری در این عرصه صورت گرفت و از جمله در ۱۷ شهریور ۱۳۰۷ (۱۹۲۸ م) مجلس قانون سجدّ احوال را که تحت ۱۶ ماده تصویب شده بود برای اجرا به وزارت داخله ابلاغ نمود.

۷۶- حضرت ولّی امرالله، توفیعات مبارکه، ج ۳، صص ۱۵۸-۱۵۹ (توفیق مورخ ۷ فوریه ۱۹۳۶)؛ عبدالحمید اشراق خاوری، گنجینه حدود و احکام، نشر سوّم (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۸ ب)، صص ۱۴۲-۱۴۴.

77- Shoghi Effendi, *God Passes By*, p. 371.

۷۸- در این محاسبه آلاسکا و جزائر هاوایی نیز که از نظر امری مستقلّ اند جزو ایالات متّحده امریکا محسوب شده‌اند.

79- Shoghi Effendi, *God Passes By*, pp. 369, 410.

۸۰- حضرت ولّی امرالله، توفیق نوروز ۱۱۱ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۵۵۵.

۸۱- ایضاً، صص ۵۵۵-۵۵۶.

82- Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, pp. 4, 107.

۸۳- حضرت ولّی امرالله، توفیعات مبارکه، صص ۴۸۷-۴۸۸ (همچنین نك به صص ۴۰۹-۴۱۰، ۴۵۶، ۵۲۱)؛ و Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, pp. 149, 152. عنوان "محکمه علیا" در توفیق نوروز ۱۱۰ بدیع آمده و در همین توفیق از "ممالک اسلامیّه" که می‌بایست در آنها محکمه‌های ملی بهائی ایجاد شود نام می‌برند و هندوستان را در این گروه محسوب می‌فرمایند (توفیعات مبارکه، صص ۴۵۶، ۴۸۸). در آثار انگلیسی مبارک به جای "ممالک اسلامیّه" عنوان "شرق اسلامی" (Islamic East) در این مورد آمده است. برای ملاحظه بیانات شفاهی مبارک در مورد "محکمه علیا" (یا "محکمه بین المللی بهائی") و ۶ محکمه ملی بهائی نك به قباد، خاطرات اسفندیار قباد، صص ۱۱۰-۱۱۱. هدف این بود که در آینده محافل ملی به عنوان محکمه‌های بهائی عمل کنند. (نك به ایضاً. همچنین نك به بیان مبارک در مورد محفل ملی مصر در *God Passes By*, p. 367).

84- *Ministry of the Custodians*, pp. 169, 364.

85- Glenford E. Mitchell, "Shoghi Effendi: Guide for a New Millennium," *The Bahá'í World 1996-97* (Haifa: Bahá'í World Centre, 1998), p. 168.

۸۶- شرح خلاصه‌ای از اقدامات یاران امریکا در پاسخ به فرمان تبلیغی حضرت عبدالبهاء صادره در الواح نقشه ملکوتی در مآخذ زیر آمده است:

Peter Smith, "The American Bahá'í Community, 1894-1917: A Preliminary Survey," Moojan Momen (ed.), *Studies in Bábí and Bahá'í History*, vol. 1 (Los Angeles: Kalimát Press, 1982), pp. 133-35.

87- Chapman, Leroy Ioas, p. 167.

۸۸- حضرت ولی امرالله، توفیق رضوان ۱۰۵ بدیع، توقیعات مبارکه، ص ۳۳۰.

۸۹- ایضاً، صص ۳۳۰-۳۳۱.

۹۰- انتصارات نقشه هفت ساله علاوه بر مأخذ فوق از جمله در توفیق نوروز ۱۰۱ بدیع و کتاب قرن بدیع نیز ذکر

شده است. ن ک به ایضاً، صص ۲۴۲-۲۴۵؛ Shoghi Effendi, *God Passes By*, pp. 399-400.

91- See *The Bahá'í World*, vol. 9 (Wilmette: Bahá'í Publishing Committee, 1945), p. 59;

Shoghi Effendi, *Messages of Shoghi Effendi to the Indian Subcontinent, 1923-1957* (New Delhi: Bahá'í Publishing Trust, 1995), pp. 170, 177, 249-50.

۹۲- حضرت ولی امرالله، توفیق رضوان ۱۰۵ بدیع، توقیعات مبارکه، صص ۳۴۲-۳۴۳. همچنین ن ک به:

Shoghi Effendi, *Citadel of Faith: Messages to America, 1947-1957* (Wilmette: Bahá'í Publishing Trust, 1980), pp. 47-8.

۹۳- مطابق کتاب "عالم بهائی" (ج ۱۱، صص ۳۴-۳۵)، شمار محافل منحلّه که تشکیل مجدد آنها از اهداف نقشه

چهل و پنج ماهه ایران تعیین شده بود به ۶۲ می رسید. به علاوه، تشکیل و تأسیس ۲۲ جماعت و ۱۳ مرکز منفردّه جدید نیز از اهداف این نقشه بود. احتمال دارد در رقم مربوط به جماعات اشتباهی روی داده باشد، و رقم صحیح ۲۰ باشد. در این صورت جمع ارقام مربوط به محافل منحلّه (۶۲)، جماعات (۲۰) و مراکز منفردّه (۱۳) که می بایست در طول نقشه تأسیس شوند به ۹۵ بالغ می شود که مطابق رقم مذکور در توفیق مبارک رضوان ۱۰۵ بدیع است. (متن قسمت مربوطه از این توفیق در مقاله آمده است.) حضرت ولی امرالله ضمن پیام رضوان ۱۹۵۰ (به انگلیسی)، در اشاره به نقشه چهل و پنج ماهه یاران ایران بشارت دادند که ۳۱ محفل، ۱۷ جماعت و ۱۱ مرکز منفردّه مزید بر آنچه در نقشه منظور شده بود تشکیل شده است (Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, p. 4). مطابق "عالم بهائی" (ج ۱۱، صص ۳۴-۳۶) عدد محافل، جماعات و مراکز تشکیل شده در طول نقشه به ترتیب ۹۳، ۳۷ و ۲۴ بوده است.

94- *Bahá'í World*, vol. 12, p. 65.

۹۵- حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۱۱ بدیع، توقیعات مبارکه، ص ۵۸۰.

۹۶- ن ک به حضرت ولی امرالله، توقیعات مبارکه، ج ۱، صص ۴۳-۴۴؛ ج ۳، صص ۱۶۲-۱۶۳.

۹۷- توقیعات مبارکه، ص ۴۶۷.

۹۸- ایضاً، ص ۴۶۸. در توقیعات مبارک خطاب به اجنای غرب، حضرت ولی امرالله ظاهراً بار نخست در پیام

مورخ ۲۵ ژوئن ۱۹۵۳ از دو عبارت "entry by troops" و "mass conversion" در اشاره به تحولات آتی امر استفاده فرموده اند (Citadel of Faith, p. 117). بیان مبارک در این توفیق در مورد اقبال افواج مردم مبتنی بر پیشگویی حضرت عبدالبهاء است. البته حضرت ولی امرالله پیش از این تاریخ نیز در آثار خویش به اقبال گروه‌های مردم و ملت‌ها در آینده اشاره فرموده بودند.

۹۹- حضرت ولی امرالله، توقیعات مبارکه، ص ۳۴۳.

۱۰۰- ایضاً، ص ۴۲۷.

۱۰۱- ایضاً، ص ۴۷۷.

۱۰۲- ایضاً، ص ۴۷۱ (توفیق نوروز ۱۱۰ بدیع).

۱۰۳- ایضاً، صص ۴۵۳، ۴۵۵؛ Shoghi Effendi, *Bahá'í Faith, 1844-1952*, pp. 6-8, 11.

۱۰۴- دوازده محفل روحانی ملی موجود در رضوان ۱۹۵۳ (با احتساب محفل روحانی ملی ایتالیا و سویس که در رضوان همان سال تشکیل شد) نماینده ۳۶ کشور مختلف بودند. ن ک به:

Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, p. 151.

۱۰۵- حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۱۰ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۴۷۸. همچنین ن ک به:

Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, pp. 41-2.

۱۰۶- ن ک به: Shoghi Effendi, *Bahá'í Faith, 1844-1952*, pp. 50-2. حضرت ولی امرالله در توفیق نوروز

۱۱۰ بدیع (توفیعات مبارکه، صص ۴۷۸-۴۹۵) در ذیل مقاصد اصلی نقشه ده ساله، ۲۸ هدف را مشخص می‌فرمایند که هدف چهارم مذکور در این قسمت یعنی «استحکام اساس امرالله در یکصد و هیجده (۱۱۸) اقلیم از اقلیم عالم که در ظل امرالله وارد گشته» را قبلاً در ذیل مقاصد اصلی (مقصد اصلی سوم) ذکر فرموده بودند (ایضاً، صص ۴۸۲، ۴۷۸) و در ظل هدف چهارم جزئیات آن مشخص شده است.

۱۰۷- حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۱۳ بدیع، نسخه خطی (دستخط ایادی امرالله علی اکبر فروتن)، ص ۴۵.

۱۰۸- حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۱۰ بدیع، توفیعات مبارکه، ص ۴۹۴.

۱۰۹- حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه: ۱۰۶-۱۰۹ بدیع (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۵ ب)،

ص ۱۹۴. همچنین ن ک به حضرت ولی امرالله، حصن حصین شریعت الله، ص ۶۲. اصل بیان مبارک به انگلیسی در مجموعه *Citadel of Faith*، ص ۴۸ آمده است.

۱۱۰- ن ک به توفیق مورخ ۱۸ مه ۱۹۴۸ حضرت ولی امرالله خطاب به محفل ملی امریکا که قسمتی از آن در مقاله

زیر نقل شده است: «امیر فرهنگ ایمانی، جامعه بین المللی بهائی و روابط آن با سازمان ملل متحد، پیام بهائی، شماره ۱۹۱ (اکتبر ۱۹۹۵)، صص ۳۱-۳۲».

۱۱۱- انتشار معدودی از این نشریات در دوره ولایت متوقف شد و یا تحت عنوان دیگری ادامه یافت. از جمله

نجم باختر از نوامبر ۱۹۲۲ زیر عنوان *The Bahá'í Magazine: Star of the West* منتشر شد و سپس از ۱۹۳۵ با مجله دیگری یکی شده و نام آن به *World Order* تغییر یافت. مجله «حقیقت» (*Reality*) که از سال ۱۹۲۳ مدتی به امرالله و مؤسسات آن حمله نموده بود، در سال ۱۹۲۹ تعطیل شد.

۱۱۲- ن ک به حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ج ۲، ص ۹.

۱۱۳- حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۱۳ بدیع (خطی)، ص ۹.

۱۱۴- ایضاً، ص ۲۹.

۱۱۵- ایضاً، صص ۳۳-۳۴. همچنین ن ک به: Shoghi Effendi, *Messages to the Bahá'í World*, pp. 89-90.

۱۱۶- ن ک به حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، صص ۳۴۳-۳۴۴، ۴۲۷-۴۲۸.

۱۱۷- در آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء آمده که بشارت ۱۳۳۵ مذکور در کتاب دانیال نبی اشاره به ۱۳۳۵ سال شمسی است و نیز مبدأ آن از هجرت حضرت محمد تعیین شده است. (برای نمونه‌ای از بیانات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله در مورد پیشگویی دانیال ن ک به عبدالحمید اشراق خاوری، مائده آسمانی [طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۹ ب]، ج ۲، ص ۷۸؛ ج ۳، صص ۳۴-۳۵؛ ج ۹، ص ۲۰؛ حضرت ولی امرالله، توفیعات مبارکه، ج ۱، ص ۷۰). از این رو این عقیده در بین احبای ایران عموماً رواج یافته بود که بشارت مذکور به سال ۱۳۳۵ هـ ش (۱۹۵۶ م) اشاره دارد. از میان یاران غربی، دکتر اسلمنت مؤلف کتاب بهاء الله و عصر جدید در اثر خویش بشارت دانیال را با سال ۱۹۵۷ م مطابقت نموده بود. (ن ک به چاپ‌های نخستین این کتاب، و از جمله چاپ اول آن که در سال ۱۹۲۳ در انگلستان منتشر شد.) در عین حال حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارک (لوح خطاب به جناب فرج الله زکی الکردی) می‌فرمایند که در تاریخ مورد اشاره دانیال، یک قرن از طلوع شمس حقیقت گذشته است، و حضرت ولی امرالله مبدأ این قرن را اظهار امر جمال ابهی در باغ رضوان (بغداد) در سال ۱۲۷۹ هـ ق تعیین می‌فرمایند (اشراق خاوری،

مانده آسمانی، ج ۳، صص ۳۴-۳۵). در توفیق دیگری (به انگلیسی) که از طرف هیکل مبارک در تاریخ ۴ مه ۱۹۴۶ تحریر شده آمده که انتهای ۱۳۳۵ در سال ۱۹۶۳ میلادی و خاتمه نقشه ده ساله است. (ن ک به: Helen Hornby, *Lights of Guidance*, 1st ed. [New Delhi: Bahá'í Publishing Trust, 1983], p. 324; ibid, 2nd ed. p.432 [1988]). همچنین حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ ۱۶ اکتبر ۱۹۵۱ (به انگلیسی) در اشاره به "جشن اعظم" (the Most Great Jubilee) که صدمین سال اظهار امر علنی جمال قدم در باغ رضوان است می فرماید که این جشن را دنیال نیی بیش از دو هزار سال قبل در کتاب خود پیشگویی نموده بود (*Unfolding Destiny*, p. 272). شایان تذکر است که در نشرهای جدید کتاب بهاءالله و عصر جدید تاریخ مربوط به پیشگویی دنیال تصحیح شده و به ۱۹۶۳ تغییر یافته است. (برای مثال ن ک به ترجمه جدید این اثر به فارسی: ج. ای. اسلمنت، بهاءالله و عصر جدید، ترجمه ع. بشیر الهی، ه. رحیمی، ف. سلیمانی [ریودوژانیرو: دار النشر البهائیه، ۱۴۵ ب، ۱۹۸۸ م]، ص ۲۷۸). مطلب حائز اهمیت اینکه مدتها این تصور رواج داشت که بشارت دنیال مربوط به تحقق صلح عمومی است. ن ک به توضیحات دکتر اسلمنت ذیل مبحث "نبوت حضرت بهاءالله و حضرت عبدالهه" در چاپهای نخست اثر وی و از جمله چاپ زیر: J. E. Esslemont, *Bahá'u'lláh and the New Era* (New York: Brentano's Publishers, 1923), p. 212. (ظاهراً در دهه‌های نخست این قرن این اندیشه که صلح عمومی و صلح اعظم در آینده‌ای نزدیک تحقق می‌یابد پدیده‌ای نادر نبوده. برای نمونه‌ای مشابه ن ک به مقاله مندرج در "عالم بهائی"، ج ۴، ص ۴۴. مؤلف این مقاله از یکی از بیانات حضرت ولی امرالله چنین برداشت نموده که هیکل مبارک تحقق صلح عمومی و صلح اعظم را به طور قطع در سال ۱۹۶۳ پیشگویی فرموده‌اند.) به سبب رواج این نوع افکار در بین یاران، حضرت ولی امرالله در بیانات و مکاتبات خود تأکید می‌فرمودند که پیشگویی دنیال به حوادث و تحولات داخل امرالله ناظر است و به حوادثی که در خارج امر در عالم روی می‌دهد ارتباطی ندارد. در خاطرات آقای اسفندیار قباد که در آذر ۱۳۳۱ ه. ش (۱۹۵۲ م) در ارض اقدس مشرف بوده آمده: «... راجع به سنه ۱۳۳۵ سؤال شد. فرمودند مشروحاً به زائرین جواب داده شده و حضرت عبدالهه در لوحی که در مکاتیب است بیان فرموده‌اند. احباً باید مطالعه کنند. این سال شمسی است نه قمری، یعنی انقضای صد سال قمری از ظهور جمال مبارک در بغداد یعنی ۱۳۳۵ سال شمسی از هجرت حضرت رسول. این راجع به تأسیس صلح اعظم نیست بلکه راجع به تحکیم امر مبارک، یعنی امر مبارک جهانگیر می‌شود. اشتباه نکنید، تأسیس صلح اعظم نیست بلکه راجع به تحکیم امر است در تمام جهان، شرق و غرب، شمال و جنوب، اینست که احباً مشغول اقدام هستند.» (قباد، خاطرات اسفندیار قباد، صص ۱۱۷-۱۱۸. همچنین ن ک به جواد قوچانی، خاطرات فراموش نشدنی، ص ۶۹؛ و نیز توفیق مورخ ۴ مه ۱۹۴۶ که در بالا به آن اشاره شد.) "صد سال قمری" که در خاطرات آقای قباد به آن اشاره شده در کتاب قرن بدیع (ص ۳۱۰) نیز مذکور است (*God Passes By*, p. 151).

۱۱۸- آمار مندرج در این جدول از منابع زیر استخراج شده است:

۱۹۴۴: حضرت ولی امرالله، توفیق نوروز ۱۰۱ بدیع، توفیعات مبارکه، صص ۲۲۴-۲۲۵؛ "عالم بهائی"، ج ۹، صص ۱۰۴، ۶۷۸-۶۵۲. (حضرت ولی امرالله به مناسبت گذشت صد سال از ظهور بدیع جزوه‌ای حاوی آمار و ارقام پیشرفت امرالله تا سال ۱۹۴۴ منتشر فرمودند که متأسفانه دسترس به آن حاصل نشد.)

خاتمه ۱۹۵۲: جزوه *Shoghi Effendi, Bahá'í Faith, 1844-1952*. این جزوه نخست در اوائل سال مقدس ۱۵ اکتبر ۱۹۵۲-۱۵ اکتبر ۱۹۵۳ در لندن به طبع رسیده و سپس در سال بعد در امریکا تجدید طبع شده است. آمار مربوط به وسعت اراضی حول روضه مبارکه نشان می‌دهد که این جزوه بعد از نیمه نوامبر ۱۹۵۲ منتشر شده است.

اکتبر ۱۹۵۷: توفیق مورخ اکتبر ۱۹۵۷ به زبان انگلیسی (آخرین توفیق هیکل مبارک خطاب به عالم بهائی). ن ک به: *Shoghi Effendi, Messages to the Bahá'í World*, pp. 126-27.

رضوان ۱۹۶۳: جزوه *Hands of the Cause of God, Bahá'í Faith, 1844-1963* و نمودار "رشد جامعه بهائی، ۱۹۵۳-۱۹۸۳" ("The Growth of the Bahá'í Faith, 1953-1983")، "عالم بهائی"، ج ۱۸، ص ۸۲.

آثار حضرت ولیّ مقدّس امرالله

حبیب ریاضتی

قسمت اول: آثار مبارکه فارسی حضرت ولیّ مقدّس امرالله

۱- الواح مهمّه مهیمنه خطاب به احبّای ایران

۱-۱ لوح مبارک قرن (توقیع نوروز ۱۰۱ بدیع): صدور این لوح مصادف با صدمین سال ظهور مبارک حضرت نقطه اولی بوده است و به همین جهت است که به لوح قرن نیز معروف گشته است. این لوح شامل اهمّ وقایع تاریخی قرن اول بهائی است. جناب اشراق خاوری رحیق مختوم جلد ۱ را به عنوان قاموسی در شرح مطالب این لوح مرقوم فرموده‌اند.

۱-۲ لوح مبارک سنه ۱۰۵ بدیع: این لوح مبارک شامل اصطلاحات مهمّه امری مثل کور، دور، عصر و عهد می‌باشد. حضرت ولیّ مقدّس امرالله من بعد ذکر ارکان نظم بدیع الهی به فتوحات و توسعه امر مبارک در شرق و غرب عالم اشاره می‌فرمایند. جناب اشراق خاوری کتاب اسرار ربّانی جلد ۲ را به عنوان قاموس این لوح امنع به رشته تحریر درآوردند.

۱-۳ لوح مبارک سنه ۱۰۸ بدیع: شامل اشارات مهمّه تاریخی امر مبارک می‌باشد. در این لوح حضرت ولیّ مقدّس امرالله به بنای مقام مقدّس اعلی در کوه کرمل و تأثیرات آن در پیشرفت امرالله اشاره می‌فرمایند.

۱-۴ لوح مبارک سنه ۱۱۰ بدیع: این لوح حاوی اهداف بیست و هشت‌گانه نقشه ده‌ساله است. علاوه بر آن این لوح اهمّ اصول امریه که ضامن پیشرفت امرالله است را شامل می‌باشد.

۵-۱ لوح مبارک سنه ۱۱۱ بدیع: اشاره به پیشرفت امر مبارک در قازات خمسۀ عالم و انعقاد چهار کنفرانس که حسب الامر مبارک آن حضرت تحقق یافت می‌باشد. یکی از مهم‌ترین مطالب این لوح که در انتهای لوح مبارک از قلم حضرت ولیّ مقدّس امرالله نازل گردیده آن است که اجازه می‌فرمایند که ورقات مؤمنه، حضرات اماء الرّحمن به عضویت محافل روحانیّه محلی و محفل ملی نایل شوند.

۶-۱ پیام رضوان ۱۱۲ بدیع: خطاب به انجمن شور روحانی ملی بهائیان ایران نازل گردیده است. در این لوح امنع انتخاب حضرات ایادی عزیز امرالله، به عنوان نماینده آن حضرت در انجمن‌های شور روحانی در ممالک مختلفه، را به اهل عالم بشارت می‌دهند.

۷-۱ لوح مبارک سنه ۱۱۳ بدیع (توقیع ۱۱۳): این لوح مبارک بعد از وقایع مدهشه‌ای که در مهد امرالله برای احبّای جمال رحمان پیش آمده بود، نازل گردیده است چه که در آن به مصائب و بلاهای وارده بر مؤمنین در سال ۱۳۳۴ هجری اشاره فرموده‌اند. این لوح مبارک شامل عاقبت پر وبال مخالفین امرالله و تأثیرات این مخالفت‌ها در پیشرفت نطق امرالله در اقصی نقاط عالم می‌باشد.

جناب اشراق خاوری کتاب اسرار ربّانی جلد ۳ را در توضیح مطالب این لوح تألیف نموده‌اند.

۲- توایع مبارک خطاب به احبّای شرق و محافل

۲-۱ توایع نازله در سنه ۱۹۲۵ میلادی

- ۱-۲-۱ توقیع مبارک خطاب به احبّای ایران به تاریخ ۶ مارس سنه ۱۹۲۵ میلادی: در این توقیع حضرت ولیّ مقدّس امرالله به ایران و عظمت آن اشاره می‌فرمایند.
- ۲-۱-۲ توقیع مبارک به تاریخ تموز ۱۹۲۵ میلادی خطاب به احبّای شرق: اهمّ مواضع موجود در این توقیع درباره جمع آوری آثار مبارکه و استنساخ آیات‌الله و تأسیس محفظه آثار می‌باشد.
- ۳-۲-۱ توقیع مبارک به افتخار محافل مقدّسه روحانیّه شرق مورّخ هشتم جون سنه ۱۹۲۵: در این توقیع حضرت ولیّ مقدّس امرالله به وظایف محافل روحانیّه اهل شرق را توجّه می‌دهند.
- ۴-۲-۱ توقیع مبارک مورّخ ۲۸ اکتبر ۱۹۲۵ خطاب به محفل ملی ایران: از مهم‌ترین مطالب موجود در این توقیع می‌توان به نکاتی درباره تدوین تاریخ امر و انتخاب اعضاء عامله محفل اشاره نمود.

۲-۲ توایع نازله در سنه ۱۹۲۶ میلادی

- ۱-۲-۲ توقیع مبارک مورّخ تموز ۱۹۲۶ خطاب به محفل مقدّس ملی ایران: این توقیع مبارک درباره اهمّیت صندوق خیریه می‌باشد.
- ۲-۲-۲ توقیع مبارک مورّخ ۲۱ ماه می سنه ۱۹۲۶ میلادی: این توقیع به افتخار مصیبت‌زدگان جهرم از قلم مبارک عزّ نزول یافته است.
- ۳-۲-۲ توقیع مبارک مورّخ ۱۹۲۶ میلادی خطاب به احبّای شرق: از مهم‌ترین مطالب این لوح،

بیانات مبارک دربارهٔ اهمّیت امر تبلیغ و جمع آوری آثار مبارکه و همچنین شرح ملاقات میس مارثاروت با ملکهٔ رومانیا می‌باشد.

۲-۲-۴ توقیع مبارک مورّخ ۱۹۲۶ میلادی خطاب به محفل مرکزی طهران: در این لوح حضرت ولیّ مقدّس امرالله به وظایف محفل اشاره می‌فرمایند.

۲-۲-۵ توقیع مبارک مورّخ تموز ۱۹۲۶ خطاب به محفل مرکزی طهران: این توقیع شامل خدمات میس مارثاروت و تأثیرات آن خدمات می‌باشد.

۲-۲-۶ توقیع مبارک خطاب به احبّای شرق و مورّخ اپریل ۱۹۲۶: شامل بیانات مبارک دربارهٔ ملکهٔ رومانیا و فاجعهٔ جهرم و مصیبت احباب می‌باشد. از جمله مطالب مهمّ دیگری که در این لوح موجود است حقیقت انتخابات بهائی می‌باشد.

۲-۳ توقیع نازله در سنهٔ ۱۹۲۷ میلادی

۲-۳-۱ توقیع مبارک مورّخ ۱۹۲۷ میلادی خطاب به اعضای محافل مقدّسهٔ روحانیّهٔ شرق: اشاره به تاریخ امر مبارک و شرح وظائف احبّاء و همچنین اشاره به عبدالحسین آواره و اعمال او از جمله مطالب مهمّهٔ این توقیع محسوب می‌گردد.

۲-۳-۲ توقیع مبارک مورّخ اپریل ۱۹۲۷ خطاب به اعضای محفل مرکزی طهران: از مهمّ‌ترین مطالب این توقیع اهمّیت لزوم حفظ و صیانت احبّاءالله از معاشرت نمودن با مغرضین می‌باشد.

۲-۳-۳ توقیع مبارک شباط ۱۹۲۷ خطاب به احبّای شرق: در این توقیع مبارک حضرت ولیّ مقدّس امرالله به اهمّیت اجتناب از امور سیاسیّه و قضیهٔ انفصال امر مبارک که توسط مفتی مصر اعلان گردید اشاره می‌فرمایند.

۲-۴ توقیع نازله در سنهٔ ۱۹۲۸ میلادی

۲-۴-۱ توقیع مبارک مورّخ تموز ۱۹۲۸: این توقیع خطاب به نمایندگان دوّمین انجمن شور روحانی می‌باشد.

۲-۵ توقیع نازله در سنهٔ ۱۹۲۹ میلادی

۲-۵-۱ توقیع مبارک خطاب به احبّای شرق مورّخ نوامبر ۱۹۲۹: از مهمّ‌ترین مواضع این توقیع تأکید حضرت ولیّ مقدّس امرالله در تهیّهٔ موجبات تشکیل بیت العدل و اتمام مشرق الاذکار شیکاگو که امّ المعابد غرب نامیده شده، می‌باشد.

۲-۵-۲ توقیع مبارک خطاب به اعضای محافل روحانی ممالک شرقیهٔ مورّخ ژانویهٔ ۱۹۲۹ میلادی: در این توقیع حضرت ولیّ مقدّس امرالله به اسفار تبلیغی حضرت عبدالبهاء به نقاط مختلفهٔ شرق

و غرب عالم اشاره فرموده، به جامعیت و جهانی بودن امر مبارک تأکید ورزیده و اهمیت ایجاد روابط با اولیای امور را بیان می‌فرمایند.

۶-۲ توفیق نازله در سنه ۱۹۳۰ میلادی

۱-۶-۲ توفیق مبارک مورخ اپریل ۱۹۳۰: این توفیق خطاب به اعضای محفل روحانی مرکزی ایران در بیان انتخاب اعضای محفل و مطالب دیگر اداری می‌باشد.

۷-۲ توفیق نازله در سنه ۱۹۳۱ میلادی

۱-۷-۲ توفیق مبارک مورخ مارچ ۱۹۳۱ خطاب به محفل مرکزی طهران: از اهم مطالب در این توفیق می‌توان به بیانات مبارک درباره صعود جناب عزیرالله ورقا و مسئله حجاب نسوان و تأسیس سرمایه ملی اشاره نمود.

۲-۷-۲ توفیق مبارک مورخ اپریل ۱۹۳۱ خطاب به محفل روحانی مرکزی طهران: این توفیق مبارک راجع به کتاب "عالم بهائی" می‌باشد.

۸-۲ توفیق نازله در سنه ۱۹۳۲ میلادی

۱-۸-۲ توفیق مبارک مورخ دسامبر ۱۹۳۲ خطاب به احتیای ایران: این توفیق درباره صعود حضرت ورقه مبارکه علیا و دستور انتخابات محلیه و انتخاب اولین محفل روحانی ملی ایران می‌باشد.

۹-۲ توفیق نازله در سنه ۱۳۰۳:

این توفیق مبارک به تاریخ ۲۴ حوت ۱۳۰۳ در خصوص تجدید انتخابات سالیانه محافل مقدسه روحانیه است.

قسمت دوم: اهم آثار حضرت ولی مقدس امرالله به لسان انگلیسی

۱- *The World Order of Bahá'u'lláh*

نظم جهانی بهائی

این توفیق در ۲۷ فوریه ۱۹۲۹ میلادی خطاب به محافل ملی امریکا و کانادا از ایراعه امین حضرت ولی مقدس امرالله نازل گردیده است. از مهم ترین مواضع موجود در این لوح می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

● اشاره به الهی بودن اساس تشکیلات بهائی.

- تأکید بر این اصل که اعتراضات و انکارات نفوس غافله سبب می‌شود که اعلام امرالله مرتفع تر گشته و مؤمنین ثابت تر گردند.
- اهمّیت و تأکید این اصل که مؤسّسات بهائی اساسش در کتاب مستطاب اقدس و الواح وصایای حضرت عبدالبهاء عنوان گردیده است.
- توضیح و تشریح این مطلب که مؤسّسات و تشکیلات بهائی وسیله و آلت وصول به اهداف عالیّه می‌باشد. یعنی هدف اساسی داشتن تشکیلات نیست بلکه غایت نهائی وصول به وحدت عالم انسانی است و مؤسّسات الهی به عنوان وسیله و ابزار رسیدن به این هدف محسوب می‌گردد.

۲- *The World Order of Bahá'u'lláh Further Considerations*

ملاحظات بیشتر دربارهٔ نظم جهان‌آرای الهی

این توفیق در ۲۱ ماه مارچ ۱۹۳۰ میلادی خطاب به احتبای غرب نازل گردیده است. مطالب این توفیق ادامهٔ توضیح مواضعی است که هیکل مبارک در توفیق مورّخ ۱۹۲۹ مرقوم فرمودند. از جمله مطالب دیگری که در این توفیق ذکر گردیده می‌توان به نکات ذیل اشاره نمود:

● بلایا و امتحانات امرالله سبب تطهیر نفوس مؤمنه و دفع نفوس مغرض را فراهم می‌نماید. علاوه بر آن، امتحانات سبب انتشار و اتّساع نطق امر را فراهم نموده، فتح و ظفر حقیقی را نصیب پیروان می‌نماید.

- اشاره به امتیازات نظم جهانی بهائی در مقایسه با نظام‌های دیگر.
- اشاره به عظمت امر مبارک و شدت اعتراضات نفوس و گروه‌های مختلفه.
- تشریح دو رکن ولایت امر و بیت العدل اعظم الهی.
- اهمّیت این اصل که «امر بهائی به مثابه یک هیکل زنده است».

۳- *The Goal of a New World Order*

هدف نظم بدیع جهانی

این توفیق خطاب به پیروان اسم اعظم در ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ میلادی صادر گشته است. در این توفیق به عظمت مقام حضرت عبدالبهاء به عنوان میبّن آیات‌الله اشاره گردیده است، که در آثار مختلفه مقدّمات وصول به وحدت عالم انسانی را که هدف اساسی و اصلی نظم جهانی حضرت بهاء‌الله است، تشریح فرموده‌اند. در ضمن این توفیق هفت شمع وحدت که در آثار حضرت عبدالبهاء آمده مورد بررسی قرار گرفته است.

این هفت شمع عبارتند از: وحدت سیاسی، وحدت آراء در امور عظیمه، وحدت آزادی، وحدت نژادی، وحدت دول، وحدت دین، و وحدت لسان و خطّ.

۴- *The Golden Age of the Cause of Bahá'u'lláh*

این توفیق مبارک خطاب به مؤمنین الهی در ایالات متحده آمریکا و کانادا از یراعه مبارک حضرت ولیّ مقدّس امرالله صادرگشته است. از مهمّ ترین مواضع این لوح می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- سقوط و انحطاط اخلاقی اهل عالم.
- عظمت آئین بهائی در مقایسه با ادیان ماضیه.
- اشاره به وحدت ادیان، وحدت مظاهر ظهور از یک طرف و شدت ظهورات از جهت دیگر به عنوان یکی از اصول اساسی آئین بهائی.
- ضرورت تجدید ادیان الهی و اصل استمرار ظهورات الهیه.
- عظمت مقام حضرت نقطه اولی به عنوان مظهر ظهور مستقلّ.
- در سیاست الهی و تفاوت آن با سیاست های خلقی.

۵- *America and the Most Great Peace*

تولد مدنیّت جهانی

در این توفیق، که مورّخ ۲۱ اپریل ۱۹۳۳ میلادی می باشد، حضرت ولیّ مقدّس امرالله به بلوغ عالم انسانی اشاره می فرمایند؛ بلوغی که طیّ مراحل ائتلاف و امتزاج و درد تولّد و مرگ تغییر و تبدیل عمومی را که لازمه عصر تحوّل است، اهل عالم را به غایت کمال می رساند. این مدنیّت جهانی تولّدی است که من بعد سقوط سازمان های بشری به عرصه ظهور خواهد آمد. حضرت شوقی افندی در این توفیق به سقوط سازمان های اسلامی، انحطاط مؤسّسات مسیحیّت، شکست بنیان سیاست و اقتصاد اشاره فرموده و اصل امنیّت جمعی و لزوم دین جهانی را تشریح می فرمایند.

۶- *The Dispensation of Bahá'u'lláh*

دور بهائی

این توفیق که ترجمه آن به فارسی دور بهائی می باشد در سنه ۱۹۳۴ میلادی (۸ فوریه) خطاب به احبای غرب از کلک اطهر حضرت ولیّ مقدّس امرالله عزّ نزول یافته است. این توفیق بنا به فرموده حضرت امة البهاء روحیه خانم به عنوان جوهر و عصاره اعتقادات اصلیه ای است که هر فرد بهائی باید به آن معترف گشته و آنی از آن انحراف نجوید. در این توفیق عظیم الشان مطالب ذیل مورد بررسی قرار گرفته است:

- عظمت مقام حضرت بهاء الله و رفع سوء تفاهمات که در مورد ایشان در اذهان بعضی از مؤمنین ایجاد گردیده است. بطور اخصّ حضرت ولیّ مقدّس امرالله به این نکته اشاره می فرمایند که حضرت

بهاء الله اگرچه صاحب مقامی شاخص و ممتاز در بین انبیاء و رسولان الهی داشته و دارند و لکن ایشان را خدا دانستن و یا اینکه به حلول و نزول الوهیت در شخص ایشان قائل شدن همانا انحراف عظیم است از اسس اساس اعتقادات اصلیه بهائیان در مورد وحدانیت حق تعالی و تنزیه غیب منیع لایدرک. ● از جمله نکات مهمه دیگر این توفیق اشاره به مقام حضرت نقطه اولی می باشد. حضرت ولی مقدس امرالله اهل بهاء را به این حقیقت الهیه توجه می دهند که حضرت باب را تنها مبشر به ظهور جمال اقدس ابهی تلقی نمودن خطا می باشد. حضرت رب اعلی، مظهر ظهوری مستقل بوده که اعظم هدفشان بشارت دادن به آمدن موعود یعنی حضرت من یظهره الله بهاء الله بوده است. به عبارت دیگر حضرت نقطه، مانند حضرت رسول اکرم و حضرت بهاء الله صاحب شریعتی مستقل و دارای کتاب و سنتی بدیع من عندالله بوده لذا دوره کوتاه مابین الظهورین ربطی به عظمت آن مظهر کلی الهی نداشته و ندارد.

● تشریح مقام حقیقی حضرت عبدالبهاء از مهم ترین مواضع این توفیق مبارک است. حضرت عبدالبهاء اگرچه شریک در عصمت کبری نبوده اند و ایشان را به مثابه مظهر امر و یا رجعت مظهر ظهور دانستن خطا محسوب می گردد. همانطور نباید ایشان را به عنوان یک مبین تنها تصور نمود، مقامشان کما هو حقّه قابل شناخت نبوده و نیست.

نظر بدین مطلب است که قائل شدن به توحید مقامات بین حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء خطا بوده در حالی که اگر نفسی حضرت رب اعلی و جمال اقدس ابهی را به مثابه یک حقیقت واحد تصور نماید صحیح است.

● توضیح و تشریح دو مؤسسه ولایت امر و بیت العدل اعظم الهی از نکات دقیق و مطالب مهمه این توفیق می باشد.

The Unfoldment of World Civilization - ۷

تشریح مدنیت جهانی

در این توفیق، که مورخ ۱۱ مارچ ۱۹۳۶ میلادی می باشد، حضرت ولی امرالله به تأسیس "صلح اصغر" بر روی زمین توسط سیاستمداران عالم و تحوّل روحانی حیات اهل عالم در ظلّ تعالیم جمال اقدس ابهی اشاره فرموده که مقدمه تحقّق صلح اعظم می باشد. بطور کلی این توفیق تشریح این حقیقت است که چگونه انظمه سقیمه قدیمه دچار اضمحلال و موت گردیده و نظم بدیع الهی جایگزین این نظام های خلقی می گردد.

۸- The Advent of Divine Justice

ظهور عدل الهی

این توقیع، که خطاب به احبای امریکا (مورخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۸ میلادی) می‌باشد و تحت عنوان ظهور عدل الهی به فارسی ترجمه گردیده است، شامل مواضع مختلفی است که هر یک به مثل مشعل هدی برای وصول به حیات بهائی و توفیق در انجام نقشه‌های الهی ضروری و واجب است. از اهم مطالب موجود در این توقیع به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود:

- تأکید به این نکته که علت ظهور جمال اقدس ابهی از ایران و انتخاب امریکا به عنوان مرکز استقرار نظم الهی آنست که ایران من حیث روحانی در ادنی درجه سقوط واقع گشته بود. این اصل در مورد کشور امریکا نیز صادق است، یعنی اگر این مملکت از لحاظ وسائط و وسایل مادی در رتبه اولی قرار دارد ولیکن در نظر حق به مثابه هیکلی است که روح حیات در آن موجود نباشد، از این جهت است که خداوند متعال مقدر فرموده است که با انتقال روحانی این کشور اسباب رفاه عمومی را فراهم نماید.
- تأکید در داشتن حیات بهائی: این توقیع مهم‌ترین راهنمایی الهی در مورد صفات جوانان بهائی و وظایف آنان در این کشور و سایر نقاط عالم محسوب می‌گردد. تنزیه و تقدیس در جمیع شؤونات اخلاقی، صفای قلب، دوری از نفس و هوئی، دوری از عادات مضره، از جمله نصایح مشفقانه مولای بی‌همتای اهل بهاء در این سفر جلیل است.
- اجتناب نمودن از عادات، حرکات و طرق انتخابات که در این کشور معمول است. حضرت ولی امرالله اعضای تشکیلات بهائی را به صداقت کامل و نداشتن تعصبات جاهلیه و دوری از سیاست‌ها و عادات غریبه تشویق فرموده که مبدا عاداتی مثل پارتی‌گرایی و رشوه دادن و سایر حرکات معموله در موقع انتخابات این کشور، در نحوه و روش انتخابات بهائی معمول گردد.
- تشویق احباب به تبلیغ و مهاجرت.
- نقش امریکا در ایجاد صلح آتیه.

۹- God Passes By

کتاب قرن بدیع

این اثر (که مورخ ۱۹۴۴ میلادی می‌باشد) همانا ام‌الکتاب کتب تاریخی در مورد حوادث قرن اول بهائی محسوب می‌گردد. در این کتاب حضرت ولی امرالله نه تنها به ذکر وقایع می‌پردازند بلکه به روح و هدف اصلی این وقایع اشاره می‌فرمایند.

نکته قابل توجه در این اثر عظیم الشان آنست که حضرت ولی مقدس امرالله حقایق تاریخی و علت و چگونگی وقایع را با هدف غائی این وقایع مرتبط ساخته تا شاید مورخین آتیه عالم امر بتوانند این اثر را سرلوحه تحقیقات وسیع تری قرار داده، جزئیات وقایع را به عرصه ظهور آورند.

قد ظهر يوم الميعاد

این توفیق ۱۲۴ صفحه‌ای (که مورّخ ۱۹۴۱ میلادی می‌باشد) خطاب به بهائیان غرب از جمله مهم‌ترین توافیق حضرت ولیّ امرالله دربارهٔ وضعیّت کنونی اهل عالم و سرنوشت ایشان می‌باشد. بعد از اشارات لایحصری به بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء دربارهٔ مجازات اهل عالم بطور اعمّ و علماء و امراء بطور اخصّ - به علّت غفلت از دیانت جدید - سرنوشت پر وبال پادشاهان و علمائی را که با ظهور بدیع مخالفت نمودند را تشریح می‌فرماید.

قسمت سوّم: ترجمه‌های آثار مقدّسه توسط حضرت ولیّ امرالله

قبل از آنکه به شرح ترجمهٔ آثار مقدّسه توسط حضرت ولیّ مقدّس امرالله پردازیم، توجّه به این نکتهٔ دقیق در مورد آثار را لازم می‌دانیم که: حضرت ولیّ مقدّس امرالله را مترجم تنها محسوب داشتن خطاست چه که آن حضرت قبل از هر چیز مبین آثار مبارکهٔ الهیه می‌باشند و این قوّهٔ الهی در ترجمه‌های آن حضرت نیز نمودار است. به عبارت دیگر جمیع آثاری که توسط حضرت شوقی ربّانی ترجمه گردیده است در بعضی موارد شامل تبیینات آن حضرت در آثار ترجمه شده نیز می‌باشد. این قوّهٔ الهی که به تأییدات حقّ تعالیّ به حضرت ولیّ مقدّس امرالله عطا گردیده ترجمه‌های آن حضرت را از سایر ترجمه‌ها ممیّز ساخته و شاید می‌توان گفت که احدی هرگز قادر نخواهد بود که آثار مبارکه را به مثابه ایشان ترجمه نماید لذا باید مترجمین بهائی آثار قلمی حضرت ولیّ امرالله را که به لسان انگلیسی موجود است به عنوان سرمشق و نمونهٔ عالی ترجمه قلمداد نموده و سعی در نزدیک شدن به آن نمایند.

ترجمه‌های حضرت ولیّ امرالله به دو گروه تقسیم می‌شود. گروه اوّل ترجمهٔ آثاری است که آن حضرت به عنوان منشی حضرت عبدالبهاء و به امر ایشان از لسان فارسی و عربی به زبان انگلیسی ترجمه فرموده‌اند و گروه دوّم ترجمهٔ آثار مقدّسه در دورهٔ ولایت امر صورت گرفته است.

در این قسمت به مهم‌ترین آثاری که توسط حضرت ولیّ امرالله ترجمه شده اشاره می‌گردد.

۱- کلمات مکتونه *The Hidden Words* (این اثر در سال ۱۹۲۵ چاپ شد) تاریخ ترجمه Mar 1923.

۲- کتاب ایقان *Kitáb-i-Íqán (The Book of Certitude)*

۳- تلخیص تاریخ نبیل زردی: *The Dawn-Breakers*.

این دو اثر یعنی ترجمهٔ کتاب ایقان و تاریخ نبیل در سال‌های ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ چاپ شد.

۴- "الواح خطاب به ورقه مبارکهٔ علیا": *Tablets Revealed in Honour of the Greatest Holy Leaf*

که توسط جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء به افتخار آن ورقهٔ مؤمنه نازل گردیده است.

۵- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh*

۶- المناجاة: *Prayers and Meditations of Bahá'u'lláh*

۷- لوح ابن ذئب: (*Epistle to the Son of the Wolf* (winter og 1939-40)

۸- لوح احمد عربی *Tablet of Ahmad*.

۹- لوح خطاب به دکتر فورال *Tablet to Dr. Forel*.

۱۰- الواح وصایا حضرت عبدالبهاء *Will and Testament*.

۱۱- منتخباتی از مناجات‌ها و بیانات حضرت عبدالبهاء، حضرت نقطهٔ اولی و جمال اقدس ابهی در متن تواقیع مختلفه به اهل غرب. از مهم‌ترین این تواقیع می‌توان به ظهور عدل الهی، قد ظهر يوم الميعاد، کتاب قرن بدیع و نظم جهانی بهائی اشاره نمود.

۱۲- ترجمهٔ قسمتی از کتاب مستطاب اقدس در ضمن ترجمهٔ الواح دیگر و یا صدور تواقیع مختلفه خطاب به اهل غرب. به عنوان ذکر مثال می‌توان به ترجمهٔ بعضی از بندهای کتاب اقدس در *Gleanings from the Writings of Bahá'u'lláh* و یا *Advent of Divine Justice* اشاره نمود. بطور کلی می‌توان گفت که یک سوّم کتاب اقدس توسط حضرت ولیّ امرالله ترجمه شده است.

۱۳- "الواح صلوة" *Obligatory Prayers*.

مقایسه معماری هخامنشی و معماری یونان قدیم

هوشنگ سیحون

در حدود دو هزار و پانصد سال پیش دو ابر قدرت، یکی ایران هخامنشی و یکی یونان، قسمت‌های مهمی از دنیای آنروز را زیر نفوذ داشتند. هر دو کشور از نظر سیاسی و نظامی، فرهنگی و اقتصادی و موارد متعدد دیگر با هم در حال رقابت بودند. از آنجاکه معماری نمایانگر طرز فکر و سنت‌های آئینی و عقیدتی و فرهنگی جوامع است با پژوهشی عمیق می‌توان نکات برجسته و قابل توجه دو معماری را دریافت و مطالعه کرد. در مقایسه دو معماری لزوماً هم‌زمان یک بررسی کلی روی نقشه‌ها، حجم‌ها، جزئیات عناصر معماری، مقیاس و تزئینات و همچنین شیوه اجرا و تکنیک لازم می‌آید.

قبل از هر چیز باید بدانیم که شیوه اجرایی و تکنولوژی ساختمانی در زمان مورد نظر در هر دو منطقه تکنیک و شیوه ساختمانی سنگی بوده است، منتهی هر یک با روش و روال خود عمل کرده و از هیچ نقطه نظر شباهتی با هم ندارند.

معماری یونان از چهار نظم اصلی و یک نظم تلفیقی بوجود آمده است. گرچه بناها که شامل ستون‌ها، دیوارها، درگاه‌ها و پوشش هستند همگی تحت یک فکر و ایده ساخته شده‌اند، ولی از نظر شکل و تناسب و جزئیات تزئینی تحت قواعد خاص هر نظم با هم تفاوت کلی دارند ولی به هر صورت عامل اصلی همه این نظم‌ها ستون است. این چهار نظم اصلی عبارتند از:

۱- نظم دوریک (Dorique) که از هر نظر قوی‌ترین نظم معماری یونان است. و ستون آن با بدن عربان یک مرد قوی هیکل و نیرومند قیاس می‌شود.

۲- نظم توسکان (Toscan) که از نظر شکلی به اندازه نظم قبلی نیرومند نیست.

۳- نظم یونیک (Ionique) که علامت مشخصه آن پیچک‌های سرستون است و از نظر شکلی به یک زن ظریف تشبیه می‌شود.

۴- نظم کرینتین (Corinthien) که سرستون آن از برگ‌های گیاهی به نام اکانت (Acanthe) شبیه کنگر و کرفس تزئین شده است و ظریف‌تر از نظم یونیک است. این برگ‌ها جنبه تزئینی دارند و باربر نیستند.

۵- نظم کمپوزیت (Composite) دارای سرستونی است که از تلفیق سرستون یونیک و کرینتین بوجود آمده ولی در حقیقت این نظم اهمیت چهار نظم اصلی را ندارد. این نکته را توجه داشته باشیم که تزئینات برگ در سرستون کرینتین از تزئینات برگ نخل در سرستون‌های مصری اقتباس شده است. یک ستون دیگر هم گاهی اوقات به کار می‌برند که کل ستون را یک بدن انسان، معمولاً زن، تشکیل می‌دهد به نام کاریاتید (Cariatide) که نمونه‌های آن خیلی کم است.

در کلیه نظم‌های ذکر شده به غیر از نظم دوریک که فاقد پایه ستون است ستون‌ها از سه قسمت تشکیل می‌شوند: پایه ستون، تنه یا بدنه ستون و سرستون. ستون‌ها در بدنه تا یک سوم از محل پایه ستون به طرف بالا استوانه‌ای هستند و از آن به بعد تا زیر سرستون بطور نامحسوس جمع و باریک‌تر می‌شوند. این جمع شدن قطر در نیم‌رخ ستون یک نوع انحناء را طی می‌کند که در اصطلاح فرانسه آن را Galbé شدن نام نهاده‌اند. قطر ستون در قسمت استوانه‌ای واحد اندازه‌گیری برای تمام تناسبات بنا قرار می‌گیرد و حتی خود ستون و جزئیاتش و همچنین پوشش بالای ستون‌ها (آنتابلمان Entablement شامل آرشیتراو Architrave، فریز Frise و کورنیش Corniche) و جزئیات تماماً تابع این واحد مقیاس هستند، و طبعاً در هر نظم این واحدها و مقررات اندازه‌گیری تغییر می‌کنند. پوشش کلی ساختمان در نوع نقشه مستطیل با خریای چوبی با پوشش سفالی روی آن. و در نوع نقشه دایره‌ای گنبد سنگی است (پانتئون در رم).

در نقشه مستطیلی معمولاً ورودی اصلی در محور ضلع کوچک منظور می‌شود که نمونه‌های متعدّد آن در معابد یونان وجود دارد. خریاها با چوب‌بندی از اتصال قطعات متعدّد ساخته می‌شوند و شکل مثلث متساوی الساقین را دارند که از یک ضلع بزرگ مستطیل ساختمان به ضلع دیگر کار گذاشته می‌شوند و در طول این ضلع به تعداد لازم و فواصل مساوی قرار می‌گیرند. بنا بر این از روبرو و نمای ورودی اصلی این مثلث کاملاً نمایان است. برای مخفی کردن آن در نما یک مثلث با الگوی خود خریا از سنگ می‌سازند (Fronton) که در متن آن حجاری‌های تزئینی از ترکیبات انسان و حیوان و عناصر دیگر به کار می‌رود. گرچه این توضیحات برای معماری معابد داده شده ولی همین طرز فکر در سایر بناهای یونانی با اشکال مختلف و تفاوت‌هایی تقریباً حکم فرما است.

و اما در مطالعه معماری هخامنشی توجه خواهیم کرد که گرچه ستون عنصر اصلی معماری را تشکیل می‌دهد ولی سایر اجزاء از قبیل درگاهی‌ها، جرزها و پلکان‌ها نیز اهمیت خود را دارا هستند. ستون که از پایه و بدنه و سرستون تشکیل می‌شود کمترین شباهتی به ستون در نظم‌های چهارگانه یونانی ندارد. پایه و سرستون از نظر حجم و ارتفاع نسبت به کل ستون اهمیت فوق العاده دارد. پایه ستون به صورت زنگ شتری با تزئینات خاصی ساخته می‌شود و سطح اتکاء بیشتری دارد. بدنه ستون از روی پایه تا زیر

سرستون با خط مستقیم بالا می‌رود و جمع می‌شود. موضوع استوانه‌ای تا یک سوم از پایه و سایر نکات در اینجا مطرح نیست و واحد اندازه‌گیری تناسبات هم به صورت معماری یونانی وجود ندارد. سرستون در نوع باشکوه‌تر خود اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد که یک قسمت مهم کل ستون را اشغال می‌کند، و از سه قسمت تشکیل می‌شود: اول به صورت یک گل باز شده با خطوط هندسی روی بدنه ستون قرار می‌گیرد. دوم یک بلوک شیاردار به ارتفاع تقریباً قسمت اول با چهار پیچک در بالا و چهار پیچک در پایین (از دیدنما) و سوم دو نیم تنه گاو که پشت بهم کرده‌اند و در وسط گرده خود گویی تیر اصلی را حمل می‌کنند و در کل، سطح اتکاء زیادی را بوجود می‌آورند. و نیز سرهای خم شده آنها در نما بار کتیبه و قرنیز را متحمل می‌شوند. در ستون‌های ساده‌تر قسمت‌های اول و دوم حذف می‌شوند و فقط دو نیم تنه گاو و یا شیر پشت بهم کرده سرستون را تشکیل می‌دهند که در مقایسه با سرستون‌های یونانی باز هم اهمیت خیلی بیشتری دارند. پوشش روی ستون‌ها به صورت یک کتیبه سرتاسری ساخته می‌شده که از نظر شکل ارتباطی با سرپوش ستون‌های یونانی ندارد. در مورد پوشش کلی ساختمان‌ها آنچه از قرائن بر می‌آید شیوه ساختن خرپا در نزد هخامنشیان معمول نبوده. مثلث ساخته شده با سنگ برای مخفی کردن خرپا موردی ندارد. بنا بر این از این لحاظ هم شباهتی نیست.

تزئینات دیوارها، جرزها، طاق‌نماها و مخصوصاً پلکان‌ها و دست‌انداز آنها تماماً با حجاری نقوش برجسته زیبا از اشکال انسان و حیوان، و در مواردی ترکیب بدن انسان و حیوان، انجام شده‌اند. دو نکته مهم در این نقوش برجسته خودنمایی می‌کند. یکی موضوع ریتم است که عناصر انسانی، حیوانی و گیاهی همه با نظم و ریتم خاص اجراء شده‌اند. و دوم اینکه موضوع آفتاب ایران که بی‌اندازه درخشان است تأثیر خود را در بوجود آوردن نقوش برجسته گذاشته است. بدین معنا که برجستگی نقوش در کمترین حد تراش خورده‌اند. بنا بر این در همین حد کم تابش آفتاب جزئیات را به خوبی نمایش می‌دهد و لزومی به برجستگی زیاد نیست. این هر دو نکته در مقایسه با معماری یونانی و تزئینات آن نشان می‌دهد که باز هم بین این دو معماری مشابهتی وجود ندارد.

حال اگر بخواهیم از نظر نقشه (Plan) دو معماری را با هم مقایسه کنیم، باید دو نمونه تقریباً هم‌زمان را در نظر بگیریم و این پژوهش را انجام دهیم. این دو نمونه یکی مجموعه "تخت جمشید" (Persepolis) در فارس نزدیک شیراز است؛ و دیگری مجموعه "آکروپولیس" (Acropolis) در آتن. این دو مجموعه با اختلاف ۴۰ یا ۵۰ سال (کاخ‌های هخامنشی زودتر ساخته شده‌اند) تقریباً هم‌زمان بوجود آمده‌اند. و هر دو بر روی صفا‌های سنگی برپا شده‌اند. ولی از نظر ابعاد مجموعه صفا و کاخ‌های تخت جمشید نسبت به صفا آکروپولیس و بناهای مذهبی آن بسیار بزرگتر و عظیم‌تر و باشکوه‌تر است. موضوع و کاربرد دو مجموعه نیز با هم اختلاف زیاد دارد. در تخت جمشید شاخص بناها کاخ‌های سلاطین است که در زمان‌های مختلف ساخته شده ولی در آکروپولیس عوامل ساختمانی کاربرد آئینی و مذهبی دارند.

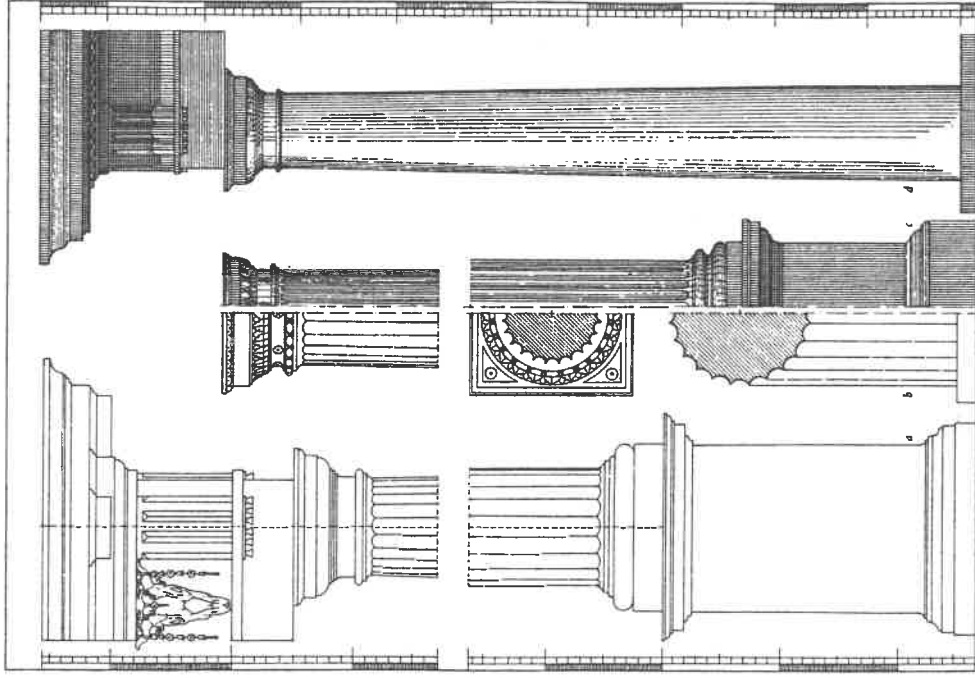
در تخت جمشید کاخ‌ها و تالارها اغلب دارای نقشه مربع شکل هستند و نیز فواصل ستون‌ها نسبت بهم و نسبت به دیوار مجاور مساوی گرفته شده، گویی جدولی با خطوط متقاطع رسم کرده‌اند و ستون‌ها را در تقاطع خطوط برپا کرده‌اند. در ایوان‌ها نیز همین شیوه برقرار است. در صورتی که در نقشه کلی آکروپولیس نظم تخت جمشید حس نمی‌شود. بناها نسبت بهم با فواصل زیاد و زوایای مختلف قرار گرفته‌اند. ستون‌ها و بناها کشیدگی و ارتفاع و عظمت بناهای تخت جمشید را ندارند. و روی هم رفته ابهت و شکوه تخت جمشید با بناهای آکروپولیس قابل قیاس نیست، چه در نقشه و چه در نماها و حجم‌ها. بطوری که وقتی معبد پارتنون (Parthenon) را که عامل اصلی مجموعه آکروپولیس است در جوار یکی از کاخ‌های تخت جمشید با یک مقیاس رسم کنیم با تعجب می‌بینیم فرق تناسب چقدر زیاد است.

از کاخ‌های مهم تخت جمشید کاخ صد ستون، کاخ آپادانا و کاخ تَچَر را نام می‌بریم. در کاخ تَچَر که کوچکتر از سایر کاخ‌ها است ستون وجود ندارد. جرزها و دیوارها و طاق‌نماها با ابعاد بزرگ سنگی ساخته شده‌اند. در بعضی از دیوارهای کاخ‌ها در مغز دیوار خشت خام به کار رفته؛ و نماها با سنگ ضخیم پوشش شده‌اند که باز از نظر مقایسه با شیوه اجرائی یونان متفاوت است. در تزئینات و حجاری‌ها باید گفت اشخاص و حیوانات در یونان بسیار نزدیکتر به واقعیت هستند، در صورتی که در معماری هخامنشی گرایش تزئینات به طرف خطوط هندسی است. با وجود این در ضمن خلاصه کردن خطوط رعایت حالات شده است. مثلاً خطوط چهره و موهای سر و گردن گاو و چروک‌های بالای چشم بی‌اندازه شگفتی‌انگیز است. همچنین است حالت شیر غران در حال دریدن گاو. بطور خلاصه در هیچ موردی بین دو معماری ایرانی هخامنشی و یونانی وجه تشابهی نیست؛ و هر یک راه خود را رفته‌اند. ولی به هر حال در هر دو معماری شاهکارهای بی‌چون و چرایی آفریده شده است.

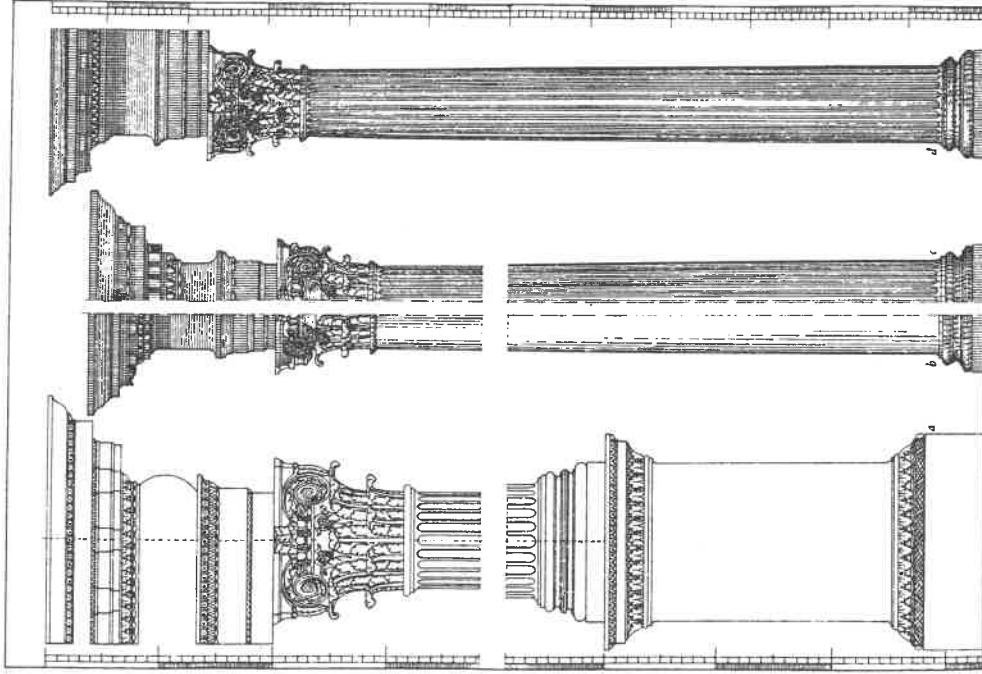
تصاویر مربوط به مقاله "مقایسه معماری هخامنشی و یونانی"

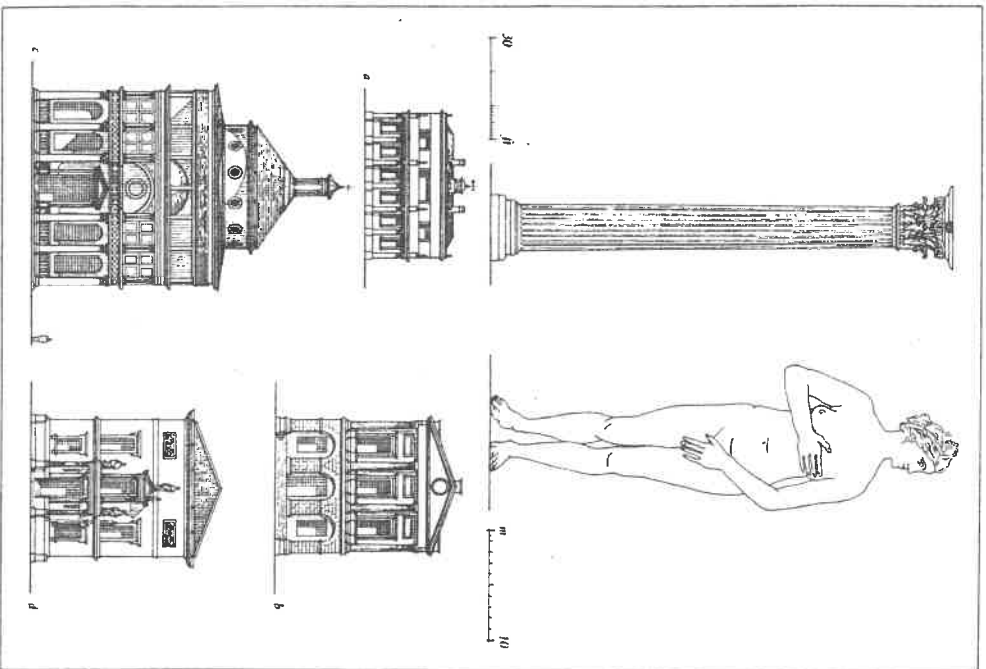
در صفحات مختلف نشریه درج شده است

رومان و رنسانس دوریک - یونان

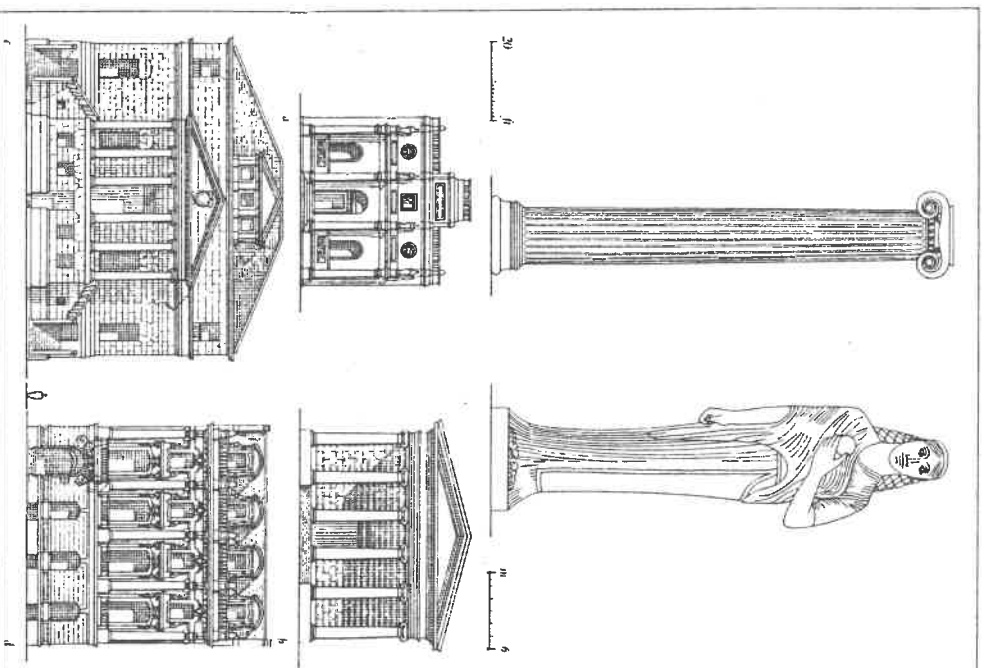


نظم کمپوزیت - یونان



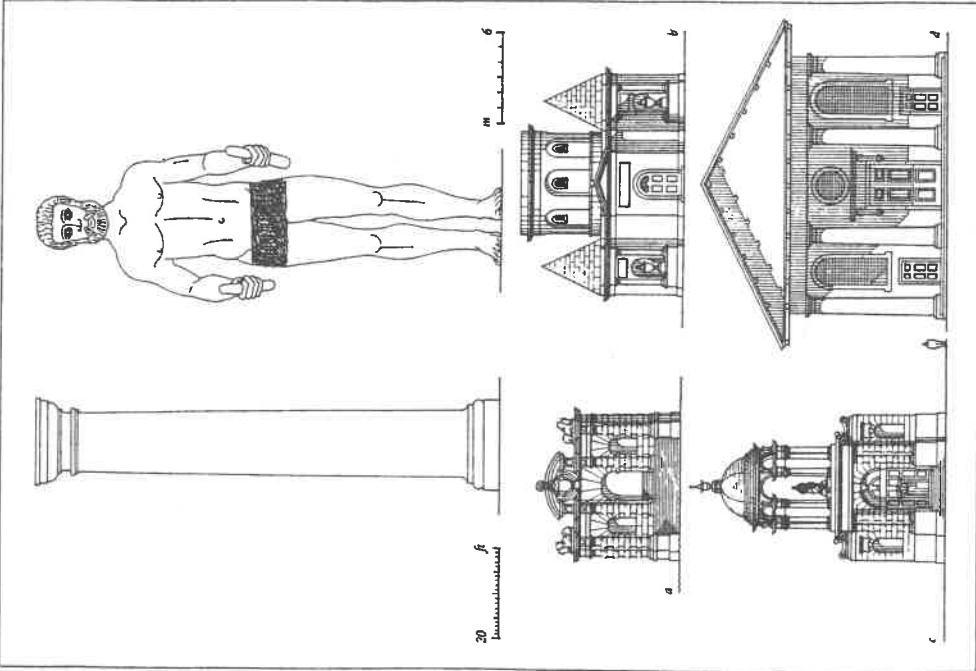


موارد استفاده از نظم کورنتیک یونان

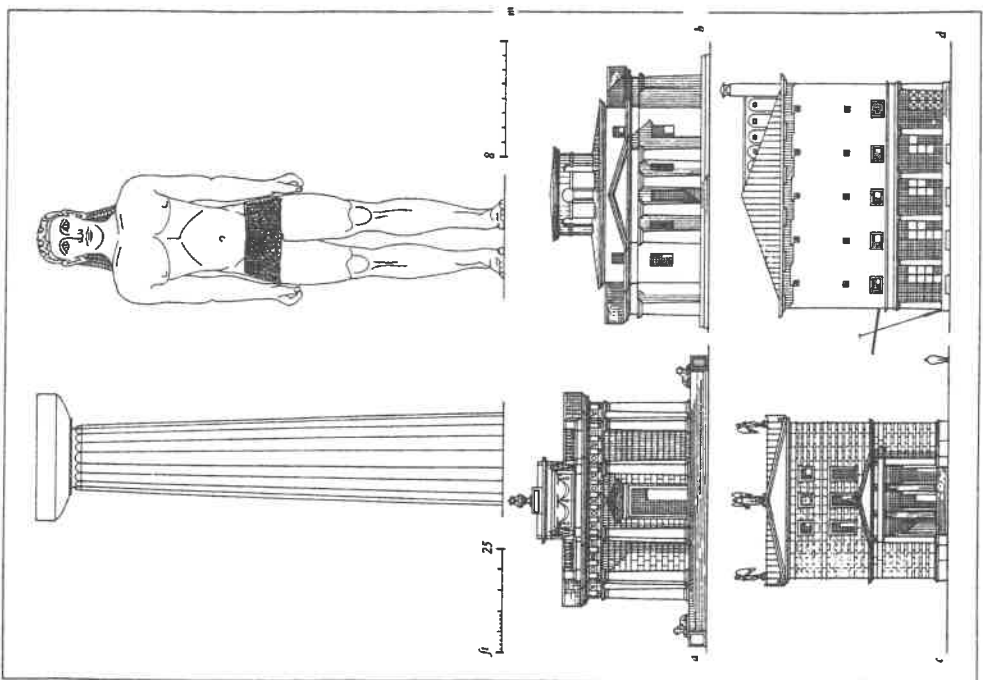


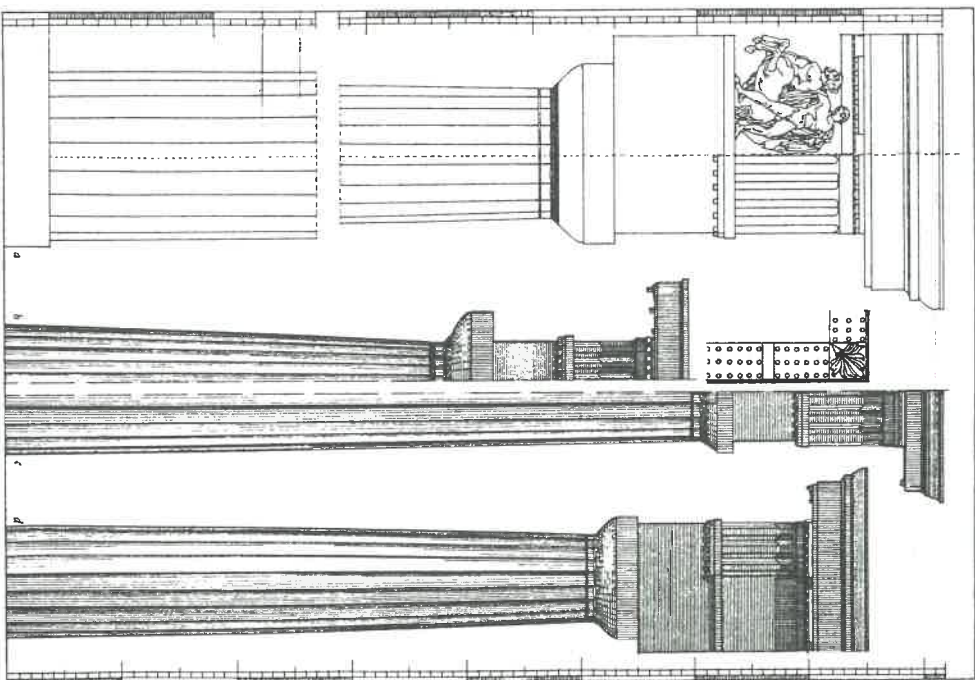
موارد استفاده از نظم یرنیک یونان

موارد استفاده از نظم توسکان پونان

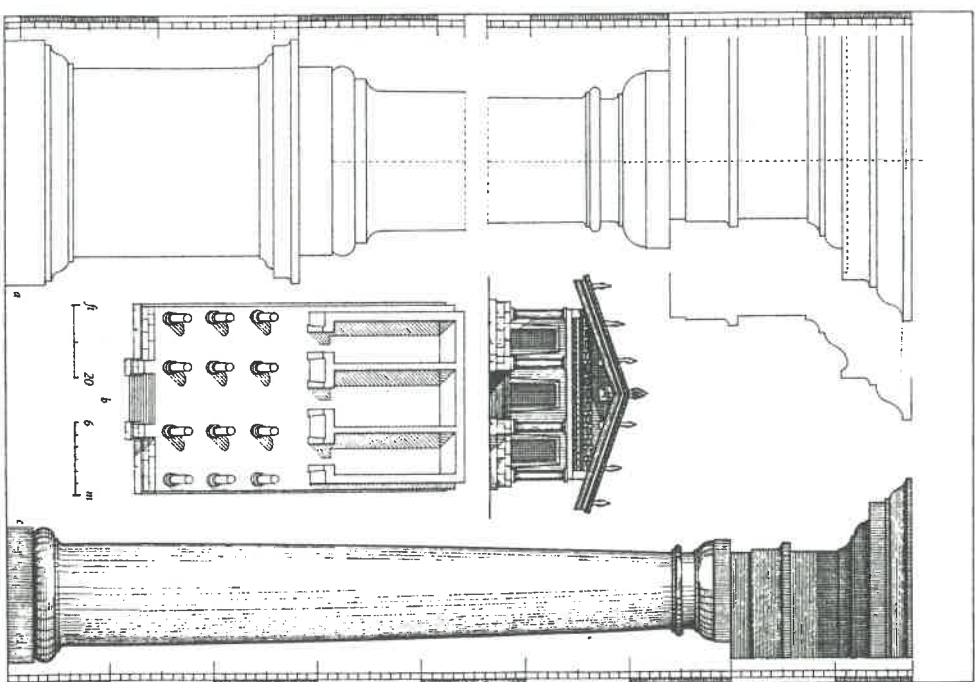


موارد استفاده از نظم دوریک پونان





نظم دوریک - یونان



نظم توسکان - یونان

سخن پایانی

شاپور راسخ

سروران عالیقدر و دوستان ارجمند، ششمین روز برنامه یازدهمین مجمع سالانه انجمن ادب و هنر نزدیک به پایان آمدن است، مجمعی که بیشتر اوقات آن به وصف مولای اهل بهاء حضرت شوقی ربّانی آن غصن ممتاز یکتا اختصاص یافت و با این همه نقل‌ها و بحث‌ها که به مجلس ما زیب و جلا داد و وجد و اعتلاء بخشید بی‌گمان هنوز همه در اول وصفش مانده‌ایم و از هزار نکته در ذکر جمیلش یک نکته را هم باز نگفته‌ایم.

چه دشوار است توصیف نقش و رسالت عظیم تاریخی که حضرت شوقی ربّانی طیّ سی و شش سال دوره ولایت از آغاز جوانی در نامساعدترین شرایط روزگار بدون معاضد و مددکار، تنها به اتکاء قدرت الهی ایفاء فرمودند. حضرتش فقط ولیّ امرالله و مبین آیات‌الله و شارح نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاء‌الله نبودند بلکه عملاً نظم اداری بهائی را بر پایه مستحکم الواح و صایای حضرت عبدالبهاء بنا کردند، فرمان‌های ملکوتی آن حضرت را بموقع اجرا نهادند، نطق امر مبارک را از چند کشور شرقی و دو سه کشور اروپائی و امریکا به پهنه گسترده گیتی بسط و توسعه دادند، مرکز جهانی امر بهائی را بر شالوده‌ای که حضرت مولی الوری از قبل نهاده بودند برپا داشتند، مترجم و معرف آثار بهائی و تعلیمات حضرت بهاء‌الله به دنیای باختری بودند و حتی راه را بر مترجمان آینده هموار فرمودند. نحوه درک و فهم و نگارش امر رحمن را به پژوهندگان سرمشق دادند و بنیاد امر مبارک را که بر الهیات و عرفان و مبادی روحانی و اخلاقی و تعلیمات اجتماعی و حدود و احکام استوار بود در جهت یک فلسفه تاریخ و تصویری از هدف غائی که استقرار مدنیت جهانی الهی است گسترش و نیرو بخشیدند و نیروهای درونی جامعه‌ای وسیع را برای نیل به آن مقصد عالی تهییج و بسیج فرمودند و چنانکه مشاور عالیقدر خانم پولین رأفت در سخنان افتتاحی خود گفتند با دستور تنفیذ نقشه‌های متتابعه خصوصاً نقشه بدیعه جهاد اکبر

مقدمت تشکیل بیت العدل اعظم الهی یعنی یکی از دو رکن رکن آن نظم نوین جهان آذین را فراهم آوردند.

چه بجا بود و سزاوار که محقق بزرگوار گرانمایه ای چون دکتر وحید رافتی ساعاتی چند را به تشریح مقام ولی و مرتبت ولایت در ادیان گذشته و امر بهائی تخصیص دادند و ریشه های ولایت را در نحوه تفکر اسلامی بخصوص دیدگاه شیعه باز نمودند و متذکر شدند که مسأله ولایت بزرگترین مشکل عالم اسلامی بوده که اینک در امر بهائی با عهد و پیمان خاص که از اهل بهاء به پیروی حضرت عبدالبهاء و بعد حضرت ولی امرالله گرفته شد کاملاً حل و فصل گردیده است. می توان گفت که ولایت متمم رسالت است. شمس مظهر الهی پس از غروب ظاهری در قمر ولایت پرتوافکن می شود و در نتیجه سرسپردگی و عشق به مرجع ولایت است که جوهر ایمان و حقیقت وفا به پیمان یزدان محسوب می شود. عرفا همچون اصحاب شرع بحثی مبسوط در امر ولایت دارند که شایسته توجه یاران است تا در ورای «بنده آستانش شوقی» و «برادر حقیقی شما شوقی» عظمت پایگاه آن حضرت را بهتر و بیشتر دریابند.

از بدیع ترین مطالبی که در سخنان دکتر وحید رافتی مطرح شد امعان نظری ژرف در معنای عصر تکوین در تاریخ بهائی و مقارنه آن با تحولات مهم دگرگون سازی در خاورمیانه و روسیه و برخی ممالک مجاوره بود که نشان می داد که نمی توان تاریخ امر رحمن را فارغ از تطورات احوال جهان که در ارتباط عمیق معنوی با آن است مطرح و عنوان کرد.

پهنای بی حد و غنای بی مثل آثار مکتوب حضرت ولی محبوب چنان است که بحث در آن را از جانب سه تن از سخنرانان روشن بین نکته دان ایجاب می کرد. خانم دکتر الهام افنان (رافت) محقق نوشکفته نکته سنج مروری بر آثار آن حضرت به زبان انگلیسی کردند. آقای دکتر وحید رافتی دانشمند گرامی در مورد آثار فارسی آن حضرت و مضامین و سبک و اسلوب آنها سخن گفتند و آقای دکتر سیروس علائی با عمق و وسعت آگاهی ترجمه های فارسی آثار حضرت ولی امرالله را مطمح نظر قرار دادند.

آثار انگلیسی حضرت ولی امرالله دریایی پهناور است. حدود ۱۵ هزار تویعات و مکاتبات و رسائل و چند هزار پیام تلگرافی را در بر می گیرد؛ آثاری که از هر کدام دامن ها لؤلؤ لالا به دست می توان آورد. این آثار گرانبها بنا به شرحی که خانم دکتر الهام افنان مطرح کردند علاوه بر تحریرات خود آن حضرت، ترجمه های بی مانندی را از آثار طلعات مقدسه چون کلمات مکتونه و ایقان شریف و رساله ابن ذئب و الواح و صایا و ادعیه و مناجات و همچنین تاریخ نیل (مطالع الانوار) را شامل می شود و نیز تویعات عمومی آن حضرت را در بر می گیرد که بعضاً به نام های: نظم بدیع جهانی، ظهور عدل الهی، قد ظهر یوم المیعاد، تویع قرن، اصول نظم اداری و حصن حصین شریعت الله نامیده شده اند و مانند همه صحائف حضرت ولی امرالله چون گوهری تابناک درخشش ابدی دارند. کلام حضرتش چه در اصل و چه در ترجمه نمونه عالی بلاغت و فصاحت ادبی است. در انتخاب کلمات بسیار دقیق، در ساخت عبارات خوش آهنگ و جزیل بسیار

توانمند، در کاربرد صنایع بدیعی لفظی و معنوی بسیار چیره‌دست و در ادای مضامین جدید مربوط به جهان امروز و نظم عالم بسیار هنرمند بودند معذکک چه بسیار در تحریر انگلیسی با آن خضوع و فروتنی ذاتی با دانشمند ادیب روحانی جرج تانزند رایزنی می‌فرمودند و نظر او را عنایتاً طالب می‌شدند و نشان می‌دادند که خواجه رسم و ره بنده پروری داند.

دکتر وحید رأفتی حضرت ولیّ عزیز امر الهی را در چهار کسوت شناسایی و ستایش کردند. نخست در کسوت رهبری و ولایت و مولایی که به گفته ایشان حضرتش را در ممتازترین موضع و موقع قرار می‌دهد زیرا به حقیقت در نیمه اول قرن بیستم حضرت شوقی ربّانی از بزرگترین شخصیت‌هایی بودند که فی الواقع وجه عالم را تغییر دادند و از گروه‌های ناهمگون و پراکنده، یک جامعه جهانی وحدت یافته ساختند.

دوم در کسوت مبین که رموز و اسرار نهفته در آثار جمال ابهی و حضرت عبدالبهاء را آشکار و شکفته فرمودند.

سوم در کسوت مورّخ که در تحلیل تاریخ امر مبارک آن را با تحوّل اوضاع جهان مرتبط نمودند. چهارم در کسوت مترجم و مؤلف و توفیق‌نگار و صاحب مکاتیب و رسائل که نه فقط در اسلوب سخن، قدوة فصحا و بلغای ادب فارسی و عربی بودند بلکه در تنوع و وسعت مضامین مورد تحلیل و تبیین، گوی سبقت از اکثر اصحاب قلم ربودند. در سال‌های نخستین، توقعات عمومی حضرتش بیشتر بر گرد مضامینی چون تأسیس نظم اداری و مؤسسات بهائی نظیر محافل روحانی و صندوق‌های خیریه و حظائر قدس و اوقاف و محفظه آثار و امثال آن دور می‌زد. بعد مسأله اجرای نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء برای توسعه دایره امرالله مطرح شد و نیز بنیادگذاری و تشیید مرکز جهانی و مقامات مقدسه در ارض اقدس مطرح نظر آن حضرت قرار گرفت و چنانکه توقعات انگلیسی سال‌های دهه سی حکایت می‌کند متدرّجاً بعد بین‌المللی در توقعات مبارکه مطرح شد. اما در زبان فارسی فی الحقیقه از سنه ۱۰۱ بدیع است که نظم بدیع جهان‌آرای الهی و موضع و موقع امر در تاریخ تحولات جهانی در توقعات مطوّل جاندار آن آیت کردگار عنوان می‌شود و هر بار به این سه سؤال پاسخ می‌دهند که چه کرده‌ایم، و کجا هستیم، و به کجا می‌خواهیم برویم. و در همین دوران است که اصطلاحات کور و دور و عصر و عهد و نظائر آن را مصرّح می‌فرمایند و حرکت جامعه بهائی را بسوی عصر ذهبی با عبور از مراحل هفت‌گانه و نیز دوران بلوغ عالم و تحقّق وحدت انسانی و حصول مدنیت جهانی را تشریح می‌نمایند.

در مورد سبک و اسلوب کلام حضرت ولیّ امرالله این نکته شایان یادآوری است که در زمانی که سنت‌گرایان و متجدّدین در ایران و احیاناً خارج کشور به بحث و گفتگو درباره بیرون کردن یا پذیرش اصطلاحات و کلمات عربی و هندی و ترکی و مغولی در زبان فارسی سرگرم و احیاناً دست به گریبان بودند حضرت ولیّ امرالله به عنوان ولیّ امر الهی به پیروی از اصول اساسی فنون بلاغت و فصاحت به نگارش آثار خود پرداختند و فارغ از هیاهوی جاری درباره نثر فارسی به خلق سبک و لحن انشائی توفیق

یافتند که خاص هیكل اطهر بود. نه به جریانات تجدّدگرایی گردن نهادند و نه مقلّد سبک سنگین متصنّع نثر قدمای اهل ادب شدند، تعبیر و ارائه مفاهیم و مطالب جدید سبک نوینی را در نثرنویسی اقتضا می‌کرد پس بطور خلاصه اساس کلام آن حضرت بر نثر مرسل متکی است که در آن گاه از صنایع بدیعی و ظرافت‌های مقبول علوم بلاغی بدون غلو و مبالغه استفاده شده است.

دکتر سیروس علائی در بحث از ترجمه‌های فارسی آثار حضرت ولیّ امرالله یکایک توقیعات مهمّ عمومی آن حضرت به زبان انگلیسی را مطرح کرد و فشرده پیام و مقصد و مرام هریک را بیان نمود و در هر مورد اگر ترجمه‌ای به فارسی موجود است یاد آور شد و توجّه داد که اولاً اکثر توقیعات آن حضرت هنوز به حلیه پارسی آراسته نشده و با همه اهمیت و عظمت و فایده محتوم مورد مطالعه اکثر فارسی‌زبانان قرار نگرفته است. ثانیاً بیشتر ترجمه‌ها از مقوله اقتباس و آمیخته به احساس و تعبیر و تفسیر شخصی مترجمانست و کمتر از روش ترجمه خود حضرت ولیّ امرالله که وفاداری کامل به معنی و مطلب اصلی است و با رعایت امانت توأم است پیروی نموده است. ثالثاً برخی از ترجمه‌ها به علت فراوانی لغات دشوار و اصطلاحات ثقیل عربی که غالباً معادل رسای فارسی نیز دارد از فایده گفتار که به فرموده مظهر پروردگار همان رساندن معنی و مطلب از ذهن گوینده به ذهن شنونده است محروم مانده است. رابعاً گاه توجّه کافی به دستور زبان و همچنین تفاوت معنای یک واژه در فرهنگ‌های مختلف مبذول نگردیده و چه بسا که درک ناقص و ابتری را از برخی عبارات حضرتش موجب شده است.

در پایان سخن دکتر علائی پیشنهاد کرد که هیأتی بوجود آید و ترجمه رسمی درست و فصیح و منطبق بر اصل همه آثار عمومی حضرت ولیّ امرالله را دستور کار خود قرار دهد و بدین منظور برنامه‌ای دراز مدّت طرح کند و به اجرا درآورد.

خانم‌ها و آقایان عزیز

یازدهمین مجمع سالانه انجمن ادب و هنر از این مزیت استثنائی بهره‌مند بود که جناب علی نخجوانی با کثرت و سنگینی مسئولیت‌های اداری و روحانی مقاله‌ای گویا و رسا درباره ولایت امرالله در عصر تکوین نوشته و فرستاده بودند که خواننده شد مقاله‌ای که به یک اعتبار کارنامه زندگی و خدمات جلیل تاریخی و بیان صفات و سجایای ملکوتی مولای بی‌همتای اهل بهاء بود.

هنگام جلوس آن حضرت بر کرسی ولایت، همه احباء انتظار تشکیل بیت العدل اعظم را داشتند حتی اغیار هم به شهادت جریده تایمز لندن چنین گمان و تصویری در خاطر می‌پروردند اما آن حضرت با صبر و شکیبایی و استقامت و پایداری به هدایت سه منشور اساسی امر الهی یعنی لوح کرم، الواح وصایا و فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء به تأسیس و تقویت محافل محلی و ملی و گسترش نظم اداری در سرزمین‌های مختلف عالم پرداختند تا بر آن اساس در وقت معهود قبه معهد اعلیٰ وضع شود و سر به فلک برآورد. بر اثر تشریح و توضیح آن حضرت بود که احبای غرب از حدود سال ۱۹۴۱ و احبای شرق

از حدود سال ۱۹۴۴ با مفهوم نظم بدیع الهی آشنا شدند و به تفاوت این نظم با انظمه سائره پی بردند. در مقاله مبسوطی که حضرت امة البهاء روحیه خانم در سال ۱۹۴۴ یعنی در بیست و پنجمین سال ولادت در مورد شیوه کار و شخصیت و خلق و منش آن حضرت نوشتند این نکته به صراحت آمده که در ابتدا بسیاری از احباء پی به مقام شامخ حضرتش نبرده بودند و نمی دانستند که آن حضرت مهتدی به هدایت الهی هستند و حق همه سجایا و صفاتی را که لازمه ایجاد و اداره نظم اداری بهائی و متحد و هماهنگ کردن اهل بهاء و تجهیز قوای آنان در خدمت امر رحمن است به آن حضرت اعطاء فرموده است از جمله قدرت اراده، شجاعت بی منتهی، قوت تصمیم، شوق و شور و عواطف صمیمی قلبی در نیل به هدفی عالی، جذائیت در رهبری و فرماندهی و در عین حال تواضع و فروتنی جبلی و مهربانی ذاتی و فی الحقیقه نحوه کار و خدمت آن حضرت سرمشق و راهنمای یاران تا ابدیت است یعنی:

● تشخیص اولویتهای و برنامه ریزی دقیق برای تحقق آنها.

● رعایت نظم و ترتیب و انضباط در جمیع شئون.

● تمرکز قوی برای نیل به هدفهای تعیین شده.

● سحر خیزی و پرکاری و پشتکار و دقت و تعمق در امور و صرفه جویی و نظارت مستمر و ارزیابی

کار انجام شده که فی الحقیقه همه از ضروریات یک مدیریت عالی نمونه است.

یک امتیاز دیگر انجمن ما شرکت جوانانی پژوهنده در ادای نطق و خطابه بود نه تنها خانم الهام افنان بلکه آقای سیامک ذبیحی با سخنرانی دقیق و مستند خود نه فقط موجب حظ معنوی و بهره گیری علمی همه حاضران شدند بلکه دل های مشتاق به حرکت جوانان در میدان خدمت را امید و اطمینان بخشیدند که الحمدلله در گلستان عرفان گل هایی در حال شکفتن هستند که فردا از فیض آنها جهان بهائی معطر و مشکگزا خواهد شد.

دیده ما در انتظار شماس

ما نکردیم خدمتی بسزا

تکیه کلام آقای ذبیحی مقدم بر سه اقدام اساسی بود که حضرت ولیّ و حید امرالله و جبهه همت خود و جمیع یاران قرار دادند: اول تأسیس و استقرار مؤسسات نظم اداری، دوم اعلام و تحقق استقلال امر بهائی و سوم توسعه دایره امرالله.

ایجاد و تحکیم مؤسسات اداری بهائی ضرور بود تا نقشه های وسیع تبلیغی نخست در سطح ملی و بعد در سطح منطقه ای و بالاخره در پهنه جهانی بتواند به اجرا درآید و به موقفیت نائل شود. حضرت ولیّ امرالله هم از نخستین توفیعات چون توفیق ۵ مارس ۱۹۲۲ دستورات دقیق درباره تأسیس محافل محلی و وظائف اصحاب شور و تکالیف احباء و روابط فی مابین افراد و تشکیلات صادر فرمودند و از حدود ۱۹۲۳ همت بر تشکیل تدریجی محافل ملی معطوف نمودند بطوری که در ۱۹۵۳ تعداد این محافل به ۱۲ رسید و در آخر نقشه ده ساله جهاد اکبر که فتوحات آن در اعلای امر رحمن فی الحقیقه منطبق بر بشارت

صریح دانیال نبی است به پنجاه و شش بالغ شد. خدمات آن حضرت در ایجاد و توسعه اوقاف امری، حفاظت قدس و مدارس تابستانی و لجنه‌ها و متمرّعات و شورای بین‌المللی و نیز انتصاب حضرات ایادی بهر محققی اجازه آن می‌دهد که بگوید عمده مؤسّسات نظم اداری بهائی غیر از بیت العدل اعظم الهی در دوره ولایت تأسیس شده است.

حضرت ولیّ امرالله در استقلال امر و انفصال آن از شرائع سابقه کوششی استثنائی فرمودند و پیوسته جامعه یاران را در این جهت هدایت کردند و یکی از اهمّ وقایع که به دست دشمنان، انفصال و استقلال امر یزدان را تسهیل و تسریع کرد همان صدور حکم محکمه مصر در تصدیق آئین بهائی به عنوان دیانتی جدید با اصول و قوانین جدید بود که حتّی در سرزمین‌های غرب به شناسایی امر مبارک مؤثراً یاری کرد. توسعه نطق امرالله که هدف دیگر آن حضرت بود با اجرای فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء، امر را از دائرة تنگ چند کشور غربی و شرقی بیرون آورد و به ابعاد گره زمین گسترده کرد بطوری که در پایان نقشه جهاد کبیر جهانی تعداد ممالک مستقلّ و سرزمین‌های تابعه که در ظلّ امر ربّ البریه آمده بود به ۲۵۹ سرزد و شماره نقاط و جمعیت‌ها و محافل محلّی از ۱۱ هزار گذشت.

هرچند در سخنان برخی از ناطقان اشاره‌ای اجمالی به نوعی فلسفه تاریخ که مبنای آینده‌نگری حضرت ولیّ امرالله است رفته بود اما اهمّیت این موضوع سبب شد که ناطق دیگری* همه بحث خود را به این موضوع دلکش و پر اهمّیت اختصاص دهد چون بخشی از آثار حضرت ولیّ امرالله در تویعات عمومی دهه سی به زبان انگلیسی مربوط به تجزیه و تحلیل اوضاع جهان و تمدن مادی کنونی و بیان مفاسد و معایب و تشریح نتایج و عواقب مادّیت و نفی و طرد خدا از تاریخ بشریت است و نیز پیش‌بینی تطوّرات و تحولات آینده دنیا و امر را در ارتباط عمیق آن دو با هم عنوان می‌کند و به عنوان فلسفه تاریخ و آینده‌نگری تمدن، با آثار نام‌آورانی چون: اشنپنگلر، توثینی، سوروکین، تیلاردو شاردن و دیگران قابل قیاس و در عین حال از آن جمله متمایز است منبع اصلی فلسفه تاریخ و آینده‌نگری آن حضرت را در آثار جمال اقدس ابهی باید جست که به قوه خداداده تبیین از خلال اشاراتی سربسته، پراکنده و مجمل استنباط و استخراج شده است و به صورت منظومه فکری یکدستی متکی بر نوعی دیالکتیک روحانی یعنی جدل میان قوای نظم‌بخش و نظم‌گسل با اطمینان به آینده درخشان بشری و تحقّق ملکوت الهی بر این گره خاکی ارائه گردیده است. فلسفه تاریخ و آینده‌نگری حضرت ولیّ امرالله که خصوصاً در تویع منبع تولّد مدنیّت جهانی به زیباترین وجه متجلی شده تنها یک بحث عقلانی و فکری نیست بلکه راهنما و دستور العمل حیات و فعّالیّت فردی و جمعی بهائیان است که به فرموده جمال قدم به اصلاح عالم و احیاء و تهذیب امم مأمورند و می‌باید هریک در این نمایش یا درام پر جلال که بر صحنه روحانی عالم ظاهر شده و غایتش استقرار مدنیّت جهانی تازه‌ای است که جلوه‌نمای ملکوت الهی باشد نقش خویش

* شاپور راسخ

را هر چند حقیر باشد با عزمی جزم و همتی استوار ایفا کنند.

حضرت ولی امرالله را تنها در کسوت تحلیل‌گر تاریخ و تصویرساز آینده جهان نباید دید. آن حضرت متفکر اخلاق و تربیت نیز بوده‌اند و آثار آن حضرت بر احاطه نظرشان در این دو زمینه دلالت دارد. این بحث شیرین و دلنشین را محقق ارجمند ژرف‌اندیش دیگری مطرح کرد.

آقای دکتر بهروز ثابت دیدگاه اخلاقی و تربیتی آن حضرت را با مکاتب متداول جهان غرب مقایسه کرد و هم از نظام اخلاقی فردگرایی سودجوی لذت‌طلب که بر دنیای کنونی مسلط است و هم از اخلاقیات اجتماع‌گرایی فیلسوفان مادی اشتراکی متفاوت و متمایز یافت. اخلاق بهائی نه قابل تحویل و تنزیل به فلسفه اخلاقی سنتی مذاهب است که هر نوع تحوّل و تطوّر در ارزش‌های اخلاقی را نفی می‌کردند و اسطوره‌هایی چون گناه نخستین آدمیان و گنه کارزادگی بشریت را مطرح می‌نمودند و نه قابل اشتباه و التباس با نظریه‌کسانی است که به بهانه تحوّل و تطوّر، به نسیب کامل اخلاقیات قائلند. آثار مبارکه حضرت ولی امرالله مبدء اخلاق را در حقائق روحانی می‌داند و در عین حال از مقولات اجتماعی و تاریخی محسوب می‌دارد و به زبان دیگر مدافع آن است که اخلاق جلوه روح و روحانیت در حیات اجتماعی و روابط انسانی است. حضرت ولی امرالله بحران اخلاقی جهان امروزی را نتیجه سربلندی بشر از پیروی تعالیم الهی جمال مبارک می‌دانند و در عین حال امیدوارند که این بحران منشأ انقلابی روحانی گردد و سکر موت نظم گذشته، ولادت نوزاد نظم نوینی را در پی داشته باشد. پس باید گفت که اخلاق بهائی در داخل قالب کلی جهان‌بینی حضرت ولی امرالله مطرح است.

انسان موجودی است که بسوی کمال اخلاقی حرکت می‌کند اما این حرکت مستلزم تلاش و اراده است خصوصاً که تضاد و تنش همواره در نفس آدمی بوده و هست که در ذات خود از فرشته سرشته و از حیوان و البته در هر مرحله ترقی اخلاقی امکان سقوط و تنزل وجود دارد و ناچار این خواست و کوشش باید مستمر و ابدی باشد. تضاد میان اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی در آئین بهائی حل شده است و گواه آن آیات جمال مبارک است که از سوئی هدف خلقت انسان را خدمت جمیع من علی الارض شمرده است و از سوی دیگر پایه اخلاقی حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بشریت را مورد تأکید قرار داده و بر مرتبت والا و شرافت و حیثیت انسان و لزوم رعایت و احترام آن در هرگونه نظام اجتماعی تصریح نموده است.

دوستان گرانقدر

جمال مبارک فرموده‌اند که: «اهل بهاء باید اجر احدی را انکار نمایند و ارباب هنر را محترم دارند.» به حرمت همین بیان مبارک بوده که در هر اجلاس این انجمن مبادرت به دعوت اصحاب هنر و فن شده و می‌شود و به راستی موجب شکر و شادی است که هنرمند بلندآوازه جناب مهندس هوشنگ سیحون جمع ما را به حضور خود غنا بخشیدند. ایشان با مقایسه معماری‌های کهن یونانی و هخامنشی و تأکید بر

ستون‌های این دو گونه معماری، عظمت آثار باستانی ایرانیان چون تخت جمشید را نمودار کردند. سخنان ایشان دربارهٔ مساجد ایران که با نمایش اسلایدها همراه بود هم لذتِ سمع و هم حظّ بصر آورد و ضمناً سهم عظیمی را که ایرانیان در معماری اسلامی داشته‌اند برملا نمود و همگان را متذکر داشت که وطن ما همواره سرزمین تعصب و خشونت و نافرهیختگی نبوده بلکه برخی از لطیف‌ترین و ظریف‌ترین آثار فرهنگی و تمدنی را با صبغهٔ انسانی و روحانی پدید آورده و به جهان بشری اهداء کرده است.

انجمن ادب و هنر همواره مقدم موسیقی‌دانان را مغتنم می‌شمرد و خواندن‌ها و نواختن‌های خوش آنان را ارج و قدر می‌نهد. از آقای مهندس منوچهر وهمن سپاسگزاریم که به کمال لطف مسئولیت رهبری و ترتیب ارکستر را عهده‌دار شدند و از همکارانشان امتنان داریم که با ستور و تار و عود و دف، آوای دلآرای خانم غزال نظری و آقای امیر حقیقی را همراهی کردند. آقایان: جلال اخباری، فرمند جهانپور، هوشنگ جهانپور، احسان‌الله ماهر، بهاء‌الدین مهاجر و امان‌الله موقن هر یک درخور تقدیری ویژه‌اند و آقای مسعود میثاقیان که هنرشان را در خدمت انتشار امر احدیت نهاده‌اند دعای همگان را بدرقهٔ سفرهای تبلیغی خویش دارند.

ذکر این نکتهٔ مهم در اینجا ضرور است که انجمن ادب و هنر با اکثر مؤسسات تزئید معلومات و تربیت نیروی انسانی که دوستان با آنها آشنا هستند مشتبه نمی‌شود چه وظیفه و رسالتی خاص دارد که به تأیید و تصویب معهد اعلیٰ رسیده و آن ایجاد و تحکیم روابط معنوی ایرانیان خارج از مهد امرالله با فرهنگ پرمایهٔ ایرانی و زبان و ادبیات فارسی است که مرکب و محمل آثار مقدسه در این ظهور الهی است بطوری که نسل معاصر و خصوصاً نسل جوان ظرائف ادبی و بدایع لفظی و معنوی را که در آثار الهی مکنون است به درستی درک کند و احیاناً ناقل آنها به زبان‌های دیگر جهان شود. معرّفی ادبا و شعرا و نیز رشته‌های مختلف هنر چون موسیقی و نقاشی و مینیاتورسازی و خوش‌نویسی و نمایش و سینما و جلوه‌های گونه‌گون ادب به همین ملاحظه بوده و هست و به همین مناسبت بوده که هر سال چند کارگاه خطّ و نقاشی و گل‌سازی برپا می‌شود که انجمن حاضر هم از آن بی‌بهره نبوده است.

شبهه نیست که شیفتگان حضرت ولیّ عزیز امرالله همواره مشتاق دیدن و شنیدن کسانی هستند که به موهبت لقای آن جمال محبوب یکتا فائز شده‌اند. از این رو بسیار مفتخر بودیم که جنابان دکتر امین و شیلا خانم بنانی که هر دو فارس امر حضرت بهاء‌الله و فاتح روحانی کشور یونان هستند با حضور خود رونق این انجمن را دو چندان کردند و با شرح خاطرات خود از تشرّف به محضر مولای مهرپرور آتش شوق در دل‌ها افکندند و اشک حسرت از دیده‌ها روان کردند و همچنین قدردان آقای دکتر هوشنگ رأفت هستیم که خاطرات جمعی از مشرّف‌شدگان را در میان نهادند و مصداق این سخن شاعر را تحقق عینی دادند که:

ذکر تو می‌رفت عارفان بشنیدند

جمله به وجد آمدند سامع و قائل

از سخنان لطیف جناب دکتر بنانی یادآوری ذوق و حس قرینه‌سازی و دُهاء و نبوغ زیبایی‌شناسی حضرت ولیّ امرالله بود که در سخنان و آثار آن حضرت جلوه‌ای بس دلچسب دارد و همین ذوق و حس و قریحه است که در ائمه زبیا و شکوه‌مندی که به اهتمام حضرتش برکوه کرمل برپا شده از جمله در مقام اعلیٰ و محفظه آثار متجلی و هویدا است.

از جمله سخنان دکتر رأفت این بود که حضرت ولیّ امرالله با آشنایی کامل به فرهنگ غرب در واقع ترجمان امر مبارک به عالم غرب بودند و کارشان با پل قدیس که امر مسیح را به جهان باختر منتقل کرد این تفاوت اساسی را داشت که نظر و رأی شخصی را در انتقال مفاهیم و تعالیم امر مدخلیت ندادند. آقای دکتر رأفت پس از تشریح شخصیت عنصری و ظاهری و سوابق تحصیلی حضرت ولیّ امرالله، نمونه‌هایی از نثر شورانگیز حماسی آن حضرت را قرائت کردند و هیمنه و شکوه آن را که مورد ستایش ادیبان نیز قرار گرفته متذکر شدند.

دوستان ارجمند و گرامی

همه شاهد بودید که تا چه اندازه شب‌های شعر و موسیقی با حضور جناب بهروز جباری گرمی و جلای مخصوص می‌گیرد حافظه سرشار و نکته‌سنجی و حسن سلیقه ایشان در برگزیدن اشعار خوب و صبر و حوصله‌شان نسبت به همه و تشویق ایشان از گویندگان که در مدارج مختلف اعتلاء ادبی هستند براستی ستودنی است. ایشان از نادر کسانی هستند که از تک مضراب شنوندگان ناساز پروایی ندارند و هر لطیفه را به لطیفه‌ای خوشتر فی البدیهه پاسخ می‌گویند. ناگفته نماند که طبع ایرانی مشکل پسند است و راضی کردن همگان کار هر بنده خدایی نیست معدلک نمی‌دانم در کلام جناب جباری و در هنر موسیقی نوازان این دوره چه سحری بود که به قول حافظ:

مطرب چه پرده ساخت که در پرده سماع بر اهل وجد و حال درهای وهو بیست

دوستان عزیز

سالی که گذشت برای انجمن ادب و هنر سالی پربرکت و بارآور بود نه فقط خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر شماره ۶۰ برای تجلیل ایادی عزیز جناب ابوالقاسم فیضی به صورتی زیبا و دلپذیر انتشار یافت بلکه آرزوی دیرین همه ما به نشر دیوان ورقای شهید به همت و محبت خانواده شریف ورقا و مراقبت و ویراستاری جناب بهروز جباری تحقق گرفت و ضمناً خوشوقت و سربلندیم که اولین مجموعه داستان‌هایی از تاریخ بهائی به فارسی آسان به لطف آقای ف. بهگرا و همکاری خانم الهه ژوبین منتشر شد و

چون هدیه‌ای نفیس به انجمن ادب و هنر جوانان که در هفته آخر همین ماه در دوپورت هلند برپا می‌شود تقدیم گردید.

به حکم من لم یشکر الناس لن یشکرالله وظیفه دارم که به نیابت شما، بنیادگذار مؤسسه لندگ و نیز جناب دکتر حسین دانش مدیر آکادمی و همکاران فنی و اداری ایشان را صمیمانه سپاس گویم که اقامت چند روزه در این ساحت باصفای خرم را بر همه ما خوش و گوارا کردند و نیز مهر و لطف خانم و آقای جوانمردی را قدر شناسیم که با غذاهای بس گوارا و مقوی چنان موجب نشاط و سرزندگی مجلسیان شدند که گاه بزم یاران تا ساعاتی پس از نیمه شب ادامه یافت.

انجمن ادب و هنر بسیار مدیون نفس ارجمندی از همکاران هیأت اجرائی است که تصاویر و شجره انساب حضرت ولی امرالله را تهیه کرده و زیور تالار سخنرانی نموده‌اند هرچند به احترام خواهش خودشان نام ایشان برده نمی‌شود اما لطفشان را همه پاس می‌داریم و نیز ممنون همکار دیگری از همان هیأت هستیم که بخش مهمی از انتظامات اداری و شب‌های شعر و موسیقی را زیر نظر داشتند. بانو فردوس روشنگر تشکر می‌کنم مخصوصاً درخور است که امسال هم کودکان نازنین را درس خط فارسی آموخت و با زبانی که چون محمل وحی الهی بوده سزاوار هر ستایشی است آشناتر و دل‌بسته‌تر کرد مهرشان مستدام باد.

اکنون که عرائضم به پایان می‌آید باید به اطلاع شما عزیزان برسانم که حدود ۱۶۰ تا ۱۷۰ نفر از یاران از ۲۲ کشور جهان از برزیل تا امارات متحده عربی و کویت، از اکوادور تا کانادا و بخشی مهم از ممالک اروپا در محفل ما شرکت فرمودند و وظیفه دارم از جانب دوستان هیأت اجرائی حضورشان را که روح و نور و سرور به فضای لندگ آورد تقدیر و تجلیل کنم و ضمن آرزوی آن که باز شبی را به خوشی در مصاحبت یکدیگر گذرانیم برای همه بازگشتی مقرون به تندرستی و شاددلی خواستار شوم و به امید آن که در سال آینده باز موهبت لقای شما نصیب این مشتاقان شود دو بیت از یک غزل حافظ را با اندک تصرفی نثار قدمتان کنم:

صبح لندگ ذوق‌بخش و صحبت یاران خوش است
وقت گل خوش باد کز وی وقت می‌خواران خوش است
از صبا هر دم مشام جان ما خوش می‌شود
آری آری طیب انفاس هواداران خوش است

حق مددکار و پشتیبان شما باد

آشنائی با نویسندگان*

دکتر الهام افنان

دکتر الهام افنان در سال ۱۹۶۴ م در ایران متولد شدند و در سال ۱۹۷۸ همراه والدین خود به نروژ مهاجرت کرده و سپس به کانادا نقل مکان نمودند. پس از طی دوره دبیرستان و دانشگاه، مدت سه سال و نیم در محفظه آثار مرکز جهانی و سپس در قسمت ترجمه دارالانشاء بیت العدل اعظم در ارض اقدس خدمت کردند. در سال ۱۹۹۵ به اخذ درجه دکترا در رشته ادبیات انگلیسی از دانشگاه ماک ماسترکانادا موفق گردیدند. پس از ادواج با آقای ریاض رأفت به نروژ رفته و اکنون صاحب پسری به نام نبیل هستند. در نروژ مدتی به تدریس در دانشگاه‌های برگن و اسلو اشتغال داشتند و اخیراً همراه با خانواده خود به کشور روسیه هجرت کرده‌اند. مقالات ایشان به فارسی و انگلیسی در مجلات پیام بهائی، عندلِب، *Journal of Bahá'í Studies* و چند نشریه غیر بهائی چاپ شده است.

دکتر بهروز ثابت

دکتر بهروز ثابت در مشهد در خانواده‌ای مؤمن متولد شدند و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در ایران به پایان رساندند و سپس از دانشگاه ایالتی نیویورک به دریافت درجه دکترا در تعلیم و تربیت نائل شدند. دکتر ثابت به سمت استاد مشاور علوم تربیتی و محقق علوم اجتماعی با مراکز متعدد علمی و آموزشی عالی آمریکا همکاری داشته و دارند. ایشان در مجامع مختلف بهائی به ایراد کنفرانس‌های علمی پرداخته و مقالات و تحقیقات متنوعی را در زمینه‌های علمی، تربیتی و فلسفی به رشته تحریر درآورده‌اند. دکتر ثابت در ایران در هیئت تحریریه آهنگ بدیع و ترانه امید عضویت داشتند و مقالاتی از ایشان در این مجلات درج شده است. ایشان مدرّس انستیتوی بهائی ویلمت بودند و اکنون در آکادمی لندگ به خدمت مشغولند.

مهندس سیامک ذبیحی مقدم

مهندس سیامک ذبیحی مقدم در سال ۱۹۶۴ در خانواده‌ای بهائی متولد شدند. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مشهد به انجام رساندند و از سال ۱۹۸۴ مقیم دانمارک می‌باشند. در این کشور به اخذ درجه لیسانس ابتدا در رشته

* به ترتیب حروف الفباء.

مهندسی الکترونیک و سپس تاریخ موفق شدند و هم‌اکنون تحصیلات خود را در رشته تاریخ در دانشگاه کپنهاگ ادامه می‌دهند. ایشان مدتی در لجنات ملی و محافل محلی به خدمت قائم بودند و در چند سال اخیر در محفل ملی این کشور عضویت داشته و دارند. مجله پیام بهائی و پژوهشنامه چند مقاله را که نامبرده تألیف و یا ترجمه نموده منتشر ساخته است.

دکتر شاپور راسخ

دکتر شاپور راسخ پس از گذراندن دوره دکتری ادبیات فارسی در دانشگاه طهران، به علوم اجتماعی روی آوردند و پس از احراز لیسانس اقتصاد و فوق لیسانس در علوم اجتماعی در دانشگاه ژنو، دکتری خود را در رشته جامعه‌شناسی به پایان رساندند. دکتر راسخ سال‌ها در دانشگاه طهران به تدریس مشغول بودند و جمعاً ده سال در محافل ملی ایران و سویس به خدمت مشغول بودند و اکنون به سمت مشاور با یونسکو و دفتر بین المللی تعلیم و تربیت همکاری دارند و سه کتاب در زمینه تعلیم و تربیت برای سازمان مزبور تألیف کرده‌اند. ایشان چند سال است که به عضویت هیأت مشاورین قاره اروپا انتخاب شده‌اند. از دکتر راسخ مقالات متعددی از جمله در آهنگ بدیع، عندلیب، پیام بهائی، خوشه‌ها، سفینه عرفان، سخن و نگین منتشر شده و می‌شود. ایشان اشعار دل‌انگیزی سروده‌اند و نیز از پایه‌گذاران انجمن ادب و هنر می‌باشند و همکاری مستمر در این هیأت دارند.

دکتر وحید رأفتی

دکتر وحید رأفتی در سال ۱۳۲۴ ه.ش در خانواده‌ای بهائی در شیراز متولد شدند و سنین اولیّه طفولیت را در آن شهر گذراندند. سپس به همراه خانواده خود به یزد منتقل شدند. در سال ۱۳۳۱ به اتفاق عائله به طهران نقل مکان نمودند و به تحصیل مشغول شدند تا اینکه از دانشکده ادبیات دانشگاه طهران به اخذ لیسانس نائل آمدند. در سال ۱۳۵۱ به قصد هجرت و ادامه تحصیل به لبنان سفر کردند و تحصیلات خود را در دانشگاه امریکایی بیروت دنبال نمودند. در سال ۱۳۵۳ به علت جنگ داخلی در آن کشور به امریکا رفتند و در دانشگاه کالیفرنیا به ادامه تحصیل پرداختند. در سال ۱۳۵۸ به اخذ درجه دکتری در علوم و معارف اسلامی در این دانشگاه موفق شدند. ایشان از ریعان شباب در تشکیلات اداری بهائی فعالیت مستمر داشته و از سال ۱۳۵۹ تاکنون در مرکز جهانی بهائی دائره مطالعه نصوص و الواح در حيفا به کار تحقیق اشتغال دارند. ثمره قسمتی از مطالعات ایشان به صورت مقالات و رسالات عدیدة مختلفه به فارسی و انگلیسی در مطبوعات بهائی و غیربهائی به طبع رسیده است.

مهندس هوشنگ سیحون

مهندس هوشنگ سیحون در سال ۱۲۹۸ ه.ش در طهران متولد شدند. پس از گذراندن دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه طهران به فرانسه عزیمت کردند. در سال ۱۳۲۷ از مدرسه هنرهای زیبای پاریس به دریافت عالی‌ترین درجه علمی (دکتری دولتی) نائل شدند. سپس به طهران عزیمت کردند و در سمت استادی دانشکده هنرهای زیبای طهران به تدریس پرداختند و از سال ۱۳۴۰ ریاست این دانشکده را به عهده داشتند. ایشان چندین سال ریاست انجمن آرشیوتک‌های ایران را داشتند و طرح بناهای یادبود متعددی را ریخته و به انجام رسانده‌اند که از جمله بناهای یادبود ابن سینا (همدان)، آرامگاه نادر (مشهد) و حکیم عمر خیّام (نیشابور) می‌باشد. ایشان طرح‌هایی از بناهای تاریخی، دهکده‌ها و مناظر ایران را تهیه کرده‌اند که در ایران و خارج شهرتی بسزا دارد و مجموعه‌ای از این آثار به چاپ رسیده

است. جناب مهندس سیحون آثار نقاشی خود را در سطح جهانی به نمایش گذارده‌اند. این تابلوهای نقاشی که به سبک قلم مرکبی تهیه شده شامل مناظر طبیعی و آثار آبیستره از انسان‌ها و حیوانات است که هریک نشانگر نمادی، صحنه‌ای یا واقعه‌ای است. سبک کار مهندس سیحون واقع‌گرایی است و مختصات منحصر به فرد دارد. یکی از دستاوردهای برجسته ایشان زنده کردن هنرهای قدیمی ایرانی است که با طرح‌های تازه خود روح جدیدی به آنها دمیده‌اند. پرده‌های نمادی دیواری بزرگ نشانه‌ای از این کوشش است. ایشان ترکیب هنرهای سنتی و آبستره مدرن را "نوآوری محیط زیستی" می‌نامد که وسیله کار ایشان در این زمینه غالباً آبرنگ و رنگ و روغن است. جناب سیحون در ممالک مختلف در دانشگاه‌ها تدریس نموده و در مردم‌شناسی مشرق زمین در عصر پیش از مسیحیت صاحب نظراند. در سال ۱۳۵۹ آثار ایشان برای نمایش در موزه‌های هنرهای دینی که در شهر نیس در جنوب فرانسه تشکیل شد در کنار آثار چهل هنرمند دیگر به نمایش گذاشته شد.

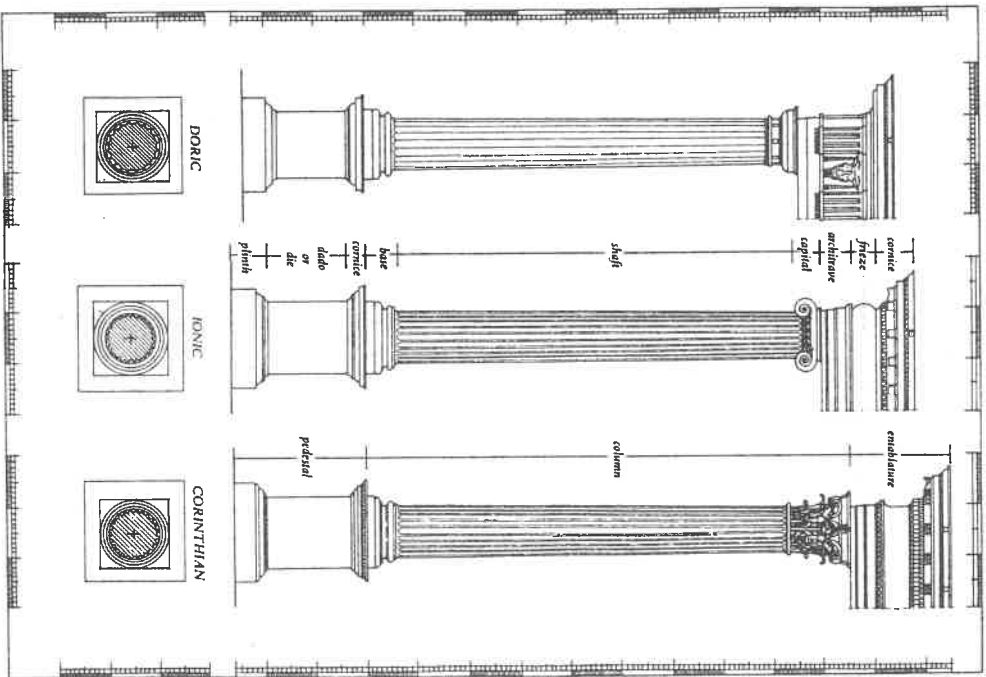
مهندس سیحون در سال‌های اخیر مجموعه نفیسی از مناظر اماکن متبرکه و تاریخی ارض اقدس (حیفا و عکا) نقاشی کرده‌اند که به نام سنگ‌های گویا چاپ و منتشر شده است.

دکتر سیروس علائی

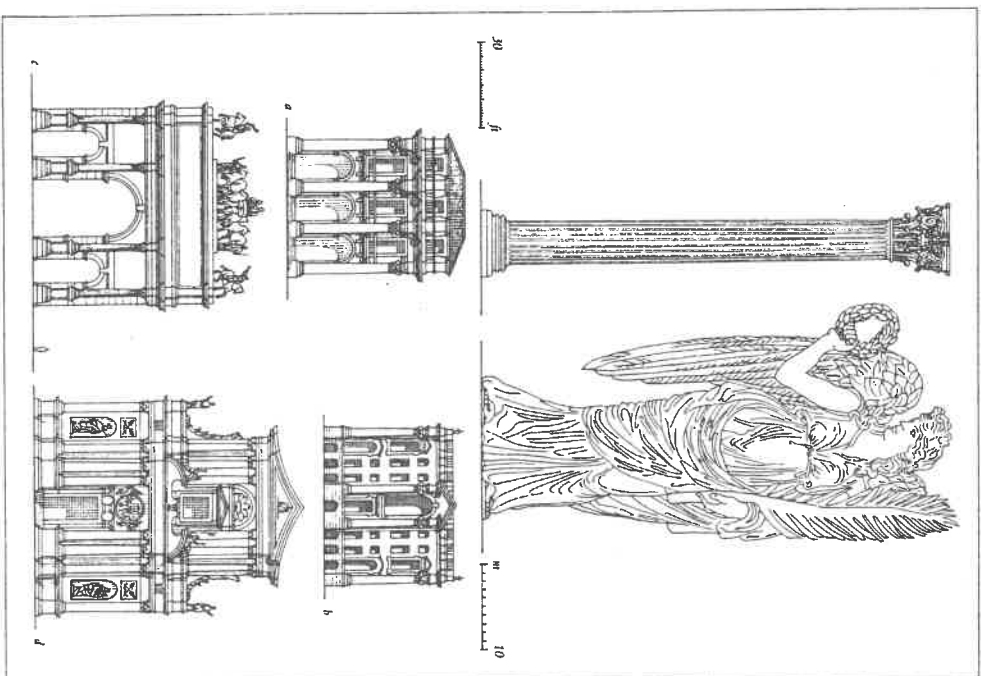
دکتر سیروس علائی در سال ۱۹۵۱ از دانشکده فنی طهران با احراز رتبه اول فارغ التحصیل شدند و مدال درجه اول فرهنگ گرفتند. در سال ۱۹۵۵ از دانشکده برلین غربی به دریافت درجه دکترا در مهندسی مکانیک نائل شدند. چندین سال در دانشکده فنی طهران تدریس می‌کردند و مدت ده سال در محفل ملی ایران عضویت داشتند و هرگاه فرصتی می‌یافتند به تحقیق و تدریس می‌پرداختند. دکتر علائی در طهران گروهی از شرکت‌های فنی و مهندسی را با حدود ۵۰۰ نفر همکار تأسیس کردند. از سال ۱۹۷۹ در انگلستان به عنوان مهندس مشاور به کار ادامه دادند و در سال ۱۹۹۰ جایزه خانه‌سازی انگلیس را به دست آوردند. از سال ۱۹۸۴ مطالعاتی را در مورد نقشه‌نگاری شروع کردند و مقالات متعددی به فارسی و انگلیسی در این زمینه منتشر نموده‌اند.

آقای علی نخجوانی

جناب علی نخجوانی در بادکوبه متولد شدند. پدرشان جناب میرزا علی اکبر نخجوانی از معاریف و خادمین دوره میثاق بودند. جناب نخجوانی ایام طفولیت و نوجوانی را در حیفا گذراندند و پس از اتمام تحصیلات در دانشگاه امریکایی بیروت، عازم ایران شدند. در مدت اقامت در ایران که ۱۲ سال طول کشید مصدر خدمات مهمه از جمله در تشکیلات محلی و ملی و نیز محفل روحانی ملی بهائیان ایران شدند. جناب نخجوانی در سال ۱۹۴۵ میلادی با سرکار ویولت خانم بنانی صبیبه ایادی امرالله جناب موسی بنانی ازدواج کردند. در سال ۱۹۵۱ به اتفاق خانواده بنانی عازم هجرت افریقا شدند و ده سال در آن خطه وسیعه به خدمت مشغول بودند. در سال ۱۹۶۱ به عضویت شورای بین‌المللی بهائی انتخاب شدند. در سال ۱۹۶۳ در اولین بیت العدل اعظم به عضویت انتخاب شدند و از آن تاریخ تاکنون به این خدمت جلیل قائمند.



طرح‌های مختلف ستون در معماری یونان



موارد استفاده از نظم کمپوزیت یونان

نشریات انجمن ادب و هنر

- | | |
|------------------------------------|--|
| دورهٔ عندلیب | ۱ - خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (۱) |
| دورهٔ مصباح | ۲ - خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (۲) |
| دورهٔ طاهره | ۳ - خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (۳) |
| دورهٔ قلم‌اعلی | ۴ - خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (۴) |
| دورهٔ ورقا | ۵ - خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (۵) |
| دورهٔ بیان | ۶ - خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (۶) |
| دورهٔ نبیل اعظم | ۷ - خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (۷) |
| دورهٔ حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی | ۸ - خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (۸) |
| دورهٔ سمندر | ۹ - خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (۹) |
| دورهٔ فیضی | ۱۰ - خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (۱۰) |
| دورهٔ ولایت | ۱۱ - خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر (۱۱) |
| به کوشش ابوالقاسم افغان | ۱۲ - چهار رسالهٔ تاریخی در بارهٔ طاهره قره‌العین |
| برگزیدهٔ اشعار فرهمند مقبلین | ۱۳ - نغمه‌های الهام |
| اثر بهاء‌الدین محمد عبدی | ۱۴ - صد شاخه گل |
| مجموعه‌ای از شاهکارهای مشکین قلم | ۱۵ - مشکین قلم هنرمند خط‌نگار قرن نوزدهم |
| مجموعهٔ اشعار دکتر امین‌الله مصباح | ۱۶ - گنجینهٔ امین |
| | ۱۷ - رسالهٔ بازخوانی قطعات مشکین قلم |
| نوشتهٔ ف - بهگرا | ۱۸ - داستان‌هایی از تاریخ بهائی به فارسی آسان |

توضیح و تصحیح

- ۱- در مجلد دهم "خوشه‌ها" صفحهٔ ۲۳۶ عکس بالا نفر دوم از راست جناب ویسنه ساماتیاگو عضو هیئت مشاورین قاره‌ای آسیا می‌باشند.
- ۲- در همین مجلد صفحهٔ ۲۵۲ عکس پائین در باغ و حیاط حظیرهٔ القدس ملی هندوستان (دهلی‌نو) در اکتبر ۱۹۶۷ که در جریان کنفرانس بین‌القارّات گرفته شده و احیای بومی نفوسی تازه تصدیق از اهالی تبت می‌باشند. نفر اول از طرف چپ دکتر فریدون میثاق هستند که مبلغ آنان بوده‌اند.

KHOOSH-1-HÁ'I AZ KHARMAN-1-ADAB VA HONAR (11)
Proceedings of a Seminar on the Ministry of the Guardian
Society for Persian Arts and Letters, Landegg Academy, Switzerland
Published by 'Aşr-i-Jadid, Darmstadt, Germany
First edition
157 B.E. - 2000 A.D.
ISBN 3-906-726-99-1

KHOOSH-I-HÁ'I AZ
KHARMAN-I-ADAB VA HONAR

11

Proceedings of a Seminar
on
the Ministry of the Guardian

Society for Persian Arts and Letters
Landegg Academy
CH-9405 Wienacht/AR, Switzerland



'Aṣr-i-Jadíd Publisher
Darmstadt, Germany

